

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

پاسخ‌های روشنگر

بر بستر امواج

(جلد پنجم)

سید احمد الحسن علیه السلام

گردآوری و تنظیم

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد پنجم)
نویسنده	احمد الحسن <small>رحمته</small>
گردآوری و تنظیم	هیأت علمی انصار امام مهدی <small>علیه</small>
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه</small>
نوبت انتشار	دوم
تاریخ انتشار	۱۳۹۴
کد کتاب	۱۲۴/۲
ویرایش ترجمه	دوم

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه به
تارهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co/ir

www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

پیش‌گفتار..... ۱۱

بخش اول: پاسخ‌های سیداحمدالحسن (علیه‌السلام)..... ۲۱

محور اول: پرسش‌های اعتقادی..... ۲۱

پرسش ۴۰۳: فرق بین کتاب و قرآن..... ۲۱

پرسش ۴۰۴: امام ناشناخته در روایات کیست؟..... ۲۱

پرسش ۴۰۵: انذار دهنده در آیات قرآنی و تفسیر «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...»..... ۲۳

پرسش ۴۰۶: آیا خداوند در هر مکانی هست؟..... ۲۶

پرسش ۴۰۷: درخواست ادعیه و اذکار..... ۲۷

پرسش ۴۰۸: پرسشی در خصوص إسراء و معراج..... ۲۸

پرسش ۴۰۹: آیا در زمان امام مهدی (علیه‌السلام) خلقت امام حسین (علیه‌السلام) تکرار خواهد شد؟..... ۲۹

پرسش ۴۱۰: آیاتی برای دفع سحر و جادو..... ۳۰

پرسش ۴۱۱: درخواست دعا برای شفا از ناینایی..... ۳۲

پرسش ۴۱۲: خداوند به شبیه عیسی در عوض به صلیب کشیده شدنش چه داد؟..... ۳۳

پرسش ۴۱۳: درخواست دعا برای حفاظت از شرّ شیاطین انس و جن..... ۳۳

پرسش ۴۱۴: آیا پس از استقرار یافتن امر یمانی، توبه برداشته می‌شود..... ۳۴

پرسش ۴۱۵: آیا گفتن کلمه‌ی «رمضان» بدون آوردن «ماه» قبل از آن صحیح است؟..... ۳۶

پرسش ۴۱۶: معنی این سخن خداوند متعال: «... فَخَذُوا مِنْهُ مِنَ الطَّيْرِ فَصْرَهُنَّ...»..... ۳۷

پرسش ۴۱۷: پرسشی در زمینه‌ی توحید..... ۳۸

پرسش ۴۱۸: معنی نقطه در سخن امیر المؤمنین (علیه‌السلام): «قرآن در فاتحه است...»..... ۴۰

پرسش ۴۱۹: معنی مغفرت برای بهشتیان در این سخن خدای متعال: «وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ»..... ۴۱

پرسش ۴۲۰: در این سخن خداوند متعال «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»، «رسول» کیست؟..... ۴۳

پرسش ۴۲۱: معنی سخن خداوند: «مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ»..... ۴۴

پرسش ۴۲۲: در خصوص حساب، شناخت خدا و رؤیتش، و کسانی که هلاک نمی‌شوند..... ۴۵

پرسش ۴۲۳: معنی سخن خداوند متعال: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَّنْ يَبْصُرَهُ اللَّهُ...»..... ۵۲

پرسش ۴۲۴: معنی آیه‌ی «... ثُمَّ أَرْجِعُ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ...»..... ۵۳

- پرسش ۴۲۵: چرا خداوند در برخی آیات با صیغه‌ی جمع سخن می‌گوید؟! ۵۵
- پرسش ۴۲۶: پرسشی از «نبی» در این سخن خداوند متعال: «إِذْ قَالُوا لَنَبِيِّ لَهْمُ» ۵۶

محدور دوم: پرسش‌های فقهی ۵۹

- پرسش ۴۲۷: حکم اهدای اسپرم به برادر عقیم. ۵۹
- پرسش ۴۲۸: نظر پدر در ازدواج دخترش. ۵۹
- پرسش ۴۲۹: حکم قمه‌زدن در عزاداری. ۶۰
- پرسش ۴۳۰: ازدواج زن هاشمی با مرد غیر هاشمی. ۶۰
- پرسش ۴۳۱: وضو پیش از قرائت قرآن. ۶۱
- پرسش ۴۳۲: خمس در زمان غیبت کبری. ۶۱
- پرسش ۴۳۳: کیفیت نماز صحیح و گروه‌های گمراه. ۶۲
- پرسش ۴۳۴: معالجه‌ی زن توسط پزشک مرد. ۶۳
- پرسش ۴۳۵: سؤالی در خصوص ازدواج. ۶۴
- پرسش ۴۳۶: سؤال در مورد شفع و وتر. ۶۵
- پرسش ۴۳۷: معامله کردن اقساطی. ۶۶
- پرسش ۴۳۸: کسی که نمی‌تواند در وقت تعیین شده در عرفه توقف کند. ۶۷
- پرسش ۴۳۹: ازدواج با زنان مخالف. ۶۷
- پرسش ۴۴۰: فروختن سی‌دی‌های فیلم خارجی. ۶۹
- پرسش ۴۴۱: محاسبه‌ی خمس مال پس‌انداز شده و به دست آمده. ۷۰
- پرسش ۴۴۲: سؤال از امامت نماز جمعه. ۷۰
- پرسش ۴۴۳: پرسشی در خصوص فرزند شبهه‌ناک. ۷۱
- پرسش ۴۴۴: تصفیه‌ی آب سخت به آب شرب. ۷۴
- پرسش ۴۴۵: حکم و خوردن و آشامیدن شاهدانه. ۷۵
- پرسش ۴۴۶: حکم بستن لوله‌ها. ۷۶
- پرسش ۴۴۷: حکم طهارت و نماز بیمار سکنه‌ای. ۷۶
- پرسش ۴۴۸: بری کردن ذمه از شخصی که فوت شده است. ۷۷
- پرسش ۴۴۹: تراشیدن ریش از روی تقیه. ۷۸

محدور سوم: پرسش‌های متفرقه ۷۹

- پرسش ۴۵۰: حکمت اخفاف در نماز ظهر. ۷۹
- پرسش ۴۵۱: درخواست دعا. ۷۹

- پرسش ۴۵۲: حکم همکاری با ارتش و درخواست دعا. ۸۰
- پرسش ۴۵۳: آیا در سایر سیارات هم کسانی وجود دارند؟ ۸۲
- پرسش ۴۵۴: درخواست دعا. ۸۳
- پرسش ۴۵۵: درخواست دعا برای توفیق. ۸۴
- پرسش ۴۵۶: درخواست دعا. ۸۵
- پرسش ۴۵۷: آیا اسلام دوست داشتن را حرام می‌داند؟ ۸۶
- پرسش ۴۵۸: درخواست حرز یا دعا. ۸۹
- پرسش ۴۵۹: ۸۹
- پرسش ۴۶۰: معنی سخن امیر المؤمنین: «إذا صاح الناقوس...». ۹۱
- پرسش ۴۶۱: درخواست مشورت برای ازدواج. ۹۲
- پرسش ۴۶۲: قسم دادن برای دیدن یمانی از طرف شخصی که او را ندیده است. ۹۳
- پرسش ۴۶۳: وضعیتیم به گونه‌ای است که نمی‌توانم بیعتم را علنی کنم. ۹۴
- پرسش ۴۶۴: کدام یک برای دختر بهتر است: ازدواج یا درس خواندن. ۹۴
- پرسش ۴۶۵: پرسشی فقهی و معنی این سخن خداوند متعال: «اشرح لی صدی...». ۹۶
- پرسش ۴۶۶: چند پرسش از روایات. ۱۰۱
- پرسش ۴۶۷: درخواست دعا برای فرزند بیمار. ۱۰۵
- پرسش ۴۶۸: سؤالی در مورد روح. ۱۰۶
- پرسش ۴۶۹: ادامه دادن در حوزه و درس دادن در آن. ۱۰۶
- پرسش ۴۷۰: درخواست مشورت برای اتمام درس. ۱۰۸
- پرسش ۴۷۱: چند پرسش در خصوص خلقت و هستی. ۱۰۹
- پرسش ۴۷۲: منظور از «عزائم الجان» چیست؟ ۱۱۲
- پرسش ۴۷۳: درمان برخی دردها و رویاهای ناخوشایند. ۱۱۳
- پرسش ۴۷۴: مجموعه‌ای از پرسش‌های اعتقادی. ۱۱۴

محور چهارم: تعبیر رؤیا ۱۱۹

- پرسش ۴۷۵: رؤیای حرم امام حسین (علیه السلام). ۱۱۹
- پرسش ۴۷۶: رؤیای اما مهدی (علیه السلام). ۱۲۰
- پرسش ۴۷۷: رؤیای وارد شدن به یک مسجدی سنی که در آن ولیمه می‌دادند. ۱۲۱
- پرسش ۴۷۸: شنیدن منادی که ندا می‌دهد: «زهر را باری کنید». ۱۲۳
- پرسش ۴۷۹: رؤیای دو درخت که مانند کوه آتشفشان فوران کردند و رویدن زراعت. ۱۲۴

- پرسش ۴۸۰: رؤیای زیارت امام حسین (علیه السلام) ۱۲۶
- پرسش ۴۸۱: رؤیای صدایی که تکرار می‌کرد: «امام احمد الحسن الیمانی». ۱۲۸
- پرسش ۴۸۲: رؤیای ظهور امام مهدی. ۱۳۰
- پرسش ۴۸۳: رؤیای زنی که کودکی به نام عبد الرحمن را حامله است. ۱۳۲
- پرسش ۴۸۴: رؤیای آنفولانزای خوک. ۱۳۳
- پرسش ۴۸۵: رؤیای جوانی به نام احمد که اذان می‌گفت. ۱۳۴
- پرسش ۴۸۶: رؤیای شروع کردن خوانند آیت الکرسی. ۱۳۴
- پرسش ۴۸۷: رؤیای افسر ارتش که تاج و درجه‌ی پنج ستاره داشت. ۱۳۵
- پرسش ۴۸۸: رؤیای زهرا (علیها السلام) ۱۳۶
- پرسش ۴۸۹: رؤیای آنچه پیامبر خدا حضرت موسی (علیه السلام) به قومش گفت. ۱۳۷
- پرسش ۴۹۰: رؤیای فلجی که از برکه خارج شد. ۱۳۹
- پرسش ۴۹۱: رؤیای خسوف ماه و پنهان شدنش. ۱۴۰
- پرسش ۴۹۲: رؤیای سید خمینی در حالی که به حضرت زهرا استغاثه می‌کرد. ۱۴۱
- پرسش ۴۹۳: رؤیای مردن پس از گرفتن مدرک کارشناسی. ۱۴۲
- پرسش ۴۹۴: رؤیای زنی که می‌گوید: سید احمد میان شما است. ۱۴۷
- پرسش ۴۹۵: آیا رؤیای حائض از جانب خدا است یا خواب‌های پریشان؟ ۱۴۸
- پرسش ۴۹۶: رؤیای امام مهدی و وصیش. ۱۴۹
- پرسش ۴۹۷: رؤیای شبیه عیسی (علیه السلام) ۱۵۰
- پرسش ۴۹۸: رؤیای مرد سجده‌کننده و کسی که در کنارش برایش دعا می‌کند. ۱۵۱
- پرسش ۴۹۹: رؤیای آسمان و نورانی شدنش. ۱۵۲
- پرسش ۵۰۰: رؤیای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که به احمد (علیه السلام) شهادت می‌دهد. ۱۵۳
- پرسش ۵۰۱: رؤیای فرمان از جانب خداوند برای ذبح کردن همسر. ۱۵۳
- پرسش ۵۰۲: رؤیای اینکه احمد، وصی است. ۱۵۴
- پرسش ۵۰۳: رؤیای اینکه مهدی، حسین این زمان است. ۱۵۵
- پرسش ۵۰۴: رؤیای حضرت رقیه که چادرش را به زنی هدیه می‌کند. ۱۵۵

بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام مهدی علیه السلام ۱۵۷

- پرسش ۵۰۵: صاحب یاسین کیست؟ ۱۵۷
- پرسش ۵۰۶: رؤیای امام کاظم (علیه السلام) ۱۵۷
- پرسش ۵۰۷: نظر شما درباره‌ی بن لادن و گروه‌های مبارز اسلامی چیست؟ ۱۵۸

- پرسش ۵۰۸: اسم آشکار و پنهان شما چیست؟ ۱۵۹
- پرسش ۵۰۹: چرا امام مهدی، شخصا ظاهر نمی‌شود؟ و آیا انتخابات بر حق است؟ ۱۶۰
- پرسش ۵۱۰: سؤال در مورد متعه (ازدواج موقت). ۱۶۲
- پرسش ۵۱۱: آیا امام متاهل است؟ ۱۶۷
- پرسش ۵۱۲: چگونگی رفتار کردن با کسانی که از یمانۃ بدگویی می‌کنند. ۱۷۳
- پرسش ۵۱۳: حلال بون یا حرام بودن سرکه. ۱۷۶
- پرسش ۵۱۴: به مدعی «...». ۱۷۷
- پرسش ۵۱۵: آیا شما عرب‌ها یا وهابیت را تأیید می‌کنید؟ ۱۷۷
- پرسش ۵۱۶: چرا علی (علیه السلام) به خاطر خلافت پیکار نکرد؟ ۱۷۹
- پرسش ۵۱۷: پرسش‌هایی در خصوص روایات. ۱۸۱
- پرسش ۵۱۸: آیا مهدی عالم‌ترین مردم به علوم فقهی و قرآن است. ۲۲۸
- پرسش ۵۱۹: چیز جدیدی نیآورده است. ۲۳۲
- پرسش ۵۲۰: آیا غضب الهی فقط بر عراق سایه افکنده است؟! ۲۳۵
- پرسش ۵۲۱: چگونه انسان موقفیتش در امتحان نخستین را دریابد؟ ۲۳۶

پیش‌گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا

خداوند متعال می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ وَضَحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا»^۱ (سوگند به خورشید و برآمدن آفتابش * و سوگند به ماه چون از پی آن برآید * و سوگند به روز چون آن را روشن کند). خداوند سبحان با فضل و منتش هر روز پس از روزی دیگر، حجاب گل ماده را از مقابل بصیرت‌های ما کنار می‌زند تا ما بازگردیم و همان گونه که خداوند عزوجل برای ما اراده فرموده است، نظر بیفکنیم، تا نشانه‌های بزرگش را با آنها بر خلقش متجلی گشت تا خودش را به آنها بشناساند، مشاهده کنیم و این تفضلی است از جناب حضرت او سبحان و متعال و انعامی و اكرامی.

از جمله‌ی این نشانه‌های عظیم، وجود حجت خداوند -جل و علا- در میان ما که برای ما روشنگری می‌نماید، می‌باشد؛ همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ»^۲ (ای اهل کتاب، فرستاده‌ی ما نزد شما آمد تا بسیاری از کتاب خدا را که پنهان می‌داشتید برایتان بیان کند و از بسیاری درگذرد. از جانب خدا نوری و کتابی صریح و آشکار بر شما نازل شده است). آری، به خدا سوگند از جانب خدا نور و کتابی روشن برای ما آمده است تا فکر و قلب مردمان را با جایی برساند که رؤیایها و یا آن گونه که در اصطلاح معروف است خواب‌ها را تبدیل به مجالی برای شناسایی حق نماید و خباثت و چرکی باطل را از آن بزدايد و از آن حقیقتی که پیوسته پنهان و پوشیده بوده است، پرده بردارد؛ این حقیقت که نفس انسان، ظرفی برای کلمات خداوند سبحان است و خداوند قدر قدرت، برای همین منظور آن را خلق کرده است.

۱ - شمس: ۱ تا ۳.

۲ - مائده: ۱۵.

این نفس، بر اساس پاکی و اخلاصش معارف را دریافت می‌کند «قَدْ أُفْلِحَ مَنْ زَكَّاهَا»^۱ (هر که در پاکی آن کوشید، رستگار شد) و چه بسا دریافتن کلمات خدای سبحان در ملکوت عالمی که خداوند چشم بر هم زدنی در آن معصیت نشده است- همان دلیل کرم عطا شده و تفضل نخستین او باشد و نیز روشن ساختن این مطلب برای مردمان که آنها همگی چون پیامبران و فرستادگان خدای سبحان بوده‌اند، ولی شوربختانه بهره‌ی خود را ضایع کرده و پروردگارش را به خشم آورده‌اند.

امروز در این دعوت مبارکه ملکوت خدای سبحان اعتبارش را دوباره به دست آورده است؛ اعتباری که مردم با غوطه‌ور شدن در عالم ماده، آن را ضایع نموده بودند؛ به طوری که با کمال تأسف گل ماده تا گوش‌ها و چشم‌ها رسید و آنها را پوشانید و شنیدن حق از حق، این چنین و بدون واسطه از میان رفت و گوش‌ها از شنیدنش محروم گشتند؛ بدون اینکه دری برای فلان و فلان گشوده باشد تا به این ترتیب در ناقل خبر و یا مضمون خبر، شک و تردید وارد کنند؛ خبری که مردان، خودشان نقل نکرده‌اند بلکه به طور مستقیم از سوی خداوند سبحان در ظرفی که خداوند سبحان به عنوان محلی برای دریافتش آماده نموده، نازل گشته است.

جای تعجب و شگفتی نیست که نبرد و کشمکش در این دعوت مبارکه، آوردگاهی برای اثبات رؤیا به عنوان راهی الهی جهت هدایت می‌باشد که جز از روی جهل و تکذیب انکارش نتوان نمود. به ذهن خواننده چنین خطور نکند که این توصیف دعوت به محل جنگ و نزاع، توصیف به خشونت می‌باشد بلکه کاملاً بر عکس، دعوت به حقیقت اسلام راستین است؛ چرا که معنای جنگ در اینجا، جنگ واقعی با منیتِ حجابِ ظلمانی در نفس انسانی است که کار آن ایجاد شک و شبهه در نور خدای سبحان و محبوس کردن نفس در این عالم مادی می‌باشد؛ عالمی که در مقابل وجود، عدمی بیش نیست؛ عالمی که در نهایت، عدمی بیش نیست و بهره‌ای از واقعیت ندارد و اگر حظ و بهره‌ای در وجود داشته باشد، مبتنی بر نور خدای سبحان است. این عالم فقط ساحتی برای امتحان می‌باشد و نه چیز دیگر، و عوالم حقیقی، عوالمی هستند که به نور حق نزدیک شده‌اند.

ملکوت، عالمی است که نسبت به عالم دنیا، به نور حق نزدیک‌تر است؛ عالم

فرمان‌برداری می‌باشد و آنچه بنده در آن می‌بیند، حقی از جانب حق است که در آن گمراه‌سازی یا تحریف و حیل‌گری، راهی ندارد. به همین دلیل است که هدف تیره‌های فقه‌های آخرالزمان و کسانی که به بانگ آنها گوش می‌سپارند، این است که مردم را به آنچه از حق در عالم ملکوت می‌بینند، به شک و تردید افکنند؛ ملکوتی که خدای سبحان به برکت وجود وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (علیه السلام) گشوده است. فقط همین نیست بلکه یمانی (علیه السلام) وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) - روشن نمود که آنچه از ملکوت می‌آید، معرفت عظیم الهی است که به ناگاه به کسی که در ملکوت نظاره می‌کند و چه بسا عمری را در طلبش بوده است با این امید که آن را به دست آورد یا نیاورد، داده می‌شود؛ اما با عروج روحش به عالم ملکوت این معرفت را در بُرش از زمان که از لحظاتی چند تجاوز نمی‌کند، دریافت می‌نماید. به عنوان دلیلی بر این موضوع، گوهری ملکوتی که یکی از برادران انصار که خداوند سبحان توفیقشان دهد، از کلمات الهی در عالم ملکوتی را دریافت کرده و به جهت درک مفهوم آن در قالب پرسشی برای قائم آل محمد (علیهم السلام) و یمانی آنها (علیهم السلام) ارسال کرده است و همچنین تأویلی که قائم آل محمد (علیهم السلام) و یمانی آنها (علیهم السلام) از این کلماتی که این برادر در ملکوت خداوند سبحان دیده است را نقل می‌کنم:

پرسش ۴۸۹:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد، اللهم والهم خير و سلم تسليمًا.

سرور و مولایم! ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سلام و صلوات پروردگارم بر تو و بر پدران پاک و مهدیون از فرزندان باد!

سرور و مولایم! رؤیایی دیده‌ام که از تفسیرش و پند گرفتن از آن عاجز گشته‌ام؛ بنابراین ای سرورم! رو به سوی شما آوردم تا منظور از رؤیایم را دریابم: در رؤیا دیدم من با گروهی از همکلاسی‌ها در بورس تحصیلی یک کشور خارجی بودیم، ولی هنگامی که به آن کشور رسیدیم دیدیم برایمان جذاب نیست و می‌خواهیم از آنجا خارج شویم. برادرانی که به همراه من بودند با هم اختلاف داشتند. یکی در بینشان از بقیه فاضل‌تر بود و هدف و منظور کسی که ما را به این سرزمین ارسال کرده و برای آن وضعیت مناسب بود را شرح داد. دیدم دارم به آنها می‌گویم: حرف‌تان را یکی

کنید و آنچه پیامبر خدا موسی علیه السلام به قومش گفت، همان را بگویید.
گفتار پیامبر خدا موسی به قومش که مناسب وضعیت ما می‌باشد چه بوده است؟
و آیا این سخن ربطی به موضوع امام مهدی علیه السلام دارد؟ و در چنین موقعیت‌هایی چه
توصیه و سفارشی برای من دارید؟

پاسخ داده شده به شرح زیر می‌باشد؛ با این ملاحظه که من این پاسخ الهی را بدون هیچ
دخل و تصرفی آوردم تا در این رؤیا و تأویل آن سبب و وسیله‌ی هدایتی برای خواننده باشد
تا حق و دعوت‌کننده‌اش را بشناسد و برای یاری‌اش تلاش نماید. پاسخ سید احمد
الحسن علیه السلام:

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر للرب العالین، والصبر للعالمین، والصبر للعالمین، والصبر للعالمین، والصبر للعالمین.

خداوند توفیق دهد! بدان که صیحه‌ی ابلیس به دنبال صیحه‌ی جبرئیل علیه السلام
می‌آید و پس از هر صیحه‌ی حقی، صیحه‌ی باطلی می‌باشد. همانطور که شما از
دعوت حق و داعی حق به گوش‌تان می‌رسد، قطعاً باید آزموده شوی و از شیاطین
انس و جن، شبهاتی بشنوی که می‌خواهند با آن در حق مغالطه کنند و با آنها خلق را
از راه مستقیم به بیراهه بکشانند. این رؤیای‌تان، پاسخ مناسب به شیعه‌ی مراجع یا
اعوان و انصار آنها را به شما نشان می‌دهد؛ همان کسانی که تقلید از غیرمعصوم را بر
اساس خواسته‌های خود واجب می‌دانند و برای خودشان گوساله و سامری برگزیدند و
از راه راست گمراه شدند. خداوند برای شما بیان فرموده است که پاسخ مناسب به
آنها هنگامی که شما را به دور شدن از حق فرامی‌خوانند، همان چیزی است که
موسی علیه السلام به شبیهان آنها گفته است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
بَاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ
هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما به آن

سبب که گوساله را پرستیدید، بر خود ستم روا داشتید. اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری نزد آفریدگارتان ستوده‌تر است. پس خدا توبه‌ی شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است).

و حتی این گفته‌ی موسی علیه السلام خطاب به قومش: «يَا قَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَأَتَاكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ»^۱ (و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را پادشاهانی قرار داد و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است). شایسته است آنها را با این گفته نصیحت کنی و به وصیت پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که در آنها ائمه و مهدیین علیهم السلام را منصوب فرموده است متذکر شوی: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا» (که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را پادشاهانی قرار داد). باید شکرگزار این نعمت عظیم الهی بر شما و در شما که همان پیروی از حق و داشتن وصیت پیامبر کریم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، باشید. خداوند به شما چیزهایی عنایت فرموده که به هیچ یک از جهانیان عنایت نکرده است، به ویژه به شما در این امت، چرا که برای شما پیشوایانی قرار داده است که برترین خلقت هستند؛ یعنی محمد و آل محمد، ائمه و مهدیون علیهم السلام: «يَا قَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَأَتَاكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را پادشاهانی قرار داد و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است).

آیا امتی که به محمد صلی الله علیه و آله و سلم سرور خلق منتسب است، کوتاهی عظیم خود را که در حق عنایت و لطف عظیم الهی روا داشته است، جبران می‌کند؟ همان لطف و کرمی که خداوند با ظهور داعی حق، یمانی آل محمد علیهم السلام بر آنها تفضل فرموده است، و اکنون او به آنها همان را می‌گوید که موسی علیه السلام به قوم خود گفت: «يَا قَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَأَتَاكُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را پادشاهانی

قرار داد و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است).
 موسی علیه السلام قائم آل ابراهیم علیهم السلام بود و احمد علیه السلام قائم آل محمد علیهم السلام و جای تعجب دارد که
 مسلمانان صلوات ابراهیمی (که به این نام مصطلح است) را تکرار می‌کنند بدون اینکه در سر
 و رازش تفقهی نمایند!

تا اینکه قائم آل محمد علیه السلام امام احمد الحسن علیه السلام سر و راز آن را در کتاب متشابهات بیان
 داشت و من اینجا برای بهره بردن و ذکر و یادی از کلام خداوند که می‌فرماید: «وَذَكَرْ فَإِنَّ
 الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ (اندرز ده که اندرز، مؤمنان را سودمند افتد)، آن را آورده‌ام.

پرسش ۱۱۷:

ایم صل علیهم و آلهم و سلم و صل علی ابراهیم و آل ابراهیم.

به طور قطع، محمد و آل محمد علیهم السلام برتر از ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام می‌باشند،
 پس چطور آن گونه که برای ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام از خداوند درخواست صلوات
 می‌شود، برای محمد و آل محمد علیهم السلام نیز درخواست می‌گردد؟ آیا نباید صلوات بر
 محمد و آل محمد علیهم السلام برتر از صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام باشد؟!

پاسخ:

صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام به معنی درخواست از خداوند سبحان و متعال
 برای فرج و گشایش محمد و آل محمد علیهم السلام و ظهور قائم آنها می‌باشد و از همین رو
 با صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام مقارن گردیده است؛ چرا که خداوند سبحان و
 متعال در فرج ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام تعجیل فرمود و قائم آنها که همان پیامبر خدا
 حضرت موسی علیه السلام بود را ظاهر ساخت. پس درخواست از خداوند در صلوات بر محمد
 و آل محمد علیهم السلام همانند درخواست صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم علیهم السلام به این معنا
 است که: خدایا، قائم آل محمد علیهم السلام را ظاهر گردان همان گونه که قائم آل ابراهیم علیهم السلام
 را که حضرت موسی علیه السلام بود، ظاهر ساختی. بنی اسرائیل در انتظار حضرت
 موسی علیه السلام بودند همان گونه که مسلمانان در این زمان در انتظار امام مهدی علیه السلام
 می‌باشند.

خدا را حمد و سپاس بسیار که ما را از اهل زمان قائم آل محمد (علیهم‌السلام) قرار داد و با منت و فضلش بر ما، ما را بر شناخت حق و دعوت‌کننده‌ی آن توفیق عطا فرمود؛ که البته شناخت و معرفت ما به اندازه‌ی وسع خود ما است و نه به قدر و اندازه‌ی خداوند سبحان! از مولای عزوجل مسئلت می‌نماییم که ما را بر سخن ثابت، استوار گرداند و ما را در زمره‌ی اهل ولایتش پذیرا باشد که او شنوا و اجابت‌کننده‌ی دعای دعا‌کننده است، آنگاه که او را بخواند. و الحمد لله وحده، وحده، وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی (که خداوند در زمین تمکینش دهد)

استاد زکی انصاری

۶ ماه رمضان الخیر ۱۴۳۲ هـ. ق^۱

مطابق ۶ اگوست ۲۰۱۱ م

پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج
جلد پنجم

که شامل دو بخش است:

بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

که شامل محورهای زیر است:

محور اول: پرسش‌های اعتقادی.

محور دوم: پرسش‌های فقهی.

محور سوم: پرسش‌های متفرقه.

محور چهارم: تعبیر رؤیا.

بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام مهدی علیه السلام

بخش اول:

پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

محور اول:

پرسش‌های اعتقادی

پرسش ۳+۴: فرق بین کتاب و قرآن.

آیا بین قرآن و کتاب تفاوتی وجود دارد؟ اگر هست، این تفاوت چیست؟

فرستنده: محمد الموسوی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الصدر له رب العالمين، و صدر الصدر و آل صدر الائمه و المهريين و سلم تسليمًا.

قرآن و کتاب به طور قطع با یکدیگر متفاوت می‌باشند اما اینکه اختلاف آنها در چیست، به این نیاز دارد که شما مشخص‌نمایی کدام کتاب و کدام قرآن را و در کدام مقام در نظر گرفته‌ای. به طور کلی این امکان هست که همین کتاب موجود و قرآن مراد باشد، که در این صورت نسبت به کسی که آن را نوشته و صادر کرده، کتاب، و نسبت به کسی که آن را دریافت نموده و به دست آورده و قرائت کرده است، قرآن می‌باشد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

صدر الصغیر - زوالقعه ۱۴۲۱ هـ. ق^۱

پرسش ۴+۴: امام ناشناخته در روایات کیست؟

درود و سلام بر تو ای باقی‌مانده‌ی خداوند و بر پدران‌ت و بر اهل بیت طیب و طاهرت. سؤال ذریر از یک خواهر انصاری به نام طاهره از آمریکا دریافت شده است: ترجمه‌ی نامه: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی وقایعی که پس از آن حضرت تا قیام قائم رخ خواهد داد، خبر می‌دادند. حسین علیه السلام پرسید: «ای امیرالمؤمنین! چه وقت حق تعالی زمین را از ظالمان پاک خواهد کرد؟». حضرت فرمود: «خداوند تعالی زمین را از لوث کافران پاک نخواهد کرد تا خون حرام بسیار به زمین ریخته شود». بعد از آن اخبار پادشاهان بنی امیه و بنی عباس را به تفصیل بیان نمود و سپس فرمود: «هرگاه قائمی از خراسان قیام کند و بر زمین کوفه و ملتان غالب شود و بگذرد از جزیره‌ی بنی کاوان^۱ و قائمی از ما در گیلان قیام کند و اهل اویر و دیلم او را اجابت و یاری نمایند، و ظاهر شود از فرزند من پرچم‌های ترکان، و در گوشه و کنار جهان و در مکان‌های شریف پراکنده شوند و کم و بیش مشکلات به اهتزاز درآید. زمانی که بصره خراب شود و پادشاه پادشاهان قیام کند». پس حضرت علیه السلام حکایتی طولانی را ذکر کرد و فرمود: «زمانی که هزاران نفر تجهیز شود و صف‌ها کشیده شود و شخص بزرگ‌تر، کوچک‌تر را بکشد آن گاه شخص دیگری قیام کند و انقلاب نماید، و کافر هلاک شود، سپس قائم منتظر و امام ناشناخته که صاحب فضل و شرف است قیام می‌نماید. او از فرزندان تو است ای حسین، در حالی که هیچ فرزندی مانند او نخواهد بود، در بین دو رکن با دو لباس کهنه قیام کرده، بر جن و انس غلبه می‌کند و انتقام از دو خون را در زمین ترک نخواهد کرد. خوشا به حال کسی که زمان او را درک کند و به او ملحق شود و شاهد دوران آن حضرت باشد».

متن فوق دقیقاً متن روایتی است که در بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۳۵ و نیز در غیبت نعمانی ص ۳۸۵ آمده است.

سؤال: مایلیم سید احمد الحسن علیه السلام مرا به آنچه ممکن است از این خبر بدانم، مطلع گرداند. من در اینکه این امام ناشناس چه کسی است، سرگشته و متحیر شده‌ام. مولایم! مرا در دعایت یاد کن. خداوند ما را زیر پرچم تو گرد آورد؛ آمین یا رب العالمین.

فرستنده: ابوهاشم

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

اصد لاه رب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موقتِ بدارد و از هر شرّی دور گرداند!

برای کسانی که ادعای پیروی از امام مهدی (علیه السلام) محمد بن الحسن (علیه السلام) را دارند، آن حضرت قطعاً مجهول و ناشناس نیست؛ همینطور برای مخالفین آن حضرت. منظور از امام مجهول، مهدی اول از فرزندان آن حضرت است که برای مردم مجهول و ناشناس می‌باشد. مشیّت الهی چنین بوده است که مردم بر حقیقت متونی از تورات، انجیل یا قرآن و یا روایات که بر او دلالت دارند، آگاهی نیابند، تا آنگاه که او ظاهر شود و آن متن‌ها و منظور از آنها را برای مردم تبیین نماید.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر عمل و اخلاص در راه او موقتِ بدارد و گام‌های‌تان را استوار سازد. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

اصد الصبح - زمر القعدة ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۰۵: انذار دهنده در آیات قرآنی و تفسیر «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...».

درو و سلام بر تو ای بقیة الله و بر پدران و اهل بیت طیب و طاهر تو.

تفسیر این آیات چیست:

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^۱ (این است کتابی مبارک که نازل کرده‌ایم، تصدیق کننده‌ی آنچه است که پیش از آن نازل شده است تا با آن مردم ام‌القری و مردم اطرافش را بیم دهی و کسانی که به روز قیامت ایمان دارند، به آن نیز ایمان دارند و مراقب نمازهای خویش می‌باشند).

«إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشَّرَهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ»^۲ (تو فقط کسی را بیم می‌دهی که از قرآن پیروی کند و از خدای رحمان در نهان، بترسد. چنین کس را به آمرزش و پاداشی کریمانه مژده ده).

در این آیات بیم دهنده کیست؟ چرا که ما با آن بر مخالفین احتجاج می‌کنیم.

تفسیر این آیه چیست: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

۱ - انعام: ۹۲.

۲ - یس: ۱۱.

وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا بترسید میان شما و کافران فرقان و جدا کننده‌ای قرار دهد و گناهانتان را بزداید و شما را بیمارزد، که خداوند صاحب فضلی بزرگ است).

و تفسیر این آیه: « قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ »^۲ (گفت: بلکه همین بزرگ‌ترینشان چنین کرده است. اگر سخن می‌گویند، از آنها پرسید!)

تردیدی نداریم که گفتار ابراهیم علیه السلام راست و درست است ولی تأویل «بزرگ‌ترینشان چنین کرده است» چه می‌باشد؟

ما را بر کوتاهی در عمل ببخشای. مرا در دعایت یاد کن، ای مولای من! خداوند ما را زیر پرچم تو گرد آورد؛ آمین یا رب العالمین.

فرستنده: ابو هاشم

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى سَائِرِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلَى سَائِرِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلَى سَائِرِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلَى سَائِرِ الْمُرْسَلِينَ

پاسخ سؤال ۱: بیم دهنده، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و ایشان همچنین حجت خدا و خلیفه‌ی خدا در زمینش در همه‌ی زمان‌ها است. قرآن، زنده‌ای است که نمی‌میرد و در همه‌ی زمان‌ها بیم‌دهنده‌ای وجود دارد.

پاسخ سؤال ۲: سخن خداوند متعال: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ » (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا بترسید میان شما و کافران فرقان و جدا کننده‌ای قرار دهد و گناهانتان را بزداید و شما را بیمارزد، که خداوند صاحب فضلی بزرگ است). تقوای خداوند سبحان و متعال، نتیجه و دست‌آورد خودداری بنده از هر چیزی است که خداوند سبحان و متعال آن را نمی‌پسندد و التزام او به هر آنچه خدای سبحان و متعال دوست می‌دارد، می‌باشد: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ »^۳ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه داشتن بر شما مقرر شد،

۱ - انفال: ۲۹.

۲ - انبیا: ۶۳.

۳ - بقره: ۱۸۳.

همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده‌اند مقرر شده بود، تا پرهیزگار شوید).

و این تقوا باعث می‌شود که آدمی در تمام حرکات و سکون‌هایش، خداوند را در نظر داشته باشد. اینچنین بنده‌ای، ذاکر خدای سبحان و متعال است؛ حال چطور ممکن است که خداوند از او یاد نکند و هر آنچه را که برای نجات و رستگاری نیاز دارد، برای او تبیین ننماید و به او نشناساند؟! از این رو، فرد باتقوا ابزار بازشناسی و تفاوت قایل شدن میان حق و باطل را در اختیار دارد؛ همان نور یا فرقان. انسان باتقوا حق را می‌شناسد و از آن پیروی می‌کند، و باطل را می‌شناسد و از آن دوری می‌گزیند. بنابراین نتیجه‌ی تقوا درجه‌ای از درجات عصمت است که خداوند با آن بر کسی که بهایش را بپردازد منت می‌نهد، و بهای آن عبارت است از مراقب بودن به خداوند و ذکر او در همه حال، و انجام هر آنچه مورد رضای او است و اجتناب از هر آنچه او نمی‌پسندد.

حق تعالی می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»^۱ (این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست، پرهیزگاران را راهنما است).

آری، برای پرهیزگاران راهنما است؛ چرا که پرهیزگاران، ابزار بازشناختن میان حق و باطل را در اختیار دارند و خداوند با آن، این عده را از پشت کردن به حجت خدا و مخالفت با او مصون و معصوم داشته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا بترسید میان شما و کافران فرقان و جدا کننده‌ای قرار دهد). انسان تا زمانی که در این زندگی است، به این فرقان و نور نیاز دارد چرا که او در امتحانی همیشگی به سر می‌برد و حتی اگر او به حجت خدا در زمانش ایمان داشته باشد، چرا که ممکن است آن حجت بمیرد و خداوند او را با حجت بعدی آزمایش کند و اگر او از این نور و فرقان بی‌بهره باشد، چه بسا راه را گم کند.

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»^۲ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و به پیامبرش ایمان بیاورید تا شما را از رحمت خویش دو بار مزد بدهد و شما را نوری عطا کند که در روشنایی آن راه جوید و پیامرزدتان که خدا آمرزنده‌ی مهربان است). همانطور که

۱ - بقره: ۲.

۲ - حدید: ۲۸.

روشن است، ایمان آوردن به فرستاده، چه بسا به تنهایی برای نجات و رستگاری کافی نباشد، به ویژه هنگامی که پیامبر یا حجت وفات می‌کند و وصی او می‌آید و انسان در شناختن او و پیوستن به او شکست می‌خورد؛ از همین رو خداوند سبحان و متعال بیان فرموده است که ابزاری وجود دارد که آدمی را از گمراهی بازمی‌دارد. این ابزار قیمت و بهایی دارد و این بهاء، تقوا است، که در آیات به وضوح بیان شده است. این ابزار همان نور و جداکننده‌ای است که انسان با آن حق را از باطل بازمی‌شناسد.

و این ابزار عبارت است از وحی خداوند سبحان و متعال به تقوا پیشگان و شناساندن حق و باطل به آنها، روشن‌ترین شکل این وحی که تقریباً همه‌ی مردم با آن آشنا هستند، رؤیایی است که مردم می‌بینند. خداوند به وسیله‌ی رؤیا راه حق و راه باطل را به فرد باتقوا معرفی می‌کند، و تنها وظیفه‌ای که بر عهده‌ی او باقی می‌ماند این است که به غیب ایمان آورد و به آن عمل کند. واقعیت آن است که فرد تقوا پیشه چاره‌ای ندارد از اینکه به غیب ایمان آورد و به آن عمل کند؛ چرا که صفت ایمان به غیب ملازم و همراه او است.

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۱ (این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست، پرهیزگاران را راهنما است * آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را به پا می‌دارند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند).

اصد الصبح - زوالقعه ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۰۶: آیا خداوند در هر مکانی هست؟

آیا درست است که بگوییم خدای عزوجل در هر مکانی هست؟

فرستنده: مسلم عامی

پاسخ:

بسم اللّٰه الرّحمن الرّحيم

الاصد لاه رب العالمين، و صلوات اللّٰه علىٰ محمد و آله الصّٰلحين و السّٰلمين و سلم تسليمًا.

این درست است که بگوییم خداوند در هر مکانی هست، ولی نه به این معنی که مکان، خدای سبحان را دربرمی‌گیرد بلکه به این مفهوم که مکان، به خداوند سبحان و متعال موجود

و قائم است و خداوند سبحان کسی است که مکان را خلق و ایجاد نمود و پیوسته موجود بودن مکان را استمرار می‌بخشد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصغر الصنع

زوالقعه ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۷+۴: درخواست ادعیه و اذکار.

درخواستی از سید احمد بن الحسن.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، اللهم صل علی محمد و آل محمد الطیبین الطاهرین الاشراف و عجل فرصم. من به اذن خدا یکی از انصار سید یمانی هستم و به سفارش‌های عرفانی و سلوکی از سید نیازمندم. مایلیم سید که خداوند حفظش کند دعاها یا اوراد و اذکاری را به من توصیه فرماید.

من به مشکل سختی گرفتار شده‌ام و امیدوارم به برکت سید یمانی حل شود.

فرستنده: هانی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین، و صلوات الله علی محمد و آل محمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موقت بدارد! یک سری دعاها و آیات قرآنی هست که خواندن آنها، عمل به آنها و تقرب جستن به خدا به وسیله‌ی آنها را به انصار سفارش کرده‌ام. شما می‌توانی آنها را از ایشان مطالبه نمایی، و آنها انشاء الله در رسانیدنشان به شما کوتاهی نخواهند کرد. بدان که پایه و اساس نزدیک شدن به خدا عمل است. در علم بدون عمل هیچ خیری وجود ندارد. بر شما است که از خودت آغاز کنی و خود را با عمل به آنچه خداوند دستور داده است اصلاح نمایی. در حال حاضر برترین عمل این است که حق را به مردم برسانی تا آنها را از دام‌های ابلیس که لعنت خدا بر او باد، برهانی؛ چرا که اگر خداوند انسانی را به وسیله‌ی شما هدایت فرماید، از اینکه مال دنیا را صدقه دهی برتر و بافضلیت‌تر است. خداوند شما را توفیق دهد و هدایت کند و کارهای‌تان را به آنچه مورد رضایش است آسان فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصغر الصنع - زوالقعه ۱۴۴۰ هـ. ق.

پرسش ۴۰۸: پرسشی در خصوص اِسرائ و معراج.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰی سَلْمٍ وَسَلِّمْ.

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ....

خداوند متعال می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^۱ (منزه است آن خدایی که بنده‌ی خود را شبی، از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را برکت داده‌ایم سیر داد، تا بعضی از آیات خود را به او بنمایانیم، هر آینه او شنوا و بینا است).

۱ - سیر دادن چگونه بوده، آیا فقط روحانی بوده است یا با جسم و روح هر دو؟

۲ - آیا سیر دادن، پیش از معراج بوده است یا پس از آن؟

۳ - منظور از مسجدالحرام و مسجدالاقصی چیست؟

۴ - برکتی که مسجدالاقصی به آن اختصاص یافته است چیست؟ و منظور از این برکت

و آنچه گرداگردش است چه چیزی می‌باشد؟

اینها یک سری سؤالاتی است که یکی از برادران انصار پرسیده بود و سؤال کننده، پاسخی از وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (عج) را خواستار شده است. در ضمن سؤال کننده از احمدیه است. از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم که با خوشنودی خود و خوشنودی ولی‌اش بر ما منت نهد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

فرستنده: حسن الجابری

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَلِیْمِ، وَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰی سَلْمٍ وَسَلِّمْ.

پاسخ سؤال ۱: سیر دادن با روح و بدن هر دو بوده است. معراج با روح و جسم مثالی که

متناسب با هر آسمان است صورت می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید: «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ»^۲ (و به هر صورتی که خواست اعضای تو را به هم انداخت).

۱ - اِسرائ: ۱.

۲ - انفطار: ۸.

پاسخ سؤال ۲: معراج بیش از یک بار صورت گرفت؛ قبل از اسراء و بعد از آن، معراج صورت گرفته است.

پاسخ سؤال ۳: مسجد الحرام همان کعبه است و مسجد الاقصی عبارت است از بیت الرب یا منزل تقرب یا منزلگاه قربانی یا هیکل سلیمان (علیه السلام) و از آن رو هیکل سلیمان نامیده می‌شود که پیامبر خدا حضرت سلیمان (علیه السلام) آن را بنا نمود.

پاسخ سؤال ۴: برکت عبارت است از فیض الهی نازل شده بر اهل زمین. خداوند شما را بر هر خیری موقت بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصد الصبح - زوال الصبح ۱۴۴۰ هـ. ق

پرسش ۴۰۹: آیا در زمان امام مهدی (علیه السلام) خلقت امام حسین (علیه السلام) تکرار خواهد شد؟

بسم اللطیف الرحمن الرحیم

اللهم صل على محمد و آل محمد و سلم تسليمًا كثيرًا.

من پس از آنکه بر خدای سبحان و متعال توکل کردم و به پیروی از حق و نصرت شما ای سرور و مولایم، روی آوردم، هنگام شنیدن قرآن کریم خود را چنان یافتم که گویی این آیات غیر از آن چیزی است که قبلاً می‌شنیدم. مثلاً امروز پس از شنیدن تلاوت قرآن کریم از سوره‌ی یس، خود را چنان یافتم که در این آیات تأمل و اندیشه می‌نمایم:

« وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ »^۱ (در حالی که آفرینش خود را از

یاد برده است، برای ما مثل می‌زند که چه کسی این استخوان‌های پوسیده را زنده می‌کند؟!).

« أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ * إِمَّا أَمْرُهُ

إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ »^۲ (آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است نمی‌تواند همانندشان را بیافریند؟ آری می‌تواند، که او آفریننده‌ی دانا است * چون بخواهد چیزی را بیافریند، فرمانش این است که می‌گوید: موجود شو، پس موجود می‌شود).

با خودم می‌گویم خدای سبحان و متعال در زمان امام مهدی (علیه السلام) که مظلومیت امام حسین (علیه السلام) را تبیین می‌کند، آفرینش آن حضرت را تجدید می‌کند و در عین حال کسانی

۱ - یس: ۷۸.

۲ - یس: ۸۱ و ۸۲.

هستند که می‌گویند چطور ممکن است امام حسین علیه السلام موجود باشد و حال آنکه آن حضرت مرده است؟ آقا و مولایم! پیش از آنکه شما را یاری کنم شنیده بودم که امام مهدی علیه السلام در زمان ظهورش، مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را به نحوی تبیین می‌کند. آیا این گفتار من و پناه می‌برم از کلمه‌ی من - صحیح است؟ یا این کلامی است بر گمراهی؟ آیا ما را روشن می‌فرمایید؟ خداوند شما را یاری فرماید!

فرستنده: ام مصطفی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين.

تدبّر در قرآن، تفکّر در آیات الهی، پناه آوردن به خداوند و اولیای او برای فهم قرآن و ملکوت آسمان‌ها و غیب، مواردی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بر آنها تأکید داشته‌اند. بر شما باد تدبیر و تفکر و پناه آوردن به خداوند و اولیایش برای فهم و درک حقایق. البته این به آن معنا نیست که همه‌ی آنچه درک کرده‌اید، حق است؛ چرا که نفس و هوا و هوس و دنیا و شیطان ممکن است در فهم حقیقت شما را به خطا و لغزش دچار سازند. شناخت، نیازمند اخلاص و ورزی برای خداوند سبحان است، تا انسان را از اینکه باطل بر او وارد شود، محافظت نماید.

در خصوص گفتار خداوند متعال: «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»^۱ (ایا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است نمی‌تواند همانندشان را بیافریند؟ آری می‌تواند، که او آفریننده‌ی دانا است). این آیه نیز بر امام حسین علیه السلام منطبق است، ولی شما در این سخن خدا که فرموده است «يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ» (همانندشان را بیافریند) تدبّر نما؛ یعنی همانند حسین علیه السلام و نه خود آن حضرت. خداوند شما را بر هر خیری موفّق بدارد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصغیر - زر الصغیر ۱۴۴۰ هـ - ق

پرسش ۴۱۰: آیاتی برای دفع سحر و جادو.

سلام علیکم

برادرم! الصبر الصغیر:

خواهش می‌کنم مرا کمک کنید. برخی از بستگانم به من حسادت می‌ورزند. برادرانم در خانه، فامیل‌هایم از خانواده‌ی مادرم و از خانواده‌ی پدرم، حتی پدرم برای ما آرزوی خیر نمی‌کند، بلکه ما را مانند اثاثیه‌هایی می‌بینند و نمی‌گذارد از خانه بیرون برویم. هر کس را هم که به خواستگاری ما می‌آید رد می‌کند.

درخواست ما در خصوص آیاتی است که هر روز بخوانم یا هر چیز بیشتری که بفرمایی؛ خداوند شما را عافیت عطا فرماید. آیا امکان دارد چیزی برای مقابله با حسد به من بدهید؟ زیرا از وقتی زن پدرم با پدرم کاری کرده (سحر و جادو) است، باعث شده است که پدرم ما را اذیت کند و آن زن، رفتار پدرم را مطابق میل خودش تنظیم می‌کند و از حال ما هیچ سؤالی نمی‌کند. برادرم! به حق زهرا از تو درخواست می‌کنم که به من پاسخ دهی و نگذاری بیش از این منتظر بمانم. به حق حضرت محمد ﷺ و امام علی (علیه السلام) و به حق حسن (علیه السلام) و به حق حسین (علیه السلام) غریب کربلا از شما می‌خواهم مرا یاری کنی. خداوند شما را عافیت دهد و از حسناش روزی‌تان گرداند.

فرستنده: ن هـ

پاسخ:

بسم اللّٰه الصّٰمخ الرّٰصم

والصبر لله رب العالمین، و صبر اللعسر صبر و کل صبر الائم و الصبرین .

برای رهایی از حسد و سحر، مقداری زعفران بردار و در کمی آب قرار بده به نحوی که رنگ مایع نزدیک به سرخ شود. بر این آب سوره‌ی فاتحه، توحید، فلق، ناس و کافرون را بخوان، و با زعفران با یک شاخه‌ی تمیز درخت بر روی برگه‌ای سفید، آیت الکرسی، کهیصص، حمسوق، ن و القلم و مایسپرون، یس، حم، الم، الر، سوره‌ی فلق و سوره‌ی ناس را بنویس. پس از آن، این برگه را بگیر و در مقدار کمی آب (۳ لیتر آب) قرار بده و با آن آب غسل کن. مقدار آبی که از غسل باقی می‌ماند را جمع کن و در یک جای پاک بریز. ان شاء الله برکت آیات خداوندی، باعث از بین رفتن سحر از انجام دهنده‌ی این عمل شود؛ و پس از این، عبارت «سُبْحَانَهُ هُوَ اللهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» را طرف کمتر از سه روز، ده هزار بار بخوان. همچنین برای دفع حسد، مرتب به خواندن آیت الکرسی و سوره‌ی فلق به ویژه به هنگام

صبح و غروب مشغول باش تا خداوند شما را بر معرفت حق و حرکت در مسیر آن توفیق عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصغر الصغری - زر الصبح ۱۴۴۰ هـ. ق

پرسش ۴۱۱: درخواست دعا برای شفا از نابینایی.

بسم اللہ الرحمن الرحیم، اللهم صل علی محمد و آل محمد الاثم و المہرین.

و بعد... خدمت آقا و مولایم امام احمد الحسن (علیه السلام)

سرورم! اگر ممکن است خواهشی دارم؛ من برادری کوچک‌تر از خودم دارم که از خردسالی دچار نابینایی یا کم بینایی بوده است. اکنون خداوند بر او منت گذاشته و او پس از ماه مبارک رمضان به دعوت مبارک شما ایمان آورده است. من از سرورم احمد الحسن (علیه السلام) درخواست دارم که اگر ممکن باشد برای شفا یافتن او دعا کند یا نسخه‌ای برای شفایش بدهد. شما و پدرانت اهل کرم و جود هستید، پس بر این مسکین با شفا دادنش منت نهید. شما را به حق مادرت زهرا قسم می‌دهم که ما را بر ثابت ماندن و مردن بر این دعوت مبارک دعا فرمایید. والسلام علیکم ورحمة اللہ و برکاتہ.

فرستنده: ابن المطهر - اتریش

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، و صل علی محمد و آل محمد الاثم و المہرین.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که با شفا بر او منت نهد. او پس از نماز صبح به مدت چهل روز، در حالی که نوک انگشتانش را بر روی چشمانش قرار داده است، آیت الکرسی علی التنزیل را هفت بار بخواند. همچنین بر یک کاسه آب، سوره‌ی فاتحه، توحید، قدر، فلق و ناس را هفتاد بار بخواند و هفت روز چشمانش را با این آب بشوید، و نگذارد که اضافی آب به جای ناپاک برود. خداوند شما را توفیق دهد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصغر الصغری - زر الصبح ۱۴۴۰ هـ. ق

پرسش ۴۱۲: خداوند به شبیهه عیسی در عوض به صلیب کشیده شدنش چه داد؟

بسم اللّٰه صمّٰح الرّصم

اللّٰهم صل علّٰی صدرّ و آل صدر اللّٰئم و المهرمّین و سلم تسلیمًا.

سلام و درود بر یمانّی آل محمد و رحمة الله و برکاته.

سرورم! خداوند در عوض شهید شدن حسین (علیه السلام) سه چیز معروف به او داده است. خدای

سبحان به ازای به صلیب کشیده شدن شبیهه عیسی مسیح (علیه السلام) چه چیزی به او عطا فرمود؟

فرستنده: عارف - عراق

پاسخ:

بسم اللّٰه صمّٰح الرّصم

والصّمد لله ربّ العالمین، و صلّی اللّٰه علّٰی صدرّ و آل صدر اللّٰئم و المهرمّین.

خداوند می‌بخشد و عطا می‌کند و عطای او همیشه پیشاپیش است و کسی را بر او منت

نیست و نه حتی عملی که حقیقتی برای آن متصور شود؛ بلکه خداوند به فضل خودش است

که با ما اینچنین معامله می‌کند. ما با حول و قوه و توفیق و تسدید و عصمت او عمل

می‌کنیم و با این حال، او برای ما پاداش مقرر می‌فرماید و ما را در زمره‌ی محسنین به شمار

می‌آورد، و این از فضل خداوند سبحان است؛ اما اگر عادلانه بنگریم، به خدا سوگند که ما در

این کارها هیچ نقشی نداریم، به جز اختیار. کسی که خدا را اختیار کند نجات یافته است؛

بنابراین به دار آویخته شدن، خود فضلی از جانب خداوند و نعمتی بزرگ می‌باشد.

کسی که خدا را بشناسد، می‌داند اینکه خداوند او را به عمل کردن مکلف نموده، فضلی از

جانب خداوند است، و این امری عظیم و نعمتی عظیم است که به شکر می‌نیاز دارد که او از

ادایش عاجز می‌باشد. اما خداوند بر مصلوب چه تفضّل داشته است؟ خداوند قبل و بعد از آن

نعمت‌های بزرگی بر او تفضّل فرموده است که برترین آنها این بوده که این کار مخلصانه

برای خدا بود و عملی خالص از برای خدا؛ یعنی به صلیب کشیده شدن در راه خدا.

والسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

صدر الصمّاح - زمهره ۱۴۳۰ هـ. ق

پرسش ۴۱۳: درخواست دعا برای حفاظت از شرّ شیاطین انس و جن.

بسم اللّٰه صمّٰح الرّصم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و الصالحين و سلم تسليماً.

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و معدن و جایگاه رسالت، سلام بر تو ای بقیة الله در زمی‌نش، سلام بر تو و بر وصی تو احمد الحسن (علیه السلام).

سرور و مولایم! یمانی آل محمد (علیهم السلام) از شما خواهش می‌کنم به من و به انصار دعایی برای محفوظ ماندن از شر شیاطین انس و جن یاد بدهی؛ چرا که به ویژه در این دوران تعداد آنها زیاد شده است. از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که پسران را به دیدار پدرشان امام مهدی و وصی او (علیهم السلام) که خداوند در زمین تمکین‌شان دهد، توفیق عطا و این کار را برای آنها آسان فرماید.

اللهم صل على فاطمة و ابيها و بعليها و بنيتها و اسر المستوح فيها.

فرستنده: ابوعلی - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والله لله رب العالمين، و صل على محمد و آل محمد الأئمة و الصالحين.

برای در امان ماندن از شیاطین انس و جن، پس از نماز صبح ده بار بگو «أشهد أن لا اله الا الله، وحده ولا شريك له، إلهاً واحداً حقاً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبةً و لا ولداً» (شهادت می‌دهم که الهی جز الله نیست، تنها است و بی‌شریک، الهی واحد احد تنهای بی‌نیاز که همسر و فرزندی برنگرفته است).

و نیز این دعا را بخوان: «یا عزیز العزّ فی عزّه، یا عزیز یا عزیز یا عزیز، اعزنا بعزک و ایدنا بنصرک و ابعد عنا همزات الشیاطین، و اذفع عنا بدفعک، و امنع عنا مهنک، و اجعلنا من خیار خلقک، یا واحد یا احد یا فرد یا صمد» (ای عزیزی که با عزت خودش عزیز است، ای عزیز، ای عزیز، ای عزیز، با عزت ما را عزتمند فرما و با نصرت یاری، و وسوسه‌های شیاطین را از ما دور نما، و با دفعی از جانب خود از ما دفع کن و با منع خود از ما منع نما و ما را از برگزیدگان خلقت قرار ده، ای واحد، ای احد، ای یگانه، ای بی‌نیاز).

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - زر الصبح ۱۴۴۰ هـ. ق

پرسش ۴۱۴: آیا پس از استقرار یافتن امر یمانی، توبه برداشته می‌شود.

سلام عليكم ورحمة الله

به نام صمد و آکل صمد، اللهم صل على صمد و آكل صمد و عجل فرجهم و ابعث اعداهم و منكر رفساندهم و المستكفيخ فرنا قبهم.

آیا پس از استقرار و پابرجا شدن امر سید یمانی و قبل از آنکه ایشان پرچم را به حضرت حجت (علیه السلام) تسلیم کند، توبه برداشته می‌شود؟ یا اینکه باب توبه هنگام ظهور پرچم یمانی بسته می‌شود و توبه‌ی کسی که بخواهد توبه کند، پذیرفته نخواهد شد؟
فرستنده: احمد الخاقانی - نروژ

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، و صل على الصمد صمد و آكل صمد اللهم والهم ريح .

توبه در همه حال پذیرفته است مگر هنگام نزول معجزه‌ی قاهر الهی که هیچ مجال یا عرصه‌ای برای غیب باقی نمی‌گذارد تا ایمان انسان توسط خداوند پذیرفته شود؛ در آن هنگام، توبه برداشته می‌شود و ایمان و توبه‌ی آدمی پذیرفته نمی‌گردد چرا که چنین ایمان آوردنی، صد در صد مادی خواهد بود. وضعیت هنگام نازل شدن عذاب خداوند سبحان و متعال بر کسانی که پیامبران را دروغ می‌شمردند نیز همین گونه است. زمانی وجود ندارد که در آن، توبه از جمیع خلائق برداشته شود مگر هنگامی که آیات و معجزات قاهر نازل شود و همه را دربرگیرد و عرصه‌ی ایمان به غیب از همه‌شان برداشته شود. اما هنگام نزول آیات قاهر بر گروهی خاص، توبه فقط از همان عده برداشته می‌شود. در مورد آیات عمومی نیز همین گونه است؛ ممکن است برای یک گروه، قاهر باشد و برای گروهی دیگر به دلیل معلومات و شناختی که از پیش، خداوند به آنها رسانیده است و حجت بر آنان می‌باشد، قاهر محسوب نگردد. بنابراین، میزان پذیرفته شدن یا نشدن توبه، باقی ماندن میدانی برای ایمان به غیب می‌باشد؛ توبه باید مبتنی بر غیب باشد و نه صرفاً براساس معجزه‌ی مادی قاهر که هیچ عرصه‌ای را برای غیب باقی نگذارد.

خداوند متعال می‌فرماید: « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ

عَزِيزٌ» (ما فرستادگانمان را با دليل‌های روشن فرستاديم و با آنها كتاب و ترازو را نيز نازل كرديم تا مردم عدالت را به پا دارند و آهن را كه در آن نيروي سخت و منافعى براى مردم است فرو فرستاديم، تا خدا بداند چه كسى به نادیده، او و پيامبرانش را يارى مى‌كند؛ كه خدا توانا و بيروزمند است).

همچنين مى‌توانى تفصيل بيشتري در اين خصوص را در كتاب روشن‌گرى‌ها جلد سوم و همچنين كتاب تفسير آيه‌اى از سوره‌ى يونس مطالعه نمايى. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

صدر الصبح - زوال صبح ۱۴۴۰ هـ. ق

پرسش ۴۱۵: آیا گفتن کلمه‌ی «رمضان» بدون آوردن «ماه» قبل از آن صحیح است؟

بسم اللّٰه الصّٰح الرّٰعیم، اللّٰهم صلّ علیّ محمد و آله و سلم.

برای برادران عزیزى که با سید احمد الحسن کار می‌کنند، تمام خیر را آرزومندم. داشتم کتاب پاسخ‌های روشن‌گر جلد سوم را می‌خواندم و جمله‌ی «روزه‌دار باید در هر روز از روزهای رمضان روزه‌اش را تمام کند...» را در آن ملاحظه کردم.

و در سخن سید احمد الحسن اینطور به نظرم رسید که رمضان را بدون افزودن عبارت ماه آورده است؛ زیرا من در روایاتی از اهل بیت (علیهم‌السلام) یافته‌ام که رمضان، اسمی از اسامی خداوند است و بر ما حرام است که بگوییم رمضان آمد و رمضان رفت. از شما درخواست توضیح دارم. خداوند به حق محمد و آل محمد، ما و شما را توفیق عطا فرماید.

فرستنده: AbuMuhaame - فلسطین

پاسخ:

بسم اللّٰه الصّٰح الرّٰعیم

والصّٰلوة لربّ العالمین، و صلّی اللّٰه علیّ محمد و آله و سلم و اللّٰهم صلّ علیّ محمد و آله و سلم.

خداوند شما را بر هر خیرى موقّق بدارد، روزهای رمضان به عینه همان ماه رمضان است؛ بنابراین، در این سخن که شما بگویى ماه رمضان یا روزهای رمضان هیچ تفاوتی وجود ندارد. ما می‌گوییم ایام الله ولی نمی‌گوییم خدا آمد و خدا رفت، زیرا رفتن و آمدن صفات مخلوق

است. در تفاوت (این دو با هم) تدبّر کن. خداوند شما را بر هر خیری در آخرت و دنیا موفّق بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصد الصبح - زوالصبح ۱۴۴۰ هـ. ق

پرسش ۴۱۶: معنی این سخن خداوند متعال: «... فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ...».

«فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ» (چهار پرنده برگیر و گوشت آنها را به هم بیامیز).

همه اتفاق نظر دارند که کلمه «فَصُرْهُنَّ» (آنها را به هم بیامیز) یعنی آنها را قطعه قطعه کن ولی یکی از مفسرین بر این اعتقاد است که عبارت مزبور به معنای «فصیرهن البک» است به این معنا که به آنها نکویی کن و آنها را خوراک بده و سیراب نما تا با تو انس گیرند، و در اینجا منظور از زنده ساختن مردگان، زنده ساختن دل‌ها است زیرا تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی برمی‌گردانند برسانی^۱ و این، از باب مثلی است که می‌گوید اگر زنده ای را صدا می‌زدی می‌شنید، ولی کسی را که صدا می‌زنی زنده نیست، نه از باب زنده کردن اجساد که مرده است زیرا بدن‌های مرده، فقط در روز قیامت یا رجعت برانگیخته می‌شوند ولی همانطور که می‌دانیم بسیاری از دل‌ها در واقع مرده هستند. حال سؤال این است که معنای درست چه می‌باشد؟

فرستنده: ابوذر شوقی - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، و صمد لا یلد و لا یولد و لا یتبدل له یموت و لا یمریح.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَئِكَ ثُمُنٌ قَالَ بَلَىٰ وَكَانَ لَبِظَةً لِّقَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲ (و آنگاه که ابراهیم گفت: ای پروردگار من، به من بنمای که مردگان را چگونه زنده می‌سازی. گفت: آیا ایمان نداری؟ گفت: بلی، ولیکن می‌خواهم دلم آرام گیرد. گفت: چهار پرنده برگیر و گوشت آنها را به هم بیامیز، و هر جزئی از آنها را بر کوهی بنه؛ پس آنها را

۱ - اشاره به نمل: ۸۰ «إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلُوا مَدْبِرِينَ» (تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی برمی‌گردانند برسانی) (مترجم).

۲ - بقره: ۲۶۰.

فراخوان، شتابان نزد تو می‌آیند، و بدان که خداوند پیروزمند و حکیم است). تعداد پرندگان چهار تا بود و کوه‌ها نیز ده کوه بودند. خداوند شما را بر هر خیری موقت بدارد. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

صدر الصبح - اول صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۱۷: پرسشی در زمینه‌ی توحید.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر تو ای وصی و فرستاده، امام احمد الحسن یمانی، و رحمت خداو بركاتش. سرورم! روایت شده است از ابراهیم از پدرش از نصر بن سوید از هشام بن حکم که از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی نام‌های خدا و اشتقاق آنها پرسید، که الله از چه مشتق شده است؟ حضرت (علیه السلام) فرمود: «ای هشام! الله از «اله» مشتق است و اله، مألوهی (پرستش شونده) لازم دارد و نام، غیر صاحب نام می‌باشد. پس کسی که نام را بدون صاحب نام بپرستد، به طور قطع کافر است و چیزی را نپرستیده است و کسی که نام و صاحب نام را بپرستد شرک ورزیده و دو چیز را پرستیده است و هر که صاحب نام (معنی) و نه نام را بپرستد، این یگانه پرستی است. ای هشام! فهمیدی؟ عرض کردم: بیشتر بفرمایید. فرمود: همانا خداوند نود و نه نام دارد. اگر هر نامی، همان صاحب نام باشد، باید هر کدام از نام‌ها، خدایی جداگانه باشد؛ ولی خداوند معنایی است که این نام‌ها بر او دلالت می‌کنند و همه‌ی نام‌ها غیر خود او می‌باشند. ای هشام! نان، نامی برای چیزی است که خورده می‌شود و آب نامی برای چیزی است که نوشیده می‌شود و لباس نامی برای چیزی است که پوشیده می‌شود و آتش، نامی برای چیزی است که می‌سوزاند. ای هشام! آیا طوری فهمیدی که بتوانی دفاع کنی و در مبارزه با دشمنان ما و کسانی که همراه خدای بزرگ و والا چیز دیگری می‌پرستند (و برای او شریک می‌گیرند) پیروز شوی؟ عرض کردم: آری. فرمود: ای هشام! خداوند به خاطر آن، تو را سود دهد و پایداریت بدارد». هشام گوید: به خدا سوگند! از زمانی که از آن مجلس برخاستم تا امروز کسی در بحث‌های توحید بر من چیره نشده است!

و امام رضا (علیه السلام) اینگونه می‌فرماید که او خودش بود و خودش، قدرتش نافذ بود، پس، از اینکه خودش را نام ببرد بی‌نیاز بود، ولی برای خود نام‌هایی برگزید تا دیگران او را به آن نام‌ها بخوانند؛ زیرا اگر او به نام خود خوانده نمی‌شد شناخته نمی‌گشت. از ابوالحسن رضا (علیه السلام)

روایت شده است که فرمود:

«او، خودش بود و خودش، او بود، قدرتش نفوذ داشت پس بی‌نیاز بود از این که ذات خود را نام ببرد ولی برای خود نام‌هایی برگزید تا دیگران او را به آن نام‌ها بخوانند؛ زیرا اگر او به نامش خوانده نمی‌شد شناخته نمی‌شد، و نخستین نامی که برای خود برگزید: «علی عظیم» بود زیرا او برتر از همه چیز است؛ معنای آن «الله» است و اسمش «علی عظیم» که اولین نام‌های او است که او برتر از همه چیز است»^۱.

سرورم! خاضعانه از شما درخواست می‌کنم که توحیدی را که جدت امام همام جعفر بن محمد صادق (علیه السلام) در این حدیث شریف به آن اشاره فرموده است، به من بشناسانی. این سؤال اول.

و سؤال دوم: از او الحسن امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

«او، خودش بود و خودش، او بود، قدرتش نفوذ داشت پس بی‌نیاز بود از این که ذات خود را نام ببرد ولی برای خود نام‌هایی برگزید تا دیگران او را به آن نام‌ها بخوانند؛ زیرا اگر او به نامش خوانده نمی‌شد شناخته نمی‌شد، و نخستین نامی که برای خود برگزید: «علی عظیم» بود زیرا او برتر از همه چیز است؛ معنای آن «الله» است و اسمش «علی عظیم» که اولین نام‌های او است که او برتر از همه چیز است».

از مولای بزرگوار -یمانی- تقاضا دارم این حدیث را به گونه‌ای تبیین فرماید که این اسم شریف را با شناختی حقیقی به من بشناساند.

و سؤال سوم: سرورم یمانی! معاد، جسمانی است یا روحانی؟

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: عارف - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، وهدى للعالمین، وکل مصدر لائم والمصدرین و سلم تسلیم.

پاسخ پرسش‌هایی که درباره‌ی توحید است، در کتاب تفسیر سوره‌ی توحید خواهد آمد و به فضل خدا ان شاء الله به زودی منتشر خواهد شد. از خداوند مسئلت می‌نمایم که با شفا و

عاقبت بر شما منت نهد. او یاور من است و دوست شایستگان، و جمیع احوال شما را نکو گرداند.

بدان که دنیا سرای بلا و امتحان است و ایامی است که تقریباً چیزی از آنچه از زندگی ما در آن گذشته است را به یاد نداریم، حتی اگر کسی از شما بخواهد که درباره‌ی سال‌های گذشته زندگی‌ات سخن بگویی، نمی‌توانی بیش از یک یا چند ساعت صحبت کنی و شایسته است انسان به آن زندگی‌ای که در یک یا چند ساعت خلاصه می‌شود، اهتمام و التفات نداشته باشد: «قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ * قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِيْنَ * قَالَ إِنَّ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (گوید: به شمار سال‌ها، چه مدت در زمین زیسته‌اید؟ * گویند: یک روز یا قسمتی از یک روز. از آنها که می‌شمرند بپرس. * گوید: اگر آگاهی داشتید، می‌دانستید که جز اندکی نزیسته‌اید! * آیا پندارید که شما را بیپهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوید؟).

خداوند شما را توفیق دهد! آیت الکرسی را با زعفران بر روی کاغذی بنویس و با خود همراه داشته باش. همچنین سوره‌ی یس و سوره‌ی واقعه را با زعفران بر روی کاغذی بنویس و کاغذ را در آب قرار بده تا نوشته حل شود. با آب آن غسل کن و نگذار اضافی آب به جای نجسی برود؛ بلکه آب را جمع کن و در یک مکان پاکیزه بریز. از خداوند تمام عاقبت را مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

صد روز صبح - اولاد صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۱۸: معنی نقطه در سخن امیر المؤمنین (علیه السلام) «قرآن در فاتحه است...».

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و صلوات اللعنه و صلوات اللعنه و اللعنه و سلم تسلیماً.

سرورم! یمانی آل محمد! سلام بر تو و سلام بر برادرانم انصار خدا، و رحمة الله و برکاته.

اما بعد... از امیر المؤمنین (علیه السلام) در تفسیر قرآن کریم آمده است که ایشان فرمود: «قرآن در

سوره‌ی فاتحه است و فاتحه در بسمله و بسمله در باء و باء در نقطه».

از آنجا که در دوران زمامداری امویان، حروف نقطه‌گذاری شده‌اند، مردمی که امیرالمؤمنین این مطلب را برای آنها شرح داده است، چگونه معنا و مفهوم نقطه را درک می‌کرده‌اند؟!

فرستنده: الشمری - امارات

پاسخ:

بسم اللّٰه صمخ الرصم

والصمد لله رب العالمین، و صمد اللعصر صمد و کل مصر اللائم و المصریع و سلم تسلیمًا.

خداون توفیقت دهد! نقطه، همان اصل و اساسی است که حروف از آن شکل می‌گیرد و نقطه فقط همان چیزی نیست که بالا و پایین حروف قرار داده می‌شود. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

الصمد الصمخ - (الواضحه صفر ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۱۹: معنی مغفرت برای بهشتیان در این سخن خدای متعال: «وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ».

بسم اللّٰه صمخ الرصم

اللهم صل على صمد و آله اللائم و المصریع و سلم تسلیمًا.

«بسم الله الرحمن الرحيم، مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»^۱ (به نام خداوند بخشاینده‌ی مهربان، وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن، نهرهایی است از آب‌هایی تغییرناپذیر و نهرهایی از شیری که طعمش دگرگون نمی‌شود و نهرهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می‌برند و نهرهایی از عسل مصفّی و در آنجا هر گونه میوه که بخواهند هست و نیز آموزشی از جانب پروردگارشان. آیا بهشتیان همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه‌اند و آنان را از آبی جوشان می‌آشامانند، چنان که روده‌هایشان تکه تکه شود؟).

این آیه‌ی قرآن درباره‌ی بهشت و وعده‌ای که خداوند به پرهیزگاران داده است «وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ» (و آموزشی از جانب پروردگارشان) سخن می‌گوید. منظور از این آموزش چیست، حال آن که آنها اصولاً داخل بهشت هستند و از آن جهت که پرهیزگار می‌باشند و در بهشت

وارد شده‌اند مورد خطاب قرار گرفته‌اند. آیا این آموزش قبل از ورود آنها به بهشت است یا پس از آن؟ سرورم! این سؤال من بود و از شما التماس دعا داریم.
فرستنده: ابن‌الطف - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصّٰدِقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ وَصِدْقِیْنَ

خداوند متعال می‌فرماید: « مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ » (وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده این است که در آن، نه‌رهایی است از آب‌هایی تغییرناپذیر و نه‌رهایی از شیری که طعمش دگرگون نمی‌شود و نه‌رهایی از شراب که آشامندگان از آن لذت می‌برند و نه‌رهایی از عسل مصفی و در آنجا هر گونه میوه که بخواهند هست و نیز آموزشی از جانب پروردگارشان. آیا بهشتیان همانند کسانی هستند که در آتش جاودانه‌اند و آنان را از آبی جوشان می‌آشامانند، چنان که روده‌هایشان تکه تکه شود؟). پرهیزگاران، محمد و آل محمد و شیعیان آنها هستند، و اینها اهل بهشت و آموزش می‌باشند.

آموزش، مراتبی دارد و هر کس از آنها به فراخور حالش از آن بهره‌مند می‌شود. آموزش برخی از آنها به این صورت است که خداوند گناهان و بدی‌هایشان را می‌پوشاند و حتی آنها را از یاد ملائکه‌ی نویسنده می‌برد، و از یاد هر کس که بداند یا هر یک از بندگان خداوند که گناهان آنها بر ایشان گذشته باشد؛ بلکه حتی گناهانشان را از یاد خودشان هم می‌برد؛ پس گناهان و بدی‌هایشان باعث نمی‌شود نعمت‌های بهشتی که خداوند بر ایشان انعام فرموده است، بر آنها تغییر کند و مکدر شود.

مقام برخی دیگر بالاتر است؛ آموزش آنها عبارت است از فتح مبین و مغفرت گناهی که برای حضرت محمد ﷺ بخشوده شد؛ یعنی مغفرت گناه وجود داشتن «من» ولی با درجه‌ای پایین‌تر از حضرت محمد ﷺ. این موضوع را در جاهای متعددی بیان نموده‌ام و شما می‌توانی به کتاب متشابهات مراجعه کنی؛ خداوند توفیقت دهد.

خداوند خطاب به حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»^۱ (ما برای تو پیروزی نمایانی را مقدر کرده‌ایم * تا خدا گناه تو را آنچه پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد برایت ببامزد و نعمت خود را بر تو تمام کند و تو را به صراط مستقیم راه نماید).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۲۰: در این سخن خداوند متعال «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»، «رسول» کیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر شما ای آل محمد و رحمة الله و برکاته، سلام بر یمانی آل محمد ﷺ و بر ذریه‌ی طیب و طاهر او و رحمة الله و برکاته، سلام بر انصار تو و رحمة الله و برکاته.

آقای من! در قرآن کریم این آیات مبارک آمده است: «وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ * أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّيْكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»^۲ (پیش از آنها قوم فرعون را آزمودیم و فرستاده‌ای بزرگوار نزدشان آمد * که بندگان خدا را به من تسلیم کنید که من فرستاده‌ای امینم).

این فرستاده، چه کسی بوده و حدود عصمت او چه بوده که گفته است: «أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّيْكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (که بندگان خدا را به من تسلیم کنید که من فرستاده‌ای امینم) و امانتی که به خودش نسبت داده، چه بوده است؟ و آیا قبل از شما فرستاده‌ای از سوی امام علی (علیه السلام) وجود داشته است و حدود رسالت او چیست؟ آیا او برای گروه خاصی بوده است یا برای همه‌ی مردم؟ و الحمد لله وحده.

فرستنده: شیخ ایاد - ایران

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ * أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ

۱ - فتح: ۱ و ۲.

۲ - دخان: ۱۷ و ۱۸.

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ * وَإِنِّي عَدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُون * وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَرِلُون * فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَوْلَاءَ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ * فَاسْرِ بِعِبَادِي لِيَلَّا يَكُنْ مَتَّبِعُونَ * وَأَنْتَكَ الْبَحْرَ رَهَوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُعْرَفُونَ»^۱ (پیش از آنها قوم فرعون را آزمودیم و فرستاده‌ای بزرگوار نزدشان آمد * که بندگان خدا را به من تسلیم کنید که من فرستاده‌ای امینم * و نیز بر خدا برتری مجوید، که من حتی روشن برای شما آورده‌ام * و اگر بخواهید بر من سنگ بزنید، من به پروردگار خودم و پروردگار شما پناه می‌برم * و اگر به من ایمان نمی‌آورید، از من کناره بگیرید * پس به درگاه پروردگارش دعا کرد که اینان مردمی مجرمند * بندگان مرا شب هنگام روانه کن تا از پی شما بیایند * دریا را آرام پشت سر گذار، که آن سپاه غرق شدگان‌اند).

این آیات درباره‌ی حضرت موسی علیه السلام می‌باشد و این موضوع با توجه به ابتدای آن یعنی «قَوْمَ فِرْعَوْنَ» و پایان آن «إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُعْرَفُونَ» روشن است.

مثالی زده‌اند تا شاید مردم زمان پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و زمان قائم از آن پند گیرند و موعظه شوند؛ چرا که حضرت موسی علیه السلام نیز قائم بود و همانند قائم آل محمد صلی الله علیه و آله به او نیز بشارت داده بودند.

حق تعالی می‌فرماید: «وَتَرِيدُ أَنْ يُنْفَخَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَّعَهُمْ أَنَّهُمْ وَمَا كَانَ يُنْفَخُونَ»^۲ (و ما بر آن هستیم که بر کسانی که روی زمین به استضعاف کشیده شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم * و آنها را در آن سرزمین تمکین دهیم و به فرعون و هامان و لشکریانشان، چیزی را که از آن می‌ترسیدند نشان دهیم).

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۲۱: معنی سخن خداوند: «مُشْتَبِهًا وَعَبْرَ مُتَشَابِهٍ»

آل محمد! سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. سلام بر یمانی آل محمد و بر ذریه‌ی طیب و طاهر تو.

سرورم! در قرآن این آیه‌ی مبارک آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ

۱ - دخان: ۱۷ تا ۲۴.

۲ - قصص: ۵ و ۶.

كُلُّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَّتْرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مِثْلِهِ انظُرُوا إِلَىٰ مَثَرِهِ إِذَا أُمِرَ وَيَنْعَهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»^۱ (و او خدایی است که از آسمان باران فرستاد و با آن باران هر گونه نباتی را رویانیدیم و از آن نبات، ساقه‌ای سبز و از آن، دانه‌هایی بر یکدیگر چیده و نیز از جوانه‌های نخل خوشه‌هایی سر فرو هشته پدید آوردیم، و نیز بستان‌هایی از تاک‌ها و زیتون و انار، همانند و ناهمانند، به میوه‌هایش آنگاه که پدید می‌آیند و آنگاه که می‌رسند بنگرید که در آن‌ها عبرت‌ها است برای آنان که ایمان می‌آورند). در آیه فوق، معنا یا تأویل این کلمات «مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُشْتَبِهٍ» (همانند و ناهمانند) چیست؟ خداوند سبحان درباره‌ی درختان و گیاهان سخن می‌گوید و می‌فرماید «مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُشْتَبِهٍ»، خداوند از این بیان چه چیزی را قصد کرده است؟ آیا خود آنها مد نظر است یا در مورد آل محمد عليه السلام می‌باشد؟ والحمد لله وحده.

فرستنده: شیخ ایاد - ایران

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصمد لله رب العالمین، و صمد اللعالم صمد و کل صمد العالم و الصمد یومئذ و سلم تسلیم.

اگر به برگ و شاخه‌ی درختان زیتون و انار بنگری، آنها را همانند یکدیگر خواهی یافت ولی میوه‌ی این دو شبیه هم نیست.

به این ترتیب خداوند از اولیای علمی را ظاهر می‌سازد که بندگان از آن منتفع می‌شوند. با وجودی که اولیای خدا همانند یکدیگرند ولی علوم و ثمره‌هایی که خداوند از آنها ظاهر می‌گرداند همانند نیست؛ به عنوان مثال شما می‌بینی که خداوند دعا را بر زبان زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام ظاهر ساخته است و فقه را بر زبان صادق جعفر بن محمد علیه السلام والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

الصمد الصمد - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۲۲: در خصوص حساب، شناخت خدا و رؤیتش، و کسانی که هلاک نمی‌شوند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام و درود بر قائم آل محمد و یمانی موعود آنها، نخستین مهدیین و نخستین مؤمنین

و زینت اولین و آخرین، سرور و مولایم احمد الحسن (علیه السلام).

بسم الله الرحمن الرحيم. «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (خدا هیچ کس را جز به اندازه‌ی طاقتش مکلف نمی‌کند. نیکی‌های هر کس از آن خود او و بدی‌هایش از آن خودش است. ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده‌ایم یا خطا کرده‌ایم، ما را بازخواست مکن. ای پروردگار ما، آن گونه که بر امت‌های پیش از ما تکلیف گران نهادی، تکلیف گران بر ما مکن و آنچه را که طاقت آن نداریم بر ما تکلیف مکن، گناه ما ببخش و ما را بیامرز و بر ما رحمت آور که تو مولای ما هستی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان).

آقای من! رأس این آیه نفی‌کننده‌ی تکلیف خارج از طاقت و توان است و در وسط آن، ضمن دعایی که در آیه آمده است حق تعالی می‌فرماید: «رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» (ای پروردگار ما! آنچه را که طاقت آن نداریم بر ما تکلیف مکن). خداوند از این سخنان چه منظوری را قصد کرده است؟

۲- تفسیر آیه‌ی «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» (ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده‌ایم یا خطا کرده‌ایم، ما را بازخواست مکن) چیست؟ و آیا انسان بر آنچه فراموش کرده است بازخواست می‌شود؟

۳- منصور بن حازم می‌گوید: به ابو عبد الله امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: خدا برتر و بزرگوارتر از این است که با خلقش شناخته شود، بلکه خلق با خدا شناخته می‌شود. فرمود: «راست گفתי».

سرورم! منظور حضرت از این حدیث چیست؟

۴- سرورم! لطف فرمایید بیان کنید، منظور امیر المؤمنین (علیه السلام) از این سخن که فرموده است: «رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» (دل‌ها از طریق حقایق ایمان او را مشاهده کرده‌اند) چه می‌باشد؟

در حدیث آمده است که ابو عبد الله (علیه السلام) فرمود: «حِبْرِي^۲ خِدْمَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) رَسِيدٌ وَ كَفْتُ: اِي امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ! اَيَا پَرُورِدْگَارَتِ رَا هِنْگَامِ پَرَسْتَش، دِيدِه‌اِي؟ فَرْمُود: «وَايَ بَر تُو! مَن

۱ - بقره: ۲۸۶.

۲ - حبر: عالم یهودی (مترجم).

کسی نیستم که پروردگاری را که ندیده‌ام بپرستم. عرض کرد: او را چگونه دیده‌ای؟ فرمود: «وای بر تو! دیدگان هنگام نظر افکندن او را درک نکنند ولی دل‌ها با حقایق ایمان او را دیده‌اند».

۵- «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»^۱ (با خدای یکتا، خدای دیگری را مخوان. هیچ خدایی جز او نیست. هر چیزی نابود شدنی است مگر وجه او. فرمان از آن او است و همه به او بازگردانیده می‌شوید).

طبق آنچه از شما اهل بیت (علیهم‌السلام) روایت شده است، وجه الله، امام (علیه‌السلام) می‌باشد. سرورم! منظور از «هالک» (نابودشدنی) در این آیه چیست؟ به عبارت دیگر مراد خداوند از «نابود شدن چیزها» چیست؟

۶- «مهدی از روستایی که به آن کرعه می‌گویند خروج می‌کند»^۲. آقای من! با جود و کرمت برابیم روشن کن که نظر شریف شما درباره‌ی این حدیث چیست و مراد از آن و آنچه در آن است چه می‌باشد؟

۷- در برخی روایات، توصیف مهدی وارد شده است به اینکه ایشان «جوانی موفق» است، سلام و صلوات پروردگارش بر ایشان. آیا اجازه دارم از مولایم بخواهم این توصیف را شرح دهد؟

۸- سرورم! با حداکثر توانم بر ایمان و یقینم باقی ماندم و از شما تقاضا دارم با مساعدت روحی بر من تفضل فرمایید و منت نهید تا ایمانم کامل شود و حق و حقیقت در نفسم مستقر و پا بر جا گردد و با منت وجود شما و صبر و برابری شما بر من، از آن منحرف نگردم و ترکش نکنم. آقای من، از گرم خود و بخشش بر من بیخشی و عذرم را از اسائهی ادب و جسارت بر سرورم، پذیرا باش. آقای من، آیا نمی‌بینی جز آمال و آرزوها برای شما نیآورده‌ام؟ یا به ریسمان شما چنگ نزده‌ام مگر به این جهت که کمکم کنی یا گناهانم بخشیده شود و به وصال برسم؟ و نفس من، چه بد مرکبی از آرزوها و خواسته‌هایش ساخته است و وای بر آن، اگر ظن‌هایش و خواسته‌هایش آن را آراسته سازند و هلاکت و نابودی بر آن اگر بر مولا و آقایش جسارتی ورزد!

از مولایم و پدر مهربان و شفیق و رفیق -یمانی- خواهش‌مندم که مرا نزد پروردگارش یاد

۱ - قصص: ۸۸

۲ - کشف الغمة در معرفت ائمه - اربلی: ج ۳ ص ۲۴۱.

کند، و مرا در ذهنش و در دعایش حاضر گرداند، و ظلم و جرم و اسراف من بر خودم را ببخشد و از کوتاهی من نسبت به او و پدرش امام مهدی علیه السلام درگذرد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرزند جاهل شما

فرستنده: شیخ حلی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمین، و الصمد المصمد و کل مصدر الاثم و المبریح و سلم تسلیماً.

پاسخ سؤال ۱-۲: حق تعالی می‌فرماید: «لَلّٰهُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَاِنْ تَبَدُّوْا مَا فِیْ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تَخَفُوْهُ یَحَاسِبْکُمْ بِهٖ اللّٰهُ فِیْخَفِرُ لِمَنْ یَّشَآءُ وِیُعَذِّبُ مَنْ یَّشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ» (از آن خداوند است هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است. آنچه را که در دل دارید، خواه آشکارش سازید یا پوشیده‌اش دارید، خدا شما را به آن بازخواست خواهد کرد؛ پس هر که را که بخواهد می‌آمزد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خدا بر هر کاری توانا است).

همانطور که در این آیه به وضوح دیده می‌شود، خداوند آنچه را که در نفس‌ها پنهان شده است مورد بازخواست قرار می‌دهد؛ یعنی اگر انسان شری را در دل نهان دارد بابت آن مواخذه می‌شود. خداوند بیان فرموده است که این رویداد خارج از قدرت انسان نیست یعنی انسان طبق فطرت و قدرت نهاده شده در او، می‌تواند همواره خیر باشد و شری در نفسش نهفته نداشته باشد. او بر اساس فطرتش می‌تواند جزو کسانی باشد که خداوند برایشان فتح حاصل نموده است: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِیْنًا» (ما برای تو پیروزی نمایانی را مقرر کرده‌ایم) و شیطان هیچ نصیب و بهره‌ی واقعی در او یا در نیت‌ها و کردار او ندارد، ولی با این وجود که این موضوع در حیطه‌ی قدرت انسان است، باز هم ما می‌بینیم که اینها از توانایی و طاقت بیشتر بنی آدم خارج است، که این خارج بودن، نه به دلیل وجود داشتن نقص در فطرت آنها فطرتی که خداوند بر آنها فرض نموده است- بلکه به سبب کوتاهی خود آنها است. خداوند توفیقت دهد، از همین رو خداوند در این آیه‌ای که شما آورده‌ای بیان می‌دارد که محاسبه از نیت‌های نفس از عامه‌ی مردم برداشته شده است، و خداوند فقط مردم را طبق وسع و طاقتشان که بیشتر

مردم بر آن هستند مواخذه می‌کند، اگر که ایمان داشته باشند؛ و این تخفیفی برای مردم است، و به این معنا می‌باشد که خداوند بر اساس میزانی که در واقع پایین‌تر از میزان واقعی نهاده شده در آنها است، ایشان را محاسبه می‌کند.

حق تعالی می‌فرماید: «عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بدی‌هایش از آن خود او است)؛ یعنی خداوند انسان را بابت شری که بالفعل از او صادر گردیده است محاسبه می‌کند، و نه فقط به خاطر نیت‌هایش. یعنی خدای سبحان انسان را به خاطر شری که آن را نیت کرده و از او صادر شده است، محاسبه می‌کند و بر آن دسته از نیت‌هایش که نتوانسته آنها را به مرحله‌ی اجرا برساند، بازخواست نمی‌نماید، یا همچنین اگر کار بدی را بدون نیت انجام دادنش در گذشته، انجام داده باشد.

«لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (خدا هیچ کس را جز به اندازه‌ی طاقتش مکلف نمی‌کند. نیکی‌های هر کس از آن خود او و بدی‌هایش از آن خودش است. ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده‌ایم یا خطا کرده‌ایم، ما را بازخواست مکن. ای پروردگار ما، آن گونه که بر امت‌های پیش از ما تکلیف گران نهاده‌ی، تکلیف گران بر ما مبنه و آنچه را که طاقت آن نداریم بر ما تکلیف مکن، گناه ما ببخش و ما را بیمارز و بر ما رحمت آور که تو مولای ما هستی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان).

این سخن خدای متعال که می‌فرماید: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا... وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» (ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده‌ایم یا خطا کرده‌ایم... و آنچه را که طاقت آن نداریم بر ما تکلیف مکن) آشکار می‌سازد که هر انسان آن مقداری قدرت و توانایی دارد که خودش - یعنی انسان - با تلاش و عملش، آن را محدود و مشخص می‌نماید؛ لذا آدمی باید از خداوند بخواهد که از کوتاهی و فراموشی‌اش - یعنی ترک گفتن و غفلت ورزیدنش - نسبت به اوامر الهی، درگذرد.

«رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» همچنین درخواست می‌کند که امتحان شدنش، در حیطه‌ی طاقت و توانایی‌اش باشد حتی اگر این آزمایش پایین‌تر از قدرت و توانایی به ودیعه نهاده شده در فطرتش باشد، و حتی اگر دلیل این موضوع، کوتاهی و تقصیر خود انسان باشد؛

چرا که اگر خداوند او را خارج از حدّ و مرزش تکلیف فرماید، شکست می‌خورد و همه چیز را از دست می‌دهد؛ حد و مرزی که پایین‌تر از توان واقعی به ودیعه نهاده شده در فطرت او می‌باشد. بنابراین این دعا برای کسی که چیزی را از دست داده است و نمی‌خواهد همه چیز را بیازد، نهایت حکمت است و عمده‌ی بنی آدم از این دسته‌اند، «وَلَا تُحْمَلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (گناه ما ببخش و ما را بیمارز و بر ما رحمت آور که تو مولای ما هستی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان).

پاسخ سؤال ۳: خدا خودش را به خلقش می‌شناساند، نه این که خلقش خود را به او بشناسانند؛ این معنای حدیث است.

یعنی اگر ما بگوییم که خداوند به وسیله‌ی حجت‌هایش (علیه السلام) شناخته می‌شود و حجت‌های الهی کسانی هستند که با خدا شناخته می‌شوند، منظور این است که خداوند خودش را با آنها به بقیه‌ی خلقش شناسانیده است نه اینکه ایشان خود، او را شناخته‌اند.

آنها وجه خدایند که خدا با آن رو به سوی خلقش نموده است؛ یعنی این او است که با آنها به خلقش روی آورده است تا شناخته شود، نه این که آنها از پیش خود یا خودشان، با خداوند شناخته می‌شوند.

اگر موضوع بر این منوال بود، حقیقت این است که آنها را در این کار دستی نیست، و خداوند سبحان خواسته است که شناخته شود، پس ایشان را خلق فرمود و آنها را شناساند و خودش را با آنها معرفی نمود.

اما واقعیت این شناخت و چگونگی آن را انشاء الله در کتاب تفسیر سوره‌ی توحید که اکنون به فضل خدا زیر چاپ می‌باشد، بیشتر خواهیم دید.

پاسخ سؤال ۴: دیدن خدای سبحان همان شناخت و معرفت او می‌باشد، و من در این باب پیش‌تر صحبت کرده‌ام و ان شاء الله تفصیل این مطلب را در کتاب تفسیر سوره‌ی توحید به طور مبسوط خواهی یافت. از آنجا که این کتاب به زودی منتشر می‌شود، دلیلی ندارد که اینجا کلام را تکرار کنم، به ویژه که مطلب طولانی است. خداوند شما را توفیق دهد.

پاسخ سؤال ۵: خداوند متعال می‌فرماید: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»^۱ (و در صور دمیده شود؛ پس هر که در

آسمان‌ها و هر که در زمین است جز آنها، که او بخواهد، بیهوش می‌شوند و بار دیگر در آن دمیده شود، ناگهان از جای برمی‌خیزند و می‌نگرند).

آنهایی که هلاک و نابود نمی‌شوند، کسانی هستند که به واقع وجه خدا هستند که با آنها رو به سوی خلقش نموده است؛ و این اِکرامی است برای آنها و اِکرامی است از برای اسم اعظمی که در دل‌های خویش که با نور خداوند سبحان و متعال تابناک و روشن است، حمل می‌کنند. این عده هرگز نه نابود می‌شوند و نه فانی می‌گردند؛ چرا که باقی ماندن او سبحان را بر نفس خویش برگزیده‌اند. خوشا به حالشان و خوش سرانجامی دارند! خداوند توفیق دهد، این عده فقط محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) نیستند؛ چرا که برای اینکه هر انسانی وجه الله شود، پیش از و پس از آمدن این بزرگواران (علیهم‌السلام) باب مفتوح بوده و هست. پس کوتاهی نکنید و بهره‌ی خود را تباہ نسازید. دروازه گشوده است و فرصت فراهم، و زیانکار کسی است که بهره و نصیبش را از این فضل عظیم از کف بدهد. خوشا به حال آنان که خداوند سبحان را بر خویشتن خویش ترجیح داده‌اند و می‌دهند؛ اینان، پرهیزگاران واقعی هستند.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که مرا در خدمت‌گزاری همه‌ی شما توفیق عطا فرماید، و شما را در زمره‌ی پرهیزگارانی قرار دهد که نه هلاک می‌شوند و نه می‌میرند، بلکه به بقای آنکه انتخابش کرده‌اند، باقی می‌مانند؛ سبحانه و تعالی علواً کبیراً.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ * فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ * كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ * يُدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ * لَا يُذَوِّقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * فَضلاً مِّن رَّبِّكَ ذَلِكِ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * فَإِنَّمَا يَسِرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ»^۱ (پرهیزگاران در جای امنی هستند * در باغ‌ها و چشمه‌سارها * لباس‌هایی از سندس و استبرق می‌پوشند و روبه‌روی هم می‌نشینند * اینچنین‌اند و حورالعین را به همسریشان درآوریم * در ایمنی هر میوه‌ای را که بخوهند می‌طلبند * در آنجا طعم مرگ را نمی‌چشند، مگر همان مرگ نخستین و آنها را خدا از عذاب جهنم نگه داشته است * این بخششی است از جانب پروردگارت و این پیروزی بزرگی است * ما فقط از این رو ادای سخن خویش بر زبان تو آسان کردیم، باشد که پند گیرند * تو منتظر باش که ایشان نیز منتظرند).

۱- صدر الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۳۳: معنی سخن خداوند متعال: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ...»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهُمَّ وَالصَّالِحِينَ.

سرورم، پدرم و ولی نعمتم! سلام بر تو باد. از خداوند مسئلت می‌نمایم که مرا جزو خادمان تو و انصار تو و جزو کسانی که از ایمان‌شان خوشنود شده‌اید قرار دهد. سؤالی دارم؛ ولی سرورم! قبل از آن از شما اجازه می‌خواهم که برایم دعا کنی که بر دوستی و ولایت شما بمیرم، و مرا چنان گردانی که به آنچه می‌پسندی و به آن فرمان می‌دهی عمل نمایم.

سرورم! سؤال من درباره‌ی تفسیر این آیه‌ی کریم است: خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ» (کسی که می‌پندارد خدا در دنیا و آخرت یاریش نخواهد کرد، ریسمانی به آسمان بکشد سپس آن را ببرد و بنگرد آیا این حيله، خشمش را از میان خواهد برد؟).

سرورم! امیدوارم بر شما گرانبار نشده باشم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: امة

پاسخ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّلَاةَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهُمَّ وَالصَّالِحِينَ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر خیر آخرت و دنیا موفق بدارد و شما را در زمره‌ی کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند.

حق تعالی می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ» (کسی که می‌پندارد خدا در دنیا و آخرت یاریش نخواهد کرد، ریسمانی به آسمان بکشد سپس آن را ببرد و بنگرد آیا این حيله، خشمش را از میان خواهد برد؟).

خداوند سبحان و متعال فرستادگان را مبعوث و آنها را با فرشتگان و لشکریانش در ملکوت و آسمان‌هایش تأیید می‌فرماید. در این آیه خداوند سبحان برای مردمی که در فرستاده شک دارند بیان می‌دارد که راهی برای شناخت حق وجود دارد، و فرستاده‌ای که به

سوی آنها فرستاده شده حق است؛ اینکه با متوجه شدن به سوی خداوند راه بین خود و آسمان‌ها را باز گذارند تا حق را از جانب او سبحان و متعال بشناسند: «مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ» (کسی که می‌پندارد خدا در دنیا و آخرت یاریش نخواهد کرد، ریسمانی به آسمان بکشد) در آن هنگام انسان با فضلی که خداوند بر او دارد، می‌تواند حق را از باطل بازشناسد و قادر خواهد بود به روشنی راه حق را ببیند تا بر بینه و دلیلی از امر او باشد در حالی که به سوی حق، همراه حق، به وسیله‌ی حق سیر می‌کند. در این صورت آنچه در ملکوت آسمان‌ها خواهد دید سببی برای از بین بردن شری که نفسش را در خود پیچیده است، خواهد شد؛ تا صفحه‌ی وجودش از ایمان و خیر آکنده گردد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

اصد الصبح - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۲۴: معنی آیه‌ی «... ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ...».

تفسیر این آیه‌ی کریم چیست؟ «ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ»^۱ (سپس بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت).
فرستنده: ادهم الطائی - عراق

پاسخ:

بسم اللّٰه الصّبح الرحیم

والصّبح لله ربّ العالمین، و صلّی اللّٰه علی مرصد و آل مرصد اللّٰهم و الصّریح و سلم تسلیم.

خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاقُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ * ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ»^۲ (کسی که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی‌نظمی نمی‌بینی. پس بار دیگر نظر کن. آیا در آسمان شکافی می‌بینی؟ * سپس بار دیگر نیز چشم باز کن و بنگر نگاه تو خسته و درمانده به نزد تو باز خواهد گشت).

خداوند سبحان و متعال در این آیات برای بندگانش تبیین می‌کند که آفرینش آسمان‌ها

۱ - ملك: ۴.

۲ - ملك: ۳ و ۴.

بر اساس نظامی دقیق صورت گرفته است و یک سری قوانین الهی وجود دارد که بر آن حکمرانی می‌کند تا آنچه خداوند برایشان نوشته است و همچنین برای داخل شدن و عروج در آنها، بر آنها جاری شود. پس هیچ شکاف و خللی در آنها نیست تا کسی بتواند در آن دخل و تصرف کند یا دزدیده به اخبارش گوش فرا دهد یا پلی از حکمت الهی در آن بزند و مردم را با آن بفریبد. عروج در آسمان‌ها ممکن نیست مگر با توان و نیرویی از جانب خداوند، و بر اساس قانون خداوند سبحان و متعال که بر همه‌ی بندگانش جاری و ساری است.

اما در خصوص استراق سمع شیاطین انس و جن، کمینگاهی وجود دارد که مانع‌شان می‌شود و در نتیجه آنها نمی‌توانند در ملکوت آسمان‌ها داخل شوند: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ»^۱ (ما آسمان دنیا را با چراغ‌هایی بیاراستیم و آن چراغ‌ها را وسیله‌ی راندن شیاطین گردانیدیم و بر ایشان عذاب آتشی سوزان آماده کرده‌ایم). این پاسخی است به کسانی که ادعا می‌کنند شیطان می‌تواند در اخباری که از ملکوت آسمان‌ها می‌آید نصیبی داشته باشد (با این گفته‌شان که رؤیاهای متواتر مؤمنین در راهنمایی کردن آنها به سوی خلیفه‌ی خداوند، ممکن است از جانب شیطان باشد) و به دنبال آن، این بهانه را دلیلی بر نپذیرفتن اخبار آسمان قرار داده‌اند؛ اخباری که بر بندگان خدا یعنی همان‌ها که رو به سوی خدا می‌کنند تا حق را بشناسند وارد می‌شود و خداوند سبحان و متعال پاسخی می‌دهد به راهزنان راه خدا؛ همان علمای بی‌عملی که چون خودشان به خاطر آنچه مرتکب شده‌اند از ملکوت آسمان‌ها محروم‌اند، می‌کوشند تا آنجا که در توان دارند همه‌ی مردم را نیز محروم سازند و به گمراهی کشانند. لذا می‌بینی که این عده با هر چه در توان دارند، ملکوت آسمان‌ها را مسخره می‌کنند تا مردم را فریب دهند و آنها را از روی آوردن به ملکوت آسمان‌ها و دیدن حق از جانب خداوند، باز دارند. امروزه شما آنها را می‌بینید که نهایت تلاش خود را در سفیهانه خواندن رؤیا و مکاشفه که راه انبیا و از موضع‌های برآمدن وحی خدای سبحان است، به کار می‌برند و حال آن که تمام انبیا علیهم‌السلام فقط برای این منظور مبعوث شدند که مردم را به گوش فرا سپردن به ملکوت آسمان‌ها هدایت کنند و تمام فقهای گمراه در طول تاریخ، با خرد و سبک انگاشتن ملکوت و رؤیا، با آنها به جنگ و جدال برخاستند؛ و جهل مردم نیز در این زمینه، کمک‌کار آنها بوده است. مردم به دنیا سرگرم‌اند و

انبیا می‌آیند و از آنها مشغول شدن به ملکوت را می‌خواهند تا بتوانند در ملکوت نظر افکنند. فقهای گمراه نیز می‌کوشند تا مردم به حال خود باقی بمانند (همان گونه که امروزه چنین می‌کنند) و آنها را از گام برداشتن برای شنیدن کلمات خداوند بازمی‌دارند و این کار را با سبک شمردن ملکوت و رؤیا انجام می‌دهند و متأسفانه مردم نسبت به آن غافل و جاهل‌اند؛ در حالی که رؤیا، راه گشوده‌ای برای شناخت حق از جانب خدا و شنیدن کلمات خدای سبحان می‌باشد. زیان کار کسی است که نسبت به این راه عظیم که از راه‌های معرفت می‌باشد، زیان کند و خطاکار آن کسی است که از فقهای گمراه نابینا که حتی دستان خود را هم نمی‌توانند ببینند، پیروی نماید.

خداوند شما را بر هر خیری توفیق عطا فرماید و شما را از بینایان و کسانی که کلمات خداوند سبحان را می‌شنوند و یاری‌اش می‌کنند، قرار دهد. والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته.

اصحح الصصح - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۲۵: چرا خداوند در برخی آیات با صیغه‌ی جمع سخن می‌گوید؟!

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

پرورم و امامم! سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سرورم، مولایم و امامم! ای یمانی آل محمد! نمی‌دانم چگونه از شما تشکر کنم که مرا به عنوان دختر خودتان قبول کرده‌اید. از شما درخواست دارم که برایم دعا کنی تا محبوب نظر شما باشم، ای پدر گرامی‌ام و از خداوند عزوجل تقاضا دارم که ما را در دیدار با شما توفیق عطا فرماید و شما را یاری و تسدید فرماید و در زمین، تمکینتان دهد.

در بسیاری از آیات، خداوند عزوجل با صیغه‌ی جمع سخن می‌گوید؛ به عنوان مثال:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۱ (ما آن را در شب قدر نازل کردیم).

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ»^۲ (و اگر در آنچه بر بنده‌مان نازل

۱ - قدر: ۱.

۲ - بقره: ۲۳.

کرده‌ایم در تردید هستید، سوره‌ای همانند آن بیاورید).

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»^۱ (و در زمین جایگاهتان دادیم

و راه‌های معیشت‌تان را در آن قرار دادیم و چه اندک سپاس می‌گزارید).

امام و مولای ما! سؤال این است که چرا خدای سبحان با صیغه‌ی جمع سخن می‌گوید؟ والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته، و از خداوند مسئلت دارم که فرج شما را تعجیل فرماید و مرا در زمره‌ی خادمان شما قرار دهد و به اندازه‌ی چشم به هم زدن از فرمان شما سرپیچی نکنم؛ یا الله یا کریم.

فرستنده: سعدیه - مراکش

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر لله رب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد و شما را در زمره‌ی

کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند.

خداوند توفیقت دهد! بدان که خداوند را کارگزارانی است که بر آنها تفضّل می‌فرماید و

آنها را برای رسانیدن پیام‌هایش به انبیا و فرستادگانش، و آنچه اراده می‌فرماید تا در این عالم

جسمانی حادث شود، به کار می‌گیرد. کارگزاران خدا در خلقتش چه از فرشتگان باشند و چه

از بشر، خداوند سبحان و متعال آنها را یاد کرده و با خودش قرین نموده است - با وجودی که

آنها با حول و قوت و فرمان او کار می‌کنند - و این، از روی کرم و تفضّل خداوند سبحان بر

آنها است؛ چرا که او کریمی است که در مقابل اندک، بسیار عطا می‌فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

صدر الصبح - ربیع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۲۶: پرسشی از «نبی» در این سخن خداوند متعال: «إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لِهْمُ».

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر لله رب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

سلام بر اهل بیت نبوت، و معدن و جایگاه رسالت، و محل هبوط وحی و تنزیل. هر که خدا را بخواهد از شما آغاز می‌کند. در آیه‌ی کریم: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ إِنَّهُ لَمَلَكَ لَنَا تَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»^۱ (آیا آن گروه از بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی که به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما پادشاهی منصوب کن تا در راه خدا بجنگیم...).

۱- این پیامبر بزرگوار چه کسی بوده است؟ نام، ویژگی و وضعیت او چه بوده است؟

۲- چرا خداوند این پیامبر را به عنوان پادشاه برگزید؟

۳- آیا پادشاهی طالوت، پادشاهی عام برای بنی اسرائیل بود یا فقط فرماندهی ارتش بود؟

۴- آیا طالوت علیه السلام حجتی بر این پیامبر مذکور در آیه بوده است؟

فرستنده: ابو یوسف - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصمد لله رب العالمین، و صمد لا یعلو صمد و کل صمد الا لله و الصمد یومئذ تسلیم.

پاسخ سؤال‌های ۱، ۲، ۳ و ۴: این پیامبر، نبی خدا ساموئیل (اسماعیل) از نسل یعقوب علیه السلام بوده است. اما صفت و وضعیت او، شبیه وضعیت اسماعیل پسر ابراهیم نبی خدا علیه السلام بوده است زیرا مادرش حنا همچون ساره علیها السلام همسر ابراهیم پیامبر خدا علیه السلام نازا بود و او را برای خدای سبحان نذر کرد و این پیامبر مانند مریم علیها السلام در خانه خدا خدمت‌گزاری می‌کرد. خداوند او را به عنوان پیامبری بر بنی اسرائیل مبعوث کرد. در زمان او، بنی اسرائیل از دستور خداوند سبحان سرپیچی می‌کردند. در آخرین روزهای زندگی‌اش بنی اسرائیل بازگشتند و توبه کردند و در میان آنها نسلی نیکوکار ظاهر گشت. آنها از او خواستند پادشاهی برای آنها تعیین کند تا زیر پرچم او بجنگند. او به امر خداوند سبحان و متعال طالوت را برگماشت. طالوت از اسماعیل پیامبر خدا علیه السلام فرمان می‌برد. پس از آن که طالوت و لشکرش بر جالوت و لشکرش پیروز شدند، خداوند به اسماعیل نبی خدا علیه السلام دستور داد تا داوود علیه السلام را که سربازی در لشکر طالوت بود، به عنوان جانشین بعد از خودش تعیین کند.

اما اینکه چرا اسماعیل پیامبر خدا علیه السلام خود، پادشاه نبود؛ او پیامبر و خلیفه‌ی خدا در زمینش و پادشاه منصوب از سوی خدا بود ولی آنها پادشاهی می‌خواستند که زیر پرچمش

نبرد کنند و او به همراه آنها بجنگد؛ چرا که در آن زمان، پادشاه حتماً می‌بایست با لشکر بیرون می‌آمد و خودش هم نبرد می‌کرد، و حال آنکه اسماعیل پیامبر خدا ﷺ پیرمردی سال‌خورده بود و در واپسین روزهای حیاتش به سر می‌برد. به همین دلیل از او ﷺ خواستند که پادشاهی برای آنها تعیین کند که دارای قوت و نیروی جنگ‌جویی باشد. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد، و در زمره‌ی افراد بابصیرت و کسانی که کلمات خدای سبحان را شنیدند و فرا گرفتند، قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصحح الصصح - مصادر الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

محور دوم:

پرسش‌های فقهی

پرسش ۴۲۷: حکم اهدای اسپرم به برادر عقیم.

سرورم! سلام علیکم.

آیا جایز است شخصی اسپرم خود را به همسر برادر یا دوستش از طریق تلقیح مصنوعی اهدا کند، به این دلیل که برادر یا دوستش و همسر او بچه‌دار نمی‌شوند؟ و حکم فرزندی که از این فرآیند به وجود می‌آید چیست؟

فرستنده: سوال کننده

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والهميم و سلم تسليمًا.

حکم شرعی: اینکه زن از آب مرد دیگری غیر از شوهرش باردار شود، جایز نیست.

اما نطفه‌ای که بر اثر کاری که شما از روی جهل و عدم آشنایی با حکم صورت داده‌اید متولد شده، حکم شبهه را دارد و او به صاحب آب منسوب می‌گردد؛ پس صاحب آب، پدرش است و پسران او برادران او می‌باشند و مادرش هم کسی است او را باردار شده و پسران آن زنی که او را باردار شده است نیز برادرانش به شمار می‌آیند.

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته.

اصم الصنع

زمر الصم ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۲۸: نظر پدر در ازدواج دخترش.

سلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته، و درود و سلام بر سرور ما محمد و اهل بیت طیب و طاهر او.

من مشکلی با خانواده‌ام دارم؛ شخصی بر سنت خدا و رسولش به خواستگاری من آمده است ولی بر مذهب جعفری نیست و از اهل سنت می‌باشد. خانواده‌ام به همین دلیل او را رد

کردند ولی قلب من به این شخص اطمینان و آرامش یافته است؛ فقط اینکه وی جزو موالیان اهل بیت پیامبر خدا نیست و او و خانواده‌اش تفاوتی بین مذهب شیعه و سنی قائل نمی‌باشند. آیا کار والدین من درست و صواب است و این من هستم که از عواطف و احساساتم پیروی می‌کنم؟ یا اینکه آنها باید در این موضوع تجدید نظر کنند و ممکن است این فرد به اذن خدا قسمت من باشد؟!

امیدوارم در اسرع وقت به نامه‌ام پاسخ داده شود. با تشکر فراوان از شما.
فرستنده: Some One - امارت عربی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليماً.

برای شما بهتر است که در مسئله‌ی ازدواج، نظر پدرت را دنبال کنی. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصخ - ز راصه ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۲۹: حکم قمه‌زدن در عزاداری.

نظر سید احمد الحسن درباره‌ی قمه‌زدن در عزاداری چیست؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليماً.

خداوند توفیق‌تان دهد! بهتر است از آن اجتناب شود حتی اگر در آن ضرر زیادی به بدن وارد نشود.

اصد الصخ

پرسش ۴۳۰: ازدواج زن هاشمی با مرد غیر هاشمی.

آیا ازدواج (نکاح) زن سیده‌ای که نسبش به پیامبر خدا ﷺ می‌رسد، با مرد غیر سیدی که نسبش به پیامبر خدا ﷺ نمی‌رسد، طبق نظر سید احمد الحسن (علیه السلام) مجاز است؟ لطفاً به همراه

برخی منابع قابل اطمینان.

پاسخ:

بسم اللّٰه الرّٰحمن الرّٰحيم

والصّٰد لله ربّ العالمين، و صلّى اللّٰهُ علىّ محمد و آله صلّى اللّٰهُ و الصّٰلحين و سلم تسليمًا.
جایز است.

اصد الصنح

پرسش ۴۳۱: وضو پیش از قرائت قرآن.

سلام عليكم.

وضو گرفتن پیش از قرائت قرآن به چه دلیل است؟

فرستنده: استشرافی - عراق - بصره

پاسخ:

بسم اللّٰه الرّٰحمن الرّٰحيم

والصّٰد لله ربّ العالمين، و صلّى اللّٰهُ علىّ محمد و آله صلّى اللّٰهُ و الصّٰلحين و سلم تسليمًا.

برای قرائت قرآن، وضو داشتن شرط نیست و شما حتی اگر بر طهارت نباشی می‌توانی قرآن بخوانی، ولی لمس کردن نوشته‌ی قرآن مشروط به داشتن طهارت است. خداوند متعال می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱ (جز پاکان دست بر آن دست نیازند). ظاهر آیه درباره‌ی منع کردن الفاظ مکتوب قرآن بدون طهارت می‌باشد.

اصد الصنح - زر القعه ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۳۲: خمس در زمان غیبت کبری.

آیا در زمان غیبت کبری، خمس برای شیعیان حلال است؟ با منابع قابل اطمینان لطفاً.

والسلام.

فرستنده: سید عرفان کاظمی

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِینَ وَكُلِّ مَعْدَمٍ لِّاِنَّهُمُ وَالْمُهْرَبِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

هیچ کس حق ندارد خمس را که مخصوص امام (علیه السلام) است بگیرد، مگر امام (علیه السلام) یا کسی که امام (علیه السلام) به او اجازه داده باشد؛ و امام (علیه السلام) به احدی اجازه نداده است که به نیابت از او خمس بگیرد؛ بنابراین کسانی که ادعای فقه می‌کنند حق ندارند در مال مخصوص امام تصاحب کنند و در آن، آن گونه که ادعا می‌کنند مورد رضایت او است، دخل و تصرف نمایند در حالی که آنها نمی‌دانند رضایت امام (علیه السلام) در چیست!

صمد الصغیر - زر القعده ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۳۳: کیفیت نماز صحیح و گروه‌های گمراه.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِینَ وَكُلِّ مَعْدَمٍ لِّاِنَّهُمُ وَالْمُهْرَبِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا كَثِیْرًا.

برادر عزیزم! متشکرم می‌شوم به این سؤالاتم پاسخ دهی:

۱ - می‌خواهم از امام زمانم و پسر عمویم سید احمد الحسن که خداوند در زمین تمکینش دهد، کیفیت نماز صحیح را بی‌رسم، و این که گروه‌های گمراه کدام‌اند، و اشتباه‌های حادث شده در دین که من باید از آنها اجتناب کنم کدام‌ها می‌باشند؟
یعنی از او که امام من است، یک سفارش کامل برای امور دنیا و آخرت می‌خواهم. سلام بر شما ای بزرگواران.

فرستنده: بدر - عربستان سعودی

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِینَ وَكُلِّ مَعْدَمٍ لِّاِنَّهُمُ وَالْمُهْرَبِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفّق و از هر شرّی دور گرداند. چگونگی نماز را در کتاب شرایع که منتشر شده است می‌یابی. اگر درباره‌ی نماز پرسشی داشتی که پاسخ آن را در شرایع پیدا نکردی، می‌توانی آن را ارسال کنی و پاسخ آن را دریافت خواهی کرد، ان شاء الله. اما پرسش شما درباره‌ی کسانی که راه را گم کرده‌اند: خداوند رشد و هدایت شما را

افزون کند؛ بدان، هر کس که از خلیفه‌ی خدا تخلف کند و جزو کسانی که با فرشتگان الهی سجده گزارند نباشد، به طور قطع و یقین برخط ابلیس و لشکریانش که خلیفه‌ی خدا را پذیرا نشدند، محسوب می‌شود. امام صادق علیه السلام فرموده است: «أَنَّ الدِّينَ وَ أَصْلَ الدِّينِ هُوَ رَجُلٌ وَ ذَلِكَ الرَّجُلُ هُوَ الْيَقِينُ وَ هُوَ الْإِيمَانُ وَ هُوَ إِمَامٌ أُمَّتُهُ وَ أَهْلُ زَمَانِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ أَنْكَرَ اللَّهَ وَ دِينَهُ وَ مَنْ جَهِلَهُ جَهِلَ اللَّهَ وَ دِينَهُ وَ حُدُودَهُ وَ شَرَائِعَهُ بِغَيْرِ ذَلِكَ الْإِمَامِ كَذَلِكَ جَرَى بِأَنَّ مَعْرِفَةَ الرَّجَالِ دِينُ اللَّهِ وَ الْمَعْرِفَةُ عَلَى وَجْهِهِ مَعْرِفَةُ تَابِتَةٌ عَلَى بَصِيرَةٍ يَعْرِفُ بِهَا دِينَ اللَّهِ وَ يُوصَلُ بِهَا إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ» (که دین و اصل دین یک مرد است، و آن مرد همان یقین است و همان ایمان است و او امام امت خویش و امام اهل زمانش است. کسی که آن امام را بشناسد خدا را شناخته و کسی که او را انکار کند خدا و دینش را انکار کرده است، و هر که به او جاهل باشد به خدا و دین و حدود و شرایع او جاهل است و غیر از امام کسی آنها را نمی‌شناسد. به همین جهت می‌گویم شناختن مردانی معین و مشخص، دین خدا است و شناخت آن، شناخت استوار شده‌ای است بر بصیرت که دین خدا با آن شناخته می‌شود و به شناخت خداوند متصل می‌گردد).

پس جانشینان خدا را بشناس و با آنها رو به سوی خدا آور، همانطور که خدای سبحان و متعال فرمان داده است، تا نجات یابی و ان شاء الله به رستگاری برسی. برترین معرفت‌ها شناختن خلیفه‌ی خدا است؛ زیرا تو را به شناخت خدا و ملکوت آسمان‌ها می‌رساند؛ و برترین عمل، هدایت مردم به سوی حق است، و اگر خداوند انسانی را به وسیله‌ی شما به حق هدایت فرماید، از اینکه مال دنیا را صدقه دهی برای شما برتر و بافضلیت‌تر است. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

اصح الصصح - زمر القعه ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۳۴: معالجه‌ی زن توسط پزشک مرد.

بسم اللّٰه الصّٰمخ الرّصم

الرحمن الرحیم و صلوات اللّٰه علیکم و رحمہ اللّٰه بركاته.

حکم رفتن زن نزد پزشک مرد چیست؟ در صورتی که زنی با آن تخصص وجود نداشته باشد. خداوند شما را بر نصرت قائم آل محمد علیهم السلام توفیق عطا فرماید. فرستنده: نرجس - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَكُلِّ مَعْرَضِ الْمَلِئْمِ وَالْمَهْرَبِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

اگر معالجه با عمل حرامی همراه باشد، مانند نگاه کردن پزشک به آن بخش از بدن زن که نگریستن به آن یا لمس کردنش برایش جایز نیست، مجاز نمی‌باشد مگر هنگام اضطرار.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ بَرَكَاتِهِ.

اصغر الصبح - اول مهر صفر ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۳۵: سوآلی در خصوص ازدواج.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَكُلِّ مَعْرَضِ الْمَلِئْمِ وَالْمَهْرَبِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا كَثِیْرًا.

با امید مغفرت و گذشت از جانب مولایم حجت خداوند بر من و بر خلقش امام احمد الحسن (علیه السلام) و از شما ای مولای من، از طولانی شدن این نامه غذرخواهم.

مختصر عرض می‌کنم آقای من، زنی را در سرزمینی که در آن ساکن هستم می‌شناسم. او مطلقه است و تنها زندگی می‌کند. خانواده‌اش در این سرزمین فاسد از مغرب زمین ساکن هستند. من مدت‌های طولانی است که او را می‌شناسم. روزی او را ناراحت و خشمگین از این زندگی با وجود این وحشی‌های ددمنش دیدم. برای حال او و وضعیت بسیاری از زنان سرزمینم که در اینجا زندگی می‌کنند متأسف شدم و از سخنانش احساس کردم که مایل به ازدواج با شخص باتقوایی است و می‌داند که من شیعه هستم و او مطلقه. او از من تقاضای ازدواج نمود تا او را تحت پوشش و مورد حمایت خود قرار دهم با اینکه کمی از نظر سن و سال از من بزرگ‌تر است. به او گفتم اگر بخوام برای بار دوم ازدواج کنم فقط با یک زن مؤمن ازدواج خواهم کرد و او گفت که او نیز نیازمند یک مرد مؤمن است تا به سوی خدا بازگردد. من دعوت را برایش مطرح نکردم؛ چرا که او یک زن امی و بی‌سواد است و چیزی نمی‌داند. به او گفتم اگر خداوند قسمت نمود و با تو ازدواج کردم و به من ایمان نیوردی و به من ملتزم نشدی همه چیز تمام خواهد شد، و او موافقت کرد. او می‌خواهد به سوی خداوند بازگردد و از این زندگی کثیف خسته شده است و مایل است پاکیزه شود. او می‌داند که من ازدواج کرده‌ام و فرزندان دارم. به او گفتم از خداوند استخاره خواهم گرفت و پاسخ را به او

خواهم گفت. از خداوند استخاره گرفتم با این نیت که: آیا این زن خیری برای آخرت و دنیای من دارد؟ و خیر با توفیق و سعادت آمد.

مورد دیگر اینکه آقای من، در این سرزمین ازدواج با وجود دو شاهد در مسجد جاری می‌گردد و مسجد متعلق به اهل سنت می‌باشد. پایان.

آقای من، نصیحت و راهنمایی شما را خواستارم؛ زیرا می‌دانم که سلام و صلوات خداوند بر تو و بر پدرانت و فرزندان پاک و طاهرت می‌باشد.

فرستنده: از اسپانیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والله اعلم بالله رب العالمين، و صلوات الله على محمد و آل محمد الاثم و المبرين و سلم تسليمًا.

اگر از خداوند استخاره گرفتی، خیر در همان است که خداوند سبحان برایت برگزیده است. اما در خصوص عقد، خداوند توفیقت دهد، می‌توانید عقدتان را با حضور دو شاهد و یا بعد از جاری شدن عقد با اعلان به تعدادی مردم نهایی کنید؛ مثلاً تعدادی را برای ولیمه دعوت کنید تا برخی از مردم از ازدواج شما مطلع گردند و حتی اگر به خاطر رسمی بودن و یا هر علت دیگری مجبور هستی به مسجد مخالفین بروی، می‌توانی صیغه‌ی عقد را مجدداً جاری نمایی، اگر که خللی وجود داشته باشد.

برای عقد کردن کافی است به او بگویی: «تو را به عقد خودم درآوردم با مهریه‌ی فلان» و مهریه را بگویی، و شما می‌گویی: «ازدواج را پذیرفتم» و نیازی به شخص سوم نیست تا برای شما بخواند و تنها چیزی که لازم است، وجود دو شاهد هنگام عقد می‌باشد. اگر برآوردن این شرط ممکن نبود، پس از عقد برای تعدادی از مردم آشکار کنید که شما با فلان زن ازدواج کرده‌ای و این اعلان کردن به طرق مختلفی می‌تواند صورت پذیرد مانند ولیمه‌ی عروسی یا اعلان یا هر روش دیگری که مناسب وضعیت شما باشد. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

الله اعلم بالصواب - (الواضحه صفر ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۳۶: سؤال در مورد شفع و وتر.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد والاهل بيته وسلم تسليماً.
سرورم! السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سؤال من درباره‌ی دو رکعت شفع، و وتر است:

۱- آیا قنوت ندارد؟ و اگر قنوت ندارد علت آن چیست؟

۲- علت یک رکعت بودن وتر چیست؟ و دعایی که در آن مستحب است و به ترتیب زیر

می‌باشد: استغفار برای چهل مؤمن، هفتار مرتبه استغفار، و گفتن هفت مرتبه عبارت «**هذا مقام العائذ بك من النار**» (این مقام کسی است که از آتش به تو پناه می‌برد) و سیصد مرتبه طلب عفو و بخشایش.

علت تکرار به تعداد اعداد فوق چیست؟ چهل، هفتاد، هفت و سیصد. لطفاً برای من و برادران انصارم دعا بفرمایید.

فرستنده: منذر احمد - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والله لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآل محمد والاهل بيته وسلم تسليماً.

در نماز وتر قبل از رکوع و بعد از آن، قنوت مستحب است. خداوند توفیقت دهد. والسلام عليكم ورحمت الله و بركاته.

صمد الصبح - اواخر صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۳۷: معامله کردن اقساطی.

اللهم صل على محمد وآل محمد والاهل بيته وسلم تسليماً.

سلام بر شما ای آقا و مولای من یمانی آل محمد و رحمت الله و بركاته. سلام بر شما

ای انصار الله و اولیایش و رحمت الله و بركاته.

آیا معامله‌ی اقساطی مجاز است (قسمت‌بندی کردن مبلغ در یک زمان محدود یا نامحدود) با دریافت مبلغی اضافه بر مبلغ اصلی؟ و آیا در این خصوص، تفاوتی بین معامله کردن با انصار یا غیر انصار وجود دارد؟ خداوند هزاران خیر را به شما پاداش دهد.

فرستنده: علی صالحی - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصلاة لله رب العالمین، وصلیة الصلاة محمد وآل محمد الائمه والمصروع وسلم تسلیماً.

دریافت سود مالی بابت تأخیر در پرداخت تمام یا بخشی از بهای مالی بر خریدن یک چیز معین، ربای حرام محسوب می‌شود. ربا بین مؤمنین یا بین مؤمن و مسلمانی که دوستی محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) امامان و مهدیین را به خود نسبت می‌دهد مطرح می‌شود، و بین مؤمن و ناصبی یا بین مؤمن و غیرمسلمان ربایی وجود ندارد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

اصول الفسخ - (والاصرف ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۳۸: کسی که نمی‌تواند در وقت تعیین شده در عرفه توقف کند.

حکم کسی که نمی‌تواند در وقت شرعی تعیین شده از سوی امام معصوم در عرفه وقوف کند چیست؟ به این معنی که روز عرفه از دید امام حق، یک روز پس از آنها است و انصار پس از وقوف آنها (جماعت باطل) نمی‌توانند قبل از وقت شرعی به عرفه بروند.
فرستنده: ناصر احمد - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصلاة لله رب العالمین، وصلیة الصلاة محمد وآل محمد الائمه والمصروع وسلم تسلیماً.

عبادات واجب باید تا آنجا که امکان‌پذیر می‌باشد در وقت خودش ادا گردد، و کسی که در عرفات، وقوف در روز عرفه برایش ممکن نیست و حتی در شب، می‌تواند پس از فجر، در مشعر وقوف کند. و اگر به دلیل ممانعت ستمگران نتواند در عرفات و مشعر با هم وقوف نماید، چنین کسی «مصدود» محسوب می‌شود و باید طبق حکم «مصدود» عمل کند. این موارد را به تفصیل در کتاب «شرایع اسلام» بیان داشته‌ام. می‌توانید به آن مراجعه و طبق آن عمل نمایید، خداوند توفیق‌تان دهد، و اگر چیز دیگری هست که برای‌تان روشن نیست می‌توانید پرسید.

اصول الفسخ - (زرالصفه ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۳۹: ازدواج با زنان مخالف.

سؤال فقهی: آیا مردی از انصار که به شما ایمان دارد، می‌تواند با زنان مخالف یا زنان اهل کتاب ازدواج موقت کند، و آیا ازدواج دائم با زن اهل کتاب صحیح است یا خیر، زیرا من

از برخی فقهای برادران انصار شنیدم که ازدواج با زنی که به اعتقادات ما نسبت به ائمه و مهدیین معتقد نیست حلال نمی‌باشد، ولی عکس این مطلب را در پاسخ اخیر شما به یکی از برادران خواندم که ازدواج با زن مسلمان جایز است ولی بهتر آن است وی یمانی یا به تعبیری مؤمن باشد. آقای من! ما در باب ازدواج به یک کتاب فقهی، غیر از آنچه کتاب شرایع اسلام به آن پرداخته است نیاز داریم.

سرورم! می‌خواهم از شما بپرسم آیا ازدواج با بیش از یک زن بدون اینکه مرد رضایت همسرش را در این خصوص بگیرد صحیح است؟ چرا که امروزه زنی که بتواند با این موضوع کنار بیاید، دیده نمی‌شود. آیا همسر در این خصوص صاحب رأی و نظر است یا اینکه شرعاً صحیح است که مرد بدون رجوع به همسرش، مجدداً ازدواج نماید؟ و آیا اگر انسان از والدین خود که به دعوت ایمان نیآورده‌اند برائت جوید، عاق شده‌ی والدین و قطع‌کننده‌ی رحم به شمار می‌رود؟ یا تکلیف او چیست و چه باید کند؟

فرستنده: انصاری - سوئد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، و صمد الاعلیٰ صمد و کمال صمد الائم و المجریب و سلم تسلیما.

جایز است که مرد مؤمن با زن مسلمان مخالف و زن اهل کتاب ازدواج کند ولی ازدواج با زن ناصبی جایز نیست، و مرد می‌تواند بدون اینکه زن اولش را باخبر سازد، ازدواج دومش را انجام دهد. بر مؤمن سزاوار است که نسبت به خویشانش نکویی پیشه کند و تا آنجا که می‌تواند در هدایت آنها بکوشد. در مورد والدین به طور خاص، حتماً باید با آنها به احسان رفتار کند حتی اگر مؤمن نباشند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ مِمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»^۱ (اگر آن دو به کوشش از تو بخواهند تا چیزی را که نمی‌دانی چیست با من شریک گردانی، اطاعتشان مکن. در دنیا با آنها به وجهی پسندیده زندگی کن و خود، راه کسانی را که به درگاه من باز می‌گردند در پیش گیر. بازگشت همه‌ی شما به سوی من خواهد بود و من از کارهایی که می‌کرده‌اید آگاهتان می‌کنم).

خداوند شما را توفیق دهد و بر هر خیری استوار فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصد الصغ - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۰: فروختن سی‌دی‌های فیلم خارجی.

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطاهرين وسلم تسليمًا.
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

من از اینکه شما را پدرم صدا بزنم شرم می‌کنم و خجالت می‌کشم زیرا به خاطر کوتاهی بزرگی که در دعوت کردن به سوی خداوند داشته‌ام، مستحق آن نیستم؛ ولی رحمت شما وسیع است، پدرم! اما سؤال فقهی:

یکی از برادران انصار مجموعه‌ای از سی‌دی‌های فیلم‌های خارجی را یافته است و آنها را به من داده تا به کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، بفروشم؛ زیرا او به خاطر وضع بد مالی‌ام بر من شفقت کرده است. نور دیده‌ام! من در این خصوص متحیر مانده‌ام. با این سی‌دی‌ها چه کنم جانم فدایت؟

از شما بابت طولانی کردن بهره‌مان از خداوند به وسیله‌ی شما و علم عزیزتان، معذرت می‌خواهم. سلام گرم و فراوان من به شما، گران‌قدر فرزند گران‌قدر، حفظ شده از آل محمد، محمد بن الحسن که بر شما برترین سلام و تحیات باد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. خداوند تمکین را برای شما تعجیل فرماید و شهادت زیر پرچم محمد و علی (علیهما السلام) را برای من.

فرستنده: ابو: ش م

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطاهرين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. اگر در آن چیز شهوت‌انگیزی باشد، فروش آن جایز نیست. از خداوند مسئلت می‌نمایم که از مال حلال آنچه موجب بی‌نیازی شما می‌شود را روزی‌تان گرداند. اگر از لحاظ مادی در مضیقه می‌باشی، می‌توانی با برادران انصار در

بیت المال تماس بگیری و آنها ان شاء الله در حق شما کوتاهی نخواهند کرد. خداوند شما را بر هر خیری موقّق بدارد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - ربیع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۱: محاسبه‌ی خمس مال پس‌انداز شده و به دست آمده.

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

سرور و مولای من! مایلم درباره‌ی خمس بپرسم. مقداری پول دارم که آن را پس‌انداز نموده‌ام. برخی از این پول هدیه، بخشی از آن مهریه و قسمتی از آن هم از معاشم (درآمد) تأمین شده. بر قسمتی از آن یک سال، گذشته و بر بخشی دیگر از آن، یک سال، نگذشته است. آیا واجب است که خمس آن را خارج کنم؟ و آیا باید از معاش (درآمد) ماهانه‌ام خمس بدهم؟

فرستنده: فاطمه - کویت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليماً.

مال اضافه بر هزینه‌ی سالانه خمس دارد و خمس آن یک بار خارج می‌شود و تکرار نمی‌گردد، حتی اگر چندین سال پس از خارج نمودن خمس، آن مال باقی بماند.

خارج کردن خمس آنچه شما در هر ماه کسب می‌کنی، در هر ماه واجب نیست بلکه خمس بر مال اضافی در پایان سال محاسبه می‌شود. یعنی شما یک روز را در سال تعیین نما و در این روز از هر سال، خمس مال اضافی از درآمد سال را محاسبه و خارج کن. خداوند شما را بر هر خیری موقّق بدارد و بر حق ثابت قدم گرداند و شما را در زمره‌ی کسانی که با آنها دینش را یاری می‌رساند قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - ربیع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۲: سؤال از امامت نماز جمعه.

برادرم، این عمل من فقط به خاطر دو موضوع بوده است: موضوع اول همانطور که سرورم برای شما بیان کردم- به جهت ترس و شفقت بر خانواده‌ی برادرم بابت جدایی و ناراحتی شدیدی بود که به خاطر بچه‌دار نشدن زندگی آنها را فرا گرفته بود... آن هنگام احساسات من تحریک شد و من به خاطر مهر و محبت بر آنها، از شرع سؤال کردم که آیا اکنون که پزشکان به برادرم گفته‌اند وی نمی‌تواند بچه‌دار شود، آیا من این حق را دارم که اسپرم اهدا کنم؟ زیرا او هیچ اسپرمی ندارد... برادرم مدت زمانی طولانی با این قضیه دست و پنجه نرم می‌کرد و هنگامی که من دیدم وضع آنها تأثیر بار شده است، آن هنگام شروع کردم به پرسیدن از شرع در این خصوص و در آن زمان از دید من شرع، فقهای آخرالزمان بودند؛ چرا که از بد شانس‌ی‌ام و به خاطر ظلمی که به خودم روا داشته بودم، نمی‌دانستم وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (علیه السلام) ظهور کرده است. من به دنبال دریافتن پاسخ از فقهای آخرالزمان بودم. من در یک کشور غربی زندگی می‌کنم. این موضوع را به یکی از رجال دینی که به او اطمینان داشتیم سپردیم و او به نوبه‌ی خود حلال بودن این عمل را برای ما سؤال کرد؛ چرا که من می‌دانستم او از علم دین بهره و نصیبی دارد، زیرا وی براساس تعبیرات حوزوی خودشان، دارای درجه‌ی اجتهاد بود...

ارتباط من با این شخص شروع شد تا ما در خصوص حلال بودن این مسأله تحقیق کنیم. ارتباط بین ما در این خصوص مدت زمانی طولانی که نزدیک به دو ماه شد ادامه یافت، و این فرد سؤال من را بر کسانی از اهل نیز تحقیق عرضه می‌نمود و در این خصوص از چند نفر پرسش نمود... و من سخنش را به یاد می‌آورم که به من گفت ما باید با طمأنینه حرکت کنیم و بپرسیم تا مبدا کسی مثل صدام برای ما متولد شود... یعنی باید از حلال بودن آن صد در صد مطمئن شویم و من هم به نوبه خودم عجله‌ای نداشتم... پس از طرح پرسش‌های بین ما از طریق تلفن که بیش از دو ماه به طول انجامید، پاسخ‌ها عمدتاً حلال بودن این عمل را تأیید می‌کرد... پس از آن من بر خدا توکل کردم و اقدام کردم به... و همسر برادرم نیز پس از تحمل رنج و زحمتی طولانی باردار شد. در دوران بارداری نیز سختی‌ها و رنج‌هایی گریبان‌گیر او بود؛ تا اینکه او یعنی زن برادرم در دوران حاملگی در خواب دید که سونوگرافی کرده و کسی که او را سونوگرافی نموده زن محببه‌ای بود و به او گفته بود که شما دچار سختی و مشقت می‌شوی و چیزی که تو را از این مصیبت نجات

می‌دهد این است که عیسی پیامبر خدا و مریم (علیها السلام) را بخوانی.... زن برادرم می‌گوید وقتی من پس از این قضیه نزد دکتر رفتم، دیدم فشار خونم بالا رفته است... سپس به سونوگرافی رفتم و به من گفتند جنین در خطر است و خون به او نمی‌رسد و احتمال مردنش وجود دارد.... من مدام به عیسی پیامبر خدا و حضرت مریم (علیها السلام) متوسل می‌شدم و خدا را به آنها می‌خواندم.... و خداوند دعایم را مستجاب نمود و کودک را سالم به دنیا آوردم، هر چند بسیار کوچک بود و به مدت یک ماه در محل پرورش اطفال زودرس در بیمارستان قرار داده شد. یکی از عواملی که باعث شد من به درست بودن کارم یعنی اهدای اسپرم اطمینان پیدا کنم همین خواب بود.

مدت زمانی پس از تولد کودک، خواب دیدم که من جزو انصار امام مهدی (علیه السلام) هستم. همچنین خواب‌های دیگری دیدم که در آنها بشارتی از جانب آل‌البیت (علیهم السلام) برای من بود. همه‌ی این موارد باعث می‌شد که دل من به درست بودن کاری که انجام داده بودم آرامش و اطمینان یابد؛ ولی سرور و مولایم! احمد الحسن، به تو و بر پدران ائمهات و بر فرزندان مهدیون (علیهم السلام) سوگند، وقتی پاسخ شما به دستم رسید، همه چیز من به هم ریخت و من اکنون در غم و سختی شدیدی گرفتار هستم. نمی‌دانم چه کنم تا این کار زشتم را جبران نمایم.... من برای خودم و برادرم از خدا خیر می‌خواستم ولی کاری خلاف شرع خدا مرتکب شدم.

آقا و مولای من! علاوه بر آنچه در این خصوص بیان داشتیم که مایلیم دستور خدا در مورد آن را بدانم، همچنین سرورم، می‌خواهم بدانم:

۱- معنای حکم شبهه چیست؟ آیا او حرام‌زاده است یا خیر؟ و ما چطور این شبهه را برطرف کنیم و حقیقت را بدانیم؟

۲- آیا وقتی نوزاد بزرگ شد موضوع را به او بگوییم، همچنین به کودکان خودم و عموهای بچه‌ها یا خیر؟

۳- تکلیف و وظیفه‌ی من در قبال این کودک چیست؟

۴- سرورم و مولایم! احمد! سلام بر تو باد، مرا در دعایت فراموش نکن. حال من و ظلمی که بر خویشان روا داشته‌ام را می‌بینی.

۵- اکنون که از وضعیت من مطلع شده‌ای، آیا مرا به عنوان خادم و پسر قبول می‌کنی؟

در پایان، از تو ای آقای من، عذر می‌خواهم زیرا اکنون که این خبر را در مورد من

شنیدی، برای شما هم اسباب زحمت و درد به وجود آورد؛ زیرا ما با اطاعت از شما و اطاعت از دین خدا، شادی را در قلبتان وارد می‌کنیم... در حالی که من با این کار خود شما را غمگین ساخته‌ام. امیدوارم مرا ببخشی ای سرور و مولای من! و به تو متوسل می‌شوم ای سرورم! که برایم برای غفران گناه بزرگم دعا کنی و مرا به عنوان خادم خودت پذیرا باشی. خاک قدم‌های شما را می‌بوسم. از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را نصرت عطا فرماید و بر دشمن خودش و دشمن شما تمکین دهد.

از خداوند مسئلت دارم و از شما چشم امید که پاسخ با سرعت بیاید؛ چرا که برادران شما اگر که برادر خود بدانید. مانند اسفند روی آتش منتظر پاسخ شما هستند؛ با کمال تشکر و احترام برای شما.

فرستنده: انصار الله

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر لله رب العالمين، وهدى الله صبره واكل صبره الاثم والمهيبين و سلم تسليمًا.

فرزند شبهه‌ناک به والدینش منتسب می‌شود و حرام‌زاده نیست؛ خداوند توفیقت دهد. در حالت فوق‌الذکر، صاحب آب، پدر نوزاد است و صاحب تخمک مادر او و کودک از این دو ارث می‌برد و آنها نیز از او میراث می‌برند.

اما باخبر ساختن آن فرزند دختر، هنگامی امکان پذیر است که وی بتواند این امور را درک کند، چرا که از این کار گریزی نیست؛ خداوند توفیقت دهد. موضوع مهم دیگری نیز مطرح می‌باشد؛ اینکه پسران مادرش که صاحب تخمک است، برادران او از طرف مادرش هستند و پسران پدرش که صاحب آب است نیز برادران او از ناحیه‌ی پدرش می‌باشند. وظیفه‌ی شما در قبال او، همان وظیفه‌ی پدر در قبال دخترش است.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر خیر آخرت و دنیا موفق بدارد و مرا بر ادای حقوق شما توفیق دهد؛ خداوند توفیقتان عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصبر الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۴: تصفیه‌ی آب سخت به آب شرب.

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

والصلاة والسلام على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليماً.

من متوجه شده‌ام که برخی کشورهای اروپایی فاضلاب را به آب آشامیدنی بازتولید می‌کنند. آیا این کار جایز است؟ متذکر می‌شوم که برخی انصار در این کشورها زندگی می‌کنند. خداوند توفیقشان دهد.

فرستنده: وصفی التمیمی - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليماً.

تصفیه‌ی آب سخت برای تبدیل کردن آن به آب آشامیدنی جایز است و استفاده از آب پس از تصفیه‌اش اشکالی ندارد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصخ - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۵: حکم و خوردن و آشامیدن شاهدانه.

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

حکم خوردن یا نوشیدن یا استعمال شاهدانه (ماری‌جوانا) به صورت دخانیات چیست؟ از شما خواهش می‌کنم این سؤال را بر سید احمد الحسن که خداوند حفظش نماید، عرضه نمایید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: علی - امارات

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليماً.

خوردن، نوشیدن یا دود کردن ماده‌ی مخدری که از شاهدانه استخراج می‌شود جایز نیست؛ چرا که این ماده‌ی مخدر باعث مستی و نشگی می‌شود. اما استفاده از آن در حوزه‌ی پزشکی با اهداف درمانی جایز است.

اصد الصبح - ربیع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۶: حکم بستن لوله‌ها.

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم بستن لوله‌ها چیست؟ یعنی قطع کردن لوله‌ی تخم‌دان با هدف جلوگیری از بارداری شدن برای همیشه، به جهت رنج و سختی که به زنی وارد می‌شود و عدم تحمل او برای بارداری شدن؟

فرستنده: عبدالرحمن - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، وهدى الامم صمد و آكل صمد الاثم و المهریب و سلم تسلیماً.
جایز است ولی برای زن شوهردار باید با رضایت و موافقت همسرش باشد.

اصد الصبح - ربیع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۷: حکم طهارت و نماز بیمار سکنه‌ای.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على صمد و آله الاثم و المهریب و سلم تسلیماً.
السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سؤال من درباره پدرم «العبادی» است.... پدرم سکنه‌ی مغزی کرده که بر سمت چپ بدنش تأثیر گذاشته است و قادر به حرکت نیست و این موضوع بر وضعیت روحی‌اش بسیار اثرگذار بوده است. وی به خاطر اینکه قبلاً به بیماری دیابت مبتلا شده بود، قبل از سکنه تکرر ادرار داشت و از وقتی که سکنه کرد وضعیتش به قدری وخیم شد که ما او را پوشک می‌کنیم؛ زیرا او نمی‌داند چه وقت ادرار می‌کند و هنگامی که ادرار در مثانه‌اش زیاد می‌شود قادر نیست آن را کنترل کند. این حالت با وضعیت فرد دیوانه‌ای که می‌داند چه وقت ادرار می‌کند فرق دارد. پدرم تقریباً هیچ آگاهی‌ای نسبت به وقت ادرار کردنش ندارد. در این حالت تکلیف او چیست؟ آیا باید تیمم کند یا وضو بگیرد؛ مانند فرد دیوانه؟ یا چیز دیگری است؟ موضوع دیگر اینکه پدرم مشکلی در نماز دارد و او کثیر الخطا است زیرا در نماز تمرکز

ندارد و چه بسا گاهی اوقات وسط نماز با کودکان صحبت می‌کند و نماز را به پایان نمی‌رساند. او تعداد رکعت‌ها و سجده‌ها را فراموش می‌کند و گاهی اوقات دو یا سه بار سجده به جا می‌آورد و بسیار حساس است و اگر ما به او بگوییم که اشتباه کرده است، از ما نمی‌پذیرد. با این حساب تکلیف او در نماز چیست و وظیفه‌ی ما در قبال نمازش و اعمالی که به جا می‌آورد چیست؟ از خداوند امید دارم که سریع پاسخ داده شود؛ زیرا ما نه تکلیف او را می‌دانیم و نه تکلیف خودمان را. در حال حاضر ما برای ادای نماز، او را تیمم می‌دهیم. فرستنده: ابوعلی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والله اعلم بالله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

در خصوص عدم کنترل ایشان بر ادرار، باید حتی الامکان آن را تطهیر کند و وضو بگیرد. در خصوص فراموش کردن زیاد یا سهو یا حتی کار منافی با نماز مثل سخن گفتن، اگر خارج از اراده‌ی او باشد، مثلاً به جهت سال خوردگی یا ضعف ادراک، چیزی بر عهده‌ی او نیست و ان شاء الله نمازش مورد قبول است چرا که خدا هیچ کس را جز به اندازه‌ی طاقتش تکلیف نمی‌کند. شما هم وظیفه ندارید که مراقب نماز او باشید و فراموشی یا سهو او در نماز را به وی تذکر دهید. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

صدر الصخ - ربيع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۸: بری کردن ذمه از شخصی که فوت شده است.

سلام علیکم ورحمة الله و بركاته. از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما و کسی که دوست داری، در خیر و عافیت باشید.

در سال ۱۹۸۰ من تقریباً ۱۲۰ دینار عراقی از شخصی گرفته بودم. وی آن موقع در جنگ مُرد و من نزدیکان او را نمی‌شناسم و اکنون نمی‌دانم چطور می‌توانم ذمه‌ام را از این مبلغ بری کنم؛ چرا که این مبلغ در حال حاضر ارزشی ندارد. خواهش می‌کنم ما را از دعای مبارکتان فراموش نکنید.

فرستنده: ابوناظم - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهيبين وسلم تسليماً.

اگر ورثه‌ای دارد که آنها را می‌شناسی، باید مبلغ را به آنها بدهی و اگر ورثه‌ای ندارد یا شما آنها را نمی‌شناسی، آن مبلغ را به نیابت از او به مؤمنان نیازمند صدقه بده. مبلغ باید بر اساس ارزش پول در این زمان باشد؛ یعنی به ارزش مبلغ در آن موقع نگاه کن و ببین چه کاری با آن می‌توانستی انجام دهی یا در مقایسه با طلا چقدر ارزش داشت و ارزشش را در زمان حاضر برآورد کن.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - جمار الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۴۹: تراشیدن ریش از روی تقیه.

از یکی از برادران سؤالی درباره‌ی تراشیدن ریش از روی تقیه به من رسیده است؛ که آیا جایز است یا خیر؟

فرستنده: ابو هود

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهيبين وسلم تسليماً.

با تیغ جایز نیست حتی اگر از روی تقیه باشد ولی اگر منظور شما ماشین باشد و چیزی که ریش نام دارد باقی بماند، جایز است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - جمار الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

محور سوم:

پرسش‌های متفرقه

پرسش ۴۵۰: حکمت اخفاف در نماز ظهر.

سلام علیکم.

حکمت دو رکعتی بودن نماز صبح و چهار رکعتی بودن نماز ظهر چیست؟ و حکمت عدم جهر (بلند نخواندن) در نماز ظهر چیست؟
آقا و امام من! از شما التماس دعا دارم که برای شفای پدرم که از بیماری قند رنج می‌برد دعا کنی و برای ما نیز دعا فرمایی؛ خداوند ما را بر محبت شما ثابت قدم بدارد. امام و سرور و مولای من! من تباه شده‌ام؛ نمی‌دانم تکلیفم چیست، و من تحصیل کرده نیستم و بی‌سواد هستم.

فرستنده: علی - آلمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهيبين وسلم تسليمًا.

به این سؤال در خصوص علت نماز خواندن و جهر و اخفات در آن پیش‌تر پاسخ گفته‌ام. از خداوند برای شما توفیق و استواری مسئلت می‌نمایم و اینکه خداوند بر پدر شما به خیر آخرت و دنیا منت گذارد و او را شفا دهد و با عافیت بر او منت نهد. ان شاء الله شما تباه شده نیستی بلکه با شناختن حق، تمامی خیر را به دست آورده‌ای. خداوند شما را توفیق و تسدید عطا فرماید و در زمره‌ی کسانی قرار دهد که همواره و در همه حال حق را یاری می‌رسانند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصخ - جمادى الاولى ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۵۱: درخواست دعا.

با طلب مغفرت از عزیز دلم امام مهدی محمد بن الحسن و پسر نیکوکارش احمد

الحسن عليه السلام! سرورم! مولایم! سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. و سلام گرم من به پدر و فرزندان طاهر تو باد.

خادم حقیر شما (ج. غ) از شما درخواست پوزش و بخشش دارد و شما بر آنچه امروز از من سر زده است آگاه‌تر هستید؛ یعنی پاسخ دادن به شخصی پرسش‌کننده، با جوابی که من متوجه نادرست بودنش نبودم تا اینکه یکی از برادران انصار که خداوند حفظشان کند، مرا هوشیار نمود. از آن زمان تا کنون بر خودم خشم گرفته‌ام و نمی‌توانم برای خدمت‌گزاری وارد تالار شوم؛ خجالت‌زده و شرمگین از نفس خبیثم از آنچه از آن سرزده است و از چیزهایی که برادر انصاری‌ام از آن آگاهم نکرده است. طعنه‌ای بود که به حضرتتان زده شد که به خدا قسم ای آقای من، از سر ناآگاهی بود. از عزیزان و سروران طلب بخشش و مغفرت دارم و اینکه از من راضی باشند و آنچه از من سر زد، دیگر تا زنده‌ام تکرار نخواهد شد. پناه می‌برم به خدا و طلب بخشش می‌کنم و به او بازمی‌گردم.

خداوند به فریاد دل شما برسد بابت آنچه از مخالفین شما در حق تان صادر می‌شود و همینطور بابت آنچه از ما صادر می‌شود! سرورانم! پوزش، پوزش، پوزش، و شما را می‌سپارم به خدایی که سپرده‌هایش را تباه نمی‌کند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: ج. غ - اسپانیا

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، و صمد اللعمر صمد و کمال صمد الائم و الصمدین و سلم تسلیماً.

خداوند به شما جزای خیر دهد و بر هر خیری موفق‌تان بدارد. از خداوند مسئلت می‌نمایم که مرا بر ادای حقوق تان توفیق عطا فرماید و اینکه در حق شما تقصیر کار نباشم. خداوند شما را در پوزش خواهی از آنچه از روی عمد نبوده است، توفیق عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

الصمد الصمد - صمد الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۵۲: حکم همکاری با ارتش و درخواست دعا.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درود و سلام گرم خدمت سرور و مولایم احمد (علیه السلام)، اما بعد....

سرور و مولایم!

۱- من در بخش دولتی در ارتش کار می‌کنم. آیا به من اجازه می‌دهی کارم را ادامه دهم یا اینکه درخواست کناره‌گیری نمایم؟

۲- مولای من! می‌خواهم توبه کنم ولی نمی‌دانم چرا نماز نمی‌خوانم و روزه نمی‌گیرم. در من چیزی هست که نمی‌گذارد نماز بخوانم و چیزی هست که نمی‌گذارد روزه بگیرم. مولای من! شدیداً به دعای شما نیازمندم، سرور و مولای من! اگر برای من دعایی هست، خواهش می‌کنم آن را به من بدهید تا بخوانم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. خادم تقصیرکار شما ابوحسین.

از برادرانم در کمیته‌ی علمی تقاضا دارم درخواستم را به امام احمد الحسن (علیه السلام) برسانند و امیدوارم پاسخ از سوی ایشان (علیه السلام) باشد.

فرستنده: ابوحسین - کویت

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَلِیْمِ، وَ الصَّلٰوةُ لِلْعَمَلِ مَصْدُورٌ وَ كَلِّ مَصْدُورٌ لِّلْاِثْمِ وَ الْمَهْرَبِیْعِ وَ سَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

اگر در کار فعلی شما، کمکی به ظالم بر ظلمش نباشد و در کاری که داری، به ارتش آمریکا کمک نمی‌کنی، می‌توانی ادامه دهی، شاید خداوند برای شما راهی جهت نصرت حق قرار دهد.

و اما در مورد نماز و روزه، خداوند رحمت کند، بدان شیطان سر و کارش با شما است چرا که دیگر مردمان خودشان با خروج از ولایت، خیال او را راحت کرده‌اند. سفارش من به شما این است که نماز شب بخوانی ولو دو رکعت در هر شب. از برکت نماز شب این است که دژی در برابر شیطان می‌باشد و شما را بر ادای واجبات توفیق می‌دهد. همچنین بر شما باد خواندن برخی ذکرها که می‌توانی آنها را حتی وقتی در حال حرکت هستی یا در خانه نشسته‌ای بر زبان بیاوری. این ذکر دژی در برابر شیطان است: با عبارت «سبحانه هو الله الواحد القهار» شروع کن و بکوش که آن را ۱۰۰۰۰ بار تکرار کنی. و من الله التوفیق.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - اواخر صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۵۳: آیا در سایر سیارات هم کسانی وجود دارند؟

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ...

آقای من، حجت من، حبیب من و نور دلم! به خدا سوگند کلماتی که بیانگر عشق و علاقه‌ی من به شما باشد یافت نمی‌شود و والله نمی‌دانم چگونه آنچه درونم هست را بر زبان آورم؛ سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش. آقای من! جانم فدای تو باد! من - پناه می‌برم به خدا از گناه و شرک بزرگ منبت - به خدا سوگند مشرف می‌شوم و به خدا سوگند از خدای علی عظیم درخواست می‌کنم که خاکی که پای شریف و طاهرت بر آن می‌گذاری و نیز پای اهل بیت پاک و پاکیزه‌ات بر آن می‌گذارند را ببوسم و آن را خدمتگزاری کنم. سرورم! به دیدن شما بسیار مشتاقم، سرورم! به جز رضای خدا و رضای شما ای پاکیزگان و ای بزرگواران، خواسته‌ای ندارم. مولای من! مرا بر کوتاهی‌ام و خطاهایم ببخش. از خدا و محمد و آل محمد علیهم‌السلام درخواست می‌کنم که از من راضی باشی؛ فقط رضای خدا و رضای شما! و شکر خداوند در همه حال.... سرورم! من فقط یک سؤال دارم و امیدوارم حضرتعالی به آن پاسخ دهید.

سؤال: آیا غیر از سیاره‌ی زمین، سیاره‌ی دیگری هم وجود دارد که مردم یا نوع دیگری که در میان آنها پیامبران و فرستادگان و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام مبعوث شده باشند، وجود داشته باشد؟

فرستنده: خالد - کویت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، وهدى الامم صمد واکل صمد الائم والمهیریع و سلم تسلیما.

خداوند برترین پاداش نیکوکاران را به شما بدهد و شما را بر هر خیری توفیق عطا فرماید. در سیارات دیگر، مخلوقات بسیار زیادی وجود دارند که اگر در میان ما حاضر شوند،

ما می‌توانیم برخی از آنها را با چشم زمینی مان ببینیم. گروهی دیگر نیز قابل رؤیت نیستند؛ زیرا از محدوده‌ی طیف رنگی و چگالی که ما با چشمان خود قادر به درکشان هستیم، خارج می‌باشد.

برخی از این مخلوقات مکلف هستند و خداوند پیامبرانی را برای انذار و تیشیر آنها مبعوث می‌فرماید، درست همانطور که خداوند پیامبرانی برای انس و جن در این زمین فرستاده است. والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصح الصبح - (واضح صفر ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۵۴: درخواست دعا.

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم لا اله الا انت وحدك لا شريك لك ولا كفيل لك ولا يعينك على ما امرت ولا ينصرك اليك ولا يثبت لئلا تذل في الدين من بعد الدنيا فتكون اولى الناس بدينهم. اللهم صل على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليماً كثيراً.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم. «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»^۱ (و اگر هنگامی که مرتکب گناهی شدند نزد تو آمده بودند و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برایشان آمرزش خواسته بود، خداوند را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند) ، «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدَ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲ (آنان که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند. دست خدا روی دست‌هایشان است و هر که بیعت بشکند، به زیان خود شکسته است و هر که به آن بیعت که با خدا بسته است وفا کند، او را مزدی کرامند دهد).

سلام بر مهدی احمد. سلام بر وصی حجت خدا. سلام بر فرستاده‌ی بقیة الله. سلام بر نخستین مؤمنان و زینت اولین و آخرین. سلام بر صاد و نهر بهشت. سلام بر یمانی موعود. سلام بر تو ای آقا و مولای من احمد الحسن.... و رحمة الله و برکاتہ.

سرور و مولایم! سلام علیکم. ان شاء الله که احوال شما به خیر و سلامت باشد.

سرورم! من و پناه می‌برم به خدا از منیت، یکی از خادمان شما هستم و گناهان بر من انباشته شده است و آمرزش‌خواه از آنها به سوی تو آمده‌ام، امیدوارم به فضل خودتان مرا

۱ - نسا: ۶۴.

۲ - فتح: ۱۰.

بیخشایی، که شما وسیله‌ی من به سوی خداوند عزوجل هستید و این از توفیق خداوند است که با شما بر ما منت نهاده است.

سرورم احمد الحسن!.... توبه، توبه، خطای مرا ببخش که من بنده‌ی تقصیرکار تو هستم، و لا حول و لا قوة الا بالله. بر خدا توکل می‌کنم و به درگاه او روی می‌آورم. از شما التماس دعا و ثبات با شما در عافیت دارم.

بر درگاه کریم آدم بدون پنج توشای
از حنات و قلب سلیم
زشت‌ترین چیز بدون توشا است
بگام وارد شدن بر کریم^۱

فرستنده: محمد الصفار - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، و صمد الله صمد و كل صمد الا لله و الصمد يبع و سلم تسليماً.

خداوند برترین پاداش را به شما دهد و شما را بر هر خیرى موقتى بدارد، و جزو کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

صمد الصمد - اول صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۵۵: درخواست دعا برای توفیق.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على صمد و آله الا لله و الصمد يبع و سلم تسليماً كثيراً.

سلام علیکم و رحمت الله و بركاته. من از عاشقان خداوند و عاشق محمد و آل محمد و مهدی و مهدیون و امام احمد الحسن یاری شده توسط خداوند، هستیم. بارالها، امام مهدی و فرزندش سید احمد الحسن برگزیده‌ی پاک را محافظت فرما و من تا روز قیامت به آنها مؤمن خواهیم بود. امیدوارم نامه‌ام را به موعود، یمانی یاری شده برسایند - سلام خداوند بر ایشان - که ایشان دعایی مخصوص من به جهت توفیق نمایند؛ اینکه خداوند قلب‌های ما را پس از

هدایت به ایشان، منحرف نکند که اگر خداوند ما را هدایت نمی‌فرمود، راه خویش نمی‌یافتیم. اینکه برای هدایت شدن پدرم دعا فرمایی. به خدا سوگند که من به شما ایمان آوردم از همان ابتدا که سید اسماعیل انصاری که خداوند توفیقش دهد و نیکوترین پاداش‌ها را نصیبش فرماید، مرا به سوی شما فراخواند. شما را به زهرا و پدرش و شوهرش و فرزندانش و سرّ به ودیعه گذاشته‌اش و ائمه معصوم و مهدیون سوگند می‌دهم که مرا دعا کنید و همچنین شما را به ام البنین پاک و فرزندش، که عذر مرا در کوتاهی در نوشتن پذیرا باشی؛ چرا که شما باب خداوند هستی. سلام بر بقیت الله، برگزیدگان پاک و انصار خدا. نامه‌ام طولانی شد. با تشکر از انصار سایت؛ من خادم شما و ایشان و خاکی هستم که بر آن قدم می‌نهد. سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. درود و صلوات خداوند بر محمد و آل محمد، ائمه و مهدیون و سلم تسلیماً کثیراً. به امید رحمت تو ای برترین رحم‌کنندگان. سلام بر شما مادام که باقی هستم و شب و روز پابرجا است و خداوند به حق محمد و آل محمد، ما را از انصار شما قرار دهد؛ آمین یا رب العالمین.

فرستنده: منتظر الانصاری - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطيبين و سلم تسليماً.

خداوند شما را پاداش نیکو عطا فرماید و بر هر خیری موفق بدارد، و جزو کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند.

والسلام عليكم و رحمة الله وبركاته.

اصد التاسع - (واضع صفر ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۵۶: درخواست دعا.

مولا و سرورم! احمد الحسن، فرستاده‌ی بقیة الله محمد بن الحسن (عليه السلام)، خداوند فضلش را بر ما تداوم بخشد و سلام و صلوات خداوند بر شما و پدرانتان و مادران فاطمه‌ی زهرا سرور زنان جهانیان که جانم فدایش باد، و سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. آقای من! حدود سال ۱۹۷۸ در منطقه‌ی صحرای غربی، پس از جست‌وجویم از حقیقت و بعد از ناامید شدنم از اوضاعی که فهمیدم همه ناشی از حوادث آن دگرگونی نامبارک و شوم

در روز سقیفه که نسبت به رحمت عالمیان ارسال شده از جانب رب العالمین صورت گرفته بود، می‌باشد، قبل از طلوع فجر رؤیایی دیدم؛ من تک و تنها در یک مسیر حرکت می‌کردم و در کنار درب یک ساختمان عظیم، بتی دیدم که شکافت و به شکل مخلوقی زشت و ترسناک تبدیل شد که من فکر کردم او ابلیس (لعنت الله) است. او شروع کرد به بوئیدن من. او زبان گشود و ندای احد، احد، احد، احد سر داد و از پشت سرم به همین اسم صداها بلند شد و صداها یکی شد و شدتش زیاد شد. ناگاه شکاف بسته شد و بت به وضعیت اولش بازگشت و آن مخلوق زشت پنهان گردید و با صدای موذن که اذان صبح می‌گفت، بیدار شدم.

مولایم و سرورم! بدانید یکی از انگیزه‌هایی که مرا به تصدیق شما و ایمان آوردن به آنچه شما آورده اید سوق داد، همین رؤیا بوده است. سرورم! توفیق مرا از خدا با دعا بخواه و این که مودت و محبت شما و دعوت برای شما و خدمتگزاری انصارتان را روزی‌ام کند، سرورم! والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. خادم شما و تقصیرکار گناهکار توبه‌کار. فرستنده: احمد - مراکش

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، و صمد اللعین صمد و کمال صمد الائم و المهریخ و سلم تسلیماً.

خداوند به شما پاداش نیکو عطا فرماید و بر هر خیری موفقتان گرداند و در زمره‌ی کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

صمد الصمد - اواخر صفر ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۵۷: آیا اسلام دوست داشتن را حرام می‌داند؟

سلام بر شما آقا و مولای من، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی. مرا بابت این سؤال ببخشید ولی مایلیم به آن پاسخ داده شود؛ چرا که در اندرون من غوغا و درگیری به پا کرده است. آیا دین اسلام عشق ورزیدن بین زن و مرد را حرام کرده است؟ اگر نیت، ازدواج و ارتباط رسمی باشد، آیا برای زن جایز است یا حرام؟ من بابت این سؤال معذرت می‌خواهم و امیدوارم سید احمد الحسن پاسخ سؤالم را بدهد.

فرستنده: یک دختر دانشجو - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصّمد لله ربّ العالمین، و صلوات اللّٰه علیک و آئالک و الصّالحین و سلم تسلیمًا.

خداوند سبحان و متعال قانونی برای رابطه‌ی عاطفی و جنسی بین زن و مرد - از جهت مذکر و مؤنث بودن آنها - مقرر کرده است که همان عقد ازدواج می‌باشد؛ ازدواجی که در آن وجود دو شاهد بر عقد لازم است؛ یا اگر شاهدی نباشد، پس از جاری شدن، اعلان گردد... و این برای تضمین حقوق زن و تضمین ثمره‌ی برقرار شدن ارتباط بین دو انسان مؤنث و مذکر می‌باشد...

و خدا آگاه است که من خواهم کوشید که شما و تمام دختران مؤمن را نصیحت کنم تا در راه صحیحی که زندگی پاک و کریمانه‌ای برای شما به بار می‌آورد، گام نهدید.

آنچه شما عشق و دوست داشتن نام می‌نهی در واقع چیزی فراتر از درخواستی برای عشق‌ورزی آن هم به شکل یا به صورتی خاص، یا ابراز برخی رفتارها و کلماتی که بیشترشان غیرواقع و تکلف‌برانگیز است و از شخصیت واقعی مرد و زن به دور است، نمی‌باشد. به واقعیت‌های موجود بنگر. من نمی‌خواهم بیش از آنچه تحقیقات و مباحث استنتاجی تجربی از واقعیت‌های موجود می‌گویند، بگویم؛ تحقیقاتی که براساس نتایج واقعیت‌های موجود صورت گرفته است نشان می‌دهد که آنچه عشق یا علاقه‌ی بین زن و مرد خوانده می‌شود، پس از ازدواج یا پس از معاشرت بین زن و مرد، مدت زیادی به طول نمی‌انجامد، همان گونه که امروزه در مغرب‌زمین مشاهده می‌کنیم و چه بسا در بهترین حالت، از چند سال تجاوز نمی‌کند. در حالی که عشق و دوست داشتن واقعی، غیرممکن است بعد از گذشت چند سال و حتی بعد از مرگ و ترک کردن این دنیا، پایان پذیرد. بنابراین عشق واقعی و زنده و پابرجا، عشق به خداوند سبحان و متعال است؛ چرا که با آن زنده‌ی پابرجای سبحان و متعال ارتباط دارد و به دنبال آن، هر عشقی که با این عشق ارتباط داشته باشد، از زنده بودن این عشق حقیقی، زنده خواهد ماند. بنابراین، اگر عشق زن نسبت به زوجش و یا عشق مرد نسبت به همسرش به خاطر خداوند و در راه اطاعت از او و به جهت نزدیک شدن به خدا و در اطاعت از خداوند باشد، عشقی حقیقی، زنده و پاینده خواهد بود؛ چرا که درواقع پیرو عشق به خداوند می‌باشد... و کسی که قلب‌ها و دگرگونی‌هایش در دست او است،

چگونه غیر از خداوند سبحان و متعال را می‌خواهد؟ پس آن قادر است که عشق بین زوجین که بر عشق او سبحان و متعال بنا شده است را تدام می‌بخشد.

از همین رو فرستاده، مؤمن به سمت همسر دین‌دار و قرین شدن با او تشویق می‌کند و همچنین زن را با سمت همسر دین‌دار و همنشین شدن با او سوق می‌دهد. خداوند توفیقت دهد. کریم عزیز مطیع خداوند سبحان کریمی باشد که اولیایش را تباه نمی‌کند و در دنیا و آخرت بر ایشان ترحم می‌نماید. آن قادر متعال است که زن مؤمنی که به سوی خود سبحان و متعالش رو کرده است را متمایل به قرین شدن با مرد مؤمن و دین‌دار می‌نماید.

اما روابطی که شما قبل از عقد ازدواج و یکی شدن، عشق می‌نامی، در واقع در بسیاری موارد سببی برای از دست دادن عزت و کرامت و عفت زن می‌گردد و به طور طبیعی زن مؤمن کریم عزتمند از این وضعیت اجتناب می‌کند و عاطفه و علاقه‌اش را متوجه شخص مؤمن صالحی که پس از عقد شرعی همنشین او می‌گردد، می‌کند.

اعتماد زن مؤمن باید به خدا باشد و بر او توکل کند و از او سبحان و متعال بخواهد کسی که واقعاً مورد رضایش می‌باشد، نصیبش کند و به دنبال آن روزهایی که خداوند در این دنیا مقدر کرده است را در کنار او بزرگوارانه و عزتمند در سایه‌ی عشق و محبت سپری کند.

والسلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ.

برخی از متونی که به طور خلاصه برخی دانشمندان جامعه‌شناس با تکیه بر تجربیات به دست آورده‌اند به شرح زیر می‌باشد:

جامعه‌شناسی آمریکایی به نام ویلیام روبنسون مستند بر نتیجه‌گیری از مجموعه‌ای از ماجراهای عشقی می‌گوید: «عمر فرضی عشق‌ورزیدن پس از ازدواج، سه سال است و نه بیشتر» و همچنین می‌گوید: «هنگامی که عشق به پایان عمر فرضی‌اش می‌رسد، فروغش به خاموشی می‌گراید و نوعی خواست عمومی را طلب می‌کند تا اینکه رابطه‌ی عاشقانه چشم باز می‌کند و این حقیقتی که زندگی مشترک از آن غافل بوده است را درک می‌کند».

همچنین او می‌گوید: «واکنش‌های شیمیایی مغز غالب بر تراکنش دوست داشتن، بر تولید پالس‌ها سایه می‌افکند و پالس‌های عشق و انرژی عواطف مدت سه سال به طول می‌انجامد. سپس این پالس‌ها متوقف می‌شود، درست مثل یک باطری خالی و دیگر نمی‌تواند آزادسازی پالس‌هایش را از سر گیرد. پس از این، رابطه‌ی مبتنی بر عشق تبدیل به رابطه‌ی

تعادلی و خالصانه می‌گردد».

پروفسور سندی هازان از دانشگاه کورنل نیویورک پایان‌نامه‌ای را بر اساس تحقیق روی پنجاه هزار زن و مرد از ۳۷ فرهنگ مختلف در سرتاسر عالم چه از پیشینیان و چه افراد اخیر، به اجرا رسانید. این پایان‌نامه عبارت بود از مجموعه‌ای از آزمایش‌های روان‌شناسی و بیولوژیکی برای مقایسه‌ی سطح عشق و علاقه‌ی بین دو نفر که یکدیگر را دوست داشتند، و نتیجه‌ی حاصل شده چنین بود: «عشق نمی‌تواند درطول زندگی استمرار یابد؛ چرا که تحقیقات تأکید می‌کند که عشق نمی‌تواند بیش از حداکثر هفت سال به همراه رابطه‌ی دوستانه زندگی کند، و پس از آن می‌میرد».

اصغر الصغیر - (اول صفر ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۵۸: درخواست حرز یا دعا.

اللهم صل على محمد و آل محمد و سلم تسليماً.

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. از آقا و مولایم احمد الحسن (علیه السلام) التماس دعا برای شفای کودک خردسالم را دارم. کودکم که بیش از دو سال ندارد، به دیابت (خداوند شما را از این مرض دور نگه دارد) مبتلا شده طوری که خواب را از او گرفته است. سلام و صلوات خدا بر شما ای اهل بیت.

فرستنده: خادم بن جنوب - کانادا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والله اعلم بالله رب العالمين، و صل على محمد و آل محمد و سلم تسليماً.

خداوند پاداش نیک به شما عطا فرماید و شما را بر هر خیری موفق بدارد، و جزو کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که بر فرزند شما به آنچه مشیت او از عافیت است منت نهد. خداوند شما را توفیق عطا فرماید و استوار بدارد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

اصغر الصغیر - (اول صفر ۱۴۳۱ هـ. ق)

پرسش ۴۵۹:

سلام علیکم ورحمة الله

شیخ فاضل: پس از تحیت اسلام.... درباره‌ی شما زیاد شنیده‌ام. من دانشجو هستم و به چهل و پنج سالگی نزدیک شده‌ام و از شما درخواستی دارم که از خداوند علیّ قدیر امیدوارم که مرا به آن برساند و آن «حرز یا دعایی است که مرا به آن مخصوص گردانی» چرا که این حزب برای فضیلت حضرتعالی است و نه دیگر مشایخ یا ائمه. با توجه به اینکه من بیش از بیست سال از عمرم را در علوم آل‌البیت و اولیا و صالحین صرف کرده‌ام ولی تا کنون به مراد و آرزویم نرسیده‌ام و بر خداوند است که راه راست را بنماید.

فرستنده: امجد النجار - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، وهدى‌الاعلم صمد وکل مصدر الاثم و التوبه و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیرى موقّق بدارد، بدون اینکه راهی داشته باشی چطور می‌توانی به مقصد برسی؟!

اگر شما به دنبال شناخت راهی هستی که به محض اینکه پایت را بر روی آن بنهی، شما را برساند، با اخلاص خدا را با این ذکر یاد کن؛ در سه روز اگر امکان داشت یا کم‌تر: سوره‌ی نور را هفتاد بار بخوان و بگو: «تَبَّأَيَّ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ» (علیم خبیر مرا باخبر ساخت) ۱۰۰۰۰ بار بدون این که بخوابی یا آن را قطع کنی - خداوند شما را بر اخلاص موقّق بدارد- تا خداوند راه را به شما بشناساند، که اگر شما راه را بشناسی، خود را می‌بینی که به آرزویت رسیده‌ای. خداوند توفیقت دهد.

و بپرهیز از اینکه فقط با زبان رو سوی خدا آوری و از او طلب هدایت کنی. شما باید هر خود را از هر گونه معرفت قبلی که از خدا یا اولیای او که خداوند سبحان و متعال ارشادشان کرده است، سرچشمه نگرفته باشی، عاری کنی.

بدون افکار و احکام پیشین، در پیشگاه او بایست، همانطور که خود خدای سبحان به تو آموخته است که وقتی رو به سوی خانه‌اش می‌آوری موی سرت را می‌تراشی؛ مو در ملکوت به افکار و آنچه در عقل انسان است، اشاره دارد.

از هر فکر و حکم قبلی آزاد و رها شو و با اخلاص به خداوند رو آور، و تو خود را چنین

می‌یابی که راه را شناخته‌ای و بر آن پا نهاده‌ای و به فضل خدا بر تو، به مقصد رسیده‌ای. والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصححه المصحح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۰: معنی سخن امیر المؤمنین: «إذا صاح الناقوس...».

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم صل على محمد وآل محمد والمصطفى وسلم.

پاسخم را فقط از پدر، امام (علیه السلام) می‌خواهم و نه کس دیگر!

سلام بر پدرم، مکلم موسی بر طور، و رحمة الله و برکاته.

سرورم! نقش‌های شما بر ما پوشیده نیست و علم شما بسیار است، بسیار. خداوند شما را حفظ کند و ما را از انصار واقعی و تصدیق‌کننده‌ی شما قرار دهد. آمین.

از شما خواهش می‌کنم تمام حدیث امام امیر المؤمنین سرور دین، امام‌مان (علیه السلام) را از «إذا صاح الناقوس و کبس الکابوس...» (وقتی که ناقوس به صدا درآید و کابوس و ریاست طلب قیام نماید...) تا پایان حدیث به طور کامل برایم تفسیر نمایی. سلام بر تو ای پدرم، امامم و آقایم، ای مکلم موسی، ای شبیه موسی (علیه السلام)، ای شبیه عیسی (علیه السلام)، لعنت خدا بر کسانی که امروز سر حسین (علیه السلام) را بر نیزه می‌کنند.

فرستنده: انصاری - سوئد

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والله لله رب العالمین، وصلی اللہ علی محمد و آل محمد اللائم والمصطفى وسلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خبری موفق بدارد و استوار گرداند و جزو کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند. ان شاء الله هر وقت که نیاز به سخن گفتن با مردم و انصار باشد، به فضل خداوند بر من، به این کار اقدام خواهم کرد، و از خداوند سبحانه و متعال مسألت می‌نمایم که به فضل و منتش مرا بر خدمتگزاری شما توفیق دهد.

خداوند توفیق دهد، برخی از نشانه‌های ظهور و تفصیل آن برای غایات و اغراضی به صورت رمزگونه در روایات آمده است، و ما نمی‌توانیم از آن پرده بگرییم مگر آنچه خداوند آشکار نمودنش را برای ما خواسته باشد و آن، هنگامی است که خدای سبحان اراده فرموده

باشد. آنچه را که برای شما ترک نموده‌ایم (شرح نداده‌ایم) بر شما است که با آنچه خداوند شما را بر آن توفیق عطا فرموده است، بفهمید و دریابید، و ان شاء الله در زمان خودش به طور روشن و واضح برایتان آشکار خواهد شد. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۱: درخواست مشورت برای ازدواج.

ای سرور و ای مولایم! سلام علیکم.

در ابتدا از اینکه من شما را به مشکلات شخصی خودم مشغول می‌دارم متأسفم، و خدا می‌داند چقدر از این موضوع ناراحت هستم. سرورم! مشکل من این است که هر وقت قصد ازدواج داشته‌م و همسر مناسبی یافته‌م، موانعی پیش آمد و ازدواج را خراب کرده است و حتی در برخی امور، به خاطر این موضوع با انصار سخت‌گیری می‌کنم و من مورد سرزنش قرار می‌گیرم ولی نمی‌دانم چرا چنین چیزی بر سرم می‌آید. برخی اوقات همسر مناسبی پیدا می‌کنم ولی استخاره بد درمی‌آید یا استخاره خیلی خوب است ولی آن فرد برای همسری من مناسب نیست یا خانواده‌ام مخالفت می‌کنند، یا وقتی تلاش می‌کنم، سختی‌ها و موانعی پیش می‌آید.

من از این موضوع گیج شده‌ام و نمی‌دانم چه کنم. حال آنکه من جوان هستم و تمایل به ازدواج کردن دارم و حتی قبل از اینکه وارد دعوت مبارک شوم، این موضوع مرا رها نکرده است. وضعیت من این گونه است، گویی نفرینی است که پشت سر هم بر من وارد می‌شود یا سحر و جادویی یا چیزی شبیه به آن. حتی من دختر عمومیم را که از انصار نبود، خواستگاری کردم ولی نپذیرفتند که او را به ازدواج من در آورند، چون من از انصار هستم، و از این موارد بسیار بسیار بوده است.... ولی اکنون از اینکه بخواهم برای هر زنی پا پیش بگذارم، می‌ترسم، از ترس نتیجه‌اش و به خاطر این که احساسات آن زن را جریحه‌دار نسازم. با این نامه می‌خواهم بدانم که چه برایم حاصل می‌شود.

موضوع دوم این است که یکی از زنان انصاری، یک دختر انصاری برای من یافته است و من حیران مانده‌ام که آیا برای ازدواج با او پیش‌قدم شوم یا خیر. پدرم! نظر شما در این خصوص چیست؟ و به من اجازه بده که شما را اینچنین صدا بزنم زیرا من غیر از شما پدری

برای خودم نمی‌بایم. همه تقاضای من از شما این است که مرا راهنمایی فرمایید چه کنم. از اینکه مطلب به درازا کشید متأسفم. در امان و حفظ خدا باشید. خداوند شما و آل محمد علیهم‌السلام را گشایش حاصل کند. آمین.

فرستنده: فیزیکی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواتنا على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر هر خیری موفق بدارد. بر شما است که قبل از پیش‌قدم شدن برای ازدواج، دو رکعت نماز بخوانی و از خداوند بخواهی که زن صالحی برای شما فراهم آورد که شما را محافظت کند و یاری‌دهنده‌ی شما در مسیر حرکت به سوی خدا و حق باشد و شما را برای ثابت ماندن بر مسیر پُرچار یاری دهد.

بهتر آن است که این نماز شما در ضریح امام حسین علیه‌السلام باشد و شما حسین علیه‌السلام را شفیع خودت نزد خدای سبحان قرار دهی. پس از آنکه خداوند به منت خود همسر صالحی را برای شما میسر فرمود و پس از عقد ازدواج، دو رکعت نماز شکر بخوان و پس از آن دعا کن که دعا هنگام عقد ازدواج به اذن خداوند مستجاب می‌شود. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد، و خیر آخرت و دنیا را روزی شما گرداند. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

اصححه الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۲: قسم دادن برای دیدن یمانی از طرف شخصی که او را ندیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

سرور و مولایم یمانی آل محمد علیهم‌السلام سلام بر تو باد.

آیا وقتی از انصار سؤال می‌شود: آیا سید احمد الحسن علیه‌السلام را دیده‌ای؟ جایز است بگوید آری؛ و مثلاً منظورش این باشد که او را در خواب دیده است؟

فرستنده: ایاد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواتنا على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را توفیق عطا فرماید و ثابت قدم گرداند. در راست‌گویی، نجات است؛ پس حقیقت را همان‌طور که هست بگویید، و کسی که خداوند ایمان را برای او خواسته باشد، ایمان خواهد آورد. خداوند شما را توفیق دهد و استوار فرماید و ثابت قدم گرداند.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۳: وضعیتیم به گونه‌ای است که نمی‌توانیم بیعت‌م را علنی کنیم.

آیا بیعت حتماً باید علنی باشد یا اینکه می‌تواند فقط به صورت قلبی (تقیه) باشد؟ وضعیت من در جایی که هستم به گونه‌ای است که نمی‌توانم بیعت‌م را علنی سازم، من خانواده دارم و سرپرست آنها هستم و سه دختر خردسال دارم. چه کنم؟

اللهم صل على محمد وآله الأئمة والمهريين وسلم تسليماً كثيراً.

با تشکر.

فرستنده: باسم - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صل على محمد و آله و صلوات الله عليهم و سلم تسليماً.

اگر وضعیت‌تان به گونه‌ای است که به شما اجازه نمی‌دهد علنی کنید، می‌توانی ایمان خود را پوشیده داری. اگر کسی را یافتی که در او نشانه‌ی خیر دیدی، می‌توانی او را تبلیغ یا حتی او را به خواندن و گوش دادن از طریق راه‌هایی که در دسترس هست، ارشاد نمایی. خداوند شما را توفیق دهد و تسدید عطا فرماید و ثابت قدم گرداند.

والسلام عليكم و رحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۴: کدام یک برای دختر بهتر است: ازدواج یا درس خواندن.

اللهم صل على محمد و آله الأئمة والمهريين وسلم تسليماً.

سلام بر تو ای آقا و مولای من، یمانی آل محمد (علیهم‌السلام) و سلام بر تمامی انصار. خداوند ما را از ثابتین بر ولایت قرار دهد، ان شاء الله.

سرورم! پرسشی دارم خواهش می‌کنم آن را پاسخ بگویید، اگر من جزو کسانی باشم که استحقاق دارم شما به آنها پاسخ دهید.

سؤال من: برای دختر کدام یک بهتر است: ازدواج یا درس خواندن؟ و اگر کسی از انصار به خواستگاری او بیاید، بهتر است درس را ترک کند و ازدواج نماید یا اینکه درسش را ادامه دهد؟ و اگر او از ازدواج خودداری ورزد آیا به خاطر اینکه اولیای خداوند را رد کرده است گناهی بر او می‌باشد؟ زیرا آنها قبول نمی‌کنند که این دختر درسش را تکمیل کند؛ و آیا او می‌تواند با غیر انصار ازدواج کند؟ و آیا برای مرد نیز جایز است که با غیر انصار ازدواج کند؟ این سؤال من است، سرورم! امیدوارم شما به آن پاسخ بدهی و به آنچه صلاح مرا در آن می‌بینی برایم دعا فرمایی.

فرستنده: نرجس - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطاهرين و سلم تسليمًا.

اگر تعارضی بین ازدواج و درس خواندن باشد، برای زن ازدواج کردن بهتر است ولی اگر درس خواندن را ترجیح می‌دهد، می‌تواند ازدواج را ترک گوید و به درس خواندن ادامه دهد، و اگر تعارضی بین این دو نباشد، ازدواج کند و درسش را ادامه دهد. زن مؤمن به حق می‌تواند با مرد مؤمن به ائمه و مهدیین از اهل حق، یا با مسلمان مخالفی که با ائمه یا مهدیون دشمنی نداشته باشد ازدواج کند. کراهت دارد که زن مؤمن با مرد غیرمؤمن ازدواج کند و برای او بهتر است که همنشین غیرمؤمن نشود.

اما مرد مؤمن می‌تواند با زن مؤمن یا زن مسلمان مخالف که با ائمه یا مهدیون دشمنی نداشته باشد ازدواج کند و همچنین او می‌تواند از اهل کتاب چه مسیحی و چه یهودی، همسر اختیار کند.

از خداوند خیر آخرت و دنیا را برای شما مسئلت می‌نمایم، و اینکه شما را بر حق و یاری دادن حق ثابت قدم بدارد، و امورت را به آنچه دوست دارد و به آن خوشنود است میسر فرماید.

والسلام عليكم و رحمه الله وبركاته.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۴۶۵: پرسشی فقهی و معنی این سخن خداوند متعال: «أشْرَحَ لِي صَدْرِي...»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام و صلوات بر شریف‌ترین خلق خدا، محمد و بر اهل بیت طیب و طاهرش، ائمه و مهدیین و سلم تسلیماً.

از خداوند بلند مرتبه‌ی قادر مسألت دارم که بر خیر باشید و خداوند شما را از تمامی شرّ این دنیا محفوظ بدارد، به حق لا اله الا هو الحی القيوم. آقای من، چند سؤال دارم که امیدوارم به آنها پاسخ دهید:

سؤال اول: آیا انسان می‌تواند در مغازه‌ای که گوشت خوک در آن فروخته می‌شود کار کند، با توجه به اینکه او آن را به مسلمانان نمی‌فروشد. همچنین مغازه، متعلق به او نیست و وی فقط کارگری در مغازه است؟

سؤال دوم: اگر شخصی راننده‌ی کامیون باشد و در شرکتی که در آن کار می‌کند، گوشت‌های غیرحلال یا غیر از آن جابه‌جا شود، آیا حرمتی برای او پیش می‌آید؟ با توجه به اینکه این فرد نیز فقط راننده است و کامیون متعلق به او نیست.

سؤال سوم: آیا حیلهورزی نسبت به بانک غیراسلامی جایز است؟ یعنی از آنها وام بگیرد و بعداً اگر بتواند این مبلغ را به آنها بازگرداند و اگر نتواند پس ندهد؟

سؤال چهارم: تفسیر این آیه چیست: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَقْفَهُوا قَوْلِي * وَاجْعَلْ لِّي وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِي»^۱ (گفت: ای پروردگار من، سینه‌ی مرا برای من گشاده گردان * و کار مرا، آسان گردان * و گره از زبان من بگشای * تا گفتار مرا بفهمند * و یآوری از خاندان من برای من قرار ده).

سؤال پنجم: تفسیر خطبه‌ی کوثریه چیست؟

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: محمد سویفی - کانادا

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصلاة لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين والحمد لله رب العالمين، وسلم تسليماً.

کار کردن در مغازه‌ای که گوشت‌هایی می‌فروشد که خوردنشان حلال نیست، مثل گوشت خوک یا گوشت‌هایی که به صورت شرعی ذبح نشده است، جایز می‌باشد. همچنین کار کردن به عنوان راننده‌ی کامیونی که گوشت‌هایی که خوردنشان حلال نیست جابه‌جا می‌کند نیز جایز می‌باشد؛ ولی جایز نیست که در شراب‌فروشی کار کند یا راننده‌ی کامیونی باشد که شراب حمل می‌کند.

در خصوص معامله با بانک‌هایی که غیرمسلمان‌ها یا ناصبی‌هایی که ائمه یا مهدیین را دشمن می‌دارند مالکشان هستند، جایز است از آنها وام‌های بهره‌دار بگیرید، یا اینکه مال خودت را نزد آنها به امانت بگذاری و از آنها سود بگیری، زیرا بین مؤمن و غیرمسلمان یا بین مؤمن و ناصبی ربایی وجود ندارد.

اگر از امثال این افراد وام بگیری ولی نتوانی آن را پرداخت کنی، اشکالی ندارد؛ خداوند توفیقت دهد.

پاسخ سؤال ۴: خداوند متعال می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَاجْعَلْ لِّي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي» (گفت: ای پروردگار من، سینه‌ی مرا برای من گشاده گردان * و کار مرا، آسان گردان * و گره از زبان من بگشای * تا گفتار مرا بفهمند * و یاوری از خاندان من برای من قرار ده).

و نیز می‌فرماید: «وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَدِّبُونَ * وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَيَّ هَارُونَ»^۱ (و پروردگارت موسی را ندا داد: ای موسی، به سوی آن مردم ستمکار برو * قوم فرعون. آیا نمی‌خواهند پرهیزگار شوند؟ * گفت: ای پروردگار من، می‌ترسم که دروغ‌گویم خوانند * و دل من تنگ گردد و زبانم گشاده نشود. هارون را پیام بفرست).

دعای حضرت موسی (علیه السلام) واضح است که در آن موارد زیر را از خدا درخواست کرده است:

«اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (سینه‌ام را برایم گشاده گردان).

«وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» (و کارم را برایم آسان گردان).

«وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي» (و گره از زبانم بگشای).

«يَفْقَهُوا قَوْلِي» (تا گفتارم را بفهمند).

«وَأَجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي» (و یاورى از خاندانم برايم قرار بده).

در این آیات، حضرت موسی علیه السلام دلیل درخواست خود را «گشوده شدن گره از زبانش» روشن ساخته است، تا اینکه آنچه را که می‌گوید، بفهمند و درک کنند. همچنین علت درخواست برای گشادگی سینه‌اش را بیان می‌فرماید؛ زیرا وی می‌ترسید دلش تنگ گردد و زبانش گشوده نگردد.

نتیجه روشن است؛ حضرت موسی علیه السلام مشکلی در گویایی و رسانیدن اطلاعات به دیگران داشته است، و این مشکل به طور جزئی برای خود حضرت موسی علیه السلام و به طور کلی در رسالت موسی علیه السلام با بعثت هارون علیه السلام به عنوان وزیری برای او که در رساندن پیام یاری‌اش می‌کند، حل و برطرف شد.

دعای موسی علیه السلام در نهایت حکمت مورد استجاب خداوند قرار گرفت. موسی می‌خواست توانایی‌اش برای تبلیغ آنها بهبود یابد و درخواست کرد که هارون به عنوان یاور و دستیار فرستاده شود. خداوند قدرت موسی علیه السلام برای تبلیغ کردن را به مقداری معین بهبود بخشید و با هارون علیه السلام آن را به تمام و کمال رسانید. بنابراین خداوند هارون علیه السلام را در پاسخ به درخواست موسی علیه السلام مبعوث فرمود و بعثت او را در غایت حکمت قرار داد؛ اینکه، مشکل موسی علیه السلام در تبلیغ فرعون و قومی که به سوی آنها گسیل شده بود را حل و فصل نمود:

«قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى»^۱ (گفت: ای موسی، هر چه خواستی به تو داده شد).

و خداوند متعال هنگامی که سخن فرعون را حکایت می‌فرماید، بیان داشته است که مقداری از این نقص و خلل در سخن‌گویی موسی علیه السلام باقی ماند و برطرف نشد: «أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ»^۲ (آیا من بهترم یا این مرد خوارِ ذلیل که درست سخن گفتن نتواند؟).

و خدای متعال از زبان موسی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونُ»^۳ (و برادرم هارون در بیان، از من فصیح‌تر است، او را به مدد من بفرست تا مرا یاری کند؛ بیم آن دارم که دروغ‌گویم شمارند).

۱ - طه: ۳۶.

۲ - زخرف: ۵۲.

۳ - قصص: ۳۴.

بنابراین چیزی از نقص و خَلَل در گفتار موسی برایش باقی ماند و این خواست و مشیت خداوند بود تا این نقیصه دلیل و دست‌آویزی باشد تا مدعیان باطلی چون فرعون و لشکریانش و کسانی که فرعون آنها را به نابخردی گرفت و گمراه ساخت به اینکه آنها از موسی شایسته‌ترند و اینکه آنها بر حق‌اند و موسی بر باطل می‌باشد؛ که هرگز چنین نیست.

«وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ * أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ * فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ * فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (فرعون در میان مردمش ندا داد: ای قوم من، آیا پادشاهی مصر و این جویباران که از زیر پای من جاری هستند از آن من نیستند؟ آیا نمی‌بینید؟ * آیا من بهترم یا این مرد خوارِ ذلیل که درست سخن گفتن نتواند؟ * چرا بر دست‌هایش دستبندهای طلا نیست؟ و چرا گروهی از فرشتگان همراهش نیامده‌اند؟ * پس قوم خود را گمراه ساخت و آنها از او اطاعت کردند، که مردمی تبهکار بودند).

به مغالطه‌ی دینی فرعون توجه کن که با گفتار فقهای گمراه امروزی تقریباً تفاوتی ندارد. او چنین می‌گوید: «يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (آیا پادشاهی مصر از آن من نیست و این نهرها که در زیرم جریان دارند؟ آیا نمی‌بینید؟!). یعنی او به قومش می‌گوید: بنگرید! خداوند مرا یاری کرده و بر زمامداری بر مصر تسلط بخشیده و امور حکومت‌داری را برای من آسان و فراهم نموده است. اگر موسی (علیه السلام) همان حق می‌بود، خداوند او را تمکین می‌داد و اسباب را برایش فراهم می‌آورد. این همان اولین مغالطه‌ی دینی از دید فرعون و فقهای گمراه در همه‌ی زمان‌ها می‌باشد.

«أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ» (من بهترم یا این مرد خوارِ ذلیل که درست سخن گفتن نتواند): فرعون می‌گوید، موسی (علیه السلام) نمی‌تواند درست سخن بگوید. اگر او با خدای سبحان و متعال بود، خداوند زبانش را به طور کامل اصلاح و نیکو می‌گردانید و دیگر اشکالی در گفتارش وجود نمی‌داشت. بنابراین نتیجه این است که فرعون، خودش را برتر می‌دانست زیرا وی در گفتار، تواناتر بود و در زبانش هم نقص و ایرادی وجود نداشت. این مغالطه‌ی دوم است، و امروز هم فقهای گمراه و کسانی که بر طبل آنها می‌کوبند عهده‌دار آن شده‌اند؛ گویی فرعون امام و معلم آنها است و از گفته‌ها و اعمالش هرگز جدا نمی‌شوند.

« قُلُوبًا أَلْفِيَا عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ » (چرا بر دست‌هایش دستبندهای طلا نیست؟ و چرا گروهی از فرشتگان همراهش نیامده‌اند؟): فرعون چنین گفت و فقهای گمراه و کسانی که از آنها پیروی می‌کنند، در این گفتار او با شریک هستند که: کسی که خداوند فرستاده و کسی که امام مهدی فرستاده است، حتماً باید او را بی‌نیاز ساخته باشد و همه جور قدرتی برای او فراهم سازد، اعم از قدرت مالی و قدرت اعجازی تا ما را به وسیله‌ی آن بر ایمان آوردن مجبور و مقهور سازد.

آیا ملاحظه می‌کنی که این آیه چگونه به روشنی حکایت دارد که فرعون، هزاران سال قبل سخنی را بر زبان راند، و فقهای گمراه امروزی دقیقاً همان را تکرار می‌کنند «قُلُوبًا أَلْفِيَا عَلَيْهِ أُسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ» (چرا بر دست‌هایش دستبندهای طلا نیست؟ و چرا گروهی از فرشتگان همراهش نیامده‌اند؟): یعنی اینکه او باید چیزی خارج از معمول بیاورد؛ یک معجزه، و با این معجزه‌ی قاهر آشکارا ثابت کند که خداوند و ملائکه به او هستند.

آنها می‌خواهند بر ایمان آوردن مجبور و مقهور شوند؛ بنابراین عصایی که به اژدها تبدیل شود، به حالشان سودی نبخشد، چرا که بسیارند کسانی غیر از موسی که این کار را انجام می‌دهند. اگر آنها ساحر بوده‌اند، پس او هم ساحر بوده است و اگر بر آنها چیره شد، پس او بزرگ ایشان و بامهارت‌تر از آنها بوده است؛ ولی به هیچ وجه امکان ندارد که وی پیامبری از سوی خدا باشد!

دست سفید که به پاک بودن موسی عليه السلام اشاره داشت هم برایشان سودمند نمی‌باشد و چگونه آنها را سود رساند؟! اگر برایشان منفعتی می‌داشت به آن نیاز پیدا نمی‌کردند. آیا پاکیزگی و طهارت دل موسی عليه السلام بر آنها پوشیده بود و حال آنکه قبل از اینکه ارسال شود و پس از آن، با او زندگی کرده بودند و او را می‌شناختند.

رود نیل که به رنگ سرخ درمی‌آید هم برای آنها سودمند نیست؛ زیرا به راحتی می‌توانند چنین دلیل و برهان بیاورند که این، طبیعی است؛ نیل به خاطر خون‌هایی رنگین شده است که در نتیجه‌ی زد و خورد‌های خونین بر مجرای رود و پیش از آنکه به آنها برسد حاصل شده است؛ و به سادگی می‌گویند اصلاً موسی عليه السلام چه ربطی به این قضیه دارد؟! حاصل آنکه کسی که بخواهد تکذیب کند هر چیزی را با چیزی دلیل می‌آورد. آنها کوری و گمراهی را بر بینایی و هدایت ترجیح داده‌اند؛ بنابراین فرعون و فقهای گمراه، به چیز زیادی نیاز ندارند،

بلکه کلماتی اندک نیز کفایت‌شان می‌کند. کافی است فرعون بگوید موسی علیه السلام در رساندن کلام نقص و ایراد دارد و موسی علیه السلام معجزه‌ی روشنی که شک و شبهه‌ای در آن راه نداشته باشد، نیاورده است؛ تا فرعون و فقهای گمراه ببینند که بیشتر مردم از آنها پیروی می‌کنند و با کمال تأسف و به طور دایم بر همان بی‌خردی باقی هستند.

«فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (پس قوم خود را گمراه ساخت و آنها از او اطاعت کردند، که مردمی تبهکار بودند): و آن خوار کردن تلخی که علی علیه السلام را وادار می‌کند که بفرماید: «و فی الحلق شجی»^۱ (و در گلویم استخوانی): گویی او تلخی را همانند خواری که در دهانش روییده است، حس می‌کند.

این واقعاً موضوع تلخی است و خواهی دید که خداوند سبحان و متعال فرعون‌ها و فقهای گمراهی را آشکارا و در برابر همه مفتضح خواهد نمود و باطل بودنشان را با دستان خودشان و با کردارشان و تناقضاتشان و منهج انحرافی‌شان آشکار خواهد نمود؛ همینطور با پیروی‌شان از هوا و هوس‌ها و با دنیا طلبی‌شان. با این وجود، مردم از آنها پیروی می‌کنند و با دلایل واهی، برای رفتارهای دوگانه و سخنان و منهج انحرافی‌شان از شریعت را، عذر می‌آورند.

والحمد لله رب العالمین.

شما و مؤمنین را توصیه می‌کنم که با زنان و خانواده‌تان خوش‌رفتار باشید، خداوند توفیق‌تان دهد؛ چرا که نیکویی کردن با همسر مؤمن باعث آسان شدن اموری که در آنها خیر آخرت و دنیا هست، می‌گردد، و باعث بسیار شدن رزق می‌شود و فقر و شر را دفع می‌کند. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا و اصلاح میان‌تان را خواستارم. خداوند شما را بر هر خیری توفیق عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

صدر الصغ - ربیع الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۶: چند پرسش از روایات.

سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت او.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمِهِمْ وَارْحَمِیْ بِطَبِیْعِیْ: الطَّبِیْعِیِّ: الطَّاهِرِیِّ: وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا كَثِیْرًا. سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، جایگاه رسالت، محل رفت و آمد فرشتگان، و موضع حکمت، و رحمة الله و برکاته.

سلام بر غار مستحکم الهی و صراط مستقیم او و پل عبور به ساحت قدسی‌اش، ای قائم آل محمد... ای آموزگار موسی و شبیه عیسی و جوشن انبیا.

سلام علیکم، ای بنده‌ی صالح، ای حجت خدا و پسر حجت او و پدر حجت‌های او. به شما پناه می‌جویم، ای ملجأ و پناهگاه و رحمت، ای یمانی آل محمد، و رحمة الله و برکاته.

سرورم! چشم انتظار روزی هستیم که در آن صبح دولت عدل الهی با خروج مبارک شما طلوع کند. دیگر صبری نیست! با تحمل گدازی داغ‌تر از اخگر آتشین در کف دست. کسی که انبیا برایش زمینه‌سازی کرده‌اند و اولیا و صالحان از زمان نبوت آدم (علیه السلام) تا به امروز منتظرش بوده‌اند... و از خداوند مسئلت می‌نماییم که به حق شما آن روزی را که بر منبر کوفه بالا می‌روی تا تمام بشریت را خطاب قرار دهد و این فضلی عظیم و منتی بزرگ است که من محمد (صلی الله علیه و آله) مرا جزو خادمان شما قرار دهد و این فضلی عظیم و منتی بزرگ است که من شایستگی آن را ندارم، و به برکت دعای شما بر بندگانی حقیر و ضعیفی چون من است که با اذن و اجازه‌ی خداوند سبحان، شایسته‌اش شدیم.

آقای من و پسر آقایم! در دلم شوق و شیفتگی عظیمی نسبت به شما و ایشان دارم... واژه‌های مناسبی نمی‌یابم تا با آن بتوانم آنچه در سینه‌ام جولان می‌دهد را تعبیر کنم، و این خداوند سبحان است که به آن دانا می‌باشد.

اگر از به درازا کشیدن کلام و گرانباری بر شما ای حجت خدا نمی‌هراسیدم، از نوشتن دست بر نمی‌داشتم... ولی سرورم! ای یمانی آل محمد (صلی الله علیه و آله)، سؤالاتی دارم که کسی به آن پاسخ نمی‌دهد مگر مانند شما، و بر شما اهل بیت است که پاسخ گویند یا بر حسب نیاز و مصلحت خودداری نمایید. شما ای سرورم! شما از خودم به خودم سزاوارتری.

اول: به حق صابر بسیار صبور که سلام و صلوات خداوند بر او باد و بیش از هزار و صد و پنجاه سال صبر پیشه کرده است، از شما می‌خواهم دعا کنی که در خروج‌تان، یاور شما باشم، و برای دفاع و حمایت از شما سلاح بردارم و برای برپا داشتن دولت عدل الهی پیکار کنم...

که می‌دانم دعایی شما رد نمی‌شود.... در حالی که من و پناه می‌برم به خدا از من - استحقاق چنین چیزی را ندارم مگر به رحمت او و از جانب او سبحان و متعال و شما بزرگواران و اهل فضیلت و تمام فضیلت.

دوم: ای صندوقچه‌ی علم خدا و ای کسی که به پیامبران اولوالعزم آموختی، از شما تقاضا دارم آنچه مرا به محاسن اخلاقی سلوک می‌دهد و برخی از حقایقی که مرا به سمت حظ و بهره‌مندی‌ام از خداوند سبحان سوق می‌دهد، راهنمایی فرمایی... ای سرور خلائق، کسی که به شما پناه آورد و از شما درخواست نمود ناامید نمی‌گردد.

سوم: سؤال من در خصوص وصیت پیامبر خدا ﷺ در شب وفاتش می‌باشد که ما برای اثبات حق شما به آن احتجاج می‌نماییم... هنگامی که جدت ابو عبد الله امام حسین که سلام و صلوات خداوند بر ایشان باد، به سوی کربلا خروج کردم، این وصیت کجا بود؛ چرا که برخی اخبار وارد شده از اجداد شما ﷺ می‌گویند که وصیتی وجود داشته است و امام حسین (علیه السلام) آن را به ام سلمه (رضی الله عنها) سپرده بود و همچنین وصایایی بوده که آنها را در روز طف به فاطمه‌ی کبری (علیها السلام) سپرده است. بنابراین وصیت مقدس پیامبر خدا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) هنگام خروج امام حسین (علیه السلام) به سمت کربلا، کجا بوده است؟

چهارم: از پدران شما ﷺ روایت شده است که فرموده‌اند: «فإذا ظهر السفیانی اختفی المهدي ثم یخرج من بعد ذلك» (و چون سفیانی ظاهر گردد، مهدی پنهان می‌شود و پس از آن، خروج فرماید)... سرورم ای پسر رسول خدا ﷺ! آیا در اینجا ظهور کردن سفیانی، به غلبه کردن و سیطره یافتن تفسیر و معنا می‌شود؟ مثل این سخن خدا که فرمود: «يُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (تا او را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند)؛ چرا که سرورم! فترتی که بیانگر آغاز غیبت شما و سرگردانی مردم بوده است، و جدت رسول خدا ﷺ و جدت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن خبر داده‌اند، دقیقاً فترت ظهور او و تمکین دانشش بر تمام افکار و اندیشه‌های سیاسی است که برای حکومتی که خداوند جز برای اهلش قرار نداده است، با یکدیگر مسابقه می‌دهند، می‌باشد. آنها رد پای دشمنان انبیا (علیهم السلام) را دنبال کردند بلکه از آن نیز گذر نمودند، تا آنجا که زمین مردمی شریتر از آنها به خود ندیده است... سؤال من این است: آیا می‌توان این گونه استدلال کرد که سفیانی روایت شده در این حدیث را منطبق بر شخصیت سفیانی اول یعنی

همان.... بدانیم؟

پنجم: ای حجت خدا در زمینش! در وصیت مقدس پیامبر خدا ﷺ به امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شب وفات آن حضرت ﷺ، این گونه آمده است: «یا علی، أَنْتَ وَصِيَّ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي حَيْهَمُ وَمَيْتِهِمْ وَعَلَى نِسَائِي فَمَنْ ثَبَّتَهَا لِقِيَمَتِي عَدَا، وَمَنْ طَلَّقَهَا فَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهَا، لَمْ تَرِنِي وَلَمْ أَرَهَا فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ» (ای علی! تو وصی من بر اهل بیتم چه زنده و چه مرده‌ی ایشان و نیز وصی بر زنانم هستی، هر یک را که تو به همسری من باقی گذاری، فردای قیامت مرا دیدار کند و هر یک را که تو طلاق بدهی، من از وی بیزارم و مرا نخواهد دید و من نیز او را در صحرای محشر نخواهم دید). سؤال من این است: آیا زنی که بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) خروج کرد، طلاق داده شد؟

سرورم! در پایان، از خداوند سبحان درخواست دارم که شما را در زمین تمکین دهد و روز خروج‌تان را تعجیل فرماید و آن را بر شما آسان گرداند و مرا به برکت دعای‌تان از برای من، به عنوان خادم‌تان بپذیرد. چه روز بزرگی است که در آن، قائم آل محمد احمد الحسن (علیه السلام) را ببینیم که از مسجد کوفه خطاب به جهانیان سخن می‌گوید.

فدایتان گردم، شما به من از خودم سزاوارترید.... آقای من، ای پسر رسول خدا ﷺ! مرا ببخشای؛ مرا ببخشای ای پسر علی بن ابی طالب (علیه السلام) مرا ببخشای ای پس امام مهدی (علیه السلام)؛ به خاطر تقصیر و کوتاهی که در حق شما روا داشته‌ام که به خدا سوگند من در حق شما تقصیرکارم و از شما طلب عفو و بخشش دارم در حالی که شما اهل کرامت هستید، ای برترین خلق خداوند سبحان.

تذکر: از برادرانم انصار الله (خداوند مرا خادم شما گرداند) درخواست می‌کنم، این نامه را به امام احمد الحسن (علیه السلام) تسلیم کنند.

فرستنده: زیاد - فلاند

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد، و گام‌هایت را بر آنچه خیر آخرت و دنیا در آن است استوار سازد و شما را در زمره‌ی کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند، و به فضل و منتش ما را با شما در دنیا و آخرت گرد آورد. از خداوند برای شما نجات از (حوادث) آینده را مسئلت می‌نمایم، و اینکه شما را نزد خدا همراه با حسین (علیه السلام) و اصحاب

حسین علیه السلام در هر زمان، پایگاهی رفیع باشد، و ان شاء الله شما با ایمان‌تان، به همه‌ی خیر دست یافته‌اید، لیکن فقط ما را علیه خودتان و هواهای‌تان یاری کنید، خداوند رحمتتان فرماید. درهای آسمان گشوده است، از آن غفلت نوزید، خداوند توفیقتان دهد.

در خصوص آنچه در روایات ذکر شده است یا آنچه در عرصه، واقع می‌شود - خداوند شما را رحمت کند - اگر در بیان موردی برای شما سودی ببینم، آن را در زمان خودش بیان خواهم کرد، ان شاء الله.

از خداوند برای شما نجات از عذابش را مسئلت دارم و اینکه شما را بر یاری دادن حق موفق بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصحح الصخ - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۷: درخواست دعا برای فرزند بیمار.

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته. سلام بر تو ای آقا و مولای من، ای یمانی آل محمد، بر تو و بر ایشان برترین سلام و صلوات باد.

سرورم! شما را به واحد احد و یگانه‌ای که «لم یلد و لم یولد» قسم می‌دهم، برای فرزند بیمارم که به مرض قند مبتلا است دعا کنی، و شما را به مریض کربلا قسم می‌دهم که ای سرور و مولایم! برایم دعا کنی؛ از این جسارت و گستاخی معذرت می‌خواهم، ای سرورم! ولی می‌دانم که سینه‌های آل محمد علیهم السلام فراخ است؛ والحمد لله رب العالمین. خادم شما تا آخرین نفس، ان شاء الله.

فرستنده: ابو محمد - آمریکا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و در زمره‌ی کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند، و از خداوند مسئلت می‌نمایم که به آنچه او سزاوارش است بر بیمار شما منت نهد، که او سزاوار تقوا و سزاوار آمرزش است. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصحح الصخ - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۸: سؤال‌ی در مورد روح.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و لا حول و لا قوة الا بالله العزیز العظیم، اللهم صل على محمد و آل محمد الاثم و المبریح و سلم تسلیماً.

سلام بر تو ای سرور و مولایم، امام احمد الحسن و رحمة الله و برکاته، ای پدر گران‌قدم! خداوند شما را بر ظلم و جورى که دریا و خشكى را فرا گرفته است صبر بدهد، و خدایى که حول و قوتى جز به او نیست، شما و ما را در یارى دادن تو ای پسر رسول خدا ﷺ کمک فرماید.

در صحیفه‌ی سجادیه‌ی امام زین العابدین (علیه السلام) در سلام و درود بر حاملان عرش و تمام فرشتگان مقرب آمده است: «و الرُّوحُ الَّذِیْ هُوَ عَلَی مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ، وَ الرُّوحُ الَّذِیْ هُوَ مِنْ أَمْرِكِ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَی الرُّوحَانِیِّیْنَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ» (بارخدا یا! درود فرست بر روحی که گماشته بر فرشتگان حجابها است، و بر روحی که از جانب امر تو است، پس بر آنان درود فرست و همچنین بر فرشتگان روحانی). امام علی بن الحسین (علیه السلام) به چه چیزی اشاره می‌فرماید؟

والسلام علیکم و رحمۃ اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: زینب - امارات

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصلاة لله رب العالمین، و صل على محمد و آل محمد الاثم و المبریح و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موقت بدارد. کتابی درباره‌ی روح است که در آن تفصیل بسیاری از امور مربوط به روح مندرج می‌باشد، و ان شاء الله هنگامی که زمان آن فرا برسد منتشر خواهد شد و آن را خواهید خواند.

مرا در دعای‌تان فراموش نکنید. خداوند شما را توفیق و تسدید عطا فرماید و خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان گرداند.

والسلام علیکم و رحمۃ اللہ وبرکاتہ.

اصد العسع - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۶۹: ادامه دادن در حوزه و درس دادن در آن.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والصبر لله رب العالمین، و صبر الاعداء صبر و کمال صبر الائمة و الصبرین و سلم تسلیماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. از باطل و اهلش دوری و بر خدا توکل کنید؛ او شما را تباه نخواهد کرد و او رؤوف و رحیم است.
 خداوند توفیقت دهد، از آدمی از آنچه عمرش را در آن گذرانیده است، سؤال می‌شود، پس شما وقتت را با این افراد تباه مکن بلکه بر آنچه از اهل بیت (علیهم‌السلام) در بیان حق و قرآن روایت شده است، معتکف شو.

در خصوص نیاز مادی‌تان، شما می‌توانید با انصار تماس بگیری و از بیت المال شهریه دریافت کنی، با این ملاحظه که شما طالب علم هستی و تمام وقت خود را به هدایت مردم اختصاص داده‌ای. از خداوند مسئلت می‌نمایم که برای شما در آن برکت قرار دهد و شما را با حق از ستمگران بی‌نیاز فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۷۰: درخواست مشورت برای اتمام درس.

بسم الله الرحمن الرحيم

و لا حول و لا قوت الا بالله العزیز العظیم. اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و الصبرین و سلم تسلیماً.
 سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

به امام احمد الحسن (علیه‌السلام) که خداوند در زمین تمکینش دهد و فرج محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) را تعجیل فرماید.

سرور و مولایم! پس از آنکه خداوند به منت خودش و نه به خاطر شایستگی من، حق را به من شناساند.... این دعوت همه‌ی اعضا و جوارح مرا پر کرده است و من به گونه‌ای شده‌ام که جز به آن فکر نمی‌کنم.... هرگز فضل خداوند را که مرا به این دعوت وارد نمود فراموش نمی‌کنم و اینکه شما را برای ما فرستاد تا ما را از تاریکی‌ها به روشنایی ببری.... از خداوند سبحان مسئلت دارم که تمکین شما را ای مولایم، در اسرع وقت و حتی همین الآن مقرر فرماید!

ای پدر عزیزم! من به دعای شما محتاجم؛ تا خداوند کوتاهی ما در تبلیغ دعوتش را عفو فرماید و از سر گناهانمان درگذرد....

این نامه را برای شما فرستادم تا مسیرم را تکمیل کنم تا هر چه را که دارم در خدمت این دعوت بگذارم.... من و پناه می‌برم به خدا از منیت. در کلاس دوازدهم هستم و به خواست خدا پس از تقریباً نیم سال دیگر فارغ التحصیل می‌شوم.... مایلیم از شما ای مولایم، بی‌رسم که شما مایل هستید من در چه عرصه‌ای وارد شوم یا شما چه می‌خواهید؛ چرا که خواست شما همان خداست خداوند است.... و از خداوند مسئلت می‌نمایم که دل‌های ما را ظرف اراده و مشیت خودش قرار دهد.... و مرا نمی‌رسد جز اینکه به خدمت شما شرفیاب شوم و با خاکی که قدم‌های شما آن را لگدکوب کرده است خودم را تطهیر کنم.... والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: زینب - امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، وهدی الی صراط مستقیم و آمل نصره لائمه و المصیرین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد، و گام‌هایت را بر آنچه مورد رضایت است، استوار بدارد.

خداوند توفیقت دهد! در خصوص درس شما بهتر آن است که محلّش تا جایی که می‌شود به خانواده‌تان نزدیک باشد تا شما بین آنها باشی؛ خداوند گام‌های شما را استوار سازد. مردان و زنان مؤمن می‌توانند به دین خدا خدمت کنند و در زمره‌ی کسانی باشند که رسالت الهی را برای مردم حمل می‌کنند؛ تخصص دنیوی آنها هر چه می‌خواهد، باشد. امیدوارم مرا در دعایت فراموش نکنی؛ خداوند توفیقت دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصخ - جمار الاول ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۷۱: چند پرسش در خصوص خلقت و هستی.

ای بردارنم، انصار الله! سلام علیکم.

مایلم چند سؤال برای سید کریم که پسر کریم است مطرح کنم. سلام بر آل محمد. سلام بر یمانی.

پرسش‌های علمی:

۱- آیا زمین مسطح است یا کروی است؟ آیا خورشید و ماه با هم حجم هستند و آیا یک خورشید و ماه وجود دارد یا این که چند تا می باشند؟ و چطور ممکن است که در یک جا روز باشد و در جایی دیگر شب، و همچنین تفسیر فصول چهارگانه چیست؟ و نیز مد و جزر؟ و اگر زمین مسطح باشد، تفسیر افقی که آن را کروی می‌بینیم چیست؟ و آیا این سطح تا بی‌نهایت کشیده شده است یا حدی دارد؟ تفسیر مهاجرت پرندگان از سویی به سوی دیگر روی کره‌ی زمین - آن گونه که تصور می‌شود- چیست؟ یا اینکه، این صحیح نیست و چیزی پرواز نمی‌کند؟

۲- آیا آبی که ما هر روز می‌نوشیم و حاوی املاح معدنی مثل پتاسیم و فلوئور و سدیم و غیره است، آیا این عناصر واقعاً جزیی از خود آب است یا اینها سمومی شیطانی است که شیاطین انس و جن عمداً به آن اضافه می‌کنند؟

۳- آیا گلبول سفید و قرمز و کروموزم و نطفه و تخمک و میکروب و باکتری و ویروس واقعاً وجود دارد یا اینکه اینها همگی دروغ است و مکانیزم یا اشکال دیگری برای این ساز و کارهای حیاتی وجود دارد؟

۴- آیا در بدن، گردش خون وجود دارد یا اینکه این یک گردش نیست بلکه چیز دیگری است که می‌تواند پمپاژ و ارسال شود یا در سطحی بالاتر می‌باشد؟

۵- آیا تلویزیون در دو جهت کار می‌کند به این معنی که هم داخل منزل پخش می‌کند و هم تصویربرداری نموده و پخش می‌کند و به ایستگاه تلویزیون می‌فرستند؟

۶- آیا در سال ۲۰۱۲ اتفاقی رخ خواهد داد و سیاره‌ای به نام نیبیرو یا ایکس وجود دارد؟ و چه هنگام ظاهر شود؟ البته این پرسش از باب تعیین وقت نیست بلکه از باب محاسبات ریاضی است؟

۷- آیا ققبق (صدف دریایی) حلال است یا حرام. شاه‌میگو چطور؟ (شاه‌میگو میگوی بزرگی است که دارای پوست صدفی می‌باشد).

۸- آیا سفر در زمان امکان پذیر است؟ مثلاً به گونه‌ای که فرد بازگردد و مانع از کشته شدن امام حسین (علیه السلام) شود؟ یا آیا سفر به آینده شدنی است؟ و آیا فرد می‌تواند کاری انجام دهد یا فقط می‌تواند نظاره کند و ببیند؟

این باشد، و کار و فرمان پیش و پس از آن، از آن خداوند است.

پاسخ سؤال ۷: خوردن تمام اجزای خرچنگ حرام است، ولی خوردن میگو جایز می‌باشد.
پاسخ سؤال ۱۰: اگر شما وارد دو مکان شوی که در آنها درختانی باشد و ببینی که در یکی از این دو مکان، درخت‌های میوه به طور منظم و به شکل گروه‌های سازمان یافته و در خط‌های مستقیم کاشته شده، و دومی را ببینی که در آن درخت‌های متنوع به طور تصادفی و نامنظم کاشته شده‌اند، نتیجه می‌گیری که اولی یک درختستان است و نیرویی باشعور آن را به نظم در آورده و دیگری، جنگلی است که انسان هوشمندی در مورد نوع درختان و چگونگی کاشته شدن آنها تصمیمی نگرفته است.

اکنون به زمین منتقل شو تا در آن بیابی که بخش عمده‌ی آب‌های نوشیدنی و گوارا متحرک است و اگر ساکن می‌بود، بیماری‌ها و حشرات و عفونت‌ها آن را فرامی‌گرفت و استفاده از آن اگر ناممکن نبود، دشوار می‌شد. آب‌هایی را که در حجم‌های بزرگ ساکن بر روی زمین جمع می‌شود مثل اقیانوس‌ها و دریاها، شور می‌یابی و اگر شیرین می‌بود، مملو از عفونت‌ها و بیماری‌ها و وسیله‌ای برای هلاکت اهل زمین می‌شد.

به ترکیب جوّ زمین نگاه کن که چگونه به صورتی استوار شده است که ساکنان زمین را از تشعشعات کیهانی محفوظ می‌دارد، که اگر این گونه نبود پرتوهای کیهانی اهل زمین را هلاک می‌کرد. بنگر و بنگر... می‌بینی همه چیز منظم و آراسته است، با دقت و به اندازه. آیا انسانی که برای عقلش ارزش و احترام قائل باشد می‌گوید که همه‌ی اینها، بی‌برنامه و تصادفی است یا اینکه یک قدرت حکیم مطلق وجود دارد که این نظام دقیق را پایه‌گذاری کرده است؟ به گمانم برای کسی که به عقلش احترام می‌گذارد و نمی‌خواهد در تکبر بر خالکش سبحانه - استمرار ورزد، همین مقدار کافی است. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

اصد الصبح - صابر الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۷۲: منظور از «عزائم الجان» چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

منظور از «عزائم الجان» که در دعای تاج آمده است، چیست؟ خداوند یاور من است و

دوست شایستگان. والسلام. پایان.

فرستنده: حسین - کویت

پاسخ:

بسم اللّٰه صمّح الرصيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى اللعمر صمد و آكل صمد اللائم و المصريع و سلم تسليمًا.

عزائم جان یا جن، به طور کلی عبارت از ذکرها می‌باشند، و از جمله‌ی آنها به عنوان مثال آیه‌ی سخره است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. شب را در روز می‌پوشاند و روز شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان‌روایی سزاوار او است. خدا، آن پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است).

اصمد الصمخ - صمد الاول ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۷۳: درمان برخی دردها و رویاهای ناخوشایند.

بسم اللّٰه صمّح الرصيم

با سلام و صلوات بر برترین فرستادگان، محمد و آل او، ائمه و مهدیون طیب و طاهر. من زنی هستم که گرفتار فشار خون و قند و کلسترول بالا و دردهای شدیدی در زانو و مفاصل هستم. همچنین از ضعف در اعصاب ساق پاهایم رنج می‌برم به طوری که وقتی می‌ایستم بدنم می‌لرزد و نمی‌توانم نمازم را ایستاده بخوانم. همچنین مرتب رویاهای ناراحت کننده به سراغم می‌آید و خودم را در جایی می‌بینم که روشنایی‌ها خاموش می‌شوند و من همین‌طور فریاد می‌کشم. بچه‌هایم صدایم را می‌شنوند و می‌خواهند مرا بیدار کنند ولی من در رویاهایم محبوس می‌مانم تا خداوند بر من منت بگذارد و به بانگ فرزندانم پاسخ گویم.

سرورم! ای نایب امام! از شما خواهش می‌کنم با آنچه خداوند از علم به شما بخشیده

است بر من منت بگذاری و مرا درمان کنی. همچنین از شما تقاضای پاسخ صریح دارم: آیا برای من علایجی دارید؟ والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.
فرستنده: خادمی اهل بیت - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، وهدى الصمد وکل مصدر الاثمه و المصبرین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. قبل از خواب آیت الکرسی را هفت بار بخوان و در هنگام روز، آیهی سخره را هفت مرتبه بخوان، یعنی آیهی: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید. سپس به عرش پرداخت. شب را در روز می‌پوشاند و روز شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان‌روایی سزاوار او است. خدا، آن پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است).
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - چهارم الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۷۴: مجموعه‌ای از پرسش‌های اعتقادی.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل علی محمد و آله و سلم تسلیماً.

سلام بر باقی مانده‌ی آل محمد علیهم‌السلام از خداوند مسألت دارم که مولايم بر خير و عافیت باشد و از او هر چه سریع‌تر فرج آل محمد علیهم‌السلام را درخواست دارم؛ او کریمی است که اجابت می‌فرماید.

سرورم! از خداوند مسألت دارم آنچه در کار خدا کوتاهی کرده‌ام را بر من ببخشاید و از تقصیر من در حق شما درگذرد.

برادرمان محمد الصوفی با تعدادی از برادران درباره‌ی تاسیس «بیت المال» در کانادا صحبت کرده است، مشابه آنچه پیش‌تر برخی برادران در تعدادی از کشورهای غربی به انجام رسانیده‌اند. عواید آن نیز به نشر دعوت مبارک و کمک به نیازمندان اختصاص می‌یابد. برادرم

مرا مکلف کرده است که برای کسب اجازه، به شما نامه بنویسم.
سرورم! سؤالاتی به شرح زیر دارم:

۱- آیا این عالم جسمانی ظرفیت اصلاح و توبه را دارد یا هر چه حاصل شده است، از عالم ذر می‌باشد و در هر دو وضعیت، حدود آن تا کجا است؟

۲- وقتی به پیامبر خدا یعقوب علیه السلام گفته شد پسر تزدی کرد... فرمود: نه، نفس شما کاری را در نظر تان بیاراست. منظور او از این گفتار چه بود و آیا در این رویداد بشارتی مبنی بر بازگشت یوسف علیه السلام بوده است؟

۳- «وَيَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَقَهَا لَهُمْ»^۱ (و به بهشتی که برایشان وصف کرده است، واردشان گرداند)... توصیف بر چه وجهی است؟

۴- «وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»^۲ (و آدمی به دعا، شری را می‌طلبد چنان که گویی به دعا، خیری را می‌جوید و آدمی همواره شتاب‌زده بوده است). معنای این آیه چیست؟

۵- «فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ»^۳ (او را نه نیرویی است و نه یاور). انسانی که در این سوره ذکر شده است، کیست؟ آیا او کامل است یا جهل می‌باشد؟

و نیز یک سری سؤالات ویژه دارم:

۱- آیا نَسَبِ زیر درست است:

«او شیخ سلطان عبد الله محمد الباقر (که از مکه‌ی شریف به سودان آمد) پسر سید علی مدنی (متوفی در مدینه‌ی منوره در سال ۸۸۹ هجری) پسر شهوان حسینی جمیلی پسر عمران بن علی نور الدین پسر محمد وفا ابوالعباس (متوفی در مصر سال ۷۶۸ هجری) پسر علی نور الدین پسر سلطان حسین ابو علی پسر سلطان حسن اکبر پسر امام علی مکی پسر سید ابراهیم (متوفی در مغرب) پسر زاهد ابو القاسم محمد پسر ابوبکر پسر اسماعیل ذهبی پسر عمر پسر علی فاسی پسر عثمان پسر حسین انور پسر محمد حسینی پسر موسی پسر یحیی پسر عیسی پسر علی پسر محمد تقی

۱ - محمد: ۶.

۲ - اسرا: ۱۱.

۳ - طارق: ۱۰.

پسر حسن پسر جعفر ثواب پسر امام علی پسر محمد جواد پسر امام رضا پسر امام موسی کاظم پسر امام جعفر صادق پسر امام محمد باقر پسر امام علی زین العابدین پسر حسین بن علی بن ابی طالب»

این نسب از سند سید محمد طاهر پسر امین عبداللایی که تخمین زده می‌شود تاریخ نگارش آن به بیش از ۱۵۰ سال پیش می‌رسد، نقل شده است و از نسب کتاب‌های قدیمی که بیش از ۴۰۰ سال پیش نوشته شده‌اند، نقل شده است، و من متن آن سند را دارم، همچنین پسران عمو شیخ عبدالله که خانواده‌ای شریف در فلسطین بودند نیز به مکه مهاجرت کردند. نسب پایان یافت. از این رو می‌پرسم چرا که در مورد نسبی که «عبد الاب» خوانده می‌شود و از اجداد من می‌باشد، روایت معروف دیگری وجود دارد که به عبد الله بن عباس ختم می‌شود.

۲- از درد مزمنی رنج می‌برم که از تمام راه‌هایی که امکان‌پذیر بود، ریشه‌اش شناخته نشد و به دنبال آن درمانش مشخص نگردید. از شما تقاضای دعا برای بهبودی‌ام را خواستارم.

۳- والدین من بر مذهب اهل سنت وفات یافتند و من کاری جز دعا کردن برای آنها از دستم برنمی‌آید. همینطور برای مادر بزرگم که او را بر من فضلی است که خداوند به آن آگاه است. در عین حال در این خصوص احساس گناه می‌کنم... آیا من به خاطر دعا برای مغفرت این سه نفر، گناهکارم؟

خداوند به حق پدران طیب و طاهرت برایتان گشایش ایجاد کند و به دنبال گشایش برای شما، گشایش ما را نیز برساند... و از شما ای مولای من، دعای‌تان را خواستارم که همواره به آن نیازمندم؛ خدا را بخوان تا سینه‌ام را گشاده گرداند و امرم را آسان نماید و مرا در عوت به ولی و جانشینش در زمینش، پذیرا باشد و در صله‌ی رحم توفیقم عطا فرماید و همچنین در دعوت ایشان به حق، به بهترین شکلی که او می‌خواهد.

سلام بر باقی‌مانده‌ی آل محمد ﷺ و امیدوارم سلام مرا به مولایم بقیت الله و حجت الله برسانید؛ سلام و صلوات خداوند بر او و اهل بیتش و پدرانش؛ و همچنین پوزشم را از ایشان ﷺ به خاطر تقصیر و کوتاهی‌ام و همچنین، اینکه با دعای شریفش بر من تفضل فرماید.

فرستنده: سلمانی ذری

می‌شود، و او به خاطر عجله‌اش خیر و شر را از هم بازنمی‌شناسد که اگر درنگ کند و بر خدا توکل نماید و از خداوند هدایت درخواست کند، برای رشد و هدایتش، اگر خداوند هدایتش کند، بهتر خواهد بود و اینکه او برایش آشکار سازد که چه چیزی به نفعش است و چه چیزی وضعیتش را به صلاح می‌گرداند.

پاسخ سؤال ۵ - این در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد.

پاسخ سوالات ویژه:

پاسخ سؤال ۱ - خداوند شما را بر هر خیری موقتاً بدارد. در خصوص نسب شما، ان شاء الله نسب شریفی است؛ ولی خداوند توفیقت دهد، شما آن نسبی باش که به آن انتساب می‌جویند و مردم پس از تو با منتسب شدن به آن افتخار می‌کنند؛ چرا که شما در زمانی که یاری‌گر حق اندک شمار است، خدای سبحان را یاری کرده‌ای.

پاسخ سؤال ۲ - در دعا برای آنها، حرجی بر شما نیست و در دعایت می‌گویی که اگر عاقبت به خیر شده باشند؛ زیرا شما نمی‌دانی که خداوند برای چه کسی خواسته است که عاقبت به خیر شود و اصلاح شدن به حق را در پایان زندگی‌اش برایش قرار داده باشد. اگر می‌خواهی از وضعیت آنها باخبر شوی و سرانجام کارشان را بدانی، سه روز پی در پی روزه بگیر و در هر روز، سوره‌ی یس را سه بار قرائت کن. اگر خداوند بخواهد وضعیت آنها را در رؤیا یا به هر شکلی که او سبحان و متعال اراده فرماید، به تو نشان خواهد داد.

پاسخ سؤال ۲ - از خداوند مسئلت می‌نمایم که بر شما منت نهد و بر شما رحمت آورد و با شما آن گونه که او شایسته است رفتار نماید که او شایسته‌ی تقوا و شایسته‌ی مغفرت است.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

محور چهارم:

تعبیر رؤیا

پرسش ۴۷۵: رؤیای حرم امام حسین (علیه السلام)

سلام آفریدگار بر شما و رحمة الله و برکاته....

مایلم تفسیر شما را در مورد رؤیایی که مدت‌ها پیش دیده‌ام، بدانم....

آن طور که یادم می‌آید، در رؤیا دیدم در کربلا در بین الحرمین بودم (و من به واقع در طول زندگی‌ام به کربلای معلی نرفته‌ام). من به آسمان نگاه می‌کردم و عکس می‌گرفتم.... آسمان شب بود و در آسمان ابر سفید متراکمی بود که می‌دیدم در میانش نوشته شده بود «یا صاحب الزمان ادرکنی».... من بارها به آن نگاه ردم... گویا دو دختر جوان هم بودند و من نمی‌دانستم چه کسانی کنار من ایستاده‌اند.... آنها از من پرسیدند آیا در عکس‌هایی که گرفته‌ام آنها هستند.... گویی به من می‌گفتند که نمی‌خواهند در عکس‌ها باشند یا چیزی از این قبیل.... من می‌خواستم عکس‌هایی که گرفته‌ام را برگردانم و به آنها توضیح بدهم که من از آسمان عکس گرفته‌ام.... و از آنها هیچ عکسی نگرفته‌ام.... من به شک افتادم که شاید دوربین اشتباهاً از آنها عکسی گرفته باشد....

ناگهان وقت نماز مغرب و عشا فرا رسید.... و خادمان تلاش می‌کردند که درهای حرم را ببندند. درها، سفید رنگ بود.... نزدیک بود در به روی من بسته شود و در این صورت من نمی‌توانستم به حرم وارد شوم.... مردم از حرم بیرون می‌آمدند و گویی نمی‌خواستند در حرم نماز بگذارند.... تعداد بسیار بسیار کمی از مردم در داخل حرم باقی ماندند.... و نزدیک بود که در بسته شود. در همین اوضاع من به خادم گفتم: می‌توانم داخل شوم و در حرم نماز بخوانم؟ من تا الآن امام را زیارت نکرده‌ام.... او به من اجازه داد، من هم داخل شدم و گویی درها پشت سرم بسته شد.... وقتی داخل شدم، دل سوخته‌ی زیارت بودم و اشتیاق و توجه داشتم. به آستانه‌های مقدس حرم رسیدم.... سریع بر آستانه سجده کردم زیرا می‌ترسیدم مردان مرا در حال سجده ببینند و این جایز نیست.... کفش‌هایم را در آوردم و آنها را با خود گرفتم و وارد روضه شدم.... گمان می‌کنم من از مکان ویژه‌ی زنان پرس و جو می‌کردم.... وارد حرم که

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اللهم صل على محمد و آل محمد.

من در کمال صراحت، درباره‌ی خوابی که دیده‌ام واقعاً متحیر مانده‌ام و بسیار ترسیده بودم به حدی که قابل وصف نیست. آن روز در خوابی عمیق فرو رفتم و در خواب امام مهدی را دیدم که مردم را دعوت می‌کرد. قبل از آن، در خواب کشته شدن نفس زکیه در مقابل رکن در کعبه را دیده بودم و اینکه مردم شروع به سر و صدا و شیون و زاری کردند، و امام مهدی را دیدم که ایستاده بود ولی چهره‌اش را ندیدم.

هراسناک از خواب بیدار شدم. جلوبیم تلویزیون روشن بود و داشتند درباره‌ی امام مهدی (علیه السلام) صحبت می‌کردند. بعد از آن دوباره خوابیدم و رؤیایی درباره‌ی امام مهدی (علیه السلام) دیدم. این رؤیاها را در یک روز دیدم. از خواب بیدار شدم، موقع اذان صبح و ساعت ۳ و ۱۳ دقیقه (۳:۱۳) بود. آیا لطف می‌کنید و تفسیرتان درباره‌ی این رؤیا را بیان می‌فرمایید؟ با توجه به این مطلب که من چند وقت پیش دو رؤیا در یک روز دیدم و هر وقت که از خواب بیدار می‌شدم، می‌دیدم که در تلویزیون درباره‌ی امام مهدی (علیه السلام) و توسل به خدا جهت تعجیل ظهور شریف آن حضرت برنامه پخش می‌شود؟ با درود و تحیت.

فرستنده: علی بن عبدالله - قطر

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، و صلوات الله علی محمد و آل محمد الاثم و المذنبین و سلم تسلیماً.

رؤیای شما بشارتی از جانب خداوند برای شما است به اینکه ساعت ظهور فرا رسیده است. شما پس از بیدار شدن از رؤیایت درباره‌ی مهدی، مشاهده کردی که ساعت به عده‌ای که در آنها ظهور می‌کند یعنی ۳۱۳ اشاره می‌نماید. از خداوند خیر آخرت و دنیا را برای شما مسئلت می‌نمایم. او یاور من است و دوستدار شایستگان. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاتہ.

اصغر الصنع - زرقعه ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۴۷۷: رؤیای وارد شدن به یک مسجدی سنی که در آن ولیمه می‌دادند.

سلام

خداوند به شما توفیق دهد. تفسیر این رؤیا را تقاضا نمودم:

خودم را دیدم که با دو تا از دوستانم از اهل سنت، جلوی یکی از مساجد سنی‌ها ایستاده بودم. من یک جلابیه (لباس سنتی عربی) به تن داشتم که تمیز نبود و مقداری خاک‌آلود بود. ناگهان دو تن از اعضای پارلمان از اهل سنت به چشمم خوردند که داخل مسجد شدند و به گمانم این دو فلانی و فلانی بودند. به نظر می‌رسید آنجا ضیافت افطار بر پا بود. دوستانم از من خواستند که با آنها وارد مسجد شوم. من با آنها داخل شدم. به هنگام بازرسی، یکی از مسؤولین داخل مسجد که تفتیش می‌کردند به من گفت: لطفاً وقتی به مسجد می‌آیی، لباست را اطو بزن؛ و من فهمیدم که منظورش این بود که لباس را بشویم یا آن را از خاک تمیز کنم. سپس دوستانم از من جدا شدند و من می‌دیدم که همه می‌خورند و افطار می‌کنند به جز من که چیزی به دست نیاوردم، سپس دوست دیگری غیر از آن دو دوستم، بیرون آمد. او دو ظرف غذا برداشته بود و یکی از آنها را به من داد. پس از آن دو دوست قبلی‌ام را دیدم و من به این خاطر که مرا یکه و تنها ترک کرده بودند، سرزنش‌شان کردم. با تشکر از شما.
فرستنده: عدنان زبیدی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، و صمد اللعمر صمد و کمال صمد الائم و المهریخ و سلم تسلیماً.

غذا همان علمی است که انسان می‌آموزد. خدای متعال می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»^۱ (پس آدمی باید به طعامش بنگرد)؛ یعنی علمش، که از کجا آن را می‌گیرد. ممکن است انسان علمش را از اهل حق دریافت کند، که در این صورت حق است و یا از اهل باطل بگیرد که باطل می‌باشد.

حضور دو نفر فلان و فلان در مسجد به این معنا است که: آن دو در جایی که شما هستی حضور یافتند و آنجا ساختمان نیست بلکه جایی در «اینترنت» است. مسجد اهل سنت یعنی مکانی که اهل آن به امام زمانشان که گرویدن به او بر آنها واجب است ایمان نمی‌آورند. شما شیعیانی که از مراجع پیروی می‌کنند را نیز در ملکوت، اهل سنت می‌بینی زیرا آنها به کسی که خداوند اطاعت از او را واجب نموده است ایمان نمی‌آورند. لباس، نماد چیزی

است که وضعیت واقعی شما را می‌پوشاند؛ مثل اسم مستعار که مردم با آن در «اینترنت» حضور پیدا می‌کنند. کسی که از لباس شما خرده گرفت یعنی از اسم مستعار شما ایراد گرفته و انتقاد او نه به طور مستقیم بلکه به صورت غیرمستقیم بوده است. در رؤیا به شما گفته آن را اطو کن و شما مراد واقعی او را فهمیده‌ای که منظور، تمیز کردن لباس بوده است. و کسی که به شما خوراک داد، همان کسی است که شما چیزی از علم را از او فرا گرفته‌ای. رؤیای شما، اخبار غیبی است از رویدادی که برای شما در اینترنت پیش خواهد آمد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

اصغر الصغری - زوالقمره ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۴۷۸: شنیدن منادی که ندا می‌دهد: «زهر را یاری کنید».

بسم الله الرحمن الرحیم

سید اصغر الصغری، سلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

از شما خواهش می‌کنم رؤیایی که در خواب دیده‌ام را تفسیر کنید:

در خواب دیدم گویی من در یک ساختمان قدیمی بودم و کف آن به شکل یک صخره‌ی با شیب تند بود. خودم را دیدم که به زنانی از اهل سنت که در آنجا نماز می‌خواندند می‌نگریستم. شنیدم یک منادی ندا می‌داد که ای مردم! زهر را یاری کنید. من به سمت در که بالای صخره بود دویدم و تپه‌ی خاکی بلندی دیدم، از تپه بالا رفتم و گروهی از مردم را دیدم و نیز تعداد زیادی از مشایخ با عمامه‌های سفید که همگی فریاد می‌زدند زهر را کمک کنید، و با دستان خود به دوست من اشاره می‌کردند که امام جماعت شود و با آنها نماز بخواند. من به طرف دوستم دویدم و دستش را گرفتم و به او گفتم صبر کن تا وضو بگیرم. به سمت آب دویدم و در آنجا چهار تن از نظامیان مسلح یهودی را دیدم. من از آنها ترسی به دل راه ندادم و وضو گرفتم. رؤیا پایان یافت.

از حضرت‌عالی تقاضا می‌کنم این رؤیای مرا تفسیر نمایید. با سپاس و تشکر فراوان از شما. فرستنده: علی لبنانی - آلمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، و صمد المصنوع و کل صمد الاثم و المذنب و سلم تسلیم.

مکان، جایی در «اینترنت» است و اینکه آنجا بر بلندی بوده است و اینکه شما برای یاری نمودن زهرا به بالای بلندی رفته‌ای، روشنگر وضعیت شما و وضعیت مکانی است که قبل از لیبیک گفتن به ندای الهی در آن بوده‌ای. شما در گودال بوده‌ای نسبت به وضعیت که رو به سوی آن آوردی که در بالای گودال بوده است. سپس به بالای تپه رفتی و بالا رفتن موضعی که شما به آنجا رفته‌ای، اشاره‌ای به حق بودن آن دارد؛ چرا که وضعیتی است بلندمرتبه نسبت به مکان پایین‌تری که پیش‌تر در آن بوده‌ای. زنانی از اهل سنت یعنی کسانی که بر ولایت حق نیستند. انسان حتی اگر ادعای پیروی از علی علیه السلام و ائمه‌ی سابق علیهم السلام را داشته باشد ولی مهدی را یاری نکند و به هنگام ظهورش به او ایمان نیاورد، وضعیت او مانند وضعیت اهل سنتی است که به علی علیه السلام ایمان نیاوردند. منادی که ندا داد زهرا علیها السلام را یاری کنید یعنی مهدی علیه السلام را یاری کنید زیرا نصرت مهدی در این زمان همان نصرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است چرا که مهدی همان کسی است که از کسانی که به زهرا علیها السلام ستم روا داشتند، خونخواهی می‌کند. اینکه شما به دنبال تطهیر و نماز بوده‌ای، اشاره است به روی آوردن شما به یاری مهدی. لشکریان یهود هم یهودی نیستند به این معنا که دین آنها یهودیت نیست، بلکه آنها یهودیان این زمان هستند، اگر چه ادعای اسلام و تشیع داشته باشند. آنها با مهدی می‌جنگند همانطور که پیشیان‌شان از یهودیان با عیسی علیه السلام جنگیدند. اینکه شما در راهی که به سمت نور داشتی آنها را دیدی، یعنی آنها می‌خواستند راه خدا را بر تو ببندند و شما را با القای شبهات از یاری دادن مهدی علیه السلام باز دارند تا شما را از حق منصرف گردانند. وضو گرفتن شما هم به معنای طهارت است، و اینکه دوست شما امام جماعت بود، بین نام او چه می‌باشد. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۱ صمد الصبح - زر القعه ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۷۹: رؤیای دو درخت که مانند کوه آتشفشان فوران کردند و رویدن زراعت.

بسم الله الرحمن الرحيم

و الصمد للرب العالمین، اللهم صل على محمد و آله الائمه و المهديين و سلم تسليمًا.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته....

چند وقت پیش از یکی از انصار که خداوند توفیقشان دهد، شنیدم که امام احمد الحسن (علیه السلام) فرموده است خواب‌های مان را برای او ارسال کنیم... این رؤیایی است که خداوند سبحان صبح امروز (۲۰۰۹/۱۰/۱۲) به من نمایاند:

دیدم دو درخت در ام القیوین (منطقه ای در امارات) مانند کوه آتشفشان فوران کردند و زراعتی بسیار زیبا رویید و مردم از آن در شگفت شدند. من گفتم: اینجا فقط دو تا بود و این زراعت فراوان و رنگارنگ روییده است؛ اگر در عراق که ۱۶ (یا ۱۲) تا، تعداد دقیقش را به خاطر ندارم) درخت مثل آتشفشان فوران کند، چه می‌شود؟ قطعاً همه نوع زراعتی در عراق به بار خواهند آورد.

آنچه دیدم این بود که امام احمد الحسن (علیه السلام) هیئتی را به آنجا فرستاد، گویی در آنجا گنج یا چیزی شبیه آن بود. آن محل، غاری تاریک و زیر زمین بود و در آن تعداد بسیار زیادی جنازه قرار داشت. من نتوانستم به آنجا بروم زیرا تلاش فراوانی می‌طلبید. در رؤیا من مریضی قلبی داشتم، من و جناب لای (واقعیت آن است که من ناراحتی قلبی ندارم، لای هم اسم مستعار یکی از انصار در پالتاک است) از رفتن بازداشته شده بودیم. از جمله کسانی که با این گروه بودند داخل غار رفتند، دو دختر بودند که در مدرسه با من هم‌کلاسی بودند. این دو جزو انصار نیستند و بشری و یسری نام دارند. بشری بیش از آن یکی بسیار کوشید و می‌خواست معما را حل کند، او بین جنازه‌ها می‌گشت و جست‌وجو می‌کرد (در آنجا اجساد و لاشه‌های بسیاری بود که روی هم افتاده بودند) و حل کردن معما به تلاش فراوانی نیاز داشت. بشری قسمت عمده‌ای از آن را حل کرد ولی فراموش کرد چطور باید آن را کامل کند و این سفر چنین پایان یافت که کسی نتوانست معما را حل کند.

امام احمد الحسن (علیه السلام) با بشری سخن گفت و به او خبر داد که بخش ساده‌ای از معما را فراموش کرده است و اگر او آن را می‌دانست، مسئله‌ای که در آن بسیار کوشش کرده بود، حل می‌شد. امام احمد الحسن سرش را تکان داد (از بالا به پایین) و برایش شرح داد که حل مسأله چگونه بوده است.

سپس دختر دیگر که یسری نام داشت آمد و درباره‌ی سفر به من گفت: منظره‌ی بسیار زشت و وحشتناکی بود، جنازه‌ها روی هم افتاده بود، و بو بسیار نامطبوع بود ولی آنها به ما کمک کردند (منظورش مسئولین آن مکان بود) به این صورت که جنازه‌ها را جابه‌جا می‌کردند ولی بو، بسیار نامطبوع بود، و اینکه او، یکی از نزدیکانش به اسم علی را که مدت‌ها

پیش مرده بود، مشاهده کرده و او را بین جنازه‌ها یافته است. یسری می‌گفت این جنازه بسیار شبیه به علی است و احتمالاً خود او می‌باشد. پایان رؤیا.

اللهم صل على محمد وآله المصطفى وسلم تسليماً. والحمد لله وحده والصلوة والسلام عليكم و
رحمة الله وبركاته.

فرستنده:

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلوات الله على محمد وآله المصطفى وسلم تسليماً.

درخت نماد برخی از مؤمنین است که خداوند توفیقشان دهد، و انفجار درختان و رویاندن میوه‌های مختلف یعنی از برخی انصار که خداوند علم و معرفت روزی‌شان کرده است علم ظاهر می‌شود و آنها به مردم علم می‌آموزند.

در خصوص غار و معما و بشری و یسری، این رؤیا برای شما آشکار می‌سازد که تعجیل فرج به دست شما است و به عمل شما و اخلاص‌تان در عمل و نیز صبر و شکیبایی شما بستگی دارد. مراد از نام‌های بشری و یسری، معنای آنها می‌باشد؛ یعنی از تبشیر (بشارت دادن) و تیسیر (آسان گردانیدن) آمده است. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

الصلوة والسلام

زوالیة ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۸۰: رؤیای زیارت امام حسین (علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله المصلی و آله المصطفى وسلم تسليماً.

پس از آنکه به دعوت امام احمد الحسن ایمان آوردم، شروع به بیان کردن این دعوت برای دیگر مؤمنین کردم. در یکی از روزهای رمضان، از شب تا سحر با یکی از دوستانم درباره‌ی این دعوت صحبت کردم. پس از نماز صبح کمی با هم صحبت کردیم و سپس خوابیدیم. در روز دوم پس از افطار به من گفت وقتی ما خواستیم بخوابیم، با خودم گفتم: «خدایا! من به این شخصی که احمد الحسن نام دارد اعتقادی ندارم. رؤیایی درباره‌ی حقیقت

به من بنما». سپس گفت: در خواب دیدم که گویی من با برادرم و پسر عمویم به همراه تعدادی از مردم، برای رفتن به زیارت حسین علیه السلام سوار یک تاکسی بزرگ شده‌ایم. او گفت: وقتی به کربلا رسیدیم و قبه و مناره‌ی حرم امام حسین علیه السلام برای همگان آشکار شد، برای بازرسی یا چیزی شبیه آن پیاده شدیم، و در آن نقطه کمی وقتمان گرفته شد. من از یکی از تفتیش‌کننده‌ها خواستم که اجازه دهد ما به زیارت حسین علیه السلام برویم. بازرس گفت: تو برای زیارت کردن خیلی وقت داری. رؤیا پایان یافت.

پس از حدود یک هفته همان دوستم به من گفت خوابی درباره‌ی من دیده است؛ اینکه: من در خانه‌اش بر او وارد شدم و پس از سلام نشستیم. آنجا تغییر کرد و ما در یک مکان رسمی قرار گرفتیم. من بر روی صندلی نشسته بودم و روبه‌رویم یک میز بود. در آنجا پیش‌درآمد یکی از برنامه‌های یک شبکه‌ی تلویزیونی ضبط می‌شد. دوستم به من گفت که من در رؤیا این برنامه و این برنامه‌ی تلویزیونی را می‌شناختم اما الآن به خاطر نمی‌آورم. ضبط تلویزیونی شروع شد و تو می‌خواستی به همراه من در این برنامه شرکت کنی. در همین موقع، علمایی از پیروان شهید صدر دوم بر ما وارد شدند و همچنین علمایی از پیروان سیستانی و همچنین سایر علما تا با من مناظره کنند. آنه روبه‌روی ما نشستند و برنامه آغاز شد. گفتم: بسم الله الرحمن الرحیم، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و و به صورت‌های آنها نگاه کردم. دوستم به من گفت که در دلم گفتم والمهدیین؛ ولی به نگاه کردن به صورت‌هایشان ادامه دادم. آنها بلند شدند تا به تو سلام کنند. اولینشان از پیروان صدر بود که به من سلام کرد و از پشت سر، سرم را مسح نمود. سپس سایرین نیز بر من سلام کردند و خارج شدند. پایان رؤیا.

امیدوارم این دو رؤیا را تفسیر بفرمایید، علی‌الخصوص رؤیای دوم را و خواهشمندم خود سید احمد الحسن تفسیر فرمایند. و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه و المهدیین.
فرستنده: عبد الستار - اسپانیا

پاسخ:

بسم اللّٰه صمّح الرّصم

والصمد لله رب العالمین، و صلوات اللّٰه علیهم و علیٰ آلهم و علیٰ صحبه و علیٰ ائمه و علیٰ المهدیین و سلم تسلیماً.

زیارت امام حسین علیه السلام یعنی ولایت کسی که خداوند ولایتش را در زمان‌تان واجب نموده است، و معنای این که او برای زیارت کردن وقت دارد یعنی وی ایمان آوردنش را از زمان

خواهش به تاخیر می‌اندازد. اینکه صورت حسین برایش تبیین شده است یعنی حسین زمانش در کمال وضوح. و اینکه او قبه و دو مناره دیده است یعنی حجت بر او اقامه شده و دلایل برایش توضیح داده شده است.

رؤیای دوم بیانگر اخبار غیبی از رویدادی است که برای شما پیش می‌آید. خداوند شما را بر هر خیری موقف بدارد و شما را در زمره‌ی کسانی که در راه حق ثابت قدم می‌مانند و حق را یاری می‌دهند قرار دهد. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

اصد الصبح - زوالصبح ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۸۱: رؤیای صدایی که تکرار می‌کرد: «امام احمد الحسن الیمانی».

بسم الله الرحمن الرحیم

در صبح روز جمعه ۲۱ ماه رمضان ۱۴۳۰ حدود ساعت شش صبح یعنی پس از طلوع خورشید من خوابیده بودم و رؤیا - اگر تعبیرم درست باشد - بدون هیچ تصویری بود فقط صدایی زیبا تکرار می‌شد که کلمه به کلمه به من می‌گفت: «امام احمد الحسن الیمانی» و آن را تکرار می‌کرد. من نوعی آسودگی و شادی احساس می‌کردم که قابل وصف نیست. ناگهان بیدار شدم و هنوز آن شادی و آسایش را احساس می‌کردم. دوباره به خواب رفتم و شخصی را یا بهتر است بگوییم سر شخصی را دیدم و دو سر دقیقاً شبیه به هم مرا آزار می‌دادند. آن سر عمامه‌ی سفید بر سر گذاشته بود و از سمت راست گونه‌اش به من نگاه می‌کرد. من بدنش را ندیدم و او با نگاه خالی از رضایت به من می‌نگریست. کسی به من می‌گفت این همان امام احمد علیه السلام است ولی من در درونم چنین باور داشتم که این شخص امام نیست زیرا ظاهری ناخوشایند داشت و نگریستن او هم دلپسند نبود. پس از آن از خواب بیدار شدم. برای خودم و برای شما از خدا طلب مغفرت می‌کنم.

تذکر: آن شادمانی و خوشبختی که احساس کردم را در طول عمرم فقط سه بار حس نموده‌ام. اول: امروز که صدایی به نام امام احمد الحسن علیه السلام تکرار می‌شد. دوم: چند سال پیش نماز شب خواندم و صبح از خوابم بیدار شدم و همان احساس را داشتم. سوم: حدود پنج سال پیش ماه رمضان بود و صدای اذان را می‌شنیدم و صدای مؤذن بسیار زیبا بود و گویی از بهشت می‌آمد. او به شهادت سوم رسید و می‌گفت اشهد ان علیا ولی الله. در همین لحظه پدرم مرا بیدار کرد و مؤذن در مسجد اذان سر می‌داد و می‌گفت اشهد ان محمداً رسول الله.

پایان رؤیا. خداوند ما و شما را ثابت قدم بدارد.

فرستنده: ابو زهرا - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

رؤیای شما از جانب خدای سبحان است، و بیانگر دو صیحه‌ای است که همراه دعوت قائم می‌باشد. این دو، صیحه‌ی جبرئیل و صیحه‌ی ابلیس است؛ یعنی صیحه‌ی حق و صیحه‌ی باطل که پس از آن می‌آید.

این رؤیای شما، تأییدی بر حق و هشدار برای شما از صیحه‌ی باطل است، که شما آن را از اهل باطل می‌شنوی؛ یعنی کسانی که همه‌ی تلاش خود را می‌کنند تا صیحه‌ی حق را محو و نابود سازند و آدمی را با القای شبهات و ترسیم چهره‌ای باطل از داعی حق، از پیروی از صیحه‌ی حق بازدارند تا سرورشان ابلیس را یاری بخشند و مردم را گمراه و از حق دور نمایند. این رؤیا بیانی از خدا برای شما است؛ شما در ابتدا صیحه‌ی حق را می‌شنوی که شما را به پیروی از حق و داعی حق فرا می‌خوانند. بعد از آن صیحه‌ی باطل را می‌شنوی که می‌کوشد صورت حقیقی را برای شما مشوش سازد و تصویر داعی حق را به گونه‌ای مخدوش، خیالی و غیرواقعی برای شما نمودار سازد تا اگر بتواند شما را از پیروی از حق باز دارد. بر شما است که از هر آنچه اهل بیت (علیهم‌السلام) شما را به آن سفارش کرده‌اند، پیروی کنید؛ اینکه به صیحه‌ی حق نخست گوش سپارید و از صیحه‌ی ابلیس و باطل که دومی است دوری گزینید؛ صیحه‌ای که آن را از زبان دوستانش از انس و جن می‌شنوید.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که پیروزی بر نفست و بر شیطان را برای شما محقق گرداند، و اینکه شما صیحه‌ی حق را پیروی کنی و بر صراط ثابت قدم باشی و جزو کسانی نباشی که با پیروی از صیحه‌ی باطل به ورطه‌ی هلاکت می‌افتند. خداوند شما را از آن دور بدارد. خدا را با پذیرفتن صیحه‌ی حق و رویگردانی از صیحه‌ی باطل، شکر و سپاس گو؛ همان کسی که صیحه‌ی حق را در ماه رمضان و در شب‌ها و روزهای مبارک به شما شنواند؛ تا خداوند از فضلش بر تو بیفزاید که او سمیع و علیم است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

پرسش ۴۸۲: رؤیای ظهور امام مهدی.

سید احمد الحسن، امام من و پسر امام! سلام علیکم و رحمة الله و برکاته. سال‌ها پیش، قبل از آنکه به دعوت شما ایمان بیاورم و حتی قبل از آنکه نام شریف شما به گوشم خورده باشد رؤیایی دیده‌ام. در رؤیا در دلم یقین حاصل شد که امام مهدی علیه السلام ظاهر شده است و من رفتم تا مردم را دعوت کنم که به او ایمان بیاورند ولی این مطلب را فراموش کردم. بعد از آنکه به دعوت ایمان آوردم، بین خودم و خدای متعال بر شما سلام کردم و فوراً خواب را به یاد آوردم و بسیار گریه کردم و فهمیدم خداوند می‌خواهد به من بگوید که آن مهدی که در خواب دیده‌ای همان یمانی علیه السلام است که من فوراً به او ایمان آوردم و بر وی سلام کردم. آیا این همان پیغامی است که خداوند سبحان آن را اراده فرموده است؟

پس از آن دیدم نامه‌هایی از امام مهدی علیه السلام به دست من رسید و پس از رؤیای اولم که آن را برای شما نقل کردم دیدم آسمان با کلماتی از نور که نوشته «لا اله الا الله محمد رسول الله» باز شده است. این خواب را دو بار دیدم و هر بار در کمال روشنی و وضوح بود. در رؤیا دو سیاهپوست قد کوتاه را در کعبه دیدم که داخل بیت الحرام سیگار می‌کشند من آنها را راندم و دور کردم و در داخل کعبه‌ی شریف نماز خواندم. در شب قدر پس از اینکه شب ۲۳ را احیا گرفتم دیدم فرشتگانی از نور بر زمین فرود می‌آیند. و در این ماه در ماه رمضان دیدم که روحم به آسمان صعود کرد و به گمانم آسمان اول برایم باز شد. این رؤیا پس از ایمان آوردنم به دعوت شریف بود و بار اولی بود که آسمان را می‌دیدم در حالی من خواب بودم و قلبم در نوسان بود و روحم در آسمان اوج می‌گرفت تا ستارگان را دیدم. همچنین در ماه رمضان تابوت امام علی علیه السلام را دیدم و در ماه رمضان چیزهایی احساس می‌کردم که قبل از این دعوت آنها را احساس نمی‌کردم. و نیز دیدم که روز قیامت شده است و از آسمان عذاب و ستاره‌های دنباله‌دار می‌بارد.

اگر امکان داشته باشد، لطفاً این رؤیا را برایم تفسیر کنید و مادرم و برادرانم را برای هدایت شدن دعا نمایید، و از شما می‌خواهم که برایم دعا کنید تا خداوند مرا از وسوسه‌های شیاطین محافظت فرماید. هنگامی که کتاب سفر موسی علیه السلام به مجمع البحرین را خواندم با الهام از جانب خدا فهمیدم که به گمان خودم، من به نوعی مخاطب قرار گرفته‌ام. امیدوارم رؤیایم را تفسیر فرمایید، آقای من، یمانی آل محمد علیهم السلام.

خدا مسلط شده‌اند، باطل‌اند زیرا آنها کوتاهند و سیاه و این اشاره ای است بر باطل بودن آنها. کوتاهی همچنین به ضعف اشکال تراشی و افترای آنها بر حق اهل بیت علیهم‌السلام نیز دلالت و اشاره دارد. استعمال دخانیات هم اشاره به غم و غصه‌ای دارد که بر اثر اعمالشان گریبانگیرشان می‌شود و شر و آزار و اذیتی که از آنها صادر می‌شود و انشاء الله شما از انصار مهدی که این افراد را از خانگی خدا می‌رانند، می‌باشید؛ خداوند توفیق دهد.

رؤیای دیگر شما هم تقریباً واضح است. تابوت امام علی علیه‌السلام اشاره دارد به علم او و آنچه آن حضرت بین مردم از خود باقی گذاشته است؛ یعنی اهل بیت محمد و علی علیهم‌السلام. از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر هر خیری موقّق بدارد، و اینکه بر شما هدایت کسانی از اهلتان که برایشان هدایت نوشته شده است را منت نهد. او یاور من و دوست شایستگان است.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد العصم - زم ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۸۳: رؤیای زنی که کودکی به نام عبد الرحمن را حامله است.

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و سلام و صلوات خداوند بر فرستاده‌ی بزرگوار ما و بر اهل بیت او و یاران برگزیده‌اش. سلام علیکم و رحمة الله. درخواست تفسیر رؤیایی را دارم که مردی از خانواده‌ی من آن را دیده است. زن این مرد به یک پسر باردار بود و می‌خواست او را عبد الرحمن نام بگذارد. در شب ولادت آن نوزاد، پدرش در خواب دید که او متولد شده است در حالی که او در دستش بود و در کعبه طواف می‌کرد. در حین طواف، چند مرد کهنسال که لباس‌های سیاه پوشیده بودند نزد او آمدند و به او گفتند: این کیست؟ گفت: این عبد الرحمن است. آنها گفتند: نه، این محمد است. پایان رؤیا. /

و انتهای سخن ما این است که الحمد لله رب العالمین.

فرستنده: محمد - مراکش

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، وهدى الی صراط مستقیم و صراط اللہ الذی انعم اللہ علیہ وعلی الوالدین الذین احسنوا الیک وعلی اهل بیتک الطیبین وعلی من اتبع الهدی. اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد وعلی اهل بیتک الطیبین وعلی من اتبع الهدی.

این رؤیا بشارتی از جانب خدا برای شما است؛ مژده‌ی ظهور مهدی. نوزاد بشارتی از سوی خدا است و اسم او محمد است. نام مهدی اول در آسمان‌ها نیز محمد و در زمین احمد است. کعبه، قبله‌ی مردم به سوی خداوند است و به خلیفه‌ی خدا در هر زمان اشاره دارد، چرا که خلیفه‌ی خدا همان قبله‌ی حقیقی به سوی خدا است. خداوند فرشتگان را امر کرد که آدم علیه السلام را قبله‌ی خود به سوی خدا بگیرند. خداوند شما را بر هر خیری موفّق بدارد، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصحاح الصغیر - زر الصغیر ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۸۴: رؤیای آنفلوآنزای خوکی.

در رؤیا نوشته‌ای دیدم مبنی بر اینکه آنفلوآنزای خوکی اقدامی عمدی از سوی نیروهای آمریکایی است، و در کنار آن نوشته شده بود «یم» نوشته‌ی سید احمد الحسن، یعنی این نوشته از سید است. وقتی این رؤیا را دیدم، در خواب شروع کردم به دعا کردن و خدا را به محمد و اهل بیت قسم می‌دادم که حقانیت این دعوت را بر من ظاهر سازد و با تمام وجودم دعا می‌کردم.

با تقدیم احترام کامل من به شما، معنای این رؤیا چیست؟

فرستنده: غائب منتظر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، و الصمد العزیز و کل صمد الاثم و المصیرین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفّق بدارد، و گام‌هایت را استوار نماید و شما را در زمره‌ی کسانی قرار دهد که مخلصانه طالب حق‌اند، و از خداوند مسئلت می‌نمایم که حق را برای شما آن گونه که هست بنمایاند و پیروی از آن را روزی شما سازد، و باطل را آن گونه که هست به شما بنمایاند و اجتناب از آن را روزی شما گرداند. او یاور من است و دوست شایستگان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصحاح الصغیر - زر الصغیر ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۸۵: رؤیای جوانی به نام احمد که اذان می‌گفت.

خواب دیدم در جای بزرگی هستم که به خاطر ندارم کجا بود و در آنجا مردم زیادی بودند و امام احمد در جای بلندی ایستاده بود و من از پشت سر او را می‌دیدم. او قد بلند و لاغر اندام بود و کمر بلندی داشت و نشسته بود و با دستانش به مردم اشاره می‌کرد. با دستانش به سمت یک جوان اشاره و او را به اسمش صدا کرد و گفت: ای احمد اذان بگو، تو مؤذن من هستی. پس از آن احمد بالا رفت و برای مردم اذان گفت.

فرستنده: عاملی - آلمان

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين و سلم تسليمًا.

مؤذن کسی است که دعوت حق را اعلان و منتشر می‌کند، و اذان یعنی دعوت به حق.

والسلام عليكم و رحمه الله وبركاته.

اصد الصبح - زوالصغ ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۸۶: رؤیای شروع کردن خواند آیت الکرسی.

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين و سلم تسليمًا كثيرًا.

این، رؤیای دختری است تقریباً ۱۲ ساله که از من خواسته است معنای آن را از مولایم

احمد عليه السلام بپرسم.

او دنیا را تاریک و ظلمانی دید و شروع به خواند آیت الکرسی نمود. هنگامی که به

«الحی القیوم» رسید صدای زیبایی شنید که آیه‌ی شریف را با او می‌خواند و ادامه می‌داد.

دختر از خواب بیدار شد.

و سلام من به مولایم و سلام من به پسر مولایم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: خاکزاد - امارات عربی

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين و سلم تسليمًا.

دنیا تاریک بود یعنی از ظلم و ستم و گمراهی پر شده بود، و او نمی‌توانسته است در این تاریکی، هدایت و نور را بشناسد. و این که وی آیت الکرسی می‌خواند یعنی او حق را دیده و گامی به سمت ایمان به حق و هدایت و نور برداشته است. خداوند او را با اولیایش یاری نمود؛ یعنی با همان صدایی که با او آیت الکرسی می‌خوانده است.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصحح - زر الصبح ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۸۷: رؤیای افسر ارتش که تاج و درجه‌ی پنج ستاره داشت.

سلام علیکم.

در رؤیا دیدم که یک افسر ارتش وسط گروهی از مردم قرار داشت و ترانه‌های سستی شاد می‌خواند. آن افسر دارای درجه‌ی عجیب پنج ستاره و تاج بود.

فرستنده: علی جمال - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم و الصلوات و السلام علی من بعد الانبیا و المرسلین و سلم تسلیماً.

تأویل افسر ارتش، فرشته‌ای از فرشتگان است؛ فرشتگانی که مهدی را در برپایی دولت عدل الهی یاری می‌رسانند. درجه‌ی پنج ستاره در او به اصحاب پنج‌گانه‌ی کسای یمانی اشاره دارد، که عبارتند از محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام. تاج هم اشاره دارد به پادشاهی الهی یعنی پادشاهی مهدی؛ یعنی درجه‌ی او اشاره دارد به یمانی و پادشاهی مهدی و برپایی حاکمیت الهی؛ زیرا کسای یمانی، پنج تن علیهم‌السلام را که خود را با آن پوشانده بودند، گرد هم آورد، و پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از آنکه با کسای یمانی پوشیده شد شفا یافت و این شفا اشاره‌ای است به اینکه خداوند دین اسلامی محمدی را پس از تباه شدن، با یمانی اصلاح می‌کند. آنچه شما در رؤیای خود دیده‌ای، خوشحالی فرشتگان خدا و ساکنان آسمان‌ها از ظهور یمانی و آماده شدن برای قیام و برپایی دولت عدل الهی و حاکمیت خدا و آشکار شدن برتری محمد و آل محمد علیهم‌السلام و به خصوص پنج تن اصحاب کسای علیهم‌السلام می‌باشد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - زوالصبح ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۴۸۸: رؤیای زهرای (ع)

برادرم دو ماه قبل از وضع حمل همسرش در خانه‌ی خود خوابیده بود و رؤیایی دید که او در بیمارستان بر روی یک صندلی کنار همسرش خوابیده بود. حضرت زهرا (ع) ظاهر شد و آن حضرت به او (برادرم) گفت: خداوند به تو سلام می‌رساند و به دل تو نگریست و برتر از تو کسی را نیافت که مولودی روزی‌ات کند که او را شأن و منزلت عظیمی در اسلام است و فرمانده پسر امام مهدی (ع) می‌باشد. در آن هنگام زهرا به سمت همسر رفت و خودش فرزند او را به دنیا آورد. نوزاد به آسمان برده و برگردانده شد. او می‌گوید این رؤیا در نیمه‌ی ماه شعبان بوده است.

فرستنده: عاملی - آلمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر لله رب العالمین، و صبر الاعداء صبر و آكل مصره الاثم و المهریبین و سلم تسلیماً.

رؤیا برای شما واضح است، ان شاء الله؛ این مولود پسر او نیست بلکه برادر او می‌باشد، یعنی آن مولود خود شما هستی، خداوند شما را بر هر خیری موقت بدارد. و اما معنای تولد شما و نوزاد بودن‌تان آن است که هر کس به ولایت خدای سبحان هدایت شود، مانند روز به دنیا آمدن از مادرش، بدون گناه است. و اینکه حضرت زهرا (ع) قابله بوده به این معنا است که او سبب شده شما هدایت شوی و حق را بشناسی. و اینکه آن حضرت شما را به آسمان بالا برده است یعنی اینکه او باعث می‌شود شما در آینده ملکوت خدای سبحان را مشاهده کنی. همچنین نوزاد در رؤیا به معنی بشارت می‌باشد؛ یعنی شما بشارتی را به برادرت که دیده است فرزندی برایش متولد می‌شود، می‌دهی. در رؤیا شما بشارت ظهور مهدی را به او داده‌ای زیرا او در خواب به شما خبر داد که نوزاد از انصار مهدی است. همچنین برادر شما باید آرزو داشته باشد که خداوند از فضلش، در آینده فرزندان صالح از انصار مهدی نصیبش فرماید. خداوند شما را بر هر خیری توفیق عطا فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - زمره ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۸۹: رؤیای آنچه پیامبر خدا حضرت موسی (علیه السلام) به قومش گفت.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد والمسلمين وسلم تسليماً.

سرور و مولایم! ای پسر رسول خدا (ص) سلام و صلوات پروردگارم بر تو و بر پدران پاک و مهدیون از فرزندان باد!

سرور و مولایم! رؤیایی دیده‌ام که از تفسیرش و پند گرفتن از آن عاجز گشته‌ام؛ بنابراین ای سرورم! رو به سوی شما آوردم تا منظور از رؤیایم را دریابم؛ در رؤیا دیدم من با گروهی از همکلاسی‌ها در بورس تحصیلی یک کشور خارجی بودیم، ولی هنگامی که به آن کشور رسیدیم دیدیم برایمان جذاب نیست و می‌خواهیم از آنجا خارج شویم. برادرانی که به همراه من بودند با هم اختلاف داشتند. یکی در بینشان از بقیه فاضل‌تر بود و هدف و منظور کسی که ما را به این سرزمین ارسال کرده و برای آن وضعیت، مناسب بود را شرح داد. دیدم دارم به آنها می‌گویم: حرف‌تان را یکی کنید و آنچه پیامبر خدا موسی (علیه السلام) به قومش گفت، همان را بگویند.

گفتار پیامبر خدا موسی به قومش که مناسب با وضعیت ما می‌باشد چه بوده است؟ و آیا این سخن ربطی به موضوع امام مهدی (علیه السلام) دارد؟ و در چنین موقعیت‌هایی چه توصیه و سفارشی برای من دارید؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صل على محمد وآل محمد والمسلمين وسلم تسليماً.

خداوند توفیقت دهد! بدان که صیحه‌ی ابلیس به دنبال صیحه‌ی جبرئیل (علیه السلام) می‌آید و پس از هر صیحه‌ی حقی، صیحه‌ی باطلی می‌باشد. همانطور که شما از دعوت حق و داعی حق به گوش‌تان می‌رسد، قطعاً باید آزموده شوی و از شیاطین انس و جن، شبهاتی بشنوی که می‌خواهند با آن در حق مغالطه کنند و با آنها خلق را از راه مستقیم به بیراهه بکشاند. این رؤیای‌تان، پاسخ مناسب به شیعه‌ی مراجع یا اعوان و انصار آنها را به شما نشان می‌دهد؛

همان کسانی که تقلید از غیرمعصوم را بر اساس خواسته‌های خود واجب می‌دانند و برای خودشان گوساله و سامری برگزیدند و از راه راست گمراه شدند. خداوند برای شما بیان فرموده است که پاسخ مناسب به آنها هنگامی که شما را به دور شدن از حق فرامی‌خوانند، همان چیزی است که موسی علیه السلام به شیبهان آنها گفته است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ فَتُوبُوا إِلَى بَارِنِكُمْ فَأَتُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَمُ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِنِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۱ (و آن هنگام را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، شما به آن سبب که گوساله را پرستیدید، بر خود ستم روا داشتید. اینک به درگاه آفریدگارتان توبه کنید و یکدیگر را بکشید، که چنین کاری نزد آفریدگارتان ستوده‌تر است. پس خدا توبه‌ی شما را پذیرفت؛ زیرا او توبه‌پذیر و مهربان است).

و حتی این گفته‌ی موسی علیه السلام خطاب به قومش: «يَا قَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ»^۲ (و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را پادشاهانی قرار داد و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است). شایسته است آنها را با این گفته نصیحت کنی و به وصیت پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که در آنها ائمه و مهدیین علیهم السلام را منصوب فرموده است متذکر شوی: «إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا» (که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را پادشاهانی قرار داد). باید شکرگزار این نعمت عظیم الهی بر شما و در شما که همان پیروی از حق و داشتن وصیت پیامبر کریم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، باشید. خداوند به شما چیزهایی عنایت فرموده که به هیچ یک از جهانیان عنایت نکرده است، به ویژه به شما در این امت، چرا که برای شما پیشوایانی قرار داده است که برترین خلقت هستند؛ یعنی محمد و آل محمد ائمه و مهدیون علیهم السلام: «يَا قَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ» (و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته است یاد کنید، که از میان شما پیامبرانی برگزید و شما را پادشاهانی قرار داد و به شما چیزهایی عنایت کرد که به هیچ یک از مردم جهان عنایت نکرده است).

والسلام علیکم ورحمت اللطیف برکاتہ.

۱ - بقره: ۵۴.

۲ - مائده: ۲۰.

اصغر العسقر - صفر ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۹۰: رؤیای فلجی که از برکه خارج شد.

رؤیایی که دوستم دیده است:

شخصی که رؤیا را دیده است به همراه من در جایی بودیم و درباره‌ی موضوع مهمی با هم صحبت می‌کردیم. روبه‌روی ما برکه‌ای بود و در اثنای گفت‌وگو، شخصی فلج از برکه خارج شد و جلوی ما قرار گرفت. چیزی شبیه ماهی در او بود که شکافی داشت و روی بخشی از ماهی لفظ جلاله نوشته شده بود. ما در شگفت شدیم و فهمیدیم که یکی از اولیای خداوند است. من در همان وهله‌ی اول چنین اعتقادی پیدا کردم و به او بسیار خوشامد گفتیم و با او گرم گرفتیم. با او شروع به صحبت کردیم. در حین گفت‌وگو با او، ما که مشتاق بودیم با وی سخن بگوییم، منتظر بودیم تا هر کلمه‌ای که می‌گوید را بشنویم. او از ما سؤالاتی پرسید و از ما سؤال کرد چند نفر و چه کسانی را می‌شناسیم؟ در ابتدا بیننده‌ی رؤیا به او شک نبرد ولی بعد از مدتی به او مشکوک شد به اینکه وی ما را فریب می‌دهد تا خدع و نیرنگش را بر سر ما آورد. بیننده‌ی رؤیا مرا به جای دوری کشاند و به من گفت: هیچ چیزی به او مگو، زیرا من فکر می‌کنم کاسه‌ای زیر نیم کاسه‌اش است و او ما را فریب می‌دهد و ولی خدا نیست. به من گفت: سفره‌ی دلت را برای او باز نکن و او را تصدیق نکن. من با اشاره حرفش را تأیید کردم. من با آن فردی که از آب خارج شده بودم در حال گفت‌وگو بودم و از دیدن او شاد و خوشحال بودم و در عین حال که بیننده‌ی رؤیا با من صحبت می‌کرد و مرا از او برحذر می‌داشت، من سرم را تکان می‌دادم و موافقتم را به او اعلام می‌کردم. فرزندان شیخی که دوست من پیروش بود در متروی زیرزمینی گرفتار بودند. دوستم از من جدا شد و به دنبال آنها روان شد تا آنها را نجات دهد. رؤیا پایان یافت.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

خداوند توفیقت دهد! رؤیای دوست شما از جانب خداوند سبحان است و واضح است که هشدارى است نسبت به کسی که شیفته‌ی او می‌باشید. اما فرزندان این شیخ که دوست شما تلاش کرده است آنها را نجات بدهد، آنها کسانی هستند که از این شیخ پیروی می‌نمایند و

از او فرمان‌برداری می‌کنند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصح الصبح - صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۹۱: رؤیای خسوف ماه و پنهان شدنش.

سلام بر انصار خدا و رحمة الله و برکاتہ.

چند وقت پیش رؤیایی دیدم. لطفاً آن را تفسیر کنید:

آن طور که یادم می‌آید، دیدم وقت اذان صبح بود و من و مادرم صدای اذان را شنیدیم. ما بیرون آمدیم تا تماشا کنیم. ماه را دیدیم که گویی در حال خسوف بود. ماه تقریباً به طور کامل پنهان شد و چهار ماه در چهار سمت، گرداگر ماه پنهان شده ظاهر شد. ناگهان احساس کردم که گویی زمین از زیر پای ما دارد می‌جوشد. به مادرم گفتم: زمین در حال جوشش و فوران است. مادرم به من گفت: نه، هیچ چیزی نیست. این چیزی است که از رؤیا به یاد دارم.

خداوند هزار پاداش به شما عطا فرماید و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

فرستنده: نرجس - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، و صمد الاعلم صمد و آكل صمد الائمة و المهرينج و سلم تسليماً.

اذان همان دعوت حق و ماه، وصی می‌باشد، و پنهان شدن آن نیز واضح است. ماه‌های چهارگانه‌ی گرداگرد ماه پنهان شده، یعنی مؤمنانی که با او ارتباط دارند. جوشش زمین هم عذابی از جانب خداوند است که اگر بداء (تغییری) حاصل نشود، بر اهل زمین نازل خواهد شد و بیشتر آنها را هلاک می‌کند. عذاب نازل نمی‌شود مگر بعد از اینکه فرستاده‌ای بیم‌دهنده برای اهل زمینی که عذاب بر آنها نازل می‌شود، وجود داشته باشد. حق تعالی می‌فرماید: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا»^۱ (و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آنگاه که برایشان فرستاده‌ای

بفرستیم).

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصغر العسغ - صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۹۲: رؤیای سید خمینی در حالی که به حضرت زهرا استغاثه می کرد.

من پیاده بودم با دوست قدیمی سنی ام. به مکانی وارد شدیم. دیدم امام خمینی روی تپه ای از گوشت گاو ایستاده است و آن را به شدت می کوبد و گریه می کند و به درگاه حضرت زهرا استغاثه و زاری می کند و روی گوشت، سیوس گندم می پاشد. روبه روی امام نشستم و شروع به انجام دادن همان کاری که او می کرد، نمودم؛ گوشت را کوبیدم و سیوس پاشیدم و گریه کردم و به درگاه حضرت زهرا استغاثه نمودم. به دوستم اشاره کردم بالا بیاید، پیش من. امام خمینی گلوله ای از گوشت را به من داد و به من گفت: اگر این گوشت فاسد شود، او امام نیست و این گوشت هرگز فاسد نخواهد شد. من با تعجب گوشت را گرفتم و رفتم بین مردم شهر و به آنها می گفتم: سید احمد، امام است و شروع به تحدی^۱ با آنها نمودم که این گوشت هرگز فاسد نخواهد شد. سپس به من گفت: در سید احمد چیزی هست که در هیچ کجای عالم پیدا نمی شود؛ که من فراموشش نمودم.

فرستنده: عاملی - آلمان

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند و از خداوند مسألت دارم که رؤیای شما را حق قرار دهد و به فضل خداوند بر شما و بر مردم، تحقق یافتنش را ببینی و اینکه خداوند مردم را به حق هدایت کند و حق را به آنها بشناساند و به فضلی که بر آنها دارد آنها را پیرو حق قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصغر العسغ - صفر ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۹۳: رؤیای مردن پس از گرفتن مدرک کارشناسی.

در رؤیا همسر عمویم که ماه‌ها پیش به رحمت الهی رفته است را دیدم؛ دیدم که پس از مرگش با ما سخن می‌گفت و رؤیایی که دیده بود را تعریف می‌کرد (زن عمویم که خداوند رحمتش کند با اینکه مرده بود می‌گفت که رؤیای خوبی بود)؛ آن مرحومه می‌گفت که رؤیایی دیده است که در آن مردم پس از دریافت مدرک کارشناسی می‌مردند و «بتول» پس از گرفتن مدرکش خواهد مرد و در رؤیا گویی من در کلاس سوم کارشناسی بودم و کلاس سوم و چهارم باقی مانده بود تا مدرکم را بگیرم؛ با علم به اینکه در عالم واقع، من مدت‌ها پیش مدرکم را گرفته‌ام؛ با توجه به اینکه زن عمویم در رؤیا چیز عجیب و غریبی گفت: اینکه بتول که از مدرسه‌ی سادات فارغ‌التحصیل شده است پس از دریافت مدرک کارشناسی خواهد مرد و به کس دیگری غیر از من نگفت از مدرسه‌ی سادات فارغ‌التحصیل می‌شود؛ چرا که من تنها کس در سرزمینم هستم که به فارغ‌التحصیل شدن از مدرسه‌ی اهل بیت سادات بشر، معروف می‌باشد.

فرستنده: بتول محمد - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمین، وهدى الاعداء صمد وکل مصدر الاثم و المصریع و سلم تسلیماً.

خداوند شما را در هر خیرى موفق گرداند. رؤیا در مورد موضوع کامل شدن عقل و آسمان هفتم کلی می‌باشد. هنگامی که ملائکه بخواهند چیزی را برای شما بیان کنند، آن را بر اساس نمادهای این عالم که شما می‌شناسیدشان و می‌توانید درکشان کنید برایتان بیان می‌کنند که بر نفس‌های شما نیز حک شده است و برای ملائکه آشکار نمودنشان بر شما را آسان می‌گرداند.

به عنوان مثال تحصیلات ابتدایی در دین اشاره به شناخت عقاید و عبادات ظاهری می‌نماید، اما دبیرستان یعنی شش سالگی که پس از دوره‌ی ابتدایی می‌باشد به رمز اشاره به آسمان‌های شش‌گانه‌ی ملکوتی دارد، که انسان به سوی آنها بالا می‌رود و با توجه به تعالیم و عمل به آنچه آموخته است، در آنها ارتقا می‌یابد تا چگونگی عمل به عبادات و مجاهده با نفس و شیطان و دنیا و زیورهایش را بشناسد که نتیجه‌ی این عمل، ارتقا در آسمان‌های شش‌گانه‌ی ملکوتی مثالی جزئی است. این مرحله، درست مانند چیزی است که شما پس از

دوره‌ی ابتدایی انجام می‌دهی؛ یعنی آنچه آموخته‌ای و هر آنچه می‌خوانی و می‌نویسی را در دوره‌ی دبیرستان به کار می‌گیری؛ خواندن کتاب‌ها و حل کردن مسایل و شناسایی علوم و کسب معلومات از آنها.

اما در دانشگاه، شما تطبیق دادن را یاد می‌گیری؛ یعنی شما در خلال آموزش دیدن در دانشگاه، آماده می‌شوی که به دیگران تعلیم دهی یا به دیگران آنچه را که در انجام دانش ناتوان هستند، سود برسانی که این موضوع، به طور کامل مطابق با معرفتی است که انبیا در آسمان هفتم کلی کسب کرده‌اند؛ تا برای ارسال شدنشان آماده گردند؛ درست مانند فارغ‌التحصیل دانشگاه. به عبارت دیگر، انبیا هم هنگامی که ارسال می‌شوند، به دیگران آموزش می‌دهند یا آنها را در آنچه از انجام دانش ناتوان هستند، نفع می‌رسانند. تعلیم و آموزش دادن انبیا به دیگران، معروف و شناخته شده است. اما نفع رسانیدنشان به دیگران نیز چه بسا اگر به چیزی مثل فعالیت اقتصادی که یوسف علیه السلام یا فعالیت سیاسی و اجتماعی ایشان و یا آنچه سایر انبیای مرسل علیهم السلام انجام داده‌اند، بازگردانیده شود، برای شما واضح و آشکار می‌گردد.

اما در خصوص این رؤیا، معنایش این است که شما با اخلاص برای خداوند و با توفیق خداوند بر شما شایسته‌ی آسمان کلی هفتم می‌باشی و رؤیا به شما بشارت کامل شدن آن را با فضلی که خداوند بر شما دارد، می‌دهد. اما مرگ، ان شاء الله به معنی واقعی آن می‌باشد؛ یعنی بریدن به سوی خداوند و آخرت، بعد از شناخت حقیقت. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من فقط همسایه‌ای بودم که بدنم چند صبحی در کنار شما بود»^۱.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد مرده‌ای که روی زمین راه می‌رود را نظاره کند، به علی بن ابی طالب بنگرد».

موضوع را برای شما بیشتر باز می‌کنم:

اول: زمین = مدرسه‌ی ابتدایی.

یعنی آنچه شما با چشم می‌بینی و با گوش می‌شنوی و و و هیچ یک از اینها بدون عمل به ملکوت منتقل نمی‌شود و انسان، انسانی زمینی باقی می‌ماند که علمش از این

زمین و معرفتش از این زندگی دنیوی فراتر نمی‌رود حتی اگر هزاران هزار کتاب در مورد دین و عبادت‌ها خوانده باشد. خداوند استوارت بدارد و به جمیع خیرات توفیقت دهد؛ به این سخن خداوند متعال بنگر: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۱ (آنان به ظاهر زندگی دنیا آگاهند و از آخرت بی‌خبرند). تجارت مخاطبان این آیه، تجارتی از روی بندگی نیست بلکه علمای دینی هستند که به خواندن و تدریس دین مشغول می‌باشند در حالی که خداوند به آنها می‌گوید که شما چیزی نمی‌فهمید و علم شما، صرفاً دنیوی است و ربطی به آخرت ندارد.

انسانی که می‌آموزد، باید عمل کند و عمل حتماً باید با اخلاص همراه باشد، تا انسان ارتقا یابد و معرفتش حقیقی گردد. بنابراین اگر شما مانند دوره‌ی ابتدایی، خواندن و نوشتن بیاموزی و در جهت بیشتر شدن معرفت کاری انجام ندهی، در این صورت تفاوتی بین شما و یک بی‌سواد که خواندن و نوشتن نمی‌داند، وجود نخواهد داشت؟ و چه بسا وضعیت بی‌سواد از شما بهتر باشد اگر به معلم گوش جان بسپارد. آیا از لحاظی، سنگ خاره برتر از قلب‌هایی که سیاه شده‌اند به طوری که دیگر چیزی نمی‌شنوند، نمی‌باشد؟! «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»^۲ (پس از آن، دل‌های شما چون سنگ، سخت گردید، حتی سخت‌تر از سنگ که از سنگ گاه جوی‌ها روان شود و چون شکافته شود آب از آن بیرون جهد و گاه از ترس خدا از فراز به نشیب فرو غلتد و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست).

دوم: ملکوت: دبیرستان

برای شما با معادلاتی بیان می‌کنم تا برایتان بیش‌تر واضح شود که پایه‌های شش‌گانه‌ی دبیرستان به رمز به آسمان‌های شش‌گانه‌ی ملکوتی اشاره دارد.

شش سال = شش آسمان.

شش مرحله که یکی بالاتر و بعد از دیگری است = شش آسمان که یکی بالاتر و بعد از دیگر است.

۱ - روم: ۷.

۲ - بقره: ۷۴.

کاربرد آموخته‌های پیشین برای بیشتر شدن دانش = عمل به علمی که آموخته شده است برای افزایش معرفت.

بنابراین می‌بینی طبیعی است که ملائکه با رمز به آسمان‌های شش‌گانه‌ی ملکوتی یا ارتقا در آنها یا پایان یافتن ارتقا با سال‌های شش‌گانه‌ای که به دنبال دوره‌ی ابتدایی است، اشاره کنند و حتی این از حکمت متعالی است که از آنها اینگونه به رمز اشاره شود چرا که آنها می‌خواهند آنها را به شما بشناسانند و حکیمانه است که رمز اشاره شده به آن (با ذهنیت شما) نزدیک باشد تا تصویر واضحی ارایه گردد.

و همچنین تا بیان شود که تا چه اندازه این رمزگونه بودن، نزدیک است.

توجه داشته باش که شما در دبیرستان از ابزارهایی که در دوره‌ی ابتدایی به دست آوردی، استفاده می‌نمایی؛ یعنی خواندن و نوشتن، ولی آیا این به تنهایی برای موفقیت و انتقال شما از یک مرحله به مرحله‌ی بعد کفایت می‌کند؟ یا اینکه شما به تمرکز و فهمیدن آنچه می‌خوانی و می‌نویسی نیازمند می‌باشی؟ تأکید می‌کنم که شما نیازمند به تمرکز کردن برای فهمیدن می‌باشی؛ در غیر این صورت شناختی به دست نمی‌آید و موفقیتی حاصل نمی‌شود و منتقل شدنی به مرحله‌ای بالاتر از آنچه هستی، وجود نخواهد داشت. ارتقا در آسمان‌های شش‌گانه‌ی ملکوتی نیز به همین شکل است؛ عمل به آنچه پیش‌تر آموختی به تنهایی برای انتقال به مرحله‌ی بالاتر یا آسمان بالاتر و ارتقا از آنچه هم‌اکنون در آن هستی، کفایت نمی‌کند؛ بلکه گریزی از داشتن اخلاص نیست. عمل بدون اخلاص ارزشی ندارد و معرفتی زیاد نمی‌کند، درست مثل خواندن بدون تمرکز.

به عنوان مثال چه بسا شما یک‌روزه کتابی را به دست آوری و محتوایش را مطالعه کنی ولی فکرت درگیر مشکلات زندگی باشد، در این صورت وقتی کتاب را می‌بندی خود را طوری می‌بینی که گویی اصلاً کتاب را باز نکرده‌ای!

به نزدیکی رمزگونه‌ی بین آنها توجه کن، که به عنوان مثال در اشاره کردن رمزگونه‌ی ملائکه از آسمان‌های شش‌گانه به دبیرستان، چه حکمت بالغه‌ای نهفته است.

سوم: دانشکده یا درس خواندن سطوح عالی در دانشگاه = آسمان کلی عقل.

در اینجا رمز، منطبق بودن اسم‌ها است؛ آسمان هفتم، آسمان کلی است و آسمان جزئیات و تضادها و هماهنگی‌ها نیست، به همین صورت به درس خواندن سطوح عالی پس

از اتمام دبیرستان در مدرسه، دانشکده یا دانشگاه گفته می‌شود^۱ و در اینکه اصل این اسم عربی نباشد نیز اشکالی وجود ندارد؛ آنچه مهم است شناخته شده بودن اسم این مدارس که سطوح عالی را درس می‌دهند، می‌باشد و همان طور که پیش‌تر بیان کردم، مسالهی درس خواندن در دانشکده معمولاً بازگشت به زمین برای تطبیق دادن را به دنبال دارد؛ یعنی انسان از جامعه‌ی انسانی به دانشگاه می‌رود تا درس بخواند و پس از پایان یافتن درشش در آنجا، به جامعه‌ای که از آنجا آمده است، بازمی‌گردد تا آنچه آموخته و دانشی که کسب کرده است را بیاموزاند یا دیگران را بهره‌مند سازد یا دست کم می‌توانیم بگوییم که او پس از فراغت از دانشگاه برای این منظور، آمادگی پیدا کرده است. به همین صورت انسان پس از ارتقا به آسمان کلی هفتم برای آموزش دادن دیگران آماده می‌گردد و برای جامعه‌ی انسانی در جهت آنچه آن را به صلاح و کمال می‌رساند، سودمند می‌گردد. برای واضح‌تر شدن مطلب می‌گویم: خروجی‌های آسمان کلی هفتم، انبیا هستند که می‌توانند به سوی مردم فرستاده شوند یا فرستاده نشوند ولی در هر دو صورت، برای جامعه‌ی انسانی، سودمند می‌باشند و در هر دو صورت دعوت کننده به سوی خداوند هستند. آری، تفاوتی بزرگ بین نبی مرسل (فرستاده‌شده) و نبی غیر مرسل وجود دارد که می‌توانی تفصیلات این مطلب را در کتاب نبوت خاتم بیابی.

یک سؤال باقی می‌ماند که به ذهن هر انسانی خطور می‌کند؛ اینکه هر انسانی چه مرد و چه زن می‌تواند نبی (پیامبر) باشد آیا به این معنی است که مقام نبوت را دارد و به آسمان کلی هفتم ارتقا یافته است و به آن معارفی که خداوند امکان تحصیلش را برای بنی آدم فراهم نموده است، دست یافته است؟ پاسخ، آری است؛ نبوت منحصر به مردان نیست و آنچه اختصاص به مردان دارد، فقط فرستاده بودن (مرسل) می‌باشد. باب ارتقا برای همه باز است و در این خصوص هیچ کسی با دیگری تفاوتی ندارد، نه بین مرد و زن و نه بین عرب و عجم و نه بین سفید و سیاه؛ این دروازه ضمن قانونی برای همه باز است؛ اینک: **دنیا سراسر جهل است مگر مواضع علم و علم همگی حجت است مگر آنچه به آن عمل شود و عمل تماماً ریا است مگر آنچه از سر اخلاص باشد و اخلاص هم در معرض خطر عظیمی قرار دارد تا انسان ببیند که عاقبتش چه می‌شود!** همه در برابر این قانون برابرند.

۱ - در زبان عربی به دانشکده، «کلیه» و به دانشگاه «جامعه» گفته می‌شود (مترجم).

خوشا به حال کسانی که می‌شنوند و با توفیق الهی برایشان، عمل می‌کنند. خداوند شما را توفیق دهد و استوار فرماید و از شما تقاضا دارم در دعائتان مرا یاد کنید. خداوند شما را پاداش نیکو عطا فرماید. والسلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ.

اصغر الصبح - صفر ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۹۴: رؤیای زنی که می‌گوید: سید احمد میان شما است.

بعد از آن که علویه، همسر پدرم به خوابم آمد و به من گفت: چرا متحیر هستی و گریه می‌کنی؟ آیا در جست‌وجوی سید احمد هستی؟ گفتم آری. علویه به من گفت: سید احمد در بین شماها حضور دارد. من از خواب بیدار شدم. از آن زمان گریه می‌کنم و می‌خواهم نظر سید را درباره‌ی این رؤیا بدانم، و اینکه من چه تکلیفی دارم و از امروز به بعد چگونه زندگی کنم. من مرد سیاستمداری هستم و در آستانه‌ی انتخابات و چیزهای دیگر هستم و من به داشتن ثروت و خاندان، شهره می‌باشم. از سید خواهشمندم به طریقی اشاره فرماید که من با او هستم و این رؤیا همان نشانه‌ای است که خداوند مرا برگزیده است که جزو لشکر امام حجت علیه السلام باشم.

فرستنده: سلام الاسدی - مالزی

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و علیٰ آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد، و گام‌هایت را بر آنچه مورد رضایش است ثابت بدارد. ما به این دنیا نیامده‌ایم مگر اینکه در امتحان نخستین که فرشتگان علیهم السلام با آن آزموده شدند غوطه‌ور شویم.

خداوند می‌فرماید است: « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ » (ما فرستادگانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا

مردم عدالت را به پا دارند و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافی برای مردم است فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی به نادیده، او و پیامبرانش را یاری می‌کند؛ که خدا توانا و پیروزمند است؛ بنابراین امتحان، یاری کردن خدا و فرستاده‌اش است، و خوشا به حال آن کسی که در حالی که از سجده‌گزاران است از گذرگاه عبور می‌کند، و در زمره‌ی کسانی است که خلیفه‌ی خدا در زمانشان را یاری می‌کنند.

و اما سؤال شما، خداوند توفیقت دهد، اگر خداوند شما را انتخاب کرده است که جزو لشکر او باشی، پس بدان که خداوند هر که را بخواهد انتخاب می‌کند - خداوند توفیقت دهد - و بر شما است که یک تصمیم واقعی بگیری؛ اینکه شما خدای سبحان را برگزینی و آماده باشی که همه چیز را برای خدای سبحان و برای کسب رضای او تقدیم نمایی.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۹۵: آیا رؤیای حائض از جانب خدا است یا خواب‌های پریشان؟

آیا رؤیای حائض، از سوی خداوند است یا خواب‌های آشفته و پریشان می‌باشد؟ امیدوارم رؤیایی که من دیده‌ام که یکی از پنجاه زن هستم، حقیقی باشد. منتهای آرزوی من این است که حسین زمان را یاری رسانم. امیدوارم برای شفای من و شوهرم دعا فرمایید و اینکه دخترم و فرزندانم انسان‌های با توفیقی باشند. سرورم! دخترم مهم‌تر است. سرورم! دعا کن به اینکه خداوند سلامتی و قدرت و اعتماد به نفس به او بدهد و او و خواهران و والدینش و همه‌ی انصار را از بیماری‌ها کفایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: بتول - کویت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، وهدى الامم صمد وکل صمد الاثم و المصیرین و سلم تسلیماً.

ممکن است حائض رؤیای صادق‌ای از ملکوت آسمان‌ها ببیند. از خداوند مسئلت می‌نمایم که همه‌ی شما را بر خیر آخرت و دنیا توفیق عطا فرماید. او یاور من و دوست شایستگان است.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصح الصغیر - ربیع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۹۶: رؤیای امام مهدی و وصیش.

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اما بعد... سلام بر بقیت الله، سلام بر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سجاد و باقر و صادق و کاظم و رضا و جواد و هادی و عسکری و مهدی منتظر و امام خلف همام، و صل علی محمد و آل محمد الاثمه و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

و سلام من به انصار خدا و محمد و آل محمد ائمه و مهديين، انصار احمد يمانی، بیعت کنندگان بین رکن و مقام.

سرور و مولایم! احمد! از هنگامی که از رسالت آگاهی یافتم، با توسل به شما به درگاه خداوند توجه می‌کنم. ما را نزد خداوند و آل بیت کریم، شفاعت‌کننده باش. اما سؤال من:

اول: راز مثلث برمودا چیست؟

دوم: در امروز که روز پنجشنبه‌ی مبارک مصادف با ۱۴/محرّم/۱۴۳۱، ۲۰۰۹/۱۲/۳۱ است، از خدا و آل البیت به دعا می‌خواستیم که قبل از آنکه از ما راضی نشده است، مرا از این دنیا بیرون نبرد، و اینکه من همراه امام مهدی (علیه السلام) و یمانی (علیه السلام) بجنگم، و خدا را بر این مطلب قسم دادم. بعد از نماز صبح گویی دو لشکر بزرگ دیدم که نزدیک من آمدند و یکی، لباس سیاه زیبایی به من داد و گروه دوم، لباس سفید داد و گفت: کسی که با امام مهدی می‌جنگد، لباسش این لباس سیاه است. رؤیا طولانی بود ولی من به جز همین مورد، چیز دیگری از آن را به یاد ندارم و خداوند علی عظیم بر آنچه می‌گویم گواه است. پس از اینکه من به دعوت امام احمد موعود ایمان آوردم، فقط همین رؤیا را ندیدم بلکه خواب‌های دیگری هم دیدم؛ از جمله‌ی آنها: مدت زمانی بود که گویی امام مهدی (علیه السلام) تشریف می‌آورد و سید احمد یمانی هم او را همراهی می‌کرد، ولی من چهره‌ی این دو را نمی‌دیدم، گویی این دو نوری بر نور دیگر بودند و گویی امام مهدی دست راستش را بر شانه‌ی سید احمد الحسن می‌گذاشت و به من می‌گفت: این مسؤول بیعت گرفتن بین رکن و مقام است، این احمد الحسن یمانی (علیه السلام) است.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ. سلام و احترام من به انصار سید، به خدا سوگند که

من خادم کفش‌هایتان هستم. سلام و امتنان من به سید احمد و تشکر دایم در وحله‌ی اول از خداوند و اهل بیت بزرگوار و از احمد موعود و فرزندش. آقای من، دعایم کنید که تا روز قیامت از انصارتان باشم و توفیق داشته باشم، شکر و سلام من در پایان. بارالها بر محمد و آل محمد صلوات فرست. ای پروردگرم، بر ائمه و مهدیین صلوات فرست و شهادت می‌دهم که مهدی و مهدیین حجت‌های خداوند هستند.

امیدوارم نامه‌هایم در اسرع وقت به دست سید احمد علیه السلام برسد. با تشکر از شما.

فرستنده: منتظر - سوریه

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليماً.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را در زمره‌ی کسانی قرار دهد که با آنها دینش را یاری می‌رساند، و شما را بر حق و نصرت حق توفیق عطا فرماید و ثابت قدم بدارد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - ربيع الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۹۷: روایای شبیه عیسی علیه السلام

سلام علیکم.

چند سال پیش خواب دیدم به همراه چند نفر و چند اسب سوار در بیابان هستم و من منتظر بودم که جدم امام علی علیه السلام سوار بر اسبش بیاید، ولی در نهایت برایم مشخص شد که وی سید مسیح عیسی علیه السلام است و درست مطابق با صفات ذکر شده و حسنه بود. با دیدن او، سجده‌کنان بر زمین بیابان که با اشکم خیس شده بود افتادم و بی‌هوش شدم. عیسی علیه السلام از اسبش به زیر آمد و نزد من آمد. آن حضرت در حالی که من در رکوع بودم مرا از زمین بلند کرد و یک شمشیر و سپر به من داد در حالی که من به زیبایی و جمال او می‌نگریستم.

روایای دوم مربوط به حبیبم و جدم امام مهدی است. در این روایا چند کودک به نظرم آمد که از هر طرف آن حضرت را احاطه کرده بودند. آنها لباس پاکیزه به رنگ سفید خالص پوشیده بودند. آن حضرت با تبسم به من نگاه کرد و او در نظرم قد بلند، سفید چهره، بلند

قامت آمد و رنگ مویش مایل به قهوه‌ای بود.

و اما رؤیای سوم، من کنار آب دریا ایستاده بودم و قرص درخشان خورشید در برابر دیدگان من از مغرب طلوع کرد.

و اما رؤیای چهارم مربوط به مادرم می‌باشد. وقتی او سرور زنان جهانیان مریم عذرا (علیها السلام) را دید و در آن هنگام مادرم من را باردار بود. سیده عذرا کنار بستر او نشست در حالی که پسرش مسیح را در گهواره حمل می‌کرد، به مادرم گفت: پسری به دنیا خواهی آورد که برای مدتی به اندازه‌ی سه روز، اسمش عیسی است و سپس نامش محمد می‌باشد و همین طور هم شد.

از سرورم و پسر عمومیم سید احمد الحسن خواهش می‌کنم این رؤیاها را برایم تفسیر کند زیرا من احساس می‌کنم که او از صالحین است. من بسیار در وضعیت ایشان و یاری کردنش برای صاحب زمان تأمل می‌کنم. خداوند، اگر او در اینکه یمانی است، صادق است، گام‌هایش را استوار بدار و با نصرت خودت او را یاری فرما، و مرا جزو کسانی قرار ده که برای یاری رساندن ولی‌ات صاحب العصر و الزمان (علیه السلام) به او اقتدا می‌کنند. برایم دعا کن که از نخستین یاری‌کنندگان خداوند باشم و همینطور به همراه شما در جنگ با سفیانی و سربازی برای امام مهدی باشم. با سلام بر شما.

فرستنده: سید محمد حیدر - چین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآله وصحبه وسلم تسليمًا.

رؤیای نخست آن شاء الله بشارتی برای شما است به اینکه اگر خداوند شما را بر اخلاص توفیق عطا فرماید، از اصحاب مهدی که نماد امام علی (علیه السلام) است می‌باشی و همچنین آن حضرت شبیه عیسی (علیه السلام) نیز هست؛ از همین رو شما در رؤیایت منتظر امام علی (علیه السلام) بودی و دیدی که ایشان عیسی (علیه السلام) می‌باشد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - جمار الاول ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۴۹۸: رؤیای مرد سجده‌کننده و کسی که در کنارش برایش دعا می‌کند.

من در سجده بوم و کنارم مردی بود که به شدت برایم دعا می‌کرد. سپس به من گفت: چرا دعایت مستجاب نمی‌شود؟ روش و مسلکت را بررسی کن، برای خدا باشد. فرستنده: لوی هاشمی - هلند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثمة والهم صليخ وسلم تسليمًا.

این رؤیا برای شما هم بشارت است و هم هشدار؛ بر شما است که همیشه و پیوسته برای شناختن حق از جانب خدای سبحان، به او روی آوری و عمل را برای خداوند سبحان خالص گردانی و اولیا و حجت‌های او را یاری رسانی تا دعایت مستجاب گردد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصحح الصصح - جمار الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۴۹۹: رؤیای آسمان و نورانی شدنش.

سرور و امام من! در عالم رؤیا آسمان را به همین شکل طبیعی آن دیدم ولی ناگهان گویی مانند چراغی روشن نورافشانی می‌کرد و لحظاتی بعد به حالت طبیعی‌اش بازمی‌گشت و این وضعیت چند بار تکرار شد.

چند روز پس از آن همانند این رؤیا را دیدم (شبی به همان را) ولی این بار آسمان روشن شد و نور آن خاموش نگشت. من در خواب گفتم: این مانند آن است؟ نمی‌دانم چرا گفتم این مانند آن است.

این رؤیای من بود، و صلی الله علی محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليمًا. فرستنده: خالد - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثمة والهم صليخ وسلم تسليمًا.

این رؤیا، فضلی از جانب خداوند بر شما است، و اگر بخواهد گشاینده‌ی خیر برای شما، تا خداوند با فضل خودش بر شما، ملکوتش و آسمان‌هایش و فرشتگانش را به شما بشناساند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصخ - جمار الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۵۰۰: رؤیای رسول خدا ﷺ که به احمد (رضی الله عنه) شهادت می‌دهد.

پس از خواندن دعای رؤیای منقول از وصی (علیه السلام) در یکی از شبها رؤیایی به شرح زیر دیدم: شخصی را دیدم که روبه‌رویم روی یک میز یا چیزی شبیه آن نشسته بود. بین من و او نیم متر فاصله بود. چنین احساس کردم که این شخص پیامبر خدا ﷺ است. از او پرسیدم: آیا شما محمد پیامبر خدا هستی؟ با سرش به من اشاره کرد: آری. من و برخی برادران که به دعوت سید احمد الحسن ایمان آورده‌ایم از او پرسیدیم: آیا او از فرزندان شما و فرستاده‌ای از سوی شما است؟ برای بار دوم با سرش اشاره کرد: آری. سپس تبسمی نمود و از چهره‌اش نوری که گویی پرتو خورشید یا چیزی بسیار قوی‌تر از آن بود خارج شد. من از شدت نور چشمم را بستم و وقتی آن را باز کردم دیدم از خواب بیدار شده‌ام. خداوند بر آنچه می‌گویم گواه است. خواهشمندم خواب مرا به روشن‌ترین صورت تفسیر نمایید. خداوند توفیق‌تان دهد. فرستنده: حسین الاسدی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وهدى للعالمين واكل مصره الاثام والمصريع وسلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد. رؤیای شما واضح و آشکار است، و در آن بشارتی برای شما می‌باشد و آن بشارت این است که شما حضرت محمد پیامبر خدا ﷺ را دیده‌ای و هر کس آن حضرت (صلی الله علیه و آله) را ببیند ان شاء الله از برگزیدگان خدا از میان خلقش می‌باشد، اگر توفیق اخلاص بیاید و عاقبتش ختم به خیر شود.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصخ - جمار الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۵۰۱: رؤیای فرمان از جانب خداوند برای ذبح کردن همسر.

به آقا و مولایم سید احمد الحسن (علیه السلام) به یمانی آل محمد که صلوات خداوند بر او و بر اهل بیتش باد. جان‌های ما، من، خدانواده‌ام و فرزندانم، همگی فدای تو باد. سرور و مولایم! در خواب دیدم که از خداوند فرمان رسیده است که همسرم را ذبح کنم.

من به سوی همسرم که با من در خانه بود رفتم و در حالی که چاقو در دست داشتم به او گفتم خداوند به من دستور داده است که تو را ذبح کنم. وقتی همسرم این جمله‌ام را شنید فوراً تسلیم شد و به پشت خوابید و سرش را کج کرد و گردنش را برایم آشکار کرد و به من گفت: سرم را ببر. ولی من نتوانستم او را ذبح کنم و در حالی که در دستم چاقو داشتم گریه کردم و گفتم: نمی‌توانم تو را سر ببرم.

سرور و مولایم! تفسیر این رؤیا چیست؟

فرستنده: محمد التیمی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، وهدى‌الاعلم‌صمد واکمل‌صمد‌الائمه و‌المریخ و سلم تسلیماً.

تأویل رؤیا این است که تو را دستور داده است که به همسرت امر کنی همواره از حق پیروی کند و به عبادت و طاعت الهی و اخلاص برای خداوند بپردازد و تا آنجا که برای او ممکن و میسر است مستحبات را انجام دهد، مثل نماز شب. ذبح کردن او یعنی کشتن منیت و هوا و حب دنیا در نفس او.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

اصمد‌العصر - صمد‌الاول ۱۴۳۱ هـ. ق

پرسش ۵۰۲: رؤیای اینکه احمد، وصی است.

سرور فاضل من!... در خواب دیدم که گویی شما وصی هستی و من در جست‌وجوی شما بودم. می‌خواهم در زمره‌ی پیروان وصی باشم. مرا خبر دهید. سلام بر محمد و آل محمد و اوصیای عترت بزرگوارش.

فرستنده: علی علی - بحرین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، وهدى‌الاعلم‌صمد واکمل‌صمد‌الائمه و‌المریخ و سلم تسلیماً.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر شناخت حق و پیروی از آن همیشه توفیق عطا فرماید، و از باطل و پیروی از آن دور گرداند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد لاصخ - جمار الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۵۰۳: رؤیای اینکه مهدی، حسین این زمان است.

سلام علیکم.

سرور و مولایم! در خواب مرد بلندقامتی را دیدم که مشخصه‌ی خاصی نداشت و مردم به صورت نیم‌دایره گرداگر او ایستاده بودند. من از دور دست آمده بودم و صدایی از آسمان شنیدم که به من می‌گفت: به مردم خبر بده که این، همان حسین (علیه السلام) است، ولی مردم سخن مرا باور نمی‌کردند. سلام بر شما، ای مولای من.

فرستنده: میثم - اسپانیا

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم تسلیماً.

حسین (علیه السلام) در این زمان، همان مهدی است.

خداوند شما را بر هر خیری موقت بدارد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

اصد لاصخ - جمار الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

پرسش ۵۰۴: رؤیای حضرت رقیه که چادرش را به زنی هدیه می‌کند.

در خواب دیدم که به خانه‌ای رفتم که در آن تعزیه‌ی امام حسین (علیه السلام) بر پا و مختص زنان بود. آنها نقش حضرت رقیه (علیها السلام) را نمایش می‌دادند. در خانه باز بود و جلوی آن یک فضای خالی بود. سپس دختری که به طور کامل لباس سیاه پوشیده بود و حتی صورتش هم پیدا نبود آمد. یکی از زنان گفت: این حضرت رقیه است که آمده. سپس یکی از زنان به من گفت: چرا نقش حضرت رقیه را بازی نمی‌کنی؟ به او پاسخ دادم که من به تعزیه علاقه‌ای ندارم و فقط برای تماشا آمده‌ام. حضرت رقیه در نزدیکی‌ام ایستاد و چادرش را به من داد. چادرش بسیار سنگین بود به طوری که سرم را اذیت می‌کرد. گفتم: خداوند حضرت رقیه را یاری می‌دهد که این چادر را به سر می‌کند.

فرستنده: ام علی - عراق

پاسخ:

بسم اللّٰه الرّحمن الرّحيم

والصّمد له ربّ العالمين، و صمد اللّٰه صمد و آكل صمد اللّٰهم و الصّمد يبيع و سلم تسليماً.

رؤیا برای آن خانمی که حضرت رقیه عبایش را به او داده، بشارت است. و او ان شاء الله در خیر و جایگاهی رفیع می‌باشد، اگر خداوند بر اخلاص و رزی و حسن عاقبت توفیق عطایش فرماید.

والسلام علیکم و رحمة اللّٰه وبرکاته.

اصمد الصّمد - جمار الاول ۱۴۴۱ هـ. ق

بخش دوم:

پاسخ‌های انصار امام مهدی علیه السلام

پرسش ۵۰۵: صاحب یاسین کیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليمًا.

سلام بر شما ای اهل بیت رحمت، و معدن علم و جایگاه رسالت.

از ابن عباس نقل شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «السبق ثلاثة، فالسابق إلى موسى يوشع بن نون، والسابق إلى عيسى صاحب ياسين، والسابق إلى محمد صلى الله عليه و سلم علي بن أبي طالب» (پیشتانان سه نفرند: پیشتاناز به سوی موسی، یوشع بن نون است، و پیشتاناز به سوی عیسی کسی است که داستانش در سوره‌ی یاسین آمده، و پیشتاناز به سوی محمد ﷺ علی بن ابی طالب است).
صاحب یاسین کیست؟

فرستنده: زینب - UAE

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليمًا.

در روایات وارد شده از اهل بیت ﷺ آمده است که صاحب یاسین، حبیب نجار عليه السلام می‌باشد.

هيات علم انصار امام مهدي (خداوند در زمين تکوينت رهد)

شيخ ناظم عقيل

شعبان الفير ۱۴۴۱ هـ - ق

پرسش ۵۰۶: رؤیای امام کاظم عليه السلام

سلام بر انصار خدا.

در روز چهارشنبه پس از بازگشتنم از زیارت امام کاظم علیه السلام، امام کاظم علیه السلام را دیدم که نماز می‌خواند و در نماز می‌گفت: اللهم صل علی محمد و آله الائمه و المهديين و سلم تسليماً.

فرستنده: سلوان الشمري - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطيبين و سلم تسليماً.

و عليكم السلام و رحمة الله وبركاته.

رؤیای مبارکی است، خداوند به شما برکت دهد. اینکه خداوند بر حقانیت عقیده‌ی شما، شاهد و گواه بر شما است، و با شما در رؤیایتان سخن می‌گوید، نعمتی از نعمت‌های الهی محسوب می‌شود. شکر خدا بابت فضل او؛ و از خداوند ثبات و نصر و فرج عاجل برای تمام انصار خداوند متعال را مسئلت می‌نماییم. از شما التماس دعا دارم.

هيات علمه انصار امام مهدي (خداوند در زمين تقيين دهد)

شيخ ناظم عقيد

شعبان الفير ۱۴۴۱ هـ - ق.

پرسش ۵۰۷: نظر شما درباره‌ی بن لادن و گروه‌های مبارز اسلامی چیست؟

سلام عليكم و رحمة الله وبركاته.

والصلاة لله رب العالمين، و العاقبة للمتقين، و لا عدوان الا على الظالمين.

اما بعد... از نبراس به احمد الحسن یمانی بصری... طبق آنچه خوانده‌ام و از شما دریافت‌ام، شما یمانی موعود از آل بیت نبوت و امام معصوم از جانب خدا و فرستاده‌ی امام مهدی علیه السلام به سوی همه‌ی انسان‌ها و بیم‌دهنده و بشارت دهنده می‌باشی. در خصوص سؤالم، می‌خواهم نظر شما را درباره‌ی شیخ اسامه بن لادن بدانم، آیا او واقعاً مجاهد است یا مهره‌ی آمریکا می‌باشد و یا او سفیانی مذکور در احادیث است؟

نظر شما درباره‌ی گروه‌های مبارز در جهان اسلام مانند سومالی، دولت اسلامی عراق، و جنگجویان الجزایر و چین و کشمیر و به طور کلی تشکیلات القاعده چیست؟ و آیا طالبان

همان پرچم‌های سیاه یاد شده در احادیث پیامبر ﷺ هستند، و آنها بر حق‌اند یا بر باطل؟ در ماهواره‌ها و کتاب‌های اندیشمندان و در گروه‌های اینترنتی سخن از زوال و نابودی آمریکا با عذاب ربانی می‌رود، آیا شما موافق این نظر هستی یا گفتار دیگری داری؟ و نیز برخی از پژوهشگران در زمینه‌ی اعجاز علمی در قرآن، از نزدیک بودن نابودی اسرائیل به دست امام مهدی سخن می‌گویند. برخی معتقد به ۲۰۱۲ هستند و برخی از ۲۰۲۸ سخن می‌گویند. این گفته‌ی من نیست و من به آن اعتقاد ندارم، زیرا فقط خدای عزوجل از غیب آگاه است.

فرستنده: نبراس القریشی - مغرب عربی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلواته على محمد و آل محمد الطيبين و سلم تسليمًا.

و عليكم السلام و رحمة الله وبركاته.

اسامه بن لادن گمراه است و بر او است که به یمانی و به اوصیا از آل محمد ﷺ ایمان آورد. تشکیلات القاعده نیز تشکیلاتی شیطانی است. شما می‌توانی کتاب‌های برادران انصار را در خصوص واقعیت پرچم‌های سیاه بخوانی و به هر حال آن تشکیلات، مصداق پرچم‌های ذکر شده نیست.

سرنوشت آمریکا، انحطاط و زوال است و به زودی زمین از تمام دولت‌های شیطانی پاک می‌شود و بدان که آل محمد ﷺ وقت تعیین نمی‌کنند و چنین مضمونی روایت شده است: «وقت گزاران دروغ گویند».

هیات علمای انصار امام مهدی (مخبران در زمین تکمیل شده)

استاد ابو محمد انصار

شعبان ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۰۸: اسم آشکار و پنهان شما چیست؟

سلام عليكم و رحمة الله وبركاته.

اسم آشکار و پنهان شما چیست؟ و آیا من جزو ۳۱۳ نفر هستم؟

فرستنده: احمد علی - یمن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمين، وهدى الصمد مصد و آله مصد الامم و الصديق و سلم تسليماً.

نام سید همان طور که در وصیت پیامبر خدا ﷺ آمده است، احمد، عبدالله و مهدی است، و این مطلب برای شما حائز اهمیت است چرا که شما از طریق آن می‌توانی دریایی که او حجتی از حجت‌های الهی و وصی از اوصیای رسول خدا می‌باشد. سید احمد الحسن در یکی از کتاب‌هایش بیان کرده است که اسم مهدی اول در زمین «احمد» و در آسمان «محمد» است.

اما ۳۱۳، در واقع اشاره به مقام و منزلت دارد و کسی که پس از ایمان آوردن به حجت‌های خداوند، بکوشد و عمل کند، می‌تواند به آن دست پیدا کند.

هيات علمه انصار امام مهدي (خداوند در زمين تمكين دهد)

استاد ابو مصد انصار

شعبان ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۰۹: چرا امام مهدی، شخصا ظاهر نمی‌شود؟ و آیا انتخابات بر حق است؟

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

با عرض سلام و احترام، و ان شاء الله خداوند عمر طولانی نصیبتان فرماید. من دوست‌دار او هستم و مشکلم را مطرح می‌کنم: با هر شخصی که درباره‌ی دعوت بحث و گفت‌وگو می‌کنم، مرا به این سؤال می‌کشاند که چرا امام خودش ظاهر نمی‌شود؟ چرا شما را برای ما فرستاده است؟؟

و سؤال دیگر: چرا انتخاب رئیس جمهور برای عراق اشتباه است؟ آیا عراق را همین طور بدون رئیس جمهور رها کنیم؟ من پاسخ این دو سؤال را نمی‌دانم و نمی‌توانم در این دو مورد، دیگران را قانع کنم. از شما خواهش می‌کنم به سؤالاتم پاسخ دهید، و من بسیار از شما متشکر خواهیم بود.

فرستنده: راویه المعموری - عراق

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم
والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآل محمد الطيبين والصلوات على سيدنا
وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته.

در خصوص سؤال اول: شکی نیست کسی که چنین سؤال را مطرح می‌کند، در نهان به دنبال سرپیچی از حق است. واقعیت آن است که امام مهدی (علیه السلام) سید احمد الحسن را فرستاده است و شخص سؤال کننده باید دلیل بر این حقیقت واقعی موجود را جویا شود. اما در خصوص این سؤال که چرا امام خودش ظاهر نمی‌شود و پسرش را فرستاده است، کافی است بدانیم امام (علیه السلام) حکیم و عالم است و آنچه انجام می‌دهد عین صواب و درستی می‌باشد. وانگهی اگر این موضوع به اراده‌ی خدای متعال باشد چه؟ آیا به خدا اعتراض می‌کنیم؟ بر ما است که واقعیت را کنکاش کنیم و از واقعی و حقیقی بودن آن اطمینان حاصل کنیم. اما اینکه ما از پیش خودمان چیزی را واقعیت فرض بگیریم و پرسش از اینکه چرا این واقعیتی که ما فرض قرار داده‌ایم واقع نمی‌شود، فکر نمی‌کنم چیزی جز وسوسه‌های شیطانی برای منصرف کردن مردم از حق و حقیقت باشد!

اما سؤال دوم: همگان می‌دانند که قبل از ورود نیروهای اشغالگر، حجت خدای متعال موجود بوده است، و فقهای نجف و دیگران این موضوع را می‌دانستند. شایسته بود که آنها گرد او جمع می‌شدند، اگر ایمان داشتند. بر همین مبنا، اصل انتخابات و تعیین حاکم توسط مردم شرعاً باطل است و آن گونه که دانسته می‌شود، این سید احمد الحسن و دعوت شریف نیست که بر باطل بودن انتخاب حاکم توسط مردم سخن گفته باشد، بلکه این خداوند متعال است که چنین می‌فرماید. آیا خداوند عالم‌ترین و حکم‌کننده‌ترین است یا مردم؟!

همانطور که مؤمنان می‌دانند، مهم‌ترین و ارزشمندترین چیز در این دنیا، دین است و در دین کامل هیچ نقص و خللی وجود ندارد. آیا صحیح است که به بهانه‌های واهی از قبیل اینکه نمی‌شود که ما کشورمان را بدون حاکم رها کنیم، از تعالیم دین‌مان کناره بگیریم؟ سبحان الله! خداوند بعد از سقوط دیکتاتوری صدام، آنها را امتحان کرد، به اینکه آیا به پیروی از شهوات و هوای نفس‌شان شتاب می‌کنند و حاکمی برای خود برمی‌گزینند، یا اینکه به حجت خدا متمسک می‌شوند و جز حکم او و حکم کسی که فرستاده است را نمی‌پذیرند؛ ولی آنها شکست فاحشی خوردند و این سخن آنها که آیا عراق را بدون حاکم رها کنیم چیزی جز

پافشاری آنها در باطل‌شان و فریب‌کاری از سوی آنها برای پیروانشان نیست! و در نهایت، این رئیس‌جمهور یا حاکمی که آنها انتخاب می‌کنند، با چه علمی بر آنها حکم می‌راند؟ آیا تعالیم اسلام را در پیاده می‌کند؟ چگونه چنین چیزی ممکن است و حال آنکه اسلام را فقط حجت خدا بر زمینش پیاده می‌کند. حاصل آنکه حاکمی که آنها برمی‌گزینند، چیزی جز یک کپی دیگر از طاغوت‌ها نیست و نتیجه، خسارت آخرت و دنیا می‌باشد. اکنون نتیجه پیش روی ما قرار دارد؛ از چنین انتخاب و اختیاری، جز زبانی آشکار چه ثمره‌ی دیگری به دست آورده‌اند؟!

هیات علم‌انصار امام مہدیر (خداوند در زمین تمکین‌رهد)

استاد ابو‌مصعد انصار

شعبان ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۱۰: سؤال در مورد متعه (ازدواج موقت).

سخن شما به طور کامل نادرست و برای ما ثابت نشده است. ما می‌دانیم که پیامبر ﷺ متعه را در خیبر تحریم نمود و این را هم می‌دانیم و همه‌ی ما یقین داریم که ائمه که سلام خداوند بر ایشان باد، متعه را حرام می‌دانند و به شما می‌گویم: عار و ننگ بر شما! از خدا حیا کنید، این چه افترا بی‌اساسی است که به صحابه (ابوبکر و عمر) نسبت می‌دهید که در دین بدعت گذاشتند و سنت را تباه کردند؛ کلامی که عقل آن را نمی‌پذیرد، و خود دلیلی بر حقد و کینه‌ی شما نسبت به آنها است. از خداوند برای شما سلامت و هدایت مسئلت داریم.

ولی من از شما می‌پرسم: اگر زنی مثلاً به مدت یک ماه، با بیش از یک نفر ازدواج متعه کند و باردار شود، فرزند به چه کسی منتسب می‌شود؟

پاسخ پیشین هیات علمی

انصر للرب العالمین، و صلر اللہ علیہ و آلہ و سلم اللہم صل علیہم و سلم تسلیماً.

ازدواج متعه (ازدواج موقت) با توجه به نص کتاب و سنت، ازدواجی شرعی است و این در منابع مسلمانان چه سنی و چه شیعه ثابت شده است و کسی آن را انکار نمی‌کند مگر فرد ستیزه‌جو. اما تحریم ازدواج متعه نه از سوی خدای سبحان بوده است و نه از سوی پیامبرش ﷺ و پیامبر در حالی از این عالم رحلت کرد که این

تشریح پابرجا بود. ابوبکر آمد و این تشریح پابرجا بود و در مورد آن کلمه‌ای سخن نگفت، و هنگامی که عمر آمد متعه‌ی حج و متعه نسا را حرام اعلام کرد؛ آیا عمر خلل و نقصی در دین حضرت محمد ﷺ یافت و آن را برطرف نمود؟

اگر بگوییم «آری»، قرآن با گفتارش که می‌فرماید «**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...**»^۱ (امروز دین شما را برایتان به کمال رسانیدم...) شما را تکذیب می‌کند، و اگر بگوییم «خیر»، به آن معنا است که عمر در دین بدعتی نهاد و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی سرانجامش در آتش. این مبحث برای شما ثابت شده است. اینکه آیا ائمه علیهم‌السلام متعه می‌کرده‌اند یا نه و اسامی فرزندان آنها از متعه چه بوده است، سؤال است که بر سفاقت سؤال کننده دلالت دارد؛ ازدواج ائمه علیهم‌السلام از مسایل شخصی آنها است و آیا از ادب به دور نیست که از مسایل شخصی ایشان سؤال کنیم؟!

اینکه ازدواجی شرعی باشد، با نص کتاب و سنت شرعی می‌شود، و اینکه عمر آن را تحریم کرده است، بدعتی از بدعت‌های عمر که به شماره در نمی‌آید، می‌باشد. او نخستین کسی است که صف‌های نمازگزاران مسلمان را با شلاق به هم چسبانید و او اولین کسی است اقدام به آتش زدن خانه‌ی پیامبر ﷺ در حالی که خاندانش در آن بودند، نمود، او و دوستش ابوبکر اولین کسانی هستند که سوزاندن سنت پاک نبوی را بدعت نهادند چرا که ابوبکر طبق آنچه دخترش عایشه نقل کرده است، نزدیک به پانصد حدیث از احادیث پیامبر ﷺ را با ادعای شک در آنها سوزاند و این موضوعی است عجیب و غریب. چطور کسی که شما ادعا می‌کنید نزدیک‌ترین مردم به پیامبر ﷺ بوده است، در احادیث آن حضرت شک کرده است؟

و اما عمر از یارش پیشی گرفت و هر آنچه از پیامبر خدا ﷺ روایت شده بود را جمع کرد و آن را به تپه‌ای از برگ‌ها تبدیل نمود و سوزانید و اعلام کرد هر کس بگوید قال رسول الله ﷺ او را مجازت می‌کند. بدعت‌های عمر به حدی است که شمارندگان از شمارش آنها ناتوانند. بر شما است که به صحاح و منابع خودتان مراجعه کنی تا با چشمان خودت درستی آنچه می‌گوییم را ببینی؛ اگر طالب حق می‌باشی و نه جزو کسانی که سرگرمی‌های جاهلیت در درگیری و کینه‌ورزی و

ستیزه‌گری فریشتان داده است.

از خداوند سبحان برای همگان هدایت را مسئلت داریم. و الحمد لله وحده وحده.

هیات علم‌انصار امام مهدی (خداوند در زمین تکمیلش دهد)

استاد دکتر زکری انصار، جواد الاخر ۱۴۳۱ هـ. ق.

فرستنده: ریماص خطیب - یمن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمین، و صمد اللعمر صمد و کمال صمد الائم و الصریح و سلم تسلیماً.

تقوای الهی پیشه کن و آنچه را که نمی‌دانی به پیامبر نسبت نده. به کتاب‌های خودتان مراجعه کن و قبل از آنکه سخن بگویی مطمئن شو. این احادیث را که از صحیح‌ترین کتاب‌های شماست به زعم خودتان - است را برگیر تا حقیقت را بشناسی:

در بخاری آمده است: از عمران بن حصین روایت شده است: «آیه‌ی متعه در کتاب خدا نازل شد و ما همراه با رسول خدا ﷺ به آن عمل می‌کردیم و چیزی برای حرام کردنش در قرآن نازل نشد و ایشان ﷺ تا زمانی که درگذشت، از آن نهی نمود. مردی هرچه مد نظرش بود را بر زبان راند. محمد گفت (یعنی بخاری): گفته می‌شود عمر رضی الله عنه»^۱.

این چیزی است که در بخاری آمده است؛ کتابی که به اجماع علمای اهل سنت، صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌باشد، که با متنی صریح که جای هیچ تأویلی را باقی نمی‌گذارد، مباح بودن متعه و ادامه‌ی این مباح بودن تا روز قیامت را بیان می‌کند و همان طور که مشخص است این حدیث بیان می‌کند که چیزی در قرآن مبنی بر حرام شدن آن نازل نشد و همچنین عدم نهی کردن پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمانی که به ملاً اعلی پیوست را نیز به صراحت بیان می‌کند و همچنین به صراحت می‌گوید، کسی که آن را حرام کرد، خلیفه عمر بن خطاب بود.

امام حدیث از نظر اهل سنت، امام مسلم، در صحیحش در باب عقد متعه روایت می‌کند:

۱ - صحیح بخاری: باب «و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» از کتاب تفسیر از جزء سوم، صفحه‌ی ۷۱.

از اسماعیل، از قیس روایت شده است که گفت: «شنیدم عبد الله می‌گوید: ما همراه رسول خدا ﷺ نبرد می‌کردیم و زنان ما با ما نبودند. گفتیم: آیا ما خودمان را اخته نکنیم؟ حضرت هم ما را از اخته کردن نهی کرد و به ما اجازه‌ی متعه کردن زنان را با قرار دادن لباسی به عنوان مهریه، صادر فرمود. سپس ابن مسعود این آیه را خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد درمگذرید که خدا تجاوزکنندگان از حد را دوست ندارد).»

در روایت بعدی از صحیح مسلم آمده است: از ابو نضره روایت شده است که گفت: «نزد جابر بن عبد الله بودم، پیشامدی رخ داد. گفت: ابن عباس و ابن زبیر در دو متعه اختلاف کردند. جابر گفت: ما آن دو را با رسول خدا ﷺ انجام می‌دادیم، سپس عمر ما را از آنها نهی کرد و به آنها عمل نکردیم»^۲.

همچنین مسلم بیان می‌کند: «... ابن عباس متعه را حلال می‌دانست و ابن زبیر از آن نهی می‌کرد. نزد جابر بن عبدالله رفتم و مساله را جويا شدم. جابر گفت: جریان حدیث به دست من است. ما در عهد رسول خدا ﷺ متعه می‌کردیم. اما چون وقت خلافت عمر فرارسید، عمر گفت: خداوند آنچه را خواست بر رسولش حلال کرد و قرآن نیز جای خود را دارد. حج و عمره را آن گونه که خدا دستور داده است انجام دهید و ازدواج با این زنان را قطعی کنید. اگر مردی را نزد من بیاورند که زنی را ازدواج موقت کرده باشد، او را سنگسار می‌کنم»^۳.

اما در خصوص منع کردن عمر و ابوبکر از نوشتن سنت (نبوی) و سوزاندنشان، احادیث زیر را از کتاب‌های تان ارایه می‌نمایم:

عمر بن خطاب به ابو هریره گفت: «یا حدیث گفتن از رسول خدا را ترک می‌گویی یا تو را به سرزمین دوس (سرزمینی خشک و بی آب و علف) تبعید می‌کنم»^۴.

۱ - مائده: ۸۷

۲ - صحیح مسلم: ج ۴ باب إهلال نبی ﷺ و هدیه.

۳ - صحیح مسلم: ج ۴ باب حجت نبی ﷺ.

۴ - محدث الفاضل: ص ۵۵۴ شماره ۷۴۶؛ البدایة و النهایة - این کثیر: ج ۸ ص ۱۶۰؛ تدوین سنت شریف: ص ۴۳۱.

همچنین او گفته است: «یا حدیث گفتن از رسول خدا را ترک می‌گویی یا تو را به سرزمین فیح یعنی سرزمین قوم و قبیله‌ات تبعید می‌کنم»^۱.

یحیی بن جعهده می‌گوید: «عمر بن خطاب اراده نمود که سنت را جمع نماید، سپس تصمیمش عوض شد که سنت را ننویسد، پس برای شهرها بخشنامه نمود کسی که چیزی از سنت نزدش است، آن را محو نماید»^۲.

قاسم بن محمد بن ابوبکر می‌گوید: «به عمر بن خطاب گفته شد که در دست مردم کتاب‌هایی است. از این موضوع ناراحت شد و گفت: ای مردم خبر به من رسیده کتاب‌هایی در میان شما پیدا شده است؛ محبوب‌ترین آن‌ها نزد خداوند آن کتابی است که از همه مستقیم‌تر و استوارتر باشد. کسی حق ندارد آن‌ها را نزد خود نگهدارد، باید آن‌ها را برای من بیاورد. مردم گمان کردند عمر می‌خواهد در آن‌ها نظر کند، چنانچه در آن‌ها اختلافی باشد آن را برطرف نماید. مردم کتاب‌هایشان را نزد عمر بردند و او همه‌ی آن‌ها را در آتش سوزانید. سپس گفت: خواسته‌ای همانند خواسته‌ی اهل کتاب»^۳ و در بعضی روایت‌ها: «انحرافی همانند انحراف اهل کتاب»^۴.

عایشه‌ی دختر خلیفه وضعیتش را این گونه توصیف می‌کند: «... پدرم احادیثی از رسول خدا ﷺ را جمع کرده که به پانصد حدیث رسیده بود تا این که شبی در بستر خود به فکر فرو رفته بود و خوابش نمی‌برد. عایشه می‌گوید: من که از این موضوع ناراحت شده بودم گفتم: آیا موضوعی باعث ناراحتی شما شده است؟ صبحگاهان پدرم مرا صدا زد و گفت: دخترکم! بشتاب و احادیثی را که را نزدت گذارده‌ام بیاور. من هم آوردم و او هم آتشی طلب کرد و آنها را آتش زد. گفتم: چرا آنها را سوزانیدی؟ گفت: ترسیدم که بمیرم و این احادیث در نزد من باشد در حالی که در میان این احادیث احادیثی از شخصی که مورد اطمینان و وثاقت من بوده است، می‌باشد و من می‌ترسم آنگونه که بوده است برایم نقل نموده باشد و من نیز

۱ - اخبار مدینه منوره - ابن شیبه: ج ۳ ص ۸۰۰

۲ - کنز العمال: ج ۱۰ باب در آداب علما - فصل در روایت حدیث، شماره‌ی ۲۹۴۷۶.

۳ - تقييد علم: ص ۵۲.

۴ - طبقات کبری - ابن سعد: ج ۱ ص ۱۴۰ چاپ لیدن.

ناقل این روایات باشم»^۱ پایان متن.

و ذهبی می‌گوید: «ابوبکر احادیث پیامبر ﷺ را در کتاب جمع نمود که تعدادشان به پانصد عدد می‌رسید. سپس آتشی طلبید و سوزانیدشان»^۲.

قاسم بن محمد احد امام زیدیه از حاکم با سندش از عایشه روایت می‌کند که گفت: «پدرم بالغ بر پانصد حدیث از رسول خدا را جمع‌آوری نمود. شب هنگام با ناراحتی و اضطراب به خواب رفت. صبح‌هنگام گفت: دخترکم، احادیثی که نزد تو دارم را بیاور. آنها را آوردم. آتشی طلبید و آنها را سوزانید»^۳.

اما پرسش شما: اگر زنی در یک ماه با بیش از یک شخص متعه کند و باردار شود، فرزند به چه کسی منسوب خواهد شد؟

پاسخش این است: شما اگر حقیقت ازدواج متعه و شروط آن را می‌دانستی، چنین سؤالی را مطرح نمی‌کردی. از جمله شروط ازدواج متعه این است که اگر مدت زن پس از دخول منقضی شود، عده‌ی او دو حیض است و اگر حیض نشود و یائسه نباشد، چهل و پنج روز. مدت عده در صورت فوت شدن حتی اگر دخولی صورت نگرفته باشد، اگر نازا باشد چهار ماه و ده روز و اگر حامل باشد بیشتر خواهد بود.

هیات علم انصار امام مهدی (مدرسه در زمیخ تکمین رده)

استاد ابو محمد انصار

۲۵ رجب ۱۴۳۱

پرسش ۵۱۱: آیا امام متاهل است؟

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

آیا دلایل با سند معتبری وجود دارد که ثابت کند امام مهدی ﷺ فرزند دارد؟
من ادله‌ی صحیح از کتاب‌های خودمان می‌خواهم، با اجازه. متشکرم.

فرستنده: اسیر - عربستان سعودی

۱ - تذکره الحفاظ: ج ۱ ص ۵ ؛ کنز العمال: ج ۱۰ ص ۲۸۵ ؛ تدوین القرآن: ص ۳۷۰.

۲ - تذکره الحفاظ - ذهبی: ج ۱ ص ۵ ؛ علوم حدیث: ص ۳۹.

۳ - اعتصام به حبل الله متین: ج ۱ ص ۳۰ ؛ تدوین سنت شریف: ص ۲۶۴ ؛ تذکره الحفاظ: ج ۱ ص ۵ ؛ کنز العمال: ج ۱ ص ۲۸۵.

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلَّى وَالسَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِمْ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا.
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

از پیامبر خدا ﷺ به این مضمون روایت شده است که: «ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من روی گرداند، از من نیست»^۱.

شما می‌توانی با توجه به روایاتی که در ادامه برای‌تان می‌آورم که اندکی از بسیار است، بفهمی که امام متاهل است؛ زیرا چطور می‌شود که بدون ازدواج فرزند داشته باشد؟ این روایات تقدیم به شما:

دلیل اول: شیخ نعمانی (شاگرد ثقة الاسلام کلینی) در کتاب غیبت و شیخ طوسی در کتاب غیبت با سند معتبر روایت می‌کنند: از مفضل بن عمر روایت شده است: شنیدم ابا عبد الله می‌فرماید: «صاحب این امر دو غیبت دارد، یکی از آنها طولانی می‌شود تا آنجا می‌گویند مرد و بعضی گویند کشته شد و بعضی دیگر می‌گویند رفت تا آنجا که بر امر او کسی باقی نمی‌ماند مگر اندک افرادی و بر موضع و مکانش کسی آگاهی ندارد مگر یک فرد از فرزندان او و هیچ کس دیگری مگر آن مولا که امرش را عهده‌دار است».

دلیل دوم: شیخ طوسی و جماعت با سندهای متعدد از یعقوب بن ضراب اصفهانی روایت می‌کند: او در سال دویست و هشتاد و یک حج به جا آورد. شب هنگام در مکه در بازار در خانه‌ای به نام خانه‌ی خدیجه ساکن شد. در آنجا پیرزنی بود که واسطه‌ی بین شیعه و امام عصر علیه السلام بود و داستان طولانی است و در انتهایش می‌گوید که او دفتری را برای پیرزن فرستاد و در آن صلوات بر رسول خدا و سایر ائمه علیهم السلام بود و امر فرموده بود هنگامی که بخواهد بر ایشان صلوات بفرستند چنین بفرستند، و صلوات طولانی است. در بخشی از آن چنین آمده بود:

اللّٰهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعِ اَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ - وَ دَرِ اَنْتِهَائِشَ چنين بود- اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى وَ عَلٰی الْمَرْتَضٰى وَ قَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنَ الرَّضٰى وَ الْحُسَيْنَ الْمُصْطَفٰى وَ جَمِيعِ الْاَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجٰى وَ اَعْلَامِ الْهُدٰى وَ مَنَارِ التَّقٰى وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى وَ اَجْبَلِ الْمُتَمِّينَ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمَ وَ صَلِّ عَلٰى وَاٰلِكَ وَ اٰلِهٖ

۱ - با این مضمون و با الفاظ مختلف احادیث بسیاری روایت شده است؛ مانند جواهر الکلام: ج ۲۹ ص ۱۲.

عَهْدِكَ وَ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ وَ مِدِّي فِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بار خدایا! به او عطا کن برای خودش و فرزندانش، و پيروانش و رعیتش و خاصانش و همه‌ی آنان که فرمانش برند و دشمنانش و همه‌ی اهل دنیا آنچه دیدگانش را به آن روشن کنی - در انتهایش چنین بود- خدایا! درود فرست بر محمد مصطفی و علی مرتضی، و فاطمه‌ی زهرا، و حسن خوشنود از قضا، و حسین پاک‌گشته، و همه‌ی اوصیایی که چراغ‌های تاریکی، و نشانه‌های هدایت، و مشعل‌های فروزان تقوی، و دستاویز و رشته‌ی استوار و راه راست‌اند، و درود فرست بر ولایت و والیان عهدش و امامان از فرزندانش، و بر عمرشان بیفزای و طول حیاتشان را فزونی بخش، و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی.

دلیل سوم: در زیارت مخصوصی که روز جمعه می‌خوانی و سید رضی الدین علی بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع نقل کرده است، چنین آمده است: «صلی الله علیک و علی آل بیتک الطیبین و طاهرین» (صلوات خداوند بر تو و اهل بیت طیب و طاهرت) و در جای دیگری از آن: «صلوات الله علیک و علی آل بیتک هذا یوم الجمعة» (صلوات خداوند بر تو و بر اهل بیت تو، این روز جمعه) و در انتهایش «صلوات الله علیک و علی آل بیتک الطاهرین» (صلوات خداوند بر تو و اهل بیت طاهر تو).

دلیل چهارم: در انتهای کتاب «مزار» بحار الانوار از کتاب «مجموع الدعوات» هارون موسی تلعبری نقل شده است: سلام و صلواتی طولانی از رسول خدا به یک یک ائمه و بعد ذکر سلام و صلوات بر حجت‌العلیه با ذکر سلام و صلواتی خاص بر والیان عهد حجت‌العلیه و بر ائمه از فرزندانش و دعا برای آنها:

السَّلَامُ عَلَى وُلْدَةِ عَهْدِهِ، وَ الْأُمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ، وَ بَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ، وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَ اعِزِّ نَصْرَهُمْ، وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ مِنْ أَمْرِكَ إِلَيْهِمْ، وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادُنْ كَلِمَاتِكَ، وَ خَزَائِنُ عِلْمِكَ، وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَ دَعَائِمُ دِينِكَ، وَ وُلْدَةُ أَمْرِكَ، وَ خُلَصَاؤُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاؤُكَ، وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَانِكَ، وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ أَصْفِيَانِكَ، وَ بَلِّغْهُمْ مِنَّا التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ، وَ أَرِدْ عَلَيْنَا مِنْهُمْ التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ، وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ .

سلام بر والیان عهدش و ائمه از فرزندانش، خداوند بر ایشان درود فرست و به آرزوهایشان برسان و بر عمرهایشان بیفزای و یاریشان را عزیز بدار و آنچه از امرشان را محول کردی به پایان برسان، و برای آنان یاران و برای دینت انصاری قرار بده که آنها معادن کلمات تو و خزاین علم تو و ارکان توحید تو و ستون‌های دینت و والیان امرت و بندگان خالص از میان بندگان و برگزیدگان خلقت و اولیای و برگزیدگان اولیای و

برگزیدگان فرزندان برگزیدگان هستند و از ما تحیت و سلام برسان و سلام آنها را نیز به ما برسان. سلام بر آنها و رحمت خدا و برکاتش.

دلیل پنجم: سید بن طاووس رحمته الله در جمال الاسبوع ص ۳۰۶ و جاهای دیگر زیارتی را نقل کرده است که در یکی از قسمت‌های آن، این دعا پس از نماز آن زیارت آمده است:

اللَّهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعِ اَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرُّ بِهٖ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّ بِهٖ نَفْسُهُ....

بار خدایا! به او عطا کن برای خودش و فرزندانش، و پیروانش و رعیتش و خاصانش و همه‌ی آنان که فرمانش برند و دشمنانش و همه‌ی اهل دنیا آنچه دیدگانش را به آن روشن کنی و دلش را شاد کند....

دلیل ششم: داستان جزیره‌ی خضرا که علامه مجلسی آن را در بحار الانوار نقل کرده است؛ در آن آمده است: «از مایحتاج ساکنان این سرزمین پرسیدم که از کجا تأمین می‌شود؛ چرا که من هیچ زمین زراعی در اینجا نمی‌بینم. گفت: مایحتاج آنها از جزیره‌ی خضرا از دریای سفید می‌رسد؛ از جزایر فرزندان امام صاحب امر علیه السلام به او گفتیم: سالانه چند بار مایحتاج شما آورده می‌شود؟ گفت: دو بار، یک بار آمده و بار دیگر مانده است. گفتیم: چند ماه مانده است تا بیاید؟ گفت: چهار ماه.»

دلیل هفتم: سید بزرگوار علی بن طاووس در کتاب «عمل ماه رمضان» روایت می‌کند: از ابو قره دعایی روایت شده است که در تمام روزها برای حفظ وجود امام حجت علیه السلام خوانده می‌شود که از جمله بخش‌های آن: «و تجعله و ذریته من الائمة الوارثین» (و او و فرزندان او از انبیه و وارثان قرار بده).

دلیل هشتم: روایت وصیت که شیخ طاووس روایت کرده است و در روایت‌های مهدیین ذکر شده است که در آن می‌گوید: «هنگامی که وفاتش فرا رسد آن را به فرزندش اولین مقربین تسلیم نماید....» یعنی هنگامی که وفات امام مهدی علیه السلام برسد به فرزندش اولین مهدیین تسلیم نماید.

دلیل نهم: در مزار محمد بن مشهدی روایت شده است: از امام صادق علیه السلام که به ابو بصیر می‌فرماید: «گویی فرود آمدن قائم علیه السلام در مسجد سهله با اهل و عیالش را می‌بینم....».

دلیل دهم: علامه مجلسی در کتاب صلوات (نماز) از بحار الانوار در اعمال صبح روز

جمعه از اصل قدیمی از مولفان قدیمی دعای طولانی که بعد از نماز صبح خوانده می‌شود را روایت می‌کند. از بخش‌های این دعا برای امام حجت (علیه‌السلام) چنین می‌باشد: «اللهم کن لولیک فی خلقک ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصرأ حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتهع منها طویلاً و تجعله و ذریته فیها الائمة الوارثین...» (بار الها! و برای ولی خود در بین خلائقت، سرپرست و نگهدار و پیشوا و یاور باشی تا او را بر سراسر زمین فرمان‌روای مطاع گردانی و دورانی دراز او را در آن بهرمنند سازی، و او و ذریه‌اش را در آن امامان وارثان قرار دهی...).

دلیل یازدهم: شیخ عباس قمی (رحمته‌الله) در مفاتیح الجنان در دعا برای صاحب الزمان (علیه‌السلام) و در پی آن بعد از دعای عهد شریف در یکی از قسمت‌هایش آورده است: «اللَّهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ اَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ...» (خدایا! به او عطا کن، در وجودش و اهلش، و فرزندان و نژادش و امت و همه‌ی رعیتش، چیزی که چشمش را به آن روشن کنی، و وجودش را به آن خوشحال نمایی...) و این دعا به ذکر یکی از فرزندان امام مهدی (علیه‌السلام) اهتمام خاص دارد و پس از او ذریه‌ای را بیان می‌کند و این می‌رساند که این فرزند، مقام و جایگاه خاصی دارد.

دلیل دوازدهم: سخن امام مهدی (علیه‌السلام) در سخنرانی‌اش بین رکن و مقام هنگام قیامش: «... که ما مورد وحشت و ستم قرار گرفتیم، از دیار و فرزندان خود دور افتادیم، به ما ستم کردند و ما را از حقوق خود محروم ساختند...». این اعلان و بیانی از امام مهدی (علیه‌السلام) در ابتدای قیامش است مبنی بر اینکه از خانه‌اش و فرزندان‌اش به سبب تعقیب ظالمین و جست‌وجوی آثار ایشان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها، رانده شده است.

دلیل سیزدهم: از ابو الحسن امام رضا (علیه‌السلام) روایت شده است: «گویی درفش‌های سبز رنگ آمیزی شده‌ای را می‌بینم که از مصر می‌آیند تا به شامات می‌رسند و به فرزند صاحب وصیت‌ها هدایت می‌شوند». ^۲ به وضوح از این روایت مشخص می‌شود که قبل از قیام قائم پرچم‌ها (یا تبایع) به سوی پسر صاحب وصیت‌ها هدایت می‌شوند. صاحب وصیت‌ها همان وارث ائمه‌ی معصوم می‌باشد؛ او ختم‌کننده‌ی آنها است و وصیت به او منتهی می‌شود و او همان امام محمد بن الحسن العسکری، صاحب الزمان (علیه‌السلام) و ذخیره شده‌ی آل محمد می‌باشد. این روایت بیان می‌کند که پرچم‌ها به سمت پسر صاحب وصیت‌ها یعنی پسر امام مهدی (علیه‌السلام)

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۹۰.

۲ - معجم موضوعی: ص ۴۵۱.

هدایت می‌شوند.

دلیل چهاردهم: ذریه‌ی امام مهدی در «دعای روز سوم شعبان» یعنی روز ولادت امام حسین علیه السلام آمده است.

از ابوالقاسم بن علا همدانی، وکیل امام عسکری علیه السلام روایت شده است که امام حسین علیه السلام در روز پنج‌شنبه سوم شعبان به دنیا آمده است. پس آن روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان: «...خداوندا! از تو درخواست می‌کنم به حقّ مولود در این روز که.... او کُشته‌ی گریه و سرور خاندان است؛ آن که با انتقام خون پاکش در رجعت آل محمد نصرت و ظفر پایداری خواهد یافت، و در عوض شهادتش امامان و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت خواهد بود، و شفا در تربت او است، و رستگاری و پیروزی همراه او است به هنگام رجعتش، و اوصیا بعد از قائم‌شان و غیبتش، از عترت او هستند، تا این که به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام گیرند، و خداوند جبار را از خودشان خوشنود کنند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر آنان تا زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند....»^۱.

دلیل پانزدهم: امام حسن عسکری علیه السلام فرزندانش از نسل قائم را مدح می‌فرماید: از مجلسی: به خط امام محمد عسکری علیه السلام بر کتابی چنین دیده شده است: «به تحقیق ما با گام‌های نبوت و ولایت از بلندترین قله‌ی حقایق بالا رفتیم و هفت درجه و طبقه‌ی نشانه‌ها و علامت‌های فتوی را با هدایت خود روشن ساختیم. پس ما شیران بیشه‌ی نبرد هستیم و باران‌های پر آب و رحمت و کوبندگان دشمنان، و در این دنیای گذرا در میان ما شمشیر و قلم است و همچنین لوی محمد در آخرت. نوادگان ما خلفای دین استوار و چراغ‌های امت‌ها و گشایندگان کرامت هستند....»^۲. در اینجا امام حسین عسکری علیه السلام به نوادگانش (نوادگان ما خلفای دین استوار) اشاره می‌فرماید و نواده، فرزند فرزند است و امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی غیر از امام علیه السلام مهدی ندارد. بنابراین مشخص می‌شود که این نوادگان از نسل امام مهدی علیه السلام و خلفای او در امت می‌باشند. همچنین این خبر مؤید روایت‌های مربوط به فرزندان امام مهدی علیه السلام که حکومت می‌کنند، می‌باشد.

هیات علم‌انصار امام مهدی (معدون در زمیع تکمیل‌دهنده)

استاد ابو‌مصدق انصار - ۲۰ رجب ۱۴۲۱ هـ. ق

۱ - بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۹۴.

۲ - الزام الناصب: ج ۲ ص ۱۴۳؛ بشارت الاسلام: باب ۱۲ ص ۱۶۸.

پرسش ۵۱۲: چگونگی رفتار کردن با کسانی که از یمانیا (علیه‌السلام) بدگویی می‌کنند.

بسم اللّٰه الرّٰحمن الرّٰحيم

با کسانی که از سید احمد یمانیا (علیه‌السلام) بدگویی می‌کنند و سخنان ناشایست بر زبان می‌رانند، چه رفتاری داشته باشیم؟

فرستنده: امیر الدین - استرالیا

پاسخ:

بسم اللّٰه الرّٰحمن الرّٰحيم

والصمد لله رب العالمین، و صمد اللعمر صمد و کل صمد الائم و المهریخ و سلم تسلیم.

در این خصوص، گفتار زیر از سوی سید احمد الحسن (علیه‌السلام) وارد شده است:

سؤال: حکم کسی که به نبی یا وصی دشنام گوید، چیست؟ برخی افراد جاهل، سید احمد الحسن وصی و فرستاده امام مهدی (علیه‌السلام) را سب می‌کنند و دشنام می‌دهند. رفتار با این افراد چگونه باید باشد؟

پاسخ: حکم کسی که یک پیامبر یا وصی یا حضرت زهرا (علیها‌السلام) یا کسی مانند حضرت عباس بن علی (علیه‌السلام) و زینب (علیها‌السلام) که در جایگاه آنها قرار داشته باشد را سب و لعن کند، پس از حصول اطمینان از اصرار ورزیدن او بر این دشنام‌گویی، قتل می‌باشد.

اما کسی که مرا سب کند، من از او درمی‌گذرم چرا که جواب دشنام، دشنام است و یا بخشیدن و عفو کردن گناه. یکی از افراد نادان، مادر یکی از معصومین (علیهم‌السلام) را دشنام داد. آن حضرت (علیه‌السلام) فرمود: «اگر راست‌گو باشی خداوند او را ببخشد و اگر دروغ‌گو باشی خداوند تو را ببخشد».

یکی از جاهلان امام حسن (علیه‌السلام) را دشنام داد. حضرت از او گذشت و به او احسان نمود. این قضیه با امام کاظم (علیه‌السلام) نیز اتفاق افتاد و حضرت نیز با احسان با آن روبه‌رو شد. عفو و نیکی، خوی این معصومین (علیهم‌السلام) و همچنین اخلاق انبیا و اوصیا می‌باشد و از خداوند امید دارم که من نیز اینگونه باشم.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «در تورات نوشته است: ای فرزند آدم، هر گاه خشم گرفتی، مرا به یاد آور تا تو را هنگام خشمم به یاد آورم، و با آنها که نابودشان می‌کنم نابودت نسازم، و چون ستمی بر

تو رفت، به انتقام‌گیری من برای خودت راضی باش زیرا انتقام‌گیری من برایت از انتقام‌گیری خودت بهتر است؛^۱ و من به انتقام‌گرفتن خداوند برایم راضی شده‌ام، او مولا و یاری دهنده‌ای نیکو است.

ای برادران، بدانید این نادان‌ها می‌دانند که این دعوت حق است «وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ»^۲ (با آنکه در دل به آن یقین آورده بودند، ولی از روی ستم و برتری‌جویی، انکارش کردند؛ پس بنگر که عاقبت تبهکاران چگونه بوده است) و خود را در رد کردن ادله‌ی قاطع آن که از ثقلین قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) و از ملکوت آسمان‌ها است به طور کامل ناتوان یافتند و پاسخی جز بانگ شیاطین و زوزه‌ی سگان دریافت نکردند و پس از اینکه حسد تمام جانشان را فرا گرفت، ردایی از تاریکی به تن نمودند.

«إِمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مَلَكًا عَظِيمًا»^۳ (یا بر مردم به خاطر نعمتی که خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است، حسد می‌برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و فرمان‌روایی بزرگ ارزانی‌شان داشتیم). پس مثل آنها «كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مِثْلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۴ (چون مثل آن سگ است که اگر به او حمله کنی زبان از دهان بیرون آرد و اگر رهایش کنی باز هم زبان از دهان بیرون آرد؛ مثل آنان که آیات را دروغ انگاشتند نیز چنین است قصه را بگو، شاید به اندیشه فرو روند). ما خاندان محمد و خاندان ابراهیم هستیم و ما قومی هستیم که مورد حسادت قرار گرفتیم، و من همان که امام مظلوم علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) به عمار یاسر گفت را به شما می‌گویم. هنگامی که حضرت دید عمار یاسر با یکی از کسانی که منکر امامت او (علیه‌السلام) بودند مشاجره می‌کند، فرمود: «ای عمار! او را رها کن، زیرا او به عمد حقایق را بر خود پوشیده داشت، تا شبهات را بهانه‌ی لغزش‌هایش قرار دهد»^۵.

خودتان را با این ظالمان به زحمت نیاندازید؛ افترا می‌زنند و تکذیب می‌کنند و هر چه

۱ - کافی: ج ۲ ص ۳۰۴.

۲ - نمل: ۱۴.

۳ - نسا: ۵۴.

۴ - اعراف: ۱۷۶.

۵ - نهج البلاغه: ج ۴ ص ۹۵.

می‌خواهند بر زبان می‌رانند و آنچه از گناه انجام شدنی است، انجام می‌دهند و حکم خداوند، چه نیکو حکمی ایست و وعده‌گاه، قیامت.

من چه‌ها کشیده‌ام و چه‌ها خواهم کشید و بر فرزندانم علیهم‌السلام پس از من نیز چه مصیبت‌ها خواهد رفت؛ بیش از آنچه پدرانم علیهم‌السلام به آن مبتلا گشتند «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ»^۱ (اکنون برای من صبر جمیل بهتر است و خداوند، کسی است که در آنچه شما می‌گویید، باید از او یاری خواست).

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام می‌نماید، آزاری که از جهالت و نادانی مردمان می‌بیند، از آزار و اذیتی که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جاهلان دوره‌ی جاهلیت دید، بیشتر و شدیدتر است». عرض کردم: چگونه؟ فرمود: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر مردمانی مبعوث شد که سنگ، تخته سنگ‌های بزرگ، چوب و مجسمه‌های چوبی را می‌پرستیدند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام می‌نماید، مردم کتاب خدا (قرآن) را از پیش خود تأویل می‌نمایند و با استناد خود با آن حضرت به بحث و جدال می‌پردازند؛ ولی عاقبت، حضرت، عدل خود را بر آنها و در خانه‌های آنها وارد خواهد کرد، همان گونه که گرما و سرما داخل می‌شود»^۲.

غوطه‌ور شدن در باطل خوی و خصلتشان است و پس از اینکه در آوردگاه، حق به آنها اصابت نمود، هیچ مهارت و ترفندی جز این برایشان باقی نمی‌ماند؛ پس باید که از سیره‌ی پیشینیان خود پیروی کنند؛ کسانی که حضرت داوود علیه‌السلام را به نگرستن به زن برهنه و حضرت زکریا علیه‌السلام را به زنا و حضرت مریم علیها‌السلام را به زناکاری و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به نگاه کردن به همسر پسر خوانده‌اش زید بن حارثه متهم نمودند، و آن حضرت را به توجه داشتن به ثروتمندان و روی گرداندن و ترش‌رویی نسبت به فقرا متهم کردند، و او را به سهل‌انگاری در طاعت خدا و تطبیق دادن شریعت، تهمت زدند تا حدی که حضرت غضبناک برخاست و برای آنها خطبه خواند، و حضرت علی علیه‌السلام را به جاهل بودن در جنگ‌ها متهم ساختند و حال آن که حضرت در حالی که هنوز بیست ساله نشده بود در سختی‌هایشان غوطه‌ور بود، و او را به شرب خمر متهم ساختند، و متهم ساختند.... و متهم ساختند....

آنها در پیروی از آثار پیشینیانشان (خداوند لعنتشان کند) ره به خطا نمی‌روند، همان طور

۱ - یوسف: ۱۸.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۹۷.

که من در پیروی از سیره‌ی پدرانم علیهم‌السلام ره به خطا نمی‌برم و من بدعتی تازه در میان دیگر فرستادگان نمی‌باشم «قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَّلُ بِي وَلَا بِيَكُمُ إِنِ اتَّبَعْتُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ»^۱ (بگو: من از میان دیگر پیامبران بدعتی تازه نیستم و نمی‌دانم که بر من یا بر شما چه خواهد رفت. من از چیزی جز آنچه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم و من جز بیم‌دهنده‌ای آشکار، نیستم).

هیات علم‌انصار امام مهدی (عجل‌الله‌فرجه‌لهم) در زیبح تکفیر دهد)

استاد ابو محمد انصار

۲۰ رجب ۱۴۴۱ هـ - ق.

پرسش ۵۱۳: حلال بون یا حرام بودن سرکه.

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

مایلم نظر سید احمد علیه‌السلام را درباره‌ی حلال یا حرام بودن سرکه‌ی ترش و ملاس را بپرسم؛ اینکه آیا حلال است یا حرام. و نیز مایلم نظر سید را درباره‌ی حلال بودن مرغ ذبح شده‌ی برزیلی بدانم که نهادهای دینی مثل دفتر سید شهید صدر آن را پذیرفته‌اند. آیا حلال است یا حرام؟

فرستنده: عبدالله المذنب - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد لله رب العالمین، وهدى الصمد مصدر واكل مصدر الاثم والمہربین و سلم تسلیماً.

خوردن سرکه‌ی مصنوعی مادام که مست‌کننده نباشد، اشکالی ندارد. مرغ ذبح‌شده، اگر طبق شرایط شرعی ذبح شده باشد از قبیل مسلمان بودن ذبح‌کننده، رو به قبله بودن، اسم خدا را بردن و بریدن رگ‌های چهارگانه، حلال است.... وگرنه حرام می‌باشد. باید از این موضوع، اطمینان حاصل نمایید. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد.

هیات علم‌انصار امام مهدی (عجل‌الله‌فرجه‌لهم) در زیبح تکفیر دهد)

شیخ ناظم عقیدر - رجب الاصب ۱۴۴۱ هـ - ق.

پرسش ۵۱۴: به مدعی «...».

نصیحت

به مدعی احمد....

از خدا بترس و به مردم دروغ نگو و بدان که دروغ بستن به پیامبر ﷺ جایگاهش در آتش است؛ و العیاذ بالله. من قرآن خواندن شما را شنیدم و به نادانی و دور بودن شما از دین، یقین پیدا کردم. از خداوند مسئلت می‌نمایم که تو را هدایت کند یا مانند گرفتن سلطان غالب مقتدر تو را فرو گیرد. پروردگارا! ما را مغلوب مردم کُفر پیشه قرار مده. فرستنده: مهدی عثمان - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم اللّٰه صمّح الرّصم

والصمد لله رب العالمین، و صلوات اللّٰه علیک و آله و سلم تسلیماً.

خوارج، قرآن تلاوت می‌کردند و زمزمه‌های همچون صدای زنبور از آنها شنیده می‌شد ولی قرآن از گلوهای آنها پایین‌تر نمی‌رفت. امروز هم سنت آنها را قدم به قدم تکرار می‌کنید... نه فرمانش را تعقل می‌کنید و نه از اولیایش می‌پذیرید. حکمتی رسا، ولی بیم دادن‌ها سودشان ندهد.

تقوای الهی پیشه کن و حق را بشناس تا اهل آن را بیابی، که فردا تو را سودی ندهد اگر بگویی: پدران‌مان آیینی داشتند... اولیای خدا مطابق آنچه خواست و هوس مردم باشد، نمی‌آورند، برای شناختن‌شان، خداوند قانونی وضع کرده است که آن را از قرآن و سنت بشناس تا هدایت شوی.

هیات علم‌الانصار امام مہدیر (خداوند در زمین تکمیل‌رہد)

استاد ابو صمد انصار

اولاد زمر قمره ۱۴۴۰ هـ. ق.

پرسش ۵۱۵: آیا شما عرب‌ها یا وهابیت را تأیید می‌کنید؟

سلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

کسی که این نامه‌ام را می‌خواند، آن را به سید الحسن برساند. در سایه‌ی این فتنه‌ای که از سوی اعراب و تکفیری‌ها در عراق به وجود آمده که به طور

ویژه ضد شیعیان است، نظر من این است که حضرتعالی گرفتاری افرادی که مردمان بی‌گناه را به قتل می‌رسانند با پراکنده ساختنشان، بیشتر می‌کنید.

سؤال من این است: آیا شما، عرب‌ها و وهابیت را تأیید می‌کنید؟ اگر پاسخ شما آری است، من با شما نیستم حتی اگر دعوت شما صحیح باشد.

فرستنده: الفراتی - آلمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وهدى الله لمرصده واكل منه الامم والمنه ربهم وسلم تسليماً.

سبحان الله... چقدر شایسته می‌بود که شما درباره‌ی فتنه‌ای که از آن سخن می‌گویید تحقیق می‌کردی تا اسباب و دلایل آن بر شما آشکار گردد و چقدر برای شما شایسته می‌بود که اندیشه‌ات را به شکلی صحیح به کار می‌بردی و با خودت می‌گفتی کسی جز قائم آل محمد ﷺ شیعیان را از این فتنه‌ای که در آن گرفتارند نجات نمی‌دهد و به سوی ادله‌ی این دعوت مبارک شتاب می‌کردی و می‌دیدى که هر فرج و گشایشی فقط با آن انجام شدنی است.

قطعه‌ای از نامه‌ی امام مهدی ﷺ به شیخ مفید را تقدیم شما می‌کنم: «... ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده‌ایم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند...». این قسمت از نامه‌ی شریف به وضوح دلالت دارد بر مراقبت داشتن دائمی امام مهدی ﷺ نسبت به شیعیانش و اینکه آن حضرت آنها را همواره در خاطر دارد، باعث عدم نزول مصیبت‌ها و ناتوانی دشمنان در آسیب رساندن به آنها می‌باشد.

در حال حاضر همانطور که شما خود می‌دانی- دشمنان، شیعیان را مستأصل کرده‌اند و مصیبت‌ها بر آنها فرود می‌آید و خون‌هایشان بر زمین ریخته می‌شود و حرمت‌های‌شان به دست آمریکا و گروه‌های اموی هتک می‌گردد. آیا در این دلیلی نیست بر اینکه امام مهدی ﷺ آنها را مراقبت نمی‌کند و این عده را شیعه‌ی خود نمی‌داند؟ آری، آنها با کمال تأسف از اصل حاکمیت الهی و انتخاب حاکم توسط خداوند شانه خالی کردند و در دموکراسی آمریکا وارد شدند (اصل انتخاب حاکم توسط مردم).

سبحان الله، آیا ما کسی هستیم که زمینه‌ی این گرفتاری را بیشتر می‌کنیم یا غیر از ما

که از روش آنها پیروی می‌کنند؟! آیا ما طالب نجات شما نیستیم و آیا داعی گرد آمدن حول امامتان نمی‌باشیم؟!.... ای برادر، حقیقت را جست‌وجو کن و در دلایل این دعوت مبارک تأمل کن تا به اذن خدا، در دنیا و آخرت رستگار شوی.

هیات علم‌انصار امام مهدی (خداوند در زمین تکمینش دهد)

استاد ابو محمد انصار

دو اضر زمر قعده ۱۴۴۰ هـ - وق

پرسش ۵۱۶: چرا علی (علیه السلام) به خاطر خلافت پیکار نکرد؟

پرسشی درباره‌ی خلافت علی کرم الله وجهه.

به نام خداوند علی عظیم. سؤال من: چرا علی (کرم الله وجهه) پس از وفات پیامبر ﷺ به خاطر خلافت جنگ نکرد؟

فرستنده: یاسر - مراکش

پاسخ:

بسم اللّٰه صبح الرّصيم

والصبر لله رب العالمين، و صلبر اللعبر محمد و آل محمد الاثم والمهريق و سلم تسليمًا.

خداوند بر شما رحم آورد؛ بدان که ن جنگیدن امام علی (علیه السلام) جهت بازگردانیدن حق غصب شده‌اش، از روی ترس نبود و ترس و بزدلی بسیار از او به دور است و حال آنکه آن حضرت به شجاعت و قدرت و جانفشانی و سلحشوری در راه ذات خدای سبحان، مشهور است. همیشه شجاعت به تنهایی راه مقابله با باطل و اقامه‌ی حق نیست. چه بسا ممکن است یک مؤمن در نهایت شجاعت و دلاوری باشد ولی مأمور به سکون و سکوت، تا آن کار که خداوند مقرر داشته است، واقع گردد.

حضرت محمد ﷺ به امام علی (علیه السلام) خبر داده بود که مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد و حش غصب می‌شود و.... و اگر یاورانی پیدا نکند او را به صبر دستور داد.... به جهت حکمتی که حضرت محمد ﷺ به او تعلیم فرمود.

بنابراین پیش‌قدم نشدن امام علی (علیه السلام) بر جنگ، گردن نهادن به فرمان خدای متعال و امر پیامبر اکرم ﷺ بوده و این یکی از مناقب و فضایل امام علی است نه به آن صورت که ناصبی‌ها گمان برده‌اند؛ که اگر آن حضرت با وصیت حضرت محمد ﷺ مخالفت می‌ورزید،

این کار وی نقصی برای او به شمار می‌رفت و نقص داشتن و مخالفت ورزیدن با خدا و رسولش، از امیرالمؤمنین و پیشوای دین بسی به دور است!

اگر بر این گفته‌ام شاهدی از قرآن کریم می‌خواهی، به شما می‌گویم: این پیامبر خدا هارون وصی موسی نبی خداوند علیه السلام است که وقتی موسی علیه السلام غایب شد و او را بر بنی اسرائیل به جانشینی خود گماشت، وقتی سامری بنی اسرائیل را گمراه کرد و برای آنها گوساله‌ای آورد تا آنها را از عبادت خدای عزوجل گمراه سازد، به نبرد برخاست. در حالی که پیامبر خدا هارون نه تنها خلافتش از او غصب شده بود بلکه سامری چیزی از دین باقی نگذاشت ولو به صورت ظاهری؛ چرا که مردم را به طور علنی به کفر به خداوند کشاند! بنابراین همیشه از نظر خداوند و اولیایش، اقدام به جنگ و نبرد راه حل برای کسب جایگاه نیست.

علاوه بر این، هر ترسی، بزدلی محسوب نمی‌شود؛ ترس بر دین خدا، بزدلی به حساب نمی‌آید. قرآن به صراحت بیان می‌کند که پیامبر خدا موسی علیه السلام با حالت ترس، و مراقب و منتظر از شهر فرعون خارج شد: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^۱ (ترسان و نگران از شهر بیرون شد. گفت: ای پروردگار من، مرا از ستمکاران رهایی بخش).

آیا ترس موسی علیه السلام بزدلی بوده است؛ هرگز چنین نیست؟! هرگز و هرگز... بلکه ترس موسی علیه السلام به خاطر خودش نبود... ترسش بر خودش بود؛ زیرا خداوند او را به ادای رسالت مکلف نموده بود، پس او می‌بایست از خودش محافظت می‌کرد و آن حضرت به خاطر ادای این تکلیف الهی به کامل‌ترین وجه، بر خودش بیمناک بود؛ و گرنه ما می‌بینیم که انبیا و اوصیا در گردن نهادن به فرمان خدای متعال در جنگ کردن به خاطر دین الهی، هرگز دچار تردید و درنگ نمی‌شوند.

و در پایان، روایاتی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و از اهل بیت او علیهم السلام که وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام در خصوص صبر کردن را یادآور می‌کنند، بسیار است که اگر مایل باشید در مناسبت دیگری موشکافی خواهیم نمود. خداوند شما را بر هر خیر و صلاحی توفیق عطا فرماید.

هيات علمه انصار امام مهدي (عدهاوند در زمين تمكينش رده)

شيخ ناظم عقيد

مهرم ۱۴۴۰ هـ. ق.

پرسش ۵۱۷: پرسش‌هایی در خصوص روایات.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد وسلم تسليماً كثيراً.

سید پدر، امام سیزدهم... سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

مایلم به سؤالاتم پاسخ دهید هر چند برخی برادران انصار (که خداوند استوارشان بدارد) آنها را شرح داده‌اند؛ چرا که من می‌خواهم که از چشمه‌ی پاک و زلال آب بنوشم.

پرسش اول: در حدیثی از ائمه علیهم‌السلام روایت شده است: «غیبت قائم علیه‌السلام نیز همین گونه است که سرانجام، در اثر طولانی شدن آن، این امت انکارش می‌کند، بعضی از هدایت نیافتگان می‌گویند او اصلاً متولد نشده و برخی دیگر می‌گویند او متولد شده ولی از دنیا رفته است، و گروهی هم کافر می‌شوند، از این رو که می‌گویند یازدهمین نفر از ما، بی‌فرزند و عقیم بوده است، و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند. برخی هم نافرمانی خدای عزوجل کرده و می‌گویند: روح قائم علیه‌السلام در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می‌گوید»^۱.

تأویل این حدیث چیست؟ زیرا در آن متشابه وجود دارد؛ چرا که اگر بر محکم که همان وصیت است عرضه شود، مقداری تعارض در آن به وجود خواهد آمد، حداقل به نظر ما چون ما معصوم نیستیم.

و دیگری: «آگاه باشید که برای آمدن آن حضرت ده علامت است، نخستین آن علامت‌ها طلوع ستاره‌ی دنباله‌دار است که به ستاره‌ی حادی نزدیک می‌شود. در آن موقع هرج و مرج و شرارت روی می‌دهد، و اینها نشانه‌های گشایش و نزدیکی فرج است و از هر علامتی تا پیدایش علامت دیگر شگفتی‌هایی است. وقتی علامت‌های ده‌گانه تمام شد، در آن وقت ماه تابان ظاهر می‌گردد و کلمه‌ی اخلاص که دلیل بر توحید و یگانگی خداوند است کامل می‌شود». مردی که به او عامر بن کثیر گفته می‌شد، ایستاد و گفت: ای امیر المؤمنین، به ما از امامان کفر و خلفای باطل خبر دادی، پس ما را از امامان حق و زبان‌های راست‌گوی بعد از خودت باخبر نما. فرمود: «آری، آن عهدی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من سفارش کرده است که امر خلافت را دوازده نفر امام که

نه نفرشان از صلب حسین (علیه السلام) هستند، مالک شوند. رسول خدا ﷺ فرمود: هنگامی که مرا به آسمان بالا بردند به ساق عرش نظر کردم در آن نوشته بود «خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده‌ی خدا است و او را به وسیله‌ی علی مدد کردم و با او یاریش دادم» و دوازده نور دیدم. عرض کردم: پروردگارا، این انوار از آن کیست؟ به من ندا شد: ای محمد، اینها نورهای امامان از فرزندان تو می‌باشد. عرض کردم: ای رسول خدا، آیا نامشان را برای من بیان نمی‌فرمایی؟ فرمود: چرا! تو پس از من امام و خلیفه هستی، دین مرا ادا و به وعده‌های من وفا می‌کنی و پس از تو دو فرزندم حسن و حسین، و بعد از حسین، فرزندش علی بن الحسین زین العابدین، و پس از علی فرزندش محمد است که باقر خوانده شود، و بعد از او فرزندش جعفر است که صادق خوانده شود، و پس از او فرزندش موسی است که کاظم خوانده شود، و پس از موسی، فرزندش علی است که رضا خوانده شود، و بعد از علی فرزندش محمد است که زکیّ خوانده شود، و پس از محمد فرزندش علی است که نقیّ خوانده شود، و بعد از علی فرزندش حسن است که امین خوانده شود، و قائم که از فرزندان حسین است، هم‌نام و شبیه‌ترین مردمان به من است، و زمین را از عدل و داد پر کند همچنان که از ستم و بیدادگری پر شده است». حال چرا امام علی (علیه السلام) وقتی از او درباره‌ی امامان حق سؤال می‌شود، از مهدیین (علیهم السلام) اسم نبرده است؟

همچنین این حدیث: «ای محمد، اینها نورهای امامان از فرزندان تو می‌باشد. عرض کردم: ای رسول خدا، آیا نامشان را برای من بیان نمی‌فرمایی؟ فرمود: آری! تو پس از من امام و خلیفه هستی، دین مرا ادا و به وعده‌های من وفا می‌کنی و پس از تو دو فرزندم حسن و حسین، و بعد از حسین، فرزندش علی زین العابدین، و پس از علی فرزندش محمد است که باقر خوانده شود، و بعد از او فرزندش جعفر است که صادق خوانده شود، و پس از او فرزندش موسی است که کاظم خوانده شود، و پس از موسی، فرزندش علی است که رضا خوانده شود، و بعد از علی فرزندش محمد است که زکیّ خوانده شود، و پس از محمد فرزندش علی است که نقیّ خوانده شود، و بعد از علی فرزندش حسن است که امین خوانده شود، و قائم که از فرزندان حسین است، هم‌نام و شبیه‌ترین مردمان به من است، و زمین را از عدل و داد پر کند همچنان که از ستم و بیدادگری پر شده است».

و همچنین این حدیث: ابوالفضل شیبانی از جعفر بن محمد حسینی علوی از احمد بن عبد النعیم صیداوی از عمرو بن شمر از جابر از ابو جعفر (علیه السلام) روایت می‌کند: به او عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، عده‌ای می‌گویند: خداوند تبارک و تعالی امامت را در ذریه‌ی حسن و حسین قرار داد. فرمود: «والله دروغ گفتند. آیا به این سخن خداوند متعال گوش

نسپرده‌اند: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ»^۱ (و آن را در فرزندان خود سخنی پاینده کرد) و آیا آن را جز در ذریه‌ی حسین (علیه‌السلام) قرار داد؟!» سپس فرمود: «ای جابر، ائمه کسانی هستند که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به امامتشان تصریح فرموده است و همان کسانی هستند که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است: هنگامی که به آسمان برده شدم، نام‌های آنها را نوشته شده با نور بر ساق عرش دیدم؛ دوازده اسم که علی و دو فرزندش و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسین و حجت قائم از ایشان بودند. اینها امامان از اهل بیت برگزیده و پاکی می‌باشند. به خدا سوگند هر کسی غیر از آنها چنین ادعایی کند خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و لشکریانش محشور خواهد نمود.»

در اینجا می‌فرماید هر کس غیر از ایشان چنین ادعایی کند، خداوند همراه با ابلیس محشورش خواهد نمود؛ حال چگونه آنها ذکر شده‌اند اما از مهدیین ذکر می‌نماید که وصیت از مهدیین (علیه‌السلام) سخن می‌گوید؟ تفسیر شما در خصوص این احادیث چیست؟ علی الخصوص این حدیث آخر؛ چرا که بیان می‌کند هر کس غیر از ائمه‌ی دوازده‌گانه (علیه‌السلام) ادعای این امر را کند، با ابلیس (لعنت الله) خواهد بود! آیا تناقضی بین این حدیث و وصیت وجود ندارد؟ چگونه این حدیث را با احادیثی که ذکر کردم، در یک جا جمع می‌کنید؟ چرا که نورهای ائمه‌ی دوازده‌گانه (علیه‌السلام) ذکر شده‌اند و نور دیگری غیر از این نورها ذکر نشده‌اند؛ یعنی همان نورهای مهدیین (علیه‌السلام)، آنجا که قرآن وقتی بیان می‌فرماید موسی (علیه‌السلام) آمد تا با آتش گرم شود، از آنها یاد می‌کند.

شرح مفصلی را می‌خواهم که جان و عقل را سیراب کند. اینها احادیثی بود که یکی از برادران انصار به من یادآوری نمود و گفت که او بر اثر این احادیثی که بیان می‌کنند کسی غیر از امامان دوازده‌گانه (علیه‌السلام) نمی‌تواند مدعی باشد، اندکی شک و تردید در وجودش ایجاد شده است؛ در حالی که ائمه (علیه‌السلام) می‌فرمایند این امری است که کسی غیر از آنها نمی‌تواند مدعی‌اش باشد مگر اینکه خداوند آن گونه محشورش فرماید.

آقای من و پدر من، امام احمد (علیه‌السلام) امیدوارم کتابی با دستان مبارک شما در تفسیر احادیث اهل بیت (علیه‌السلام) مخصوصاً احادیث مربوط به ظهور مقدس، نگاشته شود.

سرورم! پدرم علی (علیه‌السلام) فرمود: «**دو گرسنه هرگز سیر نمی‌شوند، طالب مال و طالب علم**». من از علوم شریف شما و از کتاب‌های تان سیر نمی‌شوم، آیا بیش از این هم هست؟ ما همچون

شتران تشنه که به آب می‌زنند نزد شما می‌آییم، پس آیا امکان دارد که تشنگی مرا با علم سنگین و وزین تان سیراب سازید، ای درخت زیتون! من معتقدم چیزهایی هست که باید قدم به قدم بیاموزیم. بنابراین اینطور احساس می‌کنم که ما خواهان خطبه‌های صوتی بیشتر از جنابتان هستیم؛ از ما این مورد و سایر موارد را دریغ مدارید!

سؤالی دارم در خصوص اینکه آیا خداوند همه‌ی خلقت را مهلت می‌دهد و از جمله‌ی اینها، مؤمنین و مخلصینی هستند که می‌خواهند آن گونه که خدا آنها را فرمان داده - یعنی از طریق خلیفه و جانشینش - او را عبادت کنند، آنجا که می‌فرماید: «**يَهْدِيهِمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ**» (و **ما می‌گذارشان تا همچنان در طغیان خویش سرگردان بمانند**). بانگ گوساله‌ای که خداوند آن را فتنه‌ی بنی اسرائیل قرار داد. آیا امکان دارد بر کسی که مؤمن به دعوت حق است و اعتقاد دارد که دعوت، حق می‌باشد بیفزاید؛ به این ترتیب که بر او بیافزاید و او را نیرنگی زند و در طغیانش واگذارد ولو به این مقدار که فرستاده بیاید و او را خبر دهد که بر حق است، ولی او در واقع بر باطل می‌باشد مانند بانگ گوساله، و مهلت دادن و فرو گذاشتن در طغیان «**و به آنها مهلت می‌دهیم، که تدبیر من محکم و استوار است**». آیا از این باب، چنین چیزی ممکن می‌باشد؟ و چطور برای ما شرح و تفسیر می‌کنید که برخی از مسیحیان طبق اعتقادات گمراهی که درباره‌ی حضرت مسیح علیه السلام دارند، شفا می‌گیرند و به کراماتی نایل می‌شوند و همینطور برخی از عامه که بر ولایت آل بیت علیهم السلام نیستند، با این حال پیامبر صلی الله علیه و آله را رؤیا می‌بینند؛ ما رؤیاهایی دیده‌ایم که برای تصدیق مدعای شما تأویل و تفسیر می‌شود، ولی آیا ممکن است طبق دیدگاهی که برای شما بیان کردم مبنی بر اینکه «خداوند سبحان به آنها مهلت می‌دهد، کید و نقشه‌ی او استوار است و آنها را مهلت می‌دهیم تا بر گناهانشان بیفزایند» خداوند ما را در طغیان‌ورزی مهلت دهد؟ و انسان چطور بین این امداد از جانب خداوند تمایز قایل شود، بر این اساس که انسانی حامل دعوت باطل است و او گمان می‌کند که حق است، و خداوند او را مهلت می‌دهد و با نیرنگ بر گمراهی‌اش می‌افزاید و دیگری نیز مثل ما معتقد است که حق می‌باشد. ما همگی به شما معتقد هستیم؛ منظورم ائمه و مهدیین علیهم السلام است. چطور بین این کید ربانی تمایز قایل شویم. من معتقدم مردمی از اهل مخالف وجود دارند که از عترت طاهره علیهم السلام پیروی نمی‌کنند ولی خدا را دوست می‌دارند و از او می‌ترسند؛ آیا شایسته نیست که خداوند آنها را به ولایت آل‌البت علیهم السلام هدایت کند؟

این مهلت دادن و امداد در طغیان از چه رو است؟ ما چطور تشخیص دهیم که ما بر حق هستیم در حالی که خدای متعال با رؤیا به ما خبر می‌دهد که شما بر حق هستی و او ما را در طغیان مان سرگشته رها نکرده است؟ پوزش مرا بپذیر سرورم! من به شما شک ندارم (پناه بر خدا)، چرا که ایمان دارم که پیامبر ﷺ فرموده است: «**من چیزی در میان شما وامی‌گذارم که تا وقتی به این دو تمسک جویند، هرگز پس از من گمراه نمی‌شوید، کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم**».

و فرمود: «**به من نزدیک شوید تا نوشته‌ای برای شما بنویسم که پس از آن هرگز گمراه نگردید**»؛ و این همان وصیت است؛ و این یعنی اینکه این نوشته یا وصیت، هرگز دچار تحریف نمی‌شود و هیچ مدعی آن را ادعا نمی‌کند، و گرنه چطور می‌فرماید نوشته‌ای که پس از من هرگز گمراه نخواهید شد و حال آنکه همه‌ی این احتمال‌ها وجود دارد. اگر در این خصوص اشتباه می‌کنم، مرا هدایت و ارشاد فرمایید. وقتی یکی از انصار این احادیث را بر من عرضه کرد و مدعی نوعی از شک و تردید بود، من این مطلب را به او گفتم؛ مخصوصاً حدیث آخر که برای شما نوشتم و از من خواست از شما درباره‌اش بپرسم.

چرا برخی مردم پیامبر ﷺ را در خواب می‌بینند که با او سخن می‌گویند و به امامتی غیر از او هدایتش می‌کنند؟ آیا این سخن خدا بر چنین چیزی منطبق است که می‌فرماید: «**وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ**» (و اگر خدا خیری در آنان می‌یافت شنوایشان می‌ساخت، و اگر هم آنان را شنوا ساخته بود باز هم برمی‌گشتند و رویگردان می‌شدند).

از شخص شما درخواست می‌کنم کتابی بنویسید که چگونگی عملکرد رسول خدا ﷺ تا امام آخر ﷺ به همراه و درباره‌ی امام مهدی و فرزند ﷺ شرح دهید؛ یعنی مهدی و یمانی و چگونه و چرا در زمانی صامت و در زمانی دیگر ناطق می‌باشند؟ از شما درخواست دارم و نه از برادران انصار که بنویسند؛ با نهایت احترامی که برای آنها قائل هستم.

فرستنده: انصاری - سوئد

پاسخ:

بسم اللّٰه الرّٰحمن الرّٰحيم

والصّٰدق لاه ربّ العالمين، و صلّى اللّٰه علىّ من صلّى و كآل صلّى اللّٰه و الصّٰلح و السّٰمّين و سلم تسليمًا.

سلام عظيم و رحمة اللّٰه وبركاته.

جواب سؤال ۱: در خصوص روایتی که از آن پرسش نمودی: «... غیبت قائم ﷺ نیز همین گونه است که سرانجام، در اثر طولانی شدن آن، این امت انکارش می‌کنند، بعضی از هدایت

نیافتگان می‌گویند او اصلاً متولد نشده و برخی دیگر می‌گویند او متولد شده ولی از دنیا رفته است، و گروهی هم کافر می‌شوند، از این رو که می‌گویند یازدهمین نفر از ما، بی‌فرزند و عقیم بوده است، و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند. برخی هم نافرمانی خدای عزوجل کرده و می‌گویند: روح قائم علیه السلام در بیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می‌گوید».

پاسخی که پیش‌تر یکی از برادران انصار داده است را تقدیمتان می‌کنم:
 با قطع نظر از ضعف سند این روایت و با قطع نظر از قاعده‌ی «الزام» (الزام القوم بما یلزمون به انفسهم... ملزم نمودن مردم به آنچه خودشان را به آن ملزم می‌نمایند...) کلام امام علیه السلام متوجه کسانی است که وجود امام مهدی علیه السلام و امامت و بقای او را منکر می‌شوند. این سخن حضرت که: «... و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند...» یعنی وی امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهد، و در عین حال معتقد به فوت امام مهدی علیه السلام در غیبت صغری یا کبری است؛ اینجا سخن درباره‌ی فرزندان و جانشینان امام مهدی علیه السلام نیست که جانشینان او بعد از قیام مقدسش می‌باشند که اولین آنها، زمینه‌ساز او علیه السلام می‌باشد.

دلیل بر این سخن آن است که حضرت علیه السلام درباره‌ی غیبت امام مهدی علیه السلام و ارتداد و انحراف مردم از او سخن می‌گوید؛ پس آنچه در اینجا ممنوع است، قایل بودن به مرگ امام مهدی علیه السلام در غیبت و وجود حجت سیزدهم پس از او است. این سخن یعنی اینکه امام مهدی علیه السلام تا آن هنگام که ظاهر شود و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور آکنده شده است، از عدل و داد پر کند، باقی می‌ماند؛ و این موضوعی است که ده‌ها و صدها روایت آن را بیان کرده‌اند.

عقیده به اینکه امام مهدی علیه السلام اوصیایی دارد، در کنار اعتقاد به وجود و حیات امام مهدی تا آن‌گاه که دولت عدل الهی را پایه‌گذاری می‌کند، عقیده‌ای نیست که این روایت نافی آن باشد؛ بلکه ده‌ها روایات، به این معنا صراحت و اشاره دارد، یعنی ده‌ها روایت از وجود مهدیین از نسل امام مهدی علیه السلام سخن گفته است. اگر تمایل داشته باشی می‌توانی به کتاب «الرد الحاسم علی منکری ذریة القائم علیه السلام» از انتشارات انصار امام المهدی علیه السلام مراجعه نمایی. بنابراین روایت مزبور درباره‌ی موضوعی غیر از موضوع اوصیای امام مهدی علیه السلام صحبت می‌کند؛ یعنی این روایت درباره‌ی کسانی است که به مرگ امام مهدی علیه السلام در زمان غیبتش

اعتقاد دارند و در عین حال به امام سیزدهم نیز معتقد می‌باشند؛ به عبارت دیگر، آن اعتقاد باطل، ایمان به وجود اوصیایی برای امام مهدی علیه‌السلام نیست بلکه عقیده‌ای باطل است که هم به اوصیا ایمان دارد و هم مرگ امام مهدی علیه‌السلام در زمان غیبتش را باور دارد. این از بحث - یعنی قضیه‌ی اعتقاد به اوصیای دوازده‌گانه از فرزندان امام مهدی علیه‌السلام - به طور تخصصی خارج است زیرا ما به آنها اعتقاد داریم ولی در عین حال به امامت امام مهدی علیه‌السلام در غیبت کبری معتقدیم و اینکه او حجت اصلی است تا آن‌گاه که قیام کند و زمین را از عدل و داد آکنده سازد.... لذا ما به مرگ امام مهدی علیه‌السلام در زمان غیبتش معتقد نیستیم تا این روایت بر ما منطبق باشد.... این کجا و آن کجا؟! در واقع کسانی که با این روایات با ما رویارو می‌شوند در نهایت نادانی و توهم‌اند.

دلیل دیگری بر آنچه که برای شما گفتم، سخنان بی‌پایه و باطلی است که امام صادق علیه‌السلام همه‌ی آنها را ذکر نموده است که جملگی به عقیده‌ی عدم وجود امام مهدی علیه‌السلام یا وفات او دلالت دارد.... به گفتارهایی که در روایت آمده است بنگرید:

«فمن قائل بغیر هدی بانه لم یولد» (بعضی از هدایت‌نیافتگان می‌گویند او متولد نشده است)؛

یعنی آنها اصولاً به عدم ولادت امام مهدی علیه‌السلام اعتقاد دارند.

«و قائل یقول انه ولد و مات» (و برخی دیگر می‌گویند: او متولد شده ولی از دنیا رفته است)؛

اینها نیز معتقد به عدم وجود امام مهدی علیه‌السلام در غیبتش هستند.

«و قائل یکفر بقوله انّ حادی عشرنا کان عقیماً» (و گروهی هم کافر می‌شوند، به دلیل اینکه

می‌گویند یازدهمین نفر از ما، عقیم بوده است)؛ یعنی امام حسن عسکری عقیم بوده و امام مهدی علیه‌السلام را به دنیا نیاورده است، که این سخن نیز منجر به عدم وجود امام مهدی علیه‌السلام در دوران غیبتش می‌شود.

«و قائل یرمق بقوله انه یتعدی الی ثالث عشر فصاعداً» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا

اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)؛ اینجا نیز یعنی اساساً امامت به سیزده و بیشتر کشیده شده است که نتیجه، انکار وجود و امامت مهدی علیه‌السلام در زمان غیبت او است. این روایت به طور کامل متوجه کسانی است که امام مهدی علیه‌السلام را در دوران غیبتش انکار می‌کنند.

«و قائل یعصی الله عزوجل بقوله ان روح القائم علیه‌السلام ینطق فی هیکل غیره» (و برخی هم نافرمانی

خدای عزوجل می‌کنند و می‌گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن

می‌گوید؛ و این نیز یعنی روح قائم در بدن شخص دیگری حلول کرده است یا سخن می‌گوید. این عقیده نیز باطل بوده و به آن معنا است که حجت، کسی غیر از امام مهدی علیه السلام می‌باشد یعنی حجت، همان کسی است که روح قائم به وسیله‌ی او سخن می‌گوید.

علاوه بر این در برخی کتب، روایت مزبور با این عبارت آمده است: «**و قائل یمرق بقوله انه يتعدى الى ثالث عشر و ما عدا**» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر

و بیشتر سرایت می‌دهند؛) و مفهومی جریان نمی‌یابد و قطعاً کسی که معتقد باشد که امامت به غیر از امام مهدی علیه السلام تسری یافته و آن حضرت در غیبتش فوت کرده، «مارق» (از دین خارج) است.

این سخن حضرت که «**و ما عدا**» یعنی امامت کماکان متعلق به امام مهدی علیه السلام در غیبت او است و او حجت اصلی بر خلائق است و طبیعتاً این به آن معنا نیست که حضرت نایب یا وصی ندارد زیرا اعتقاد به داشتن وصی به این معنا نیست که امامت به وصی او منتقل شده یا سرایت یافته است. علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان حیات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم وصی او بود و هیچ کس نگفت که حجت بودن بر خلق به امام علی علیه السلام تسری یافته است، مگر بعد از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم. در مورد حسن و حسین علیهما السلام نیز همین گونه است. این‌ها اوصیای امام علی علیه السلام در زمان حیات او بودند لیکن این به آن معنی نیست که امامت از امام علی علیه السلام به این دو رسیده است، مگر پس از وفات امام علی علیه السلام. بقیه‌ی ائمه علیهم السلام نیز همین گونه‌اند. اوصیای آنها موجود بوده‌اند ولی این مطلب، بر منتقل شدن امامت و حجیت از قبلی به بعدی دلالت ندارد مگر پس از وفات قبلی. به گمانم این قضیه جزو موارد روشنی است که از شرح و بسط بی‌نیاز می‌باشد.

ما نمی‌گوییم که اکنون امامت از امام مهدی علیه السلام به وصی‌اش سید احمد الحسن انتقال یافته است بلکه می‌گوییم حجت بر سید احمد الحسن و بر تمام خلائق همان امام مهدی حجت بن الحسن علیه السلام می‌باشد، و حجیت سید احمد الحسن از آن جهت است که وی فرستاده و وصی امام مهدی علیه السلام و مبعوث شده از سوی آن حضرت است و هیچ‌گاه امکان ندارد که سید احمد الحسن با امر و نهی امام مهدی علیه السلام مخالفت ورزد، بلکه سید احمد الحسن به صراحت بیان داشته است که وی از امام مهدی علیه السلام نقل می‌کند و مردم را به سوی آن حضرت و برای زمینه‌سازی قیام مقدس او، دعوت می‌نماید.

واضح است که حسین (علیه‌السلام) در زمان حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و در زمان امام علی (علیه‌السلام) و در زمان امام حسن (علیه‌السلام) وصی و امام بود، طبق فرمایش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به این معنا که: «الحسن و الحسین امامان ان قاما وان قعدا» (حسن و حسین هر دو امام‌اند، قیام کنند یا قعود (صلح) کنند)؛ اما اقرار به امامت حسین به این معنا نیست که حجیت بر خلق از حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا از امام علی (علیه‌السلام) یا از امام حسن (علیه‌السلام) به امام حسین (علیه‌السلام) منتقل می‌شود؛ یا پس از وفات ایشان (علیه‌السلام) یا هنگامی که امام حسین (علیه‌السلام) به عنوان جانشین و فرستاده از سوی حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا امام علی (علیه‌السلام) یا امام حسن (علیه‌السلام) مکلف می‌شود.

روشن است که علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) در زمان حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حجت بوده است و این موضوع در غیاب پیامبر یا هنگامی که ایشان وی را به کار معینی تکلیف می‌فرموده —مانند ارسال به سوی مردم یمن— روی می‌داده است، ولی این، دلالت بر آن ندارد که حجیت به طور کامل از حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به امام علی (علیه‌السلام) انتقال یافته، بلکه این کار به صورت نیابت و جانشینی بوده است و حجیت به طور کامل انتقال نیافت مگر پس از وفات حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم). علاوه بر این، گروهی که می‌گویند امام مهدی (علیه‌السلام) فوت کرده و امامت به فرزند او منتقل شده است، مدت زمان مدیدی است که منقرض گشته‌اند؛ یعنی تقریباً بلافاصله پس از غیبت صغری. شیخ طوسی در کتاب «غیبت: ص ۲۲۸» خاطرنشان کرده که این فرقه منقرض شده و کارش به پایان رسیده است.

بنابراین کلام امام صادق (علیه‌السلام) تحقق یافته و سخن ایشان ناظر به این فرقه است که به مرگ امام مهدی (علیه‌السلام) و انتقال امامت به فرزندش در دوران غیبت معتقد بوده‌اند؛ سخن امام صادق (علیه‌السلام) ارتباطی با نفی یا رد فرزندان یا اوصیای امام مهدی (علیه‌السلام) ندارد. تا اینجا فکر کنم قضیه مثل روز روشن شده است.

والصلاة لله رب العالمین، وصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سلم تسلیماً کثیراً.

جواب سؤال ۲: فرمایش آن حضرت مبنی بر اینکه: «... فَهَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ الصُّفْوَةِ وَ الطَّهَارَةِ وَ اللَّهُ مَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرَنَا إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَعَ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ...» (....اینها امامان از اهل بیت برگزیده و پاک می‌باشند. به خدا سوگند هر کسی غیر از آنها چنین ادعایی کند خداوند

تبارک و تعالی او را با ابلیس و لشکریانش محسور خواهد نمود) به هیچ وجه به معنای نفی امامت یا وصایت مهدیین از ذریه‌ی امام مهدی (علیه السلام) نیست. برای روشن شدن مطلب، چند نکته را متذکر می‌شوم:

الف- لازم است توجه شود که ذکر ائمه‌ی دوازده‌گانه (علیهم السلام) به معنای نفی اوصیایی غیر از آنها نیست، به ویژه اگر در کلام ائمه (علیهم السلام) بر آنها نص وارد شده باشد؛ همانطور که گفته می‌شود: «ثابت کردن چیزی، غیر از آن را نفی نمی‌کند». در بسیاری از روایتهای، عترت به علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) تفسیر شده است ولی این به آن معنا نیست که ائمه‌ی از نسل حسین (علیهم السلام) جزو عترت یا اهل بیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) که خداوند پلیدی را از آنها دور کرده و چنان که باید پاک داشته است به شمار نمی‌روند.

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آل محمد چه کسانی هستند؟ فرمود: «**ائمه‌ی اوصیا**». گفتم: عترت او کیست؟ فرمود: «**اصحاب عبا**». گفتم: امت او کیانند؟ فرمود: «**مؤمنانند؛ کسانی که آنچه را که از طرف خدای عزوجل به او نازل شده است تصدیق کرده‌اند، کسانی که به ثقلین که به تمسک جستن به آنها مأمور شده‌اند، چنگ زده‌اند؛ کتاب خدا و عترت او اهل بیتش؛ همان اهل بیتی که خداوند پلیدی را از آنها دور داشته و آنها را چنان که باید پاک داشته است، و این دو جانشینان پیامبر بر امت پس از او (صلی الله علیه و آله) هستند**».

در این روایت می‌بینیم که امام صادق (علیه السلام) به صراحت می‌فرماید که عترت همان اصحاب عبا هستند و بین آنها و آل که بر تمام ائمه و اوصیا مطابقت دارد، فرق نهاده است، و حتی آل یا اهل بیت را به اینکه آنها ائمه‌ی اوصیا هستند تفسیر فرموده است بدون اینکه از فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) نامی ببرد و حال آنکه آن حضرت قطعاً پیشاپیش آل و اهل بیت جای دارد؛ حال آیا این به آن معنا است که به عنوان مثال، فاطمه (علیها السلام) جزو اهل بیت نیست؟

باز می‌گردیم به عترت که در روایت پیشین به اصحاب عبا (علی و فاطمه و حسنین) تفسیر شده است، تا ببینیم آیا فقط همین‌ها مصداق اصحاب عبا هستند یا اینکه بر تمام ائمه از نسل امام حسین (علیه السلام) صدق می‌کند؟

از امام صادق جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «**پیامبر**

خدا ﷻ فرمود: من دو چیز گرانبها در میان شما می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم. این دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند، مانند این دو انگشت؛ و دو انگشت سبابه‌ی خود را به هم چسبانند. جابر بن عبدالله انصاری برخاست و گفت: ای پیامبر خدا عترت تو چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: علی و حسن و حسین و ائمه از نسل حسین تا روز قیامت^۱.

حال آیا صحیح است کسی بگوید بین این دو حدیث تعارضی وجود دارد؟! زیرا اولی عترت را به اصحاب عبا تفسیر کرده است و دومی آن را به اصحاب عبا و ائمه از نسل حسین (علیهم‌السلام) تا روز قیامت؟!

طبیعتاً صحیح نیست و به اعتراض کننده پاسخ داده خواهد شد که تفسیر کردن عترت به اصحاب عبا به معنای اختصاص دادن آن به ایشان نیست (اثبات صفتی برای چیزی به معنای نفی آن صفت از دیگری نمی‌باشد) بلکه سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) را حکمت‌ها و غایات و اراده‌ها و مناسبت‌ها و حالات و اجمال و تفصیل‌ها و شرایطی اعم از تقیه و ابتلا و مراعات حال شنونده و رعایت حفظ اسرار از اهل آن و... است.

مثال‌ها و شواهد بسیاری بر اجمال (خلاصه کردن) و تفصیل در کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) وجود دارد.

ب- بر کسی که موضوع اوصیای امام مهدی (علیه‌السلام) را می‌داند پوشیده نماند که این جزو اسراری است که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت ایشان (علیهم‌السلام) به عمد و از روی حکمت بالغه آن را مخفی داشته‌اند و سرّ را نمی‌توان در هر زمان و مکان فاش کرد، که در این صورت دیگر سرّ محسوب نمی‌شود، بلکه اگر ضرورتی ایجاب کند که به آن اشاره نمایند، با اشاره‌ی رمزگونه و با لحنی و استتار و مخفی‌کاری و... به آن اشاره می‌نمایند.

از این رو می‌بینیم که اهل بیت (علیهم‌السلام) با هدف اقامه‌ی حجت بر منکرین آنها یا بر اهل زمانشان نامی از مهدیین به میان آورده‌اند ولی طبیعتاً این کار را گاهی به صورت اشاره و پوشیده و رمزگونه و بار دیگر با صراحت و بی‌پرده بیان کرده‌اند؛ چرا که زمان مبتلا شدن به آنها هنوز نیامده بود و در آن زمان مردم به امامان دوازده‌گانه ایمان نیاورده بودند چه برسد به دیگران و حتی به خلافت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز ایمان نداشتند! و اگر ما به موضوع اوصیای امام مهدی (علیه‌السلام) توجه کنیم، درمی‌یابیم که ابتلا و امتحانی است که اهل آخرالزمان در معرض

آن قرار می‌گیرند. قطعاً این امتحان و ابتلا مخفیانه است تا درست و به‌جا باشد و‌گرنه دیگر ابتلا و آزمایش نخواهد بود و هیچ کسی مسأله‌ای برای امتحان شدن نمی‌پرسید و پاسخی صریحی داده نمی‌شد و هیچ شک و شبهه یا پوشیدگی باقی نمی‌ماند.

اهل بیت (علیهم‌السلام) در روایت‌های متعدد نسبت به این امتحان هشدار داده‌اند و شیعیان خود را از احتمالاتی که امکان وقوع‌شان وجود داشته است، برحذر داشته‌اند که اگر به وجود آیند، شایسته نیست انکارش کنند. برخی از روایت‌ها را یادآور می‌شوم و شرح آن را به خواننده‌ی خردمند واگذار می‌کنم:

فضل بن یسار می‌گوید: از امام باقر (علیه‌السلام) پرسیدم: آیا برای این امر وقتی هست؟ فرمود:

«وقت گذاران دروغ گویند، وقت‌گزاران دروغ گویند. موسی (علیه‌السلام) هنگامی که به میقات پروردگارش رفت، وعده‌ی سی روز با آنها گذاشت. چون خداوند ده شب بر آن اضافه فرمود، قومش درباره‌اش گفتند: موسی نسبت به ما خلف وعده کرد، و کردند آنچه کردند. وقتی ما خبری به شما می‌دهیم و موافق گفته‌ی ما به شما رسید، بگویید خدا راست گفت و اگر حدیثی گفتیم بر خلاف گفته‌ی قبلی ما به شما، بگویید راست گفت خدا تا دو بار پاداش بگیرید»^۱.

ابو بصیر می‌گوید: امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «خداوند متعال به عمران وحی کرد من به تو پسری می‌بخشم سالم و مبارک که به اذن خدا کور مادرزاد و جزامی را درمان کند و مردگان را زنده سازد و او را پیغمبر بنی اسرائیل قرار می‌دهم. عمران این مطلب را به همسرش حنه که مادر مریم است گفت. چون به مریم حامله گشت فکر می‌کرد حملش پسر است. چون او را زایید گفت: پروردگارا، من دختر زاییدم و پسر مانند دختر نیست؛ یعنی دختر که پیغمبر نمی‌شود. خدای عزوجل می‌فرماید: خداوند به آنچه او زاییده، داناتر است. چون خدای تعالی عیسی را به مریم بخشید او همان پیغمبری بود که به عمران بشارت داده شده و به او وعده کرده بود. پس هرگاه ما درباره مردی از خاندان خود چیزی گفتیم، و در فرزند یا فرزند فرزند او پیدا شد، آن را انکار نکنید»^۲.

از ابو عبدالله امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمود: «اگر درباره‌ی مردی سخنی گوئیم و در او نباشد و در فرزند یا فرزند فرزند او باشد، آن را انکار نکنید؛ زیرا خدای تعالی هر چه بخواهد می‌کند»^۳.

ابو خدیجه گوید: شنیدم امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمود: «گاهی شخصی با صفت عدالت یا ستم

۱ - غیبت نعمانی: ص ۳۰۵.

۲ - کافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

۳ - کافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

سنجیده می‌شود و به آن نسبتش می‌دهند، در صورتی که خودش آن صفت را دارا نیست بلکه پسرش یا پسر پسرش بعد از او دارای آن صفت می‌باشد، پس او همان است»^۱.

از ابو حمزه‌ی ثمالی نقل شده است: ابو جعفر و ابا عبد الله علیهما السلام فرمودند: «ای ابا حمزه، اگر ما چیزی را به تو بیان کردیم که به گونه‌ای بیاید و به همان صورت آمد، خداوند هر چه بخواید می‌کند و اگر روزی چیزی به تو گفتیم و فردا خلافتش را، خداوند هر چه بخواید تثبیت می‌کند و هر چه بخواید محو می‌نماید»^۲.

آیا این اخبار و نظایر آن، این مطلب را القا نمی‌کند و هشدار نمی‌دهد که در آخرالزمان و به ویژه در خصوص مسئله‌ی امام مهدی علیه السلام اهل بیت علیهم السلام اصرار داشته باشند که به چیزی اشاره کنند بدون اینکه به صراحت بیان داشته باشند، آن هم به دلیل حکمت معینی که خودشان می‌دانسته‌اند؟ و آیا پس از این هشدار، عذرآورنده را عذری هست که بخواید در دین خدا به رأی و نظر خودش نظر دهد یا بخواید آمدن امام مهدی علیه السلام مطابق با آنچه خودش می‌فهمد یا شناخته شده است باشد و در غیر این صورت او را تصدیق نکند و مطیع امرش نباشد؟!

ما می‌توانیم از خلال احادیث زیر، موضوع عمدی بودن پرده‌پوشی اوصیای امام مهدی علیه السلام و سرّی بودن این قضیه را دریابیم: از عبد الله بن حارث روایت شده است که گفت: به علی علیه السلام گفتم: ای امیر المؤمنین، از رخدادهای پس از قائم‌تان مرا باخبر نما. فرمود: «ای پسر حارث، این چیزی است که به او موکول شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله از من تعهد گرفت که کسی جز حسن و حسین علیهما السلام را از این موضوع باخبر نکنم»^۳.

در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین که در آن، برخی نشانه‌های قیام قائم علیه السلام را ذکر می‌کند، می‌فرماید: «در آن هنگام توبه برداشته می‌شود، و ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در ایمانش خیری کسب نکرده باشد برایش سودی نخواهد داشت». سپس حضرت فرمود: «از آنچه بعد از آن است از من سؤال نکنید زیرا حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله از من پیمان گرفته است که هیچ کس را از این موضوع باخبر نسازم مگر عترتم را»^۴.

۱ - کافی: ج ۱ ص ۵۳۵.

۲ - بحار الانوار: ج ۴ ص ۱۱۹.

۳ - کمال الدین و تمام النعمة: ص ۷۷.

۴ - تفسیر صافی - فیض کاشانی: ج ۴ ص ۷۵.

و آن حضرت نسل امام مهدی علیه السلام را به صورت آشکار تصریح ننموده است، مگر پس از مقتل امام حسین علیه السلام یا اندکی قبل از آن. حتی وصیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مهدیین علیهم السلام نیز علنی روایت نشده است مگر در زمان امام صادق علیه السلام و این بنا به اقتضای حکمت خداوند متعال جهت حفظ این سرّ عظیم بوده است.

بنابراین می‌بینیم برخی روایات، اوصیا را ذکر می‌کنند و آنها را تا قائم علیه السلام برمی‌شمارند و برخی به عبارت «تا روز قیامت» بسنده می‌کنند. برخی روایات نیز بر اوصیای پس از قائم علیه السلام که ذریه‌ی او هستند صراحت دارند و این جزئی از طرح و برنامه‌ی خدای متعال و حکمت او در کتمان این مسئله است تا آنگاه که زمانش فرا رسد و صاحبش آن را تبیین نماید؛ و نیز به خاطر اینکه غیر از صاحبش کسی آن را ادعا نکند. در روایات زیادی آمده است هنگامی که قائم علیه السلام قیام می‌کند، به امری که مخفی است و مردم آن را فراموش کرده‌اند دعوت می‌کند و آن حضرت به امری جدید که بر عرب سخت و شدید است دعوت می‌نماید.

امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: «**قائم ما هنگامی که قیام نماید، مردم را به امر جدیدی دعوت می‌کند، همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن دعوت کرد، و اسلام غریبانه آغاز شد و غریبانه باز خواهد گشت؛ پس خوشا به حال غریبان!**»^۱.

مالک جهنی می‌گوید: به ابو جعفر علیه السلام گفتم: ما صاحب این امر را با صفتی وصف می‌کنیم که در هیچ کسی نیست. فرمود: «**نه به خدا سوگند، این هرگز نخواهد شد تا او خود بر شما با آن احتجاج کند و شما را به آن فراخواند**»^۲.

از ابو جعفر علیه السلام روایت شده است: «... مهدی فقط به این دلیل مهدی نامیده می‌شود که به امری مخفی دعوت می‌کند...»^۳.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**هنگامی که قائم قیام کند، امری غیر از آنچه بوده است می‌آورد**»^۴.

از امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای بسیار طولانی نقل شده است که فرمود: «... و کتابی

۱ - غیبت نعمانی: ص ۳۳۶.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۳۳۷.

۳ - غیبت نعمانی: ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۴ - غیبت طوسی: ص ۳۰۷.

جدید بر مردم ظاهر می‌کند که بر کافرین سخت و گران خواهد بود. مردم را به چیزی دعوت می‌کند که کسی که به آن اقرار کند، هدایت می‌یابد و انکار کننده‌اش، گمراه می‌گردد؛ پس افسوس و صد افسوس بر انکار کننده‌اش....».

با این حال می‌بینیم که اهل بیت در روایات بسیاری، موضوع مهدیین از نسل امام مهدی (علیه‌السلام) را به صراحت بیان داشته‌اند تا حجت بر منکرین و ستیزه‌جویان اقامه شود. به علاوه آن را با اشاره و رمز نیز بیان کرده‌اند، که از جمله‌ی آنها موارد زیر است:

از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روایتی طولانی از معراج روایت شده است که فرمود: «... ندا رسید ای محمد. گفتیم: لبیک و سعیدیک، ای پروردگار من! مبارک و بلند مرتبه‌ای. ندا رسید: ای محمد! تو بنده‌ی من و من پروردگار توام، پس فقط مرا پرستش کن و بر من توکل کن. تو نور من در میان بندگان من و فرستاده‌ی من به سوی خلقم و حجت من در بین مردمانی. بهشتم را برای کسی که از تو پیروی کند و آتشم را برای کسی که با تو مخالفت ورزد خلق نمودم، و کرامتم را برای اوصیای تو لازم گردانیدم و ثوابم را برای شیعیان تو مقرر داشتم. گفتیم: پروردگار! اوصیای من چه کسانی هستند؟ ندا رسید: ای محمد! اوصیای تو بر ساق عرش نوشته شده‌اند؛ و من -در حالی که در پیشگاه پروردگارم بودم- به ساق عرش نگریدم و دوازده نور دیدم و در هر نوری سطری سبز بود که نام هر یک از اوصیای من بر آن نوشته شده بود. اول ایشان علی بن ابی‌طالب و آخر آنها مهدی اتم بود. گفتیم: پروردگار! آیا آنها اوصیای پس از من هستند؟ ندا آمد: ای محمد! آنها اولیا و دوستان و برگزیدگان و حجت‌های من بر خلائق، پس از تو هستند و آنها اوصیا و جانشینان تو و بهترین خلق من پس از تو می‌باشند. به عزت و جلالم سوگند که به واسطه‌ی ایشان دینم را چیره و کلمه‌ام را بلند می‌نمایم و توسط آخرین آنها زمین را از دشمنانم پاک می‌گردانم و مشرق و مغرب زمین را به تملک او درمی‌آورم و باد را مسخر او می‌کنم و گردنکشان سخت را رام او می‌سازم و او را بر نردبان ترقی بالا می‌برم و با لشکریان خود یاریش می‌کنم و با فرشتگان به او مدد می‌رسانم تا آنکه دعوتم را آشکار سازد و مردمان را بر توحیدم گرد آورد. سپس مُلکش را تداوم بخشم و روزگار را در اختیار اولیای خود قرار دهم تا روز قیامت فرا رسد».

حکومت و دولت امام مهدی (علیه‌السلام) با چه کسی استمرار می‌یابد و آن اولیایی که خداوند روزگار دولت عدل الهی را تا روز قیامت بین آنها می‌گرداند چه کسانی هستند؟ با در نظر گرفتن این موضوع که امام مهدی (علیه‌السلام) مدت زمان کوتاهی پس از حکومت‌داری‌اش، وفات

می‌کند یا شهید می‌شود و نیز با توجه به این نکته که خداوند می‌فرماید: «**ثُمَّ لَأُدْهِنَنَّ مَلَكَةٌ**» (سپس ملکش را تداوم بخشیم) و پوشیده نیست که «**ثُمَّ**» (سپس) معطوف به تاخیر انداختن را می‌رساند و سپس خداوند سخن را به این در اختیار قرار دادن روزگار بین اولیا، معطوف می‌فرماید.

مشخص است که مرام و مذهب آل محمد علیهم‌السلام بر این اساس است که خداوند حجتی بر مردم اقامه نمی‌کند مگر اینکه وی معصوم و از نسل امام حسین علیه‌السلام باشد، بنابراین این اولیا نمی‌توانند غیر از مهدیین از نسل امام مهدی علیه‌السلام باشند که در وصیت رسول خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگام وفاتش و همچنین سایر روایات اهل بیت علیهم‌السلام ذکرشان به میان آمده است.

در خبر بیهس فرستاده‌ی جنیان به سوی امیر المؤمنین علیه‌السلام و پرسش او از تفسیر سوره‌ی قدر آمده است: «... پس هنگامی که آدم علیه‌السلام بر زمین فرود آمد، دنیا تاریک بود. پس آدم گفت: به اذن پروردگارشان. آیا می‌دانی این کدام اذن است؟ گفت: خیر. فرمود: خداوند به وسیله‌ی جبرئیل نازل کرد: پروردگارا، به حق محمد و علی، مبادا نور را به من بازگردانی. پس خداوند تبارک و تعالی او را به دنیا فرو فرستاد و آدم با نور و روشنایی ما روشن گردید و این چنین شب قدر نامیده شد. هنگامی که آدم در دنیا به مدت چهارصد سال زندگی کرد، خداوند تابوتی از نور را بر او نازل کرد، که دوازده در داشت، برای هر دری وصی‌ای قائم بود که به سیره‌ی انبیا رفتار می‌کرد. آدم فرمود: خداوند، این‌ها چه کسانی هستند؟ خداوند عزوجل فرمود: ای آدم، اولین پیامبران تو هستی، و دومین آنان نوح و سوم آنان ابراهیم و چهارم آنان موسی و پنجم آنان عیسی و ششم آنان محمد خاتم پیامبران است؛ و اما اوصیا، اولشان شیث فرزندت و دوم آنان سام پسر نوح و سوم اسماعیل پسر ابراهیم و چهارم یوشع پسر نون و پنجم شمعون صفا و ششم علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و آخرشان قائم از فرزندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، که دینم را به وسیله‌ی او آشکار می‌کنم؛ و آن را بر همه‌ی ادیان چیره می‌سازم؛ حتی اگر مشرکان را خوش نیاید. سپس آدم، تابوت را به شیث تسلیم کرد و قبض روح شد. این چنین بود، که خداوند متعال می‌فرماید: «**إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**»^۱ (ما آن را در شب قدر نازل کردیم * و تو چه دانی که شب قدر چیست؟ * شب قدر بهتر از هزار ماه است). خداوند نور ما را بر زمین نازل کرد، تا به وسیله‌ی آنان، مؤمنان روشن گردند و کافران کور شوند.

و اما این سخن پروردگار: «**تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ**» (فرشتگان فرود می‌آیند)؛ هنگامی که خداوند

حضرت محمد ﷺ را مبعوث نمود، تابوتی از دُرّ سفید که دارای دوازده در بود به همراه داشت، و در آن نامه‌هایی سفید بود که در آن، نام‌های دوازده تن نوشته شده، پس بر رسول خدا ﷺ عرضه شد و امر آن از جانب پروردگارش بود، که حق برای آنان است و آنان نورهایی هستند». عرض کرد: ای امیر المؤمنین، آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «من و فرزندانم حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن الحسن صاحب‌الزمان که سلام و صلوات خداوند بر همه‌ی آنان باد. پس از آنان، پیروان و شیعیان ما هستند که به ولایت ما اقرار کرده و منکر ولایت دشمنان ما هستند...»^۱.

در اینجا بی‌هس، از کسانی که حق با آنها است سؤال می‌کند و آنها نورهایی هستند و کسانی که فرشتگان در شب قدر بر آنها فرود می‌آیند، پاسخ این بود که آنها ائمه‌ی دوازده‌گانه ﷺ هستند و پس از آنها: «پس از آنان، پیروان و شیعیان ما هستند که به ولایت ما اقرار کرده و منکر ولایت دشمنان ما هستند».

واضح است که منظور از حق در اینجا، حق امامت و خلافت و حجت بودن بر خلق است، و نیز آشکار است که فرود آمدن فرشتگان در شب قدر فقط بر حجت معصوم از آل محمد ﷺ صورت می‌گیرد. حال بعد از ائمه‌ی دوازده‌گانه، به غیر از مهدیین از نسل امام مهدی ﷺ چه کسان دیگری چنین خصوصیتی را دارا می‌باشند؟ اگر گفته شود که در روایت مزبور اینها با عنوان شیعه‌ی اهل بیت ﷺ توصیف شده‌اند، چطور ممکن است از اوصیا محسوب شوند؟!

می‌گوییم: کلمه‌ی شیعه از «مشایعت» گرفته شده است که به معنی متابعت، اقتدا و یاری کردن می‌باشد، و این مفهومی است که محل شک و تردید دارد یعنی مصادیق مختلفش به صورت‌های متفاوتی صدق می‌کند؛ هر یک به فراخور حال خودش، و این صفت عظیمی است چرا که پیامبر خدا ابراهیم ﷺ به آن وصف شده است: «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ»^۲ (ابراهیم از پیروان او بود)^۳.

بنابراین همه‌ی ائمه ﷺ شیعه‌ی امیرالمؤمنین ﷺ هستند و نیز مهدیون و سایر شیعیان و

۱ - الزام الناصب فی اثبات حجت غایب: ج ۱ ص ۱۰۰ تا ۱۰۲.

۲ - صافات: ۸۳.

۳ - مراجعه نمایید به بحار الانوار: ج ۸۲ ص ۸۰.

هر یک به فراخور حال خود، چنین هستند؛ چرا که ائمه علیهم‌السلام بر منهج و سیره‌ی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام می‌باشند، لذا در عالی‌ترین مراتب مشایعت و متابعت و یاری‌رسانی، شیعه‌ی او محسوب می‌گردند.

و ما در موارد دیگری نیز می‌بینیم که مهدیین به اینکه گروهی از شیعیان آل محمد علیهم‌السلام هستند توصیف شده‌اند:

ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! من از پدرت علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمود: «**پس از قائم دوازده مهدی می‌باشند**». امام صادق علیه‌السلام فرمود: «**گفته است: دوازده مهدی و نگفته دوازده امام، و آنها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و دوستی ما و شناخت حق ما دعوت می‌کنند**».

پوشیده نیست که مقام ائمه از حیث فضیلت و برتری، متفاوت از مقام مهدیین علیهم‌السلام است و وصیت پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این موضوع را تحکیم و تبیین نموده است، به این صورت که اوصیای پس از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به دوازده امام و دوازده مهدی تقسیم نموده است؛ پس در اینجا دو مقام وجود دارد: مقام امامت و مقام هدایت، ولی این به آن معنا نیست که ائمه‌ی دوازده‌گانه علیهم‌السلام مهدی نیستند و نیز به این مفهوم نیست که مهدیون دوازده‌گانه امام نمی‌باشند. اهل بیت علیهم‌السلام در روایات خود تصریح دارند بر اینکه ائمه‌ی دوازده‌گانه علیهم‌السلام همگی مهدی هستند. همچنین از این حضرات روایت شده است که مهدیین از نسل امام مهدی علیه‌السلام همگی امام‌اند.

از امام مهدی علیه‌السلام در کیفیت درود فرستادن بر اوصیا روایت شده است: «... **وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِيْكَ وَ وِلَاةِ عَهْدِكَ وَ الْأُمَّةِ مِنْ وِلْدِهِ وَ مَدِّي فِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ (دینا) وَ دُنْيَا وَ آخِرَةَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**» (....) و بر ولایت و زمامداران پایبند به عهده‌ت که امامان از فرزندان‌ش هستند درود فرست، و بر عمرشان بیافزا و بر طول حیاتشان فزونی بخش، و به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخرویشان برسان که به یقین تو بر هر چیز توانایی).

از امام رضا علیه‌السلام در دعا برای حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام روایت شده است:

.... **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَ وِلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ أَعِزَّ نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسَدَّتْ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ ثَبِّتْ دَعْوَتَهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَيَّ دِينِكَ أَنْصَارًا**

۱ - کمال‌الدین و تمام‌النعمه: ص ۳۵۸.

۲ - غیبت - شیخ طوسی: ص ۲۸۰.

فَإِنَّهُمْ مَعَادُنْ كَلِمَاتِكَ وَ خَزَانُ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ دِينِكَ وَ وِلَاءُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَائُكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.^۱

.... خدایا! بر متولیان عهدش، و پیشوایان پس از او درود فرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان، و بر عمرش بیفزای، و پیروزی‌شان را نیرومند ساز، و برای آنان کامل کن آنچه از دستوراتت به آنان مستند کردی، و پایه‌های حکومتشان را ثابت بدار و ما را از مددکاران آنان و نسبت به دینت از یاوران قرار ده، به درستی که آنانند معادن کلمات، و خزانه‌داران دانشت، و پایه‌های توحیدت، و ستون‌های دینت، و والیان امرت، و زبده‌های از بندگان، و برگزیدگان از آفریدگانت، و اولیایت و گزیده‌های اولیایت، و انتخاب شدگان فرزندان پیامبرت، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او و بر آنان باد.

از آنچه گذشت درمی‌یابیم که اگر اوصیای پس از امام مهدی (علیه‌السلام) با ائمه‌ی دوازده‌گانه که مهدیون هستند نسبت داده شده یا مقارنه شده‌اند، برای تفکیک بین مقام امامت و هدایت بوده است و ما اگر به اوصیای پس از امام مهدی (علیه‌السلام) از نظر جایگاهی که دارند نظر افکنیم، آنها مهدیون و ائمه هستند، چرا که آنها اوصیای پیامبر خدا حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حجت بر اهل زمین پس از امام مهدی (علیه‌السلام) می‌باشند.

مفضل بن عمر گفت: از حضرت ابا عبد الله (علیه‌السلام) پرسیدم: معنای کلام خداوند «بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَاعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا»^۲ (بلکه اینان ساعت را دروغ انگارند و ما برای کسانی که ساعت را دروغ انگارند آتش سوزان آماده کرده‌ایم). حضرت به من فرمود: «خداوند سال را دوازده ماه آفرید، و شب را دوازده ساعت قرار داد، و روز را دوازده ساعت، و از ما دوازده محدث است و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) ساعتی از آن ساعت‌ها بود»^۳.

ابو سائب از ابا عبد الله جعفر بن محمد (علیه‌السلام) روایت کرده است که حضرت فرمود: «شب، دوازده ساعت است و روز، دوازده ساعت و ماه‌ها دوازده تا هستند و امامان دوازده تا و نقبا دوازده نفر، و علی (علیه‌السلام) یک ساعت از دوازده ساعت است و این سخن خداوند عزوجل است: «وَاعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا» (و ما برای کسانی که ساعت را دروغ انگارند آتش سوزان آماده کرده‌ایم)»^۴.

۱ - مصباح‌المجتهد - شیخ طوسی: ص ۴۱۱.

۲ - فرقان: ۱۱.

۳ - غیبت نعمانی: ص ۸۶ و ۸۷ باب ۴ ح ۱۳.

۴ - غیبت نعمانی: ص ۸۷ باب ۴ ح ۱۵.

در این دو روایت، اشاره به مهدیون روشن و گویا است. به کلام حضرت علیه السلام در روایت نخست بنگرید: «**خداوند سال را دوازده ماه آفرید، و شب را دوازده ساعت قرار داد، و روز را دوازده ساعت، و از ما دوازده محدث است و امیرالمؤمنین علیه السلام ساعتی از آن ساعت‌ها بود**»؛ یعنی او ساعتی از ساعت‌های شب است و ائمه‌ی پس از او نیز تا امام حجت محمد بن الحسن علیه السلام نیز این گونه‌اند؛ چرا که آنها در دولت باطل زندگی کرده‌اند. آنچه باقی می‌ماند این است که ما کسانی که تمثیل دوازده ساعت روز هستند را بشناسیم که آنها چه کسانی هستند و منظور از روز چیست؟

روایت دوم موضوع را بیشتر توضیح می‌دهد. به فرمایش حضرت علیه السلام بنگر: «**شب دوازده ساعت است و روز دوازده ساعت.... و امامان دوازده تا و نقبا دوازده نفر، و علی علیه السلام یک ساعت از دوازده ساعت است....**». این دوازده نقیب که پس از ائمه‌ی دوازده‌گانه از آنها یاد شده است، چه کسانی هستند؟ همان کسانی که در مقارنه با دوازده ساعت روز هستند و حال آنکه ائمه علیهم السلام در مقارنه با دوازده ساعت شب می‌باشند؟

روشن است که منظور از ساعت‌های روز در این دو روایت، و نیز نقبای دوازده‌گانه در روایت دوم، مهدیون دوازده‌گانه از نسل امام مهدی علیه السلام می‌باشند؛ علی الخصوص اگر ما این موضوع را با روایت‌هایی که بر مهدیون دوازده‌گانه و ذریه‌ی امام مهدی علیه السلام تصریح دارند مستند کنیم. اهل بیت علیهم السلام ما را به تفکر در معنی کلامشان راهنمایی می‌فرمایند:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «**اگر معنای یک روایت را بدانی، بهتر از ده روایت است که ندانسته برای مردم نقل کنی. هر حقی، حقیقتی و هر راستی، نوری دارد. به خدا قسم! ما کسی از شیعیان خود را فقیه نمی‌دانیم جز اینکه وقتی او را به اشتباه افکنند، باز هم او مقصود از آن را بفهمد....**»^۱.

اگر ما برای شناختن شب و روز مربوط به آنها و دولت‌شان، به روایات اهل بیت مراجعه کنیم، قضیه به روشن‌ترین شکل آشکار می‌شود:

از ابو بصیر نقل شده است: از ابو عبد الله در مورد این سخن خداوند متعال «**وَالشَّمْسُ وَصُحَّاهَا**» (سوگند به خورشید و برآمدن آفتابش) سؤال کردم. فرمود: «**خورشید، رسول خدا صلی الله علیه و آله** است که خداوند با او دین مردم را برایشان واضح می‌گرداند». گفتیم: «**وَاللَّيْلُ إِذَا تَلَّاهَا**» (و سوگند

به ماه چون از پی آن برآید). فرمود: «امیر المؤمنین علیه السلام است». عرض کردم: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» (و سوگند به شب چون فرو پوشدش). فرمود: «منظور امامان جور و ستم هستند؛ کسانی که به جای آل محمد علیهم السلام مستبدانه حکومت کردند و بر جایگاهی که آل رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن سزاوارتر بودند، بود تکیه زدند و دین رسول خدا صلی الله علیه و آله را با ظلم و ستم پوشانیدند و این همان سخن خداوند متعال است که «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» (و سوگند به شب چون فرو پوشدش)» و فرمود: «ظلم آنها نور روز را پوشانید». عرض کردم: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (و سوگند به روز چون آن را روشن کند). فرمود: «منظور امام از نسل فاطمه علیها السلام است که از دین رسول خدا پرسیده می‌شود و برای کسی که پرسیده است، روشن می‌کند و خداوند حکایت می‌کند: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (و سوگند به روز چون آن را روشن کند)». پرسیدم: و این سخن او «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا» (و سوگند به نفس و آن که نیکویش بیافریده است). فرمود: «خلقتش کرد و صورتش بخشید و این سخن او: «قَالَهُمْهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را به او الهام کرده است) یعنی به او شناسانید و به او الهام کرد سپس او را انتخاب کرد و برگزید «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (که هر که در پاکی آن کوشید رستگار شد) یعنی نفسش را پاک نمود «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (و هر که در پلیدی‌اش فرو پوشید نومید گردید) یعنی گمراهش کرد»^۱.

از محمد بن مسلم روایت شده است: از ابا جعفر علیه السلام در مورد این سخن خداوند عزوجل «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» (و سوگند به شب چون فرو پوشدش) سؤال کردم. فرمود: «منظور از لیل» (شب) در این آیه فلانی است که در جریان دولت خود، امیر المؤمنین را پوشاند و امیر المؤمنین علیه السلام در دولت آن‌ها صبر می‌کرد تا آن حکومت به پایان برسد». و فرمود: ««وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (و سوگند به روز چون آن را روشن کند). منظور از النهار» (روز) قائم ما اهل بیت علیهم السلام است که وقتی قیام می‌کند دولت او بر باطل غلبه خواهد کرد و قرآن در مورد او مثال‌هایی برای مردم زده و خداوند در مورد او و ما، پیامبرش را مورد خطاب قرار داده است و این معانی را غیر ما نمی‌داند»^۲.

بنابراین، شب، همان دولت باطل پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و دوازده ساعت شب نیز همان امامان دوازده‌گانه‌اند که نخستین آنها امیر المؤمنین علیه السلام و آخرین‌شان امام مهدی علیه السلام است؛ زیرا اینها زندگی‌شان در زمان این دولت سپری شده است. روز نیز دولت امام

۱ - تفسیر قمی: ج ۲ ص ۴۲۴ ؛ کافی: ج ۸ ص ۵۰ با الفاظی بسیار نزدیک

۲ - تفسیر قمی: ج ۲ ص ۴۲۵.

مهدی علیه السلام و دولت عدل الهی است و ساعت‌های آن هم نقبای مهدیون دوازده گانه است که نخستین آنها «احمد» وصی امام مهدی علیه السلام و آخرین‌شان نیز کسی است که فرزندی ندارد و حسین بن علی علیه السلام بر او خروج می‌کند.

از آنجا که عمر امام مهدی علیه السلام در دولت عدل اگر آن را با مدت زمان حیات ایشان در دولت باطل قیاس کنیم، بسیار کوتاه است، از این جهت از ساعت‌های شب خواهد بود، ولی از سوی دیگر او همان روز و اوصیای او مهدیون، دوازده ساعت آن می‌باشند؛ زیرا آنها امتداد حکومت و دولت و ملک و شیوهی آن حضرت هستند و حتی اسم‌شان نیز «مهدی» است.

حال اگر بگوییم: بر این اساس شایسته است که مهدی اول (احمد) یعنی نخستین وصی از اوصیای امام مهدی علیه السلام وجود نداشته باشد مگر پس از قیام امام مهدی علیه السلام چرا که وی از ساعت‌های روز است و ساعت‌های روز صرفاً پس از طلوع خورشید امام مهدی علیه السلام آغاز می‌شود.

می‌گوییم: نخستین ساعت از ساعات روز (از نظر شرعی) ساعت سپیده دم یعنی از طلوع فجر تا دمیدن آفتاب است و این ساعت در حقیقت برزخ میان شب و روز می‌باشد، خصوصاً از نظر آمیختگی نور و تاریکی در آن. بنابراین صحیح است که از یک جهت آن را روز و از نخستین ساعات آن به شمار آوری، و از جهت دیگر آن را به این دلیل که تاریکی به طور کامل برطرف نشده است شب محسوب نمایی. حتی روایت شده است که او نه از ساعت‌های شب است و نه از ساعت‌های روز بلکه از ساعت‌های بهشت است:

در گفت‌وگوی عالم نصرانی با ابو جعفر علیه السلام آمده است: ... نصرانی گفت: از تو بپرسم یا تو از من می‌پرسی؟ ابو جعفر علیه السلام فرمود: «**از من بپرس**». نصرانی گفت: ای گروه نصارا، مردی از امت محمد می‌گوید: از من بپرس که این عرصه‌ای است پر از مسایل. سپس گفت: ای عبد الله، از ساعتی مرا باخبر کن که نه از شب است و نه از روز؛ کدام ساعت است؟ ابو جعفر علیه السلام فرمود: «**ما بین طلوع فجر تا طلوع خورشید**». نصرانی گفت: پس اگر نه از ساعت‌های شب است و نه از ساعت‌های روز، از کدامین ساعت‌ها است؟ ابو جعفر علیه السلام فرمود: «**از ساعت‌های بهشت است و در آن بیماری‌های ما بهبود می‌یابد**».^۱

و اینجا است که فردی که در سخن اهل بیت اندیشه می‌ورزد، از رابطه‌ی حیرت‌آوری که

در سخن آنها وجود دارد در شگفت می‌شود. زیرا می‌بینی نخستین اوصیای امام مهدی علیه‌السلام که نماد نخستین ساعات روز است، برزخی میان دولت باطل و دولت حق -بین شب و روز- است و او از این جهت که وصی امام مهدی علیه‌السلام و معاصر آن حضرت و نخستین زمامدار دولت عدل الهی پس از پدرش علیه‌السلام می‌باشد، نخستین ساعت روز محسوب می‌شود؛ و از این منظر که در پایان دولت ظلم ظهور می‌کند و زمینه‌ساز پدرش -روز- است او را به سان ساعات شب می‌یابی؛ آنجا که ظلمت شب هنوز به طور کامل از بین نرفته است بلکه شب با آن شروع به از بین رفتن تدریجی می‌کند -فجر-؛ پس او از این جهت از نظر ناظر، ساعتی از شب یا شبیه‌ترین به آن از میان ساعت‌های روز می‌باشد و به تدریج شبیه به ساعت‌های روز می‌شود تا اینکه ناظر آن را آن گونه می‌بیند و یا حتی نزدیک‌ترین ساعت شب به آن می‌بیند. و این دلیل یا تأییدی بر این است که نخستین اوصیای امام مهدی علیه‌السلام الزاماً باید همانی باشد که برای آن حضرت زمینه‌سازی می‌کند و او قطعاً باید پیش از قیام مقدس امام موجود باشد. در اینجا نباید ما از ارتباط شگفتی که بین این کلام با وصیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در شب وفاتش وجود دارد غفلت کنیم؛ وصیتی که حضرت در آن نخستین وصی امام مهدی را به «و او نخستین مؤمنین است» توصیف نموده است یعنی نخستین مؤمنین به امام مهدی به هنگام ظهورش و نخستین تأییدکننده و یاری دهنده‌ی او. این مطلب به تفصیل در کتاب‌های دیگر شرح و بسط داده شده است و من اینجا تکرار نمی‌کنم.

حتی ما می‌بینیم که مهدی اول (احمد) برترین اوصیای امام مهدی علیه‌السلام است زیرا او برترین ساعت‌های روز است. این موضوع با سخن اهل بیت علیهم‌السلام درباره‌ی اولین ساعت از ساعت‌های روز مطابقت دارد. همان گونه که در فرمایش امام باقر علیه‌السلام آمده است که آن حضرت به هنگام توصیف ساعت فجر، آن را جزو ساعت‌های بهشت خوانده است: «از **ساعت‌های بهشت است و در آن بیماری‌های ما بهبود می‌یابد**».

و نیز فرد خردمند نباید توجه به این فرمایش حضرت یعنی «**و در آن بیماری‌های ما بهبود می‌یابد**» را از کف بدهد. بهبود یافتن از بیماری همان سلامت و نکو گشتن از کسالت می‌باشد. شیعه‌ی آل محمد در دولت ظلم و در فترت غایب بودن حجت و غوطه‌ور شدن در فتنه‌ها و انحراف، بیمارند حتی اگر بعضی از چیزهایی که مردم را گرفتار می‌کند آنها را گرفتار نکرده باشد چه آنچه می‌دانند یا نمی‌دانند، و ظهور وصی امام مهدی علیه‌السلام -نخستین ساعات روز و فجر- بیدارباش آنها از خواب غفلت و خروج آنها از گمراهی و سرگردانی است و آنها

آرام آرام حقایق را می‌بینند هر یک به فراخور حال خود... تا آن گاه که خورشید طلوع کند و دیگر هرگز پوشیدگی بر جای نمی‌ماند.

توصیف این ساعت از زبان اما باقر (علیه السلام) در پاسخ نصرانی به گونه‌ی دیگری نیز روایت شده است: «آن ساعتی بین طلوع فجر تا طلوع خورشید است که رنجور و ستم‌دیده در آن آرامش می‌یابد و شب‌زنده دار در آن به خواب می‌رود و کسی که بیهوشی بر او عارض شده است، بهبود می‌یابد. خداوند آن را در دنیا رغبتی برای راغبین به آن و در آخرت برای عمل‌کنندگان به آن و آن را دلیلی واضح و حجت بالغه بر ستیزه‌جویان متکبر که ترکش می‌کنند قرارش داد...»^۱.

با این لفظ من حقیقتاً نمی‌دانم کدام قسمت را توضیح دهم: «رنجور و ستم‌دیده در آن آرامش می‌یابد»، «شب‌زنده دار در آن به خواب می‌رود»، «کسی که بیهوشی بر او عارض شده است، بهبود می‌یابد»، «خداوند آن را در دنیا رغبتی برای راغبین به آن»، «و در آخرت برای عمل‌کنندگان به آن»، «و آن را دلیلی واضح و حجت بالغه بر ستیزه‌جویان متکبر که ترکش می‌کنند قرارش داد»؛ اگر بخواهیم بر اسرار آن توقف نماییم، سخن طولانی خواهد شد.

برتری دادن ساعتی از ساعت‌های روز بر دیگر ساعت‌های آن، فقط در روایت نیامده است بلکه این موضوع حتی در قرآن کریم نیز مندرج می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «... وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^۲ (و نیز نماز صبحگاه را و نماز صبحگاه در دید و حضور است) و روایت شده است که فرشتگان شب و فرشتگان روز بر وقت فجر، شاهد هستند و حضور دارند.

خداوند متعال می‌فرماید: «كَلَّا وَالْقَمَرِ * وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ * وَالصَّحْرِ إِذَا أَصْفَرَ * إِنَّهَا لَلْإِحْدَى الْكُبْرَى * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ * كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِيْنِ»^۳ (آری، سوگند به ماه * و سوگند به شب، چون روی در رفتن آرد * و سوگند به صبح، چون پرده برافکند * که این یکی از حادثه‌های بزرگ است * ترساننده‌ی آدمیان است * برای هر کس از شما که خواهد پیش افتد یا از پی رود * هر کس در گرو عملی است که انجام داده است * مگر اصحاب یمین).

محمد بن فضیل از ابو الحسن (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمود: «هر کس به سوی دوستی و

۱ - مدینه المعاجز: ج ۵ ص ۷۳ ؛ دلائل الاثمه: ص ۲۳۶ و پس از آن.

۲ - اسراء: ۷۸.

۳ - مدثر: ۳۲ تا ۳۹.

ولایت ما سبقت جوید، از آتش دوزخ دوری جسته است، و هر کس از دوستی و ولایت ما عقب بماند، به سوی آتش دوزخ پیشی جسته است»^۱.

از محمد بن فضیل از ابو الحسن دوم (علیه السلام) روایت شده است: ... گفتیم: «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ» (و این نیست جز ذکر برای بشر). فرمود: «آری، ولایت علی (علیه السلام)». گفتیم: «إِنَّهَا لِأَحَدِي الْكَبِيرِ» (که این یکی از حادثه‌های بزرگ است)؟ فرمود: «هر کس به سوی دوستی و ولایت ما سبقت جوید، از آتش دوزخ دوری جسته است، و هر کس از دوستی و ولایت ما عقب بماند، به سوی آتش دوزخ پیشی جسته است». «إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ» (مگر اصحاب یمن). فرمود: «به خدا سوگند، آنها شیعیان ما هستند». گفتیم: «لَمْ تَكْ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (ما از نمازگزاران نبودیم). فرمود: «ما از وصی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و اوصیای پس از او پیروی نکردیم و بر آنها نماز نگزاردیم». گفتیم: «فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ» (آنها را چه شده است که از این پند، اعراض می‌کنند؟). فرمود: «از ولایت روی برمی‌گردانند». گفتیم: «كَلَّا إِنَّهُ تَذَكُّرَةٌ» (آری، که آن، اندرزی است). فرمود: «ولایت»^۲.

از جابر از ابا جعفر (علیه السلام) در مورد سخن خداوند متعال روایت شده است: ... و این سخن خداوند متعال: «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْبَشَرِ» (و این نیست جز ذکر برای بشر). فرمود: «یعنی روز پیش از خروج قائم (علیه السلام) کسی که بخواهد حق را قبول می‌کند و به سوی او می‌رود و کسی که بخواهد از او عقب می‌ماند».... «وَكُنَّا نَكْدُبُ يَوْمَ الدِّينِ» (و ما روز دین را انکار می‌کردیم). فرمود: «روز دین، روز خروج قائم (علیه السلام) است و این سخن خداوند متعال «فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ» (آنها را چه شده است که از این پند، اعراض می‌کنند؟) یعنی پند و اندرز، و آیه، امیر المؤمنین که سلام و صلوات خداوند بر او باد، می‌باشد.... «بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مَنشُورَةً» (بلکه هر یک از ایشان می‌خواهد که نامه‌هایی گشاده به او داده شود)؛ هر یک از مخالفین می‌خواهد که بر او کتابی از آسمان نازل شود. سپس می‌فرماید: «كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ»^۳ (به هیچ وجه، بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند) که منظور دولت قائم (علیه السلام) می‌باشد....^۴.

و هر کس در این روایات تأمل کند، برای او بسیاری مطالب روشن می‌گردد که به آن

۱ - بحار الانوار: ج ۸ ص ۲۷۳.

۲ - کافی: ج ۱ ص ۴۳۲ تا ۴۳۴.

۳ - مدثر: ۳۱، ۳۷، ۴۶، ۴۹، ۵۲ و ۵۳.

۴ - بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۲۵ تا ۳۲۷.

رشد و هدایت می‌کند. این مختصر را مجال شرح و بسط نیست، امیدوارم که عذر پذیرفته شود.

بنابراین نخستین ساعت‌های روز، همان نخستین مهدیین از نسل امام مهدی (علیه السلام) است در حالی که مشابه ساعت‌های شب نیز هست، یا می‌توان گفت برزخی میان شب و روز و یا می‌توان گفت برزخی بین دولت کفر و دولت عدل و یا می‌توان گفت که او برزخی میان دو مقام امامت و هدایت می‌باشد؛ و همه‌ی اینها یک معنا را می‌رساند.

از محمد بن حسن میمون از ابو هاشم روایت شده است که گفت: به ابوالحسن ماضی امام کاظم (علیه السلام) عرض کردم: از چه رو نمازهای واجب و نافله پنجاه رکعت قرار داده شد نه بیشتر و نه کمتر؟ فرمود: «ساعت‌های شب دوازده تا است و ما بین طلوع فجر و طلوع خورشید نیز ساعتی است و ساعت‌های روز نیز دوازده تا می‌باشد و برای هر ساعت، دو رکعت قرار داده شده است و ما بین غروب خورشید و پایین رفتن قرص، گرگ و میش است»^۱.

و شیخ صدوق می‌گوید: حسن بن عبد الله بن سعید عسکری برای ما روایت کرد: عمومیم به من خبر داد و گفت: ابو اسحاق به ما گفت: ثعلب بر ما املا نمود: «ساعت‌های شب: غسق: گرگ و میش، فحمة: تاریکی دل شب، عشوة: یک چهارم اول شب، هدأة، جنح، هزیع، فقد، عقر، زلفه، سحرة و بهره می‌باشند؛ و ساعت‌های روز: راد، شروق، متوع، ترحل، دلوکه جنوح، هجیر، ظهیره، اصیل و طفل می‌باشند»^۲.

و حتی نام‌گذاری نخستین ساعات روز به «راد» (برگرداننده) شاید به دلیل ارتباط آن با نخستین مهدیین باشد؛ یعنی او دین خدا را به اصول و مبانی آن بازمی‌گرداند، یا او در مقابل اهل بدعت‌ها و انحراف و ظلم و جور می‌ایستد

یا شاید از «الردء» گرفته شده باشد که به معنای یار و یاور است و همچنین به معنای غار- همان گونه که در کلام خداوند، حکایتی از زبان موسی نبی الله (علیه السلام) آمده است: «وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِيَّيْ أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون»^۳ (و برادرم هارون در بیان، از من فصیح‌تر است، او را به مدد من بفرست تا مرا یاری کند؛ بیم آن دارم که دروغ‌گویم

۱ - خصال - شیخ صدوق: ص ۴۸۸.

۲ - خصال - شیخ صدوق: ص ۴۸۸.

۳ - قصص: ۳۴.

شمارند).

زبیدی در تاج العروس ج ۴ ص ۴۵۰ تا ۴۵۳ ریشه‌ی «ردد» می‌گوید: این سخن خداوند: «فَأَرْسَلَهُ مَعِيَ رِدْءًا» جایز است کسی که می‌خواند، اعتماد کند یا برای وزین‌تر شدن، بعد از اخفا کردن همزه، وقف نماید.

از مفضل بن عمر از امام صادق جعفر بن محمد (علیه‌السلام) روایت شده است: از این سخن خداوند عزوجل از ایشان سؤال کردم: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ»^۱ (و چون پروردگار ابراهیم او را به کلماتی بیازمود)؛ این کلمات چه بود؟ فرمود: «کلماتی بود که آدم از پروردگارش آموخت و خداوند با آن توبه‌اش را پذیرفت و او گفت: «به حق محمد و علی و فاطمه و حسن از تو درخواست می‌کنم که مرا ببخشایی». خداوند توبه‌اش را پذیرفت که او توبه‌پذیر و مهربان است». عرض کردم: ای پسر رسول خدا، خداوند عزوجل از این سخن «فَاتَمَّهَنَّ» چه منظوری دارد؟ فرمود: «یعنی آنها را تا قائم دوازده امام که نه تا از فرزندان حسین (علیه‌السلام) هستند، کامل نمود». مفضل گفت: گفتم: ای پسر رسول خدا، از این سخن خداوند عزوجل «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» (و آن را در فرزندان خود سخنی پاینده کرد) مرا باخبر فرما. فرمود: «یعنی به آن امامت که خداوند آن را تا روز قیامت در ذریه‌ی حسین قرار داد». مفضل گفت: به او عرض کردم: ای پسر رسول خدا، چگونه در فرزندان حسین (علیه‌السلام) جریان یافت و نه در نسل حسن (علیه‌السلام) که هر دو فرزندان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند و نوه‌های او و سروران جوان‌های اهل بهشت؟! فرمود: «موسی و هارون دو نبی فرستاده‌شده و برادر بودند. خداوند عزوجل نبوت را در پشت هارون قرار داد نه در پشت موسی (علیه‌السلام) و شایسته نیست کسی بگوید چرا خداوند چنین کرد. امامت، جانشینی خداوند عزوجل در زمینش است و شایسته نیست کسی بگوید چرا خداوند آن را در صلب حسین قرار داد نه حسن (علیه‌السلام) چرا که خداوند تبارک و تعالی در کارهایش حکیم است «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ»^۲ (او در برابر هیچ یک از کارهایی که می‌کند، بازخواست نمی‌شود ولی مردم بازخواست می‌شوند)»^۳.

در این روایت ابو عبد الله (علیه‌السلام) بیان می‌فرماید که خداوند متعال کلمات را از ذریه‌ی

۱ - بقره: ۱۲۴.

۲ - انبیا: ۲۳.

۳ - کمال الدین و تمام النعمة: ص ۳۵۸ و ۳۵۹.

حسین (علیه السلام) تا قائم (علیه السلام) تمام کرده است، سپس به دنبال آن در پاسخی دیگر آورده که خداوند امامت را در نسل حسین (علیه السلام) تا روز قیامت قرار داده است و ما از این مطلب درمی‌یابیم که خداوند متعال این کلمات را در فرزندان او یعنی امام مهدی (علیه السلام) که به او خاتمه یافته، جاودان ساخته است یعنی امامت مهدیین را؛ یا می‌توان گفت مقام هدایتی را که پس از مقام ولایت یا امامت می‌آید. اگر برای ما روشن شود که قیامت بلافاصله پس از وفات امام مهدی (علیه السلام) نیست بلکه طبق آنچه روایات بیان می‌دارند، عمر شریف آن حضرت در دولت عدل الهی بسیار کوتاه است و پس از او، امامان و حجت‌هایی خواهند بود که دولت عدل الهی که خداوند به بشریت بشارت داده است را بر پا خواهند نمود، این درک به ذهن نزدیک‌تر و آسان‌تر می‌شود.

تصور نشود که دولت امام مهدی (علیه السلام) فقط منوط و مرهون به زنده بودن آن حضرت است، که روایت شده این مدت نه سال یا نوزده سال یا نزدیک به همین مقدار است؛ حال آنکه بشریت هزاران سال در دولت ظلم و طاغوت زیسته است و حتی از روایات اینگونه فهمیده می‌شود که دولت امام مهدی تا زمان‌هایی بسیار دراز ادامه خواهد داشت.

از یونس بن رباط نقل شده است که گفت: شنیدم ابا عبد الله (علیه السلام) می‌فرماید: «به راستی که اهل حق، همواره در سختی هستند؛ اما آن، تا زمانی کوتاه و آسایشی بلند مدت است»^۱.

حتی از روایات فهمیده می‌شود که مهدی آخر از فرزندان امام مهدی (علیه السلام) ۳۰۹ سال حکومت می‌کند و پس از آن رجعت واقع می‌شود و خروج امام حسین (علیه السلام) آغاز می‌گردد:

از جابر جعفی روایت شده است که گفت: شنیدم ابا جعفر (علیه السلام) می‌فرماید: «به خدا که مردی از اهل بیت ما بعد از مرگش سیصد سال بر زمین حکومت می‌کند، و نه سال بر آن اضافه شود». گفتم: چه وقت؟ فرمودند: «بعد از مرگ قائم». عرض کردم: و چقدر قائم در عالمش قیام می‌کند تا بمیرد؟ فرمود: «نوزده سال از روز قیامش تا مرگش. سپس منتصر خروج می‌کند و خون حسین (علیه السلام) و یارانش را طلب می‌کند و می‌کشد و اسیر می‌کند تا سفاح خروج کند»^۲.

این «منتصر» (پیروزمند) همان امام حسین (علیه السلام) و «سفاح» (خونریز) امیر المؤمنین می‌باشد. امام حسین (علیه السلام) پس از حکومت‌داری مهدیین دوازده‌گانه از نسل امام مهدی (علیه السلام)

۱ - کافی: ج ۲ ص ۲۵۵.

۲ - غیبت - شیخ طوسی: ص ۴۷۸ و ۴۷۹ حدیث ۵۰۵.

خروج می‌کند؛ یعنی رجعت، پس از پایان زمامداری دوازدهمین مهدی از اوصیای امام مهدی علیه‌السلام آغاز می‌شود و فقط مدت حکومت مهدی دوازدهم ۳۰۹ سال است، چه برسد به پدران‌ش مهدیون یازده‌گانه. مهدی دوازدهم پشتی ندارد یعنی فرزندی ندارد زیرا امامت به پایان رسیده و عالم رجعت که متفاوت با زندگی دنیوی کنونی ما است، آغاز گشته است.

حسن بن علی خزاز می‌گوید: علی بن ابی حمزه بر امام رضا علیه‌السلام وارد شد و عرض کرد: آیا شما امام هستید؟ فرمود «آری». عرض کرد: من از جدت جعفر بن محمد علیه‌السلام شنیدم که امامی نخواهد بود مگر اینکه فرزندی داشته باشد. حضرت فرمود: «ای شیخ! آیا فراموش کرده‌ای یا خود را به فراموشی زده‌ای؟ این چیزی نیست که جعفر علیه‌السلام فرمود. او فرمود: امامی نخواهد بود مگر اینکه فرزندی دارد، مگر آن امامی که حسین بن علی علیه‌السلام بر او خروج می‌کند که او فرزندی ندارد». علی بن ابی حمزه عرض کرد: فدایت شوم! درست فرمودی. از جدت این چنین شنیدم^۱.

در روایتی دیگر که گفت‌وگویی بین علی بن ابی حمزه‌ی بطائنی با امام رضا علیه‌السلام می‌باشد، این معنی روشن‌تر می‌گردد. بطائنی در گفت‌وگویی طولانی به امام رضا علیه‌السلام عرضه داشت: ... ما روایت کرده‌ایم که امام نمی‌میرد تا فرزند خود را ببیند. ابو الحسن علیه‌السلام فرمود: «آیا در این حدیث چیزی غیر از این هم روایت کرده‌اید؟» عرض کردم: خیر. فرمود: «بلی به خدا سوگند روایت کرده‌اید؛ به جز قائم، و شما معنای آن را نمی‌دانید و هرگز گفته نشده است». به ایشان عرض کردم: آری، به خدا سوگند این مطلب در این حدیث است. ابو الحسن علیه‌السلام فرمود: «وای بر تو! چگونه بر چیزی جسارت یافته و ادعای برخی از آن را می‌کنی؟»^۲.

خداوند توفیقت دهد، در این سخن امام رضا علیه‌السلام که می‌فرماید «و شما معنای آن را نمی‌دانید و هرگز گفته نشده است»، اگر منظور از آن، امام مهدی می‌بود، این مطلب بر مردی همچون علی بن ابی حمزه‌ی بطائنی که به زیادی حفظ و روایت احادیث اهل بیت علیهم‌السلام مشهور است، پوشیده نمی‌ماند؛ چطور ممکن بود بر او پنهان بماند و حال آنکه در آن زمان، بیشتر مردم می‌دانستند که مقصود از قائم همان امام مهدی علیه‌السلام است. بنابراین مادام که این معنا که «فرزندی ندارد» بر علی بن ابی حمزه و دیگر راویان مخفی مانده است، قطعاً مراد از

۱ - غیبت - شیخ طوسی: ص ۲۲۴ حدیث ۱۸۸.

۲ - بحار الانوار: ج ۴۸ ص ۲۷۰.

آن، کسی غیر از امام مهدی علیه السلام است و او، آخرین مهدیین از نسل امام مهدی علیه السلام می‌باشد و این همان چیزی است که امام رضا علیه السلام در فرمایش خود مبنی بر «و شما معنای آن را نمی‌دانید و هرگز گفته نشده است» قصد کرده است.

حال به مسأله بازمی‌گردیم: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ» (و آن را در فرزندان خود سخنی پاینده کرد) و دلالتش بر مهدیین از ذریه‌ی امام مهدی علیه السلام و روایت دیگری که به فهم این مطلب کمک می‌کند را ذکر می‌نمایم:

از هشام بن سالم روایت شده است: به امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام عرض کردم: حسن برتر است یا حسین؟ فرمود: «حسن برتر از حسین است». گفتم: پس چگونه امامت در نسل حسین ادامه یافت نه حسن؟ فرمود: «خداوند تبارک و تعالی دوست می‌دارد که سنت موسی و هارون در حسن و حسین علیه السلام جریان یابد؛ آیا نمی‌بینی که آن دو در نبوت مشترک بودند همانند حسن و حسین که در امامت مشترک هستند، و خداوند عزوجل نبوت را در نسل هارون قرار داد و نه در نسل موسی، در حالی که موسی برتر از هارون علیه السلام بود». گفتم: آیا ممکن است دو امام در یک زمان باشند؟ فرمود: «نه، مگر اینکه یکی از آن دو صامت باشد و به دیگری اقتدا کند و آن دیگر، ناطق و امام دیگری باشد اما اینکه دو امام ناطق در یک زمان باشند، نه». عرض کردم: آیا بعد از حسن و حسین علیه السلام امامت در دو برادر خواهد بود؟ فرمود: «نه، امامت فقط در نسل حسین علیه السلام جریان دارد همان گونه که خداوند عزوجل فرموده است: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ»^۱ (و آن را در فرزندان خود سخنی پاینده کرد)؛ سپس در اعقاب و اعقاب تا روز قیامت جریان خواهد یافت»^۲.

از عبد العلی بن اعین روایت شده است که گفت: شنیدم ابا عبد الله علیه السلام می‌فرماید: «خداوند عزوجل علی علیه السلام و آنچه به او می‌رسد را به وصیت مخصوص گردانید، و با آن به حسن و حسین اقرار نمود. سپس وصیت او به حسن و تسلیم شدن آن از حسن به حسین تا امر به حسین رسید که هیچ کس در مثل آنچه برای او است، منازعه‌ای در آن ندارد و علی بن الحسین با این سخن خداوند: «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۳ (به حکم کتاب خدا، خویشاوندان به یکدیگر سزاوارترند و خدا بر هر چیزی دانا است) مستحق آن می‌باشد. و پس از علی بن الحسین

۱ - زخرف: ۲۸.

۲ - کمال الدین و تمام النعمة: ص ۴۱۶ و ۴۱۷.

۳ - انفال: ۷۵.

در کسی جز **عقاب و عقاب و عقاب نمی‌باشد**»^۱.

حال ما باید این پرسش را مطرح نماییم که چرا امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «**در عقاب و عقاب عقاب**» و کلمه‌ی عقاب را تکرار می‌نماید؟! کلمه‌ی عقاب (جمع عقب به معنی پشت و فرزند) بر نه معصوم علیهم‌السلام صدق می‌کند و تکرار آن لازم نیست تا کلام کامل و صحیح گردد!! پس باید برای کلمه‌ی عقاب معنی و کاربرد دیگری وجود داشته باشد؛ چرا که ائمه علیهم‌السلام سخن اضافی نمی‌گویند (و هرگز چنین نیستند) در حالی که آنها سروران بلاغت و فصاحت‌اند که خودشان فرموده‌اند: «**خیر الکلام ما قل و دل**» (برترین سخن آن است که کوتاه و قابل فهم باشد). کسی که در این روایت تأمل کند و آن را با دیگر روایت‌ها مقارن سازد، درمی‌یابد که این به آن معنا است که امامت پس از حسین علیه‌السلام در دو مرحله استمرار می‌یابد که هر یک در فضیلت و برتری متفاوت از دیگری است؛ این دو عبارتند از مرحله‌ی امامت و مرحله‌ی هدایت، یعنی فرزندان ائمه و فرزندان مهدیین پس از امام مهدی علیه‌السلام. از همین رو امام صادق علیه‌السلام کلمه‌ی فرزندان (عقاب) را دو بار تکرار کرده است: «**عقاب و عقاب عقاب**». در مورد این شاهد، همین مقدار کفایت می‌کند.

از عمرو بن بکایی از کعب الاحبار در مورد خلفا روایت شده است که گفت: «آنها دوازده نفرند. هنگامی که مدتشان به سر آید، طبقه‌ای صالح که خدا بر عمرشان می‌افزاید را خداوند به این امت وعده داده است. سپس قرائت کرد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»^۲ (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین جانشین‌شان کند، همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین نمود). گفت: و خداوند اینچنین با بنی اسرائیل رفتار نمود و سخت نیست که این امت در یک روز یا نصف روز جمع گردد: «وَأَنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ»^۳ (و یک روز از روزهای پروردگار تو برابر با هزار سال است آن گونه که شما می‌شمرید)^۴. ابو الحاتم رازی در تفسیرش همین خبر را با کمی اختلاف با سندش از عمرو بکالی، از

۱ - علل الشرایع: ج ۱ ص ۲۰۷.

۲ - نور: ۵۵.

۳ - حج: ۴۷.

۴ - خصال صدوق: ص ۴۷۴ و ۴۷۵.

کعب الاحبار آورده است که گفت: «آنها دوازده نفرند و آن گاه که مدتشان به سر آید به جای آن دوازده نفر، دوازده نفر نظیر آنها قرار داده می‌شوند و خداوند اینچنین به این امت وعده داده است و قرائت کرد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داد که در روی زمین جانشین‌شان کند، همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین نمود) و خداوند اینچنین با بنی اسرائیل رفتار نمود: «وَإِنْ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (و یک روز از روزهای پروردگار تو برابر با هزار سال است آن گونه که شما می‌شمردید).^۱

این خبر اگر چه از کعب الاحبار روایت شده است ولی با آنچه از اهل بیت (علیهم‌السلام) روایت شده موافق می‌باشد و بنا به نظر صدوق- دلالت دارد بر وجود طبقه‌ی صالحی از خلفا پس از امام مهدی (علیه‌السلام) دارد و خلفا و حجت‌های بر مردم حتماً باید معصوم و از اوصیای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به ویژه از نسل امام حسین (علیه‌السلام) و به طور خاص از نسل امام مهدی (علیه‌السلام) باشند؛ چرا که همانطور که در روایات متواتر آمده است، امامت تا روز قیامت در فرزندان و فرزندان فرزندان (اعقاب و اعقاب اعقاب) است؛ بنابراین امکان ندارد که آنها کسانی غیر از مهدیون در وصیت پیامبر خدا حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و روایات متواتر نقل شده از اهل بیت (علیهم‌السلام) باشند.

و اما با لفظ رازی- این مطلب دلالت دارد بر این که دوازده خلیفه پس از ائمه‌ی دوازده‌گانه می‌آیند و آنها وعده‌ی خدای متعال می‌باشند.

تا اینجا به همین مقدار از بیان کردن اخباری که به مهدیین از اوصیای امام مهدی (علیه‌السلام) اشاره دارد اکتفا می‌کنم و گرنه این روایت‌ها بسیارند؛ و من از آوردن روایاتی که بر مهدیین و بر ذریه‌ی امام مهدی (علیه‌السلام) تصریح دارند، صرف‌نظر می‌کنم؛ چرا که این روایت‌ها برای برادران انصار شناخته شده‌اند و شرح و بسط آنها در تعدادی از کتاب‌های انتشارات انصار امام مهدی (علیه‌السلام) موجود می‌باشد.

جواب: اما روایتی که گمان برده شده است با مهدیین (علیهم‌السلام) در تعارض می‌باشد، با این مضمون: «..... و همان کسانی هستند که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است: هنگامی که به آسمان برده شدم، نام‌های آنها بر ساق عرش با نور نوشته شده دیدم؛ دوازده اسم که علی و دو فرزندش و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسین و حجت قائم از ایشان بودند. اینها امامان

از اهل بیت برگزیده و پاکی می‌باشند. به خدا سوگند هر کسی غیر از آنها چنین ادعایی کند خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و لشکریانش محشور خواهد نمود».

سخن در این خصوص به شرح زیر می‌باشد:

- این سخن معصوم علیه‌السلام: «... هنگامی که به آسمان برده شدم، نام‌های آنها بر ساق عرش با نور نوشته شده دیدم؛ دوازده اسم که علی و دو فرزندش و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسین و حجت قائم از ایشان بودند...».

صرف نظر از هر چیز، این روایت تا اینجا با روایاتی که ائمه‌ی دوازده‌گانه تا قائم مبنی بر اینکه آنها وصی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشند را برمی‌شمرند، هیچ تعارضی ندارند و همان طور که پیش‌تر بیان شد چنین روایاتی که امامان دوازده‌گانه را اثبات می‌کنند، نفی‌کننده‌ی مهدیون دوازده‌گانه نمی‌باشند و همان طور که بیان گردید، اثبات نمودن چیزی به معنی نفی کردن غیر از آن، نمی‌باشد.

- این سخن معصوم علیه‌السلام: «... اینها امامان از اهل بیت برگزیده و پاکی می‌باشند...». پیش‌تر بیان شد که مقام امامت غیر از مقام هدایت است و ثابت نمودن تعداد امامان به معنی نفی تعداد مهدیون نمی‌باشد و تعارضی در مقام و جایگاه وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، وقتی سخن در خصوص امامان و تعداد آنها است به معنی نفی کردن مهدیون یا اینکه این اوصیا و حجت‌ها غیر از آنها هستند، نمی‌باشد.

- این سخن معصوم علیه‌السلام: «... به خدا سوگند هر کسی غیر از آنها چنین ادعایی کند خداوند تبارک و تعالی او را با ابلیس و لشکریانش محشور خواهد نمود...». اینچنین در دلایل امامت که علامه مجلسی نقل نموده، وارد شده است: «غیر از ما» و نه «غیر از آن» یا «غیر از آنها»؛ و به همین صورت در الزام الناصب و معجم احادیث امام مهدی علیه‌السلام و ذی‌الریة المعارف امام جواد علیه‌السلام فقط در بحار الانوار و منبعی که صاحب بحار از آن روایت می‌کند، با لفظ «غیر از آن» آمده است. همان طور که بیان گردید، در کفایت الاثر عبارت با لفظ «غیر از ما» آمده است. در هر صورت، منافی مهدیون علیه‌السلام نمی‌باشد؛ چرا که سخن در خصوص نفی امامت از ذریه‌ی امام حسین علیه‌السلام می‌باشد همان طور که در ابتدای روایت آمده است که در جواب کسی گفته شده است که فکر می‌کند امامت در پشت حسن و حسین ادامه می‌یابد و مختص ذریه‌ی حسین علیه‌السلام نمی‌باشد. حتی اگر ما سخن را عمومیت ببخشیم نیز در خصوص نفی مقام امامت از غیر از اهل برگزیده و پاکی از اوصیای پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد که در

وصیت شب وفاتش آنها را معرفی نموده است و در بسیاری روایات متواتر نیز آمده‌اند در حالی که آنها، از اوصیای امام مهدی (علیه السلام) و حجت‌های بر مردم بعد از ایشان (علیهم السلام) می‌باشند. این، علاوه بر آن چیزی است که پیش‌تر بیان کردم مبنی بر اینکه اهل بیت (علیهم السلام) در مخفی نگه داشتن ذکر صریح مساله‌ی مهدیون (علیهم السلام) تعمد داشته‌اند و به جای لفظ صریح، به اشاره و تلمیح و متن غیر آشکار، بسنده کرده‌اند... همان طور که تفصیلش گفته شد؛ حکمت بالغه!

حتی اگر بگوییم معنی کلام به این صورت است: هیچ کس غیر از این دوازده نفر آن را ادعا نمی‌کند... این هم ناظر بر مقام امامت می‌باشد و نه هدایت؛ وگرنه مقام هدایت با تکیه بر روایت‌های متعدد به گونه‌ای اثبات شده است که امکان رد کردنشان وجود ندارد. حداقل تقدیراً ناگزیریم که متشابه کلام اهل بیت (علیهم السلام) را به محکمش بازگردانیم و از متشابه پیروی نکنیم. روایات مهدیون صریح و محکم و با دلایل واضح و روشن می‌باشند مبنی بر اینکه پس از امام مهدی (علیه السلام) دوازده مهدی حجت‌های بر خلق هستند.

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «هر کس متشابه قرآن را به محکمش بازگرداند به صراط مستقیم راه یافته است». سپس فرمود: «در اخبار ما نیز محکمی همچون محکم قرآن و متشابهی همچون متشابه قرآن وجود دارد. پس اخبار متشابه ما را به محکمت آن ارجاع دهید و بدون توجه به محکمت آن از متشابهاتش پیروی مکنید که گمراه می‌شوید».

اما عبارتی که شما برادرم در سؤال آورده‌ای: «غیر از آنها کس دیگری آن را ادعا نمی‌کند»؛ من آن را در هیچ یک از منابع نیافتم. البته این نیز با مهدیون تعارضی ندارد؛ چرا که به مقام امامت باز می‌گردد و این مقام مختص ائمه‌ی دوازده‌گانه می‌باشد؛ همانطور که وصیت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بر آن صراحت دارد: «يَا عَلِيُّ! إِنَّ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَمِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا» (ای علی! پس از من دوازده امام خواهند بود و بعد از آنها دوازده مهدی).

مخلص کلام: این روایت در صدد نفی وجود داشتن امامت در فرزندان امام حسن یا فرزندان هر کس دیگری است و آن را در فرزندان حسین (علیه السلام) محصور می‌گرداند. اوصیای امام مهدی (علیه السلام) نیز از پشت امام حسین و از اهل بیت (علیهم السلام) هستند. بنابراین این روایت اصولاً هیچ ارتباطی با نفی امامت مهدیین (علیهم السلام) ندارد.

پاسخ سؤال ۳: سخن شما مبنی بر اینکه «آیا خداوند همه‌ی خلقش را مهلت می‌دهد و از جمله‌ی اینها، مؤمنین و مخلصینی هستند که می‌خواهند آن گونه که خدا آنها را فرمان داده - یعنی از طریق خلیفه و جانشینش - او را عبادت کنند، آنجا که می‌فرماید: «يَهْدِيهِمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ» (و او می‌گذاردشان تا همچنان در طغیان خویش سرگردان بمانند). بانگ گوساله‌ای که خداوند آن را فتنه‌ی بنی اسرائیل قرار داد. آیا امکان دارد بر کسی که مؤمن به دعوت حق است و اعتقاد دارد که دعوت، حق می‌باشد بیفزاید؛ به این ترتیب که بر او بیافزاید و او را نیرنگی زند و در طغیانش واگذارد ولو به این مقدار که فرستاده بیاید و او را خیر دهد که بر حق است، ولی او در واقع بر باطل می‌باشد مانند بانگ گوساله، و مهلت دادن و فرو گذاشتن در طغیان «و به آنها مهلت می‌دهیم، که تدبیر من محکم و استوار است». آیا از این باب، چنین چیزی ممکن می‌باشد؟».

پاسخ:

الف - حق تعالی می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبينَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۱ (خدا می‌خواهد برای شما همه چیز را آشکار کند و شما را به سنت‌های پیشینیان‌تان راه بنماید و توبه‌ی شما را بپذیرد، که خداوند دانا و حکیم است).
و همچنین: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۲ (کسانی را که در راه ما مجاهدت کنند، به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم، و خدا همراه با نیکوکاران است).
خدای متعال نزد حسن ظن بنده‌ی مؤمنش است و از مادر و پدرش بر او مهربان‌تر، و رحمت او بر غضبش پیشی گرفته و از ساحتش به دور است کسی را که از او هدایت خواسته، همراه کند یا آن کس را که به او امید بسته، ناامید گرداند. در دعاهای اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد شده است: «یا دلیل المتحیرین» (ای راهنمای سرگشتگان)، «یا دلیل من لا دلیل له» (ای راهنمای کسی که راهنمایی ندارد)، «یا عماد من لا عماد له» (ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاهی ندارد) و «یا سند من لا سند له» (ای پشتوانه‌ی کسی که پشتوانه‌ای ندارد).

هر راه گم‌کرده‌ای که به ما گنهکاران متوسل شود و شناخت مسیر را از ما بخواهد، ما به

۱ - نسا: ۲۶.

۲ - عنکبوت: ۶۹.

او خدعه نمی‌کنیم و به بیراهه‌اش نمی‌اندازیم، حال این وضعیت در مورد خداوند متعال چگونه خواهد بود؟ همان طور که عیسی پیامبر خدا ﷺ به این مضمون گفته است: «**آیا در میان شما پدری هست که وقتی پسرش از او نان بخوهد، به او سنگ بدهد... اگر شما که خود خطاکار هستید چنین نمی‌کنید، پس خداوند متعال چگونه خواهد بود؟**».

اگر خلاف این را بگوییم، دیگر کسی باقی نمی‌ماند که به خدای متعال و هدایت او اطمینان داشته باشد، بلکه حتی به سخنان معصوم هم هیچ کس اعتماد نمی‌کند، چرا که در این صورت نفس او چنین وسوسه می‌کند که شاید بخوهد مرا گمراه کند و این هدایت من نباشد!!

آری، کسانی که حجت آشکار خدا را ترک گویند و حق واضح را رها و از هوا و گمراهی پیروی نمایند، در چنین حالتی ممکن است خداوند متعال آنها را گمراه نماید؛ زیرا حجتی از جانب خدای متعال در پیروی از فلان پیامبر یا امام بر آنها اقامه شده است... سپس آنها حق آشکار را رها کردند و در لیبیک‌گویی هوای نفس و ابلیس و لشکریان او از جن و انس، از شبهات پیروی نمودند.

موضوع سامری و گوساله و بنی اسرائیل نیز از همین قبیل است؛ چرا که آنها جانشین موسی ﷺ را که بر آنها منصوب شده بود ترک گفتند و نشانه‌ها و دلایل و معجزاتی را که با چشمان خود از موسی و هارون ﷺ دیدند به فراموشی سپردند یا به عمد از یاد بردند، و از پی سامری و گوساله‌اش روان شدند. در آن هنگام آنها مستحق زیادت در گمراهی شدند زیرا آنها در واقع پس از اقامه شدن حجت، به بیراهه رفتند و از اطاعت پیامبر خدا و جانشین او سر باز زدند و حتی با فطرت و عقل خویش نیز از در مخالفت وارد شدند. خدای متعال اصولاً بنی اسرائیل را گمراه نکرد و احدی را هرگز به گمراهی نمی‌کشاند و این بسی از ساحت او به دور است؛ بلکه بنی اسرائیل خودشان خویشتن را به بیراهه افکندند، و لذا با زیاد شدن گمراهی‌شان، مجازات به سراغ شان آمد... قسمتی از مجازات، دنیوی است و قسمتی از آن اخروی، یعنی خواری در دنیا قبل از خواری در آخرت.

هنگامی که پیامبر یا امامی از سوی خداوند متعال می‌آید یا همانگونه که در زمان ما وقتی شخصی که فرستاده شده از سوی امام مهدی ﷺ است می‌آید، امکان‌پذیر و متوقع نیست که خداوند مؤمنینی را که به درگاه او متوسل می‌شوند تا صداقت یا کذب این شخص را دریابند، گمراه نماید. آیا این بیچاره‌ها، حجت خدا را که بر آنها گماشته شده است، ترک

گفته‌اند؟ آیا فرستاده، آنها را به انکار امام زمان و حجت خدا بر خلق دعوت کرده است تا مستحق گمراهی شوند؟ و چطور فرد عاقل می‌پذیرد که این عده با بنی اسرائیل که دو پیامبر از پیامبران الهی را ترک گفتند و از سامری تبعیت کردند و موجود بی‌جانی که نه سودی می‌دهد و نه زبانی می‌رساند را پرستش نمودند، قیاس شوند؟! و آیا در چنین وضعیتی، دیگر هیچ معیار و ضابطه‌ای برای بازشناختن هدایت خدا از وسوسه‌های شیطان برای ما باقی می‌ماند!!!

این گفتار که خداوند کسی را که به او پناه آورد گمراه می‌کند، به هیچ وجه صحیح نیست، حتی کفر صریح به خدای متعال محسوب می‌گردد. حق تعالی می‌فرماید: «مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱ (خدا را چنان که سزاوار او است نشناختند. هر آینه خدا نیرومند و پیروز است) و حتی خداوند متعال کسانی را که خویشان را گمراه می‌کنند مؤاخذه نمی‌کند مگر پس از اینکه حجت بالغه از سوی خداوند متعال بر آنان اقامه شود. خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»^۲ (هر که هدایت شود به سود خود هدایت شده و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه شده است و هیچ کس بار دیگری را بر ندارد و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آنگاه که برایشان فرستاده‌ای بفرستیم).

خداوند جل جلاله نه اراده‌ی کفر و گمراهی برای بندگانش دارد و نه به آن راضی است؛ و این خود مردمان هستند که از خداوند روی برمی‌گردانند و با او به جنگ برمی‌خیزند. ای برادر! اینها چند آیه‌ی کریم است که باید با دقت در آنها تدبر کنیم:

«... نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۳ (.... خدا را فراموش کرده‌اند، خدا نیز ایشان را فراموش کرده است، زیرا منافقان نافرمانانند).

«اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»^۴ (این خداوند است که آنها را استهزا می‌کند و وامی‌گذاردشان تا همچنان در طغیان خویش سرگردان بمانند).

۱ - حج: ۷۴.

۲ - اسرا: ۱۵.

۳ - توبه: ۶۷.

۴ - بقره: ۱۵.

«وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»^۱ (آنان مکر کردند و خدا هم مکر کرد، و خدا بهترین مکرکنندگان است).

«إِنَّ الْأُمْنَانِيْنَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ...»^۲ (منافقان، خدا را فریب می‌دهند و حال آنکه خداوند آنها را فریب می‌دهد....).

«يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ»^۳ (اینان خدا و مؤمنان را می‌فریبند ولی جز خودشان، کس دیگری را فریب نمی‌دهند، در حالی که نمی‌دانند).

«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۴ (کسانی را که بر مؤمنانی که به رغبت صدقه می‌دهند و بیش از استطاعت خویش چیزی نمی‌یابند، عیب می‌گیرند و مسخره‌شان می‌کنند و ایشان را عذابی دردآور است).

اکنون برای درک و فهم این آیات، از چشمه سار آل محمد ﷺ در روایت زیر، کف دستی آب برمی‌گیریم:

علی بن حسین بن علی فضال از پدرش از امام رضا علی بن موسی ﷺ روایت می‌کند: درباره‌ی این سخن خداوند عزوجل «سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ» (خداوند آنها را مسخره می‌کند) و «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» (خداوند آنها را به استهزا می‌گیرد) و «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ» (آنها مکر کردند و خدا هم مکر کرد) و «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (آنها به خدا نیرنگ می‌زنند در حالی که او نیرنگ‌زننده به آنها است) از او سؤال کردم. فرمود: «خداوند تبارک و تعالی مسخره و استهزا نمی‌کند و مکر و خدعه و نیرنگی ندارد؛ لیکن او عزوجل آنها را به جزای مسخره و استهزا کردنشان و به جزای مکر و حيله و نیرنگشان مجازات می‌نماید؛ خداوند از آنچه ظالمان می‌گویند بسیار برتر و بالاتر است»^۵.

و برای اینکه میزان رحمت خداوند بر بنگانش و حرص او بر قلب‌هایشان از عجب و خود بزرگ‌بینی و ریا و را بدانیم:

از ابو عبیده‌ی حدّاً از ابو جعفر ﷺ روایت شده است که فرمود: «رسول خدا ﷺ فرمود:

۱ - آل عمران: ۵۴.

۲ - نسا: ۱۴۲.

۳ - نسا: ۹.

۴ - توبه: ۷۹.

۵ - توحید - شیخ صدوق: ص ۱۶۳.

خداوند عزوجل فرمود: برخی از بندگان مؤمنم در عبادت من می‌کوشند و از خواب و بستر راحت، برمی‌خیزند و در نیمه‌های شب برای من، نماز شب می‌خوانند و در پرستش من خود را به زحمت می‌افکنند.... از روی لطف به او و برای اینکه ایمانش باقی بماند، یکی دو شب خواب را بر او چیره می‌سازم. پس او تا صبح می‌خوابد و آنگاه که از خواب برمی‌خیزد، بر خود خشمگین است و خود را سرزنش می‌کند؛ که اگر او را واگذارم که هر چه بخواهد عبادت کند، خودبینی او را فرا می‌گیرد و همان خودبینی او را فریفته‌ی اعمالش و راضی از خویشانش می‌سازد تا آنجا که گمان می‌کند بر همه‌ی عابدان برتری دارد و در عبادت از حد تقصیر و کوتاهی فراتر رفته است. آن هنگام از من دور می‌شود در حالی که خود می‌بندارد به من نزدیک می‌گردد!»^۱.

از پیامبر از ﷺ از جبرئیل از خداوند عزوجل روایت شده است که فرمود: «خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! هر کس به ولی و دوست من اهانت کند، آشکارا به جنگ با من آمده است، و من در اسرع وقت به یاری اولیا و دوستانم شتابان خواهم شد. من در هیچ عملی تردید ندارم مگر درباره‌ی وفات بنده‌ی مؤمن؛ او از مرگ اکراه دارد و من نیز ناراحتی او را خوش ندارم ولی از آن گریزی نیست. هیچ بنده‌ای از بندگانم به من تقرب نمی‌جوید مگر با انجام واجباتی که دوست دارم و به وسیله‌ی نوافل و مستحبات به من تقرب جوید تا اینکه او را دوست بدارم و هر که را دوست داشته باشم گوش و چشم و دست و تأیید کننده‌ی او می‌شود. هرگاه مرا بخواند اجابتش کنم و نیز هر چه بخواهد به او عطا نمایم. بعضی از بندگان مؤمن من قصد انجام عبادتی از روشی خاص را دارند که او را از انجام این کار بازمی‌دارم تا غرور در باطن او داخل نشود و او را فاسد نکند و بعضی از بندگان مؤمن من کسانی هستند که ایمانشان فقط با فقر و نیازمندی اصلاح می‌شود که اگر او را بی‌نیاز می‌کردم، همان بی‌نیازی، ایمانش را از بین می‌برد و بعضی از مؤمنان نیز هستند که بی‌نیازی او را اصلاح می‌کند و اگر او را نیازمند می‌کردم، همان نیازمندی ایمانش را فاسد می‌کرد و بعضی از بندگان مؤمن کسانی هستند که بیماری او را اصلاح می‌کند و اگر جسمش را سالم نگاه دارم، همان سلامتی او را از بین می‌برد و بعضی از بندگان فقط سلامتی، او را اصلاح می‌کند و اگر او را بیمار کنم، همان بیماری او را فاسد می‌کند. حقیقتاً من از روی آگاهی نسبت به بندگانم، دل‌هایشان را دگرگون می‌سازم، که من دانا و آگاه هستم»^۲.

حتی اگر صاحب گناه و معصیت و حتی اگر صاحب گمراهی نیز با قلب سلیم روی به خدا آورد و از او هدایت بخواهد، هیئات که خدای متعال او را گمراه سازد یا به او خدعه ورزد و باطل را حق به او بنمایاند؛ تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً (خداوند از چنین تصویری بسیار برتر

۱ - توحید - شیخ صدوق: ص ۴۰۴ و ۴۰۵.

۲ - توحید - شیخ صدوق: ص ۳۹۹ و ۴۰۰.

و والاتر است).

وانگهی مؤمن با چشم خدای متعال می‌بیند یا حتماً باید ارتباطی با خدای تعالی داشته باشد. کسی که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها به خداوند پناه می‌برد، این دلیل اعتماد و توکل او به خداوند است و کسی که به خدا اعتماد ورزد و تقوای الهی پیشه کند، خداوند نیرویی جداکننده که با آن حق را از باطل بازمی‌شناسد، برای او قرار می‌دهد که اگر جز این باشد، عبادت خدا را رها می‌کنیم و سنگ‌ها را پرستش می‌نماییم؛ پناه بر خدا.

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا بترسید میان شما و کافران فرقان و جدا کننده‌ای قرار دهد و گناهانتان را بزدايد و شما را بیامرزد، که خداوند صاحب فضلی بزرگ است).

علی بن ابراهیم در تفسیر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» گفته است: یعنی علمی که با آن حق و باطل را از هم تشخیص می‌دهید.^۲

از ابن عباس روایت شده است: رسول خدا ﷺ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^۳ (و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه خروجی برایش قرار می‌دهد) را قرائت کرد و فرمود: «از شبیه‌های دنیا و سختی‌های مرگ و گرفتاری‌های روز قیامت»^۴.

و از امام علی عليه السلام روایت شده است: «بدانید اگر کسی از خداوند بترسد خداوند راه خروجی از فتنه‌ها برایش قرار می‌دهد و همچنین نوری برای خروج از تاریکی»^۵.

راه‌های رسیدن به خدا به تعداد نفس‌های خلاق است و در ساحت الهی بخل راه ندارد و تنها کاری که بنده باید انجام دهد این است که با اخلاص و خضوع و صدق و راستی، درب را بکوبد. صاحب‌خانه کریم است و بخشنده، درش را به روی کسانی که آهنگ او کرده‌اند نمی‌بندد و خدا هر چه بیشتر می‌بخشد، جود و کرمش افزون می‌گردد، و همانطور که فرموده

۱ - انفال: ۲۹.

۲ - تفسیر قمی: ج ۱ ص ۲۷۲.

۳ - طلاق: ۲.

۴ - تفسیر مجمع البیان: ج ۱۰ ص ۴۳.

۵ - بحار الانوار: ج ۸ ص ۱۶۳.

است آدمی خویشتن خویش را نیک می‌شناسد، هر چند به زبان عذرها آورد.

ب - این سخن شما: «برخی از مسیحیان طبق اعتقادات گمراهی که درباره‌ی حضرت مسیح علیه السلام دارند، شفا می‌گیرند و به کراماتی نایل می‌شوند».

می‌گوییم: غیر ممکن است که کرامت‌های خداوند متعال و معجزات و آیاتش به دست منحرفین جاری شود و تأکید می‌کنم بر «کرامت‌ها، معجزه‌ها و نشانه‌ها» نه سحر و جادو و افسون‌گری و نه مکر الهی بر کسانی که حجت خداوند و بیناتش و آیاتش را ترک گفته‌اند... مانند گوساله‌ی تو خالی بنی اسرائیل و خداوند باطلان را رسوا نمی‌کند تا نظیر آنچه برای مسیلمه‌ی کذاب اتفاق افتاد حاصل شود که در چاه، آب دهان انداخت و بوی آبش تغییر نمود. اگر کرامت‌های الهی و معجزاتش و آیاتش به دست افراد باطل جریان می‌یافت، گمراهی برای مردم و مشوش شدن حق با باطل را به دنبال داشت و خداوند از چنین چیزی بسیار برتر و بالاتر است.

داستان زیر را با هم می‌خوانیم که در آن پندهای عظیمی نهفته است:

از امام حسن بن علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «وقتی یهود از برآورده شدن این آرزو درمانده شدند و خداوند بهانه‌های آنان را برچید، گروهی از آنان که نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و درمانده و ناتوان گشته بودند، گفتند: ای محمد! آیا تو و مؤمنان خالص تو دعایشان مستجاب است و آیا علی علیه السلام برادر و وصی تو است و او سرور و برترین آنان می‌باشد؟ رسول خدا فرمود: آری. گفتند: پس اگر آن گونه که تو می‌پنداری باشد، به علی بگو تا برای پسر این رییس ما که از جوانان زیبا و خوش‌رو و خوش‌اندام بود و پیسی و جذام گرفت، دعا کند. او اینک چنان سیاه شده است که کسی نزدیک او نرود و چنان مهجور مانده است که کسی با او معاشرت نکند، نان را بر سر نیزه کنند و به او دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: او را نزد من آورید. او را آوردند و رسول خدا و اصحاب او در او منظره‌ای دلخراش و زشت را مشاهده کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوالحسن! خدای را برای سلامتی او بخوان: زیرا خداوند درباره‌ی او دعایت را مستجاب می‌کند. حضرت علی علیه السلام وقتی دعا کرد و از دعای خویش فراغت یافت ناگهان از آن جوان تمام مریضی‌ها برطرف شد و به بهترین حالت از زیبایی و جمال و خوش‌رویی و خوبی و خوش‌چهره‌ای که قبل از مریضی داشت، بازگشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به جوان فرمود: ای جوان! به کسی که تو را از گرفتاریت نجات داد، ایمان بیاور. جوان گفت: ایمان آوردم و ایمانش نیکو گردید (مؤمنی صادق شد). پدرش گفت: ای محمد! به من ستم کردی و پسر من را از من گرفتی، کاش او خوره و جذام می‌داشت و همان طور که بود، می‌ماند و در

دین تو داخل نمی‌شد، زیرا این وضعیت او بر من خوشایندتر است.

رسول خدا ﷺ فرمود: ولی خدای بزرگ او را از این آفت رهایی داد و نعمت بهشت را بر او واجب گردانید. پدرش گفت: ای محمد! این افتخاری برای تو و رفیقت نیست؛ بلکه زمان بهبودی او رسیده بود و بهبود یافت. چنانچه دعای این رفیقت (یعنی علی علیه السلام) در خیر مستجاب است، پس در شر نیز مستجاب می‌باشد. به او بگو برای من نفرین کند تا جذام و خوره بگیرم؛ زیرا می‌دانم که با نفرین علی هرگز گرفتار جذام نمی‌شوم، اما از تو می‌خواهم به او دستور دهی این نفرین را در حق من انجام دهد، تا برای این بیچارگانی که فریب تو را خورده‌اند روشن شود که برطرف شدن آن از پسر من در اثر دعای او نبوده است.

رسول خدا ﷺ فرمود: ای یهودی، از خدا بترس و با عافیتی که خداوند به تو داده است خوش باش و خود را به بلا و آنچه طاققتش را نداری گرفتار نساز و نعمت را با شکر پاسخ ده، زیرا که هر کس کفران آن کند، از آن نعمت محروم می‌شود و هر کس شکرگزار باشد بیش از پیش از نعمت‌های خداوند بهره‌مند شود.

یهودی گفت: شکر نعمت خدا تکذیب دشمن خدا و افتراگوی بر وی است. من فقط با این کار می‌خواهم به فرزندم ثابت کنم که این عافیت به خاطر آن چیزی نیست که تو به او گفته و ادعای آن نمودی، چه کم چه زیاد و آن خیری که به او رسید در اثر دعای علی، رفیق تو نبود.

پیامبر تبسم کرد و فرمود: گرفتیم که بهبودی پسر تو در اثر دعای علی نبود، بلکه دعای وی با زمان بهبودی او مصادف شد، فکر نمی‌کنی اگر علی به این بلایی که خود پیشنهاد کردی نفرینت کند و تو به آن دچار شوی، خواهی گفت آنچه بر من آمده است در اثر نفرین او نبود، بلکه نفرین او همزمان با وقت دچار شدن من با بلا بود؟

آن یهودی گفت: این را نخواهم گفت؛ زیرا این احتجاج است از سوی من به دشمن خدا درباره‌ی دین خدا و احتجاج خواسته شده از او بر من، و خداوند استوارتر از آن است که به چون او بی‌پاسخ دهد. در این صورت او بندگان خود را گمراه کرده و آنها را به تصدیق دروغ‌گویان فراخوانده است.

رسول خدا ﷺ فرمود: این موضوع در دعای علی علیه السلام نسبت به پسر تو هم هست همان گونه که در نفرین بر تو می‌باشد. خداوند متعال کاری نمی‌کند که بندگانش در دین او به شبهه افتند و افترا زنده بر او را تصدیق کنند. یهودی از این که ترفندش کارساز نشد حیران ماند و گفت: ای محمد! اگر تو راست‌گویی، او بر من نفرین کند.

رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای ابوالحسن، این کافر جز آنکه گردن‌کشی و طغیان و تمرد کند، چیز دیگری را پذیرا نشد، پس به همان گونه که خودش پیشنهاد کرده است، نفرینش کن و بگو خدایا او را به بلای قبلی پسرش گرفتار کن.

علی (علیه‌السلام) نیز چنان گفت و یهودی به دردی چون درد آن پسر و آنچه از جذام و خوره در او بود دچار شد و دردها و بلاها بر او چیره شد و وی شروع کرد به گریه و فریاد که: ای محمد! صدق و راستی تو را دریافتیم، مرا عفو کن.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: اگر خداوند صداقت تو را تصدیق کند، نجات می‌دهد، ولی او می‌داند که تو وقتی از این وضع خارج شدی، کفرت افزون خواهد شد ولی اگر خداوند در تو این حالت را سراغ داشته باشد که اگر نجات دهد به او ایمان خواهی آورد، با نجات بر تو منت خواهد نهاد که او بخشنده‌ی بزرگوار است».

شاهد ما از این داستان آن است که خداوند کاری انجام نمی‌دهد که باعث به اشتباه افتادن شود و دین مردم را تبه سازد و دروغ‌گویان افترا زنده را تأیید نماید. آری، خداوند دعای کافران و اهل باطل و امثال آنها را مستجاب می‌نماید و حوایجشان را برآورده می‌سازد ولی این از جهت اعطا به آنها در جزای آنچه از خوبی یا احسان انجام داده‌اند می‌باشد و در آخرت هیچ بهره و نصیبی نخواهند داشت.

از ابو عبدالله (علیه‌السلام) روایت شده است که فرمود: «رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: خداوند عزوجل می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند که بنده‌ای بار سفر از این دنیا نمی‌بندد در حالی که من بخواهم او را ببخشم؛ ولی همه‌ی خطاهای او را در نظر دارم. پس یا او را در دنیا مبتلا به بیماری جسمی می‌کنم یا روزی او را در دنیا تنگ می‌گردانم و یا ترسی در دنیا برای او ایجاد می‌کنم. پس باقی مانده‌ی خطاهای او را با سختی جان دادن جبران می‌کنم. به عزت و جلالم سوگند، بنده‌ای که بخواهم او را عذاب دهم را از دنیا بیرون نمی‌برم تا اینکه همه‌ی حسنات او را جمع می‌کنم و در قالب وسعت رزق یا سلامت و توانایی جسم و یا امنیت در دنیا با او حساب می‌کنم و اگر باقی‌مانده‌ای هم داشته باشد، کاری می‌کنم راحت و آسوده‌جان دهد»^۱.

ج- در پاسخ به این گفته‌ی شما که «و همینطور برخی از عامه که بر ولایت آل بیت (علیهم‌السلام) نیستند، با این حال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را رؤیا می‌بینند؛ ما رؤیاهایی دیده‌ایم که برای تصدیق مدعای شما تأویل و تفسیر می‌شود».

می‌گوییم: دیدن حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت ایشان در خواب فقط منحصر به اهل حق نمی‌باشد؛ ولی امکان ندارد در ملکوت خداوند متعال تناقضی وجود داشته باشد و امکان ندارد که به عنوان مثال، خداوند گواهی دهد سید احمد الحسن صاحب حق است و در عین حال

گواهی دهد که دشمنان او نیز صاحب حق می‌باشند. آری خواب‌های مشابهی وجود دارد که بیننده‌اش فکر می‌کند در تأیید او است ولی در حقیقت بر خلاف آن چیزی است که او فهمیده است؛ یعنی آن خواب صریح و محکم نمی‌باشد. به عنوان مثال، من از یکی از پیروان فقها خوابی شنیدم که وی در رؤیا دیده است که گویی امیرالمؤمنین علیه السلام در جایی حضور داشت و هنگام نماز بود و مردم آمدند تا پشت سر او نماز بخوانند. آن حضرت به آنها اشاره کرد که بروند و پشت سر آن شخص که در آنجا حضور داشت نماز بخوانند؛ و آن شخص یکی از علما (یکی از مدعیان علم) بود.

بیننده‌ی رؤیا چنین استنباط کرده است که این رؤیا، تأییدی بر آن عالم است و حال آنکه چنین نیست؛ چرا که اگر مردم استحقاق نماز خواندن پشت سر امیرالمؤمنین علیه السلام را دارا بودند، آن حضرت ایشان را منع نمی‌کرد و محروم نمی‌ساخت. نماز، به رمز به ولایت اشاره دارد و اگر آن عالم واقعاً پیرو امیرالمؤمنین علیه السلام می‌بود، پس چرا در نماز گوشه گرفته و به امیرالمؤمنین علیه السلام اقتدا نکرده بود؟ بنابراین مشخص می‌شود که مردم، پیروان علمایند نه اهل بیت علیهم السلام و امام علی علیه السلام به آنها می‌گوید که شما از پیروان علما هستید و نه از پیروان من، پس بروید و پشت سر کسی که از او پیروی کرده‌اید نماز بخوانید -والله العالم- وگرنه چطور می‌شود که امیرالمؤمنین موجود باشد و در مکانی مشخص نماز بخواند و در عین حال در همان مکان، نماز جماعتی به امامت فرد دیگری منعقد گردد؟! و حال آنکه ایشان امیرالمؤمنین و امام متقین است. اگر این مردم تقوایشده بودند، امیرالمؤمنین امام آنها می‌بود -پناه می‌بریم به خدا از ضلالت و گمراهی-.

اما اگر امام علی علیه السلام به عنوان مثال به آنها می‌فرمود: این عالم، وکیل من یا نایب من یا نماینده‌ی من است یا او بر حق می‌باشد، و پشت سر او نماز بخوانید و از او پیروی کنید، این خواب محکم می‌بود و بر اینکه آن عالم حق و عادل است صراحت می‌داشت.

رؤیاهایی که خداوند با آنها بر مؤمنین انصار منت نهاده است، به خودی خود معجزه می‌باشند. شمار این رؤیاها صدها -اگر نگوئیم هزاران- مورد می‌باشد و توسط مردمان مختلف دیده شده است و حتی توسط کسانی که با این دعوت مبارک سر جنگ داشته‌اند، و حتی توسط کسانی که با دعوت آشنایی نداشته‌اند یعنی قبل از آنکه دعوت سید احمد الحسن را بشنوند. این رؤیاها، صریح و محکم و حتی در نهایت صراحت و استحکام هستند و

تأویل بردار نمی‌باشد. اگر روا باشد که انسان در یک یا دو یا ده یا چند ده رؤیا شک کند... چطور می‌تواند در این تعداد بسیار زیاد از رؤیاهای صادقه‌ای که در آنها معصومین دیده شده‌اند و به صراحت اشاره دارند بر اینکه سید احمد الحسن حق است و او وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (علیه السلام) و یمانی موعود می‌باشد، شک و شبهه به خود راه دهد... این را در نظر بگیر که برخی رؤیاهای حاوی کرامات و اخباراتی است که در دنیای واقعی، محقق گشته است و همانطور که شهید محمد محمد صادق صدر (علیه السلام) بیان داشته است چنین رؤیاهایی از جنس معجزات به شمار می‌رود.

د - گفته شما مبنی بر این که «من معتقدم مردمی از اهل مخالف وجود دارند که از عترت طاهره (علیهم السلام) پیروی نمی‌کنند ولی خدا را دوست می‌دارند و از او می‌ترسند؛ آیا شایسته نیست که خداوند آنها را به ولایت آل‌البيت (علیهم السلام) هدایت کند؟ این مهلت دادن و امداد در طغیان از چه رو است؟ ما چطور تشخیص دهیم که ما بر حق هستیم در حالی که خدای متعال با رؤیا به ما خبر می‌دهد که شما بر حق هستی و او ما را در طغیان مان سرگشته رها نکرده است؟»

می‌گویم: کسانی که از اهل بیت (علیهم السلام) پیروی نمی‌کنند، در واقع خداوند متعال را دوست نمی‌دارند. خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ (بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد، که خداوند آمرزنده‌ی مهربان است).

بنابراین کسی که از حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) پیروی نمی‌کند، خداوند متعال را دوست نمی‌دارد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز به دوستی اهل بیت (علیهم السلام) و دشمنی با دشمنان آنها دستور داده است. مخالفین، بر عکس عمل کرده‌اند چرا که با دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) طرح مودت و دوستی ریختند و با اهل بیت (علیهم السلام) به دشمنی برخاستند چه خود، آگاه باشند یا نباشند؛ گروهی از آنها به تقلید و پیروی از پدران و اجدادشان این گونه عمل کرده‌اند و گروهی دیگر از روی تعصب و حسادت و کینه و ...

اگر دانسته باشیم که خداوند عادل است و در ساحت او ظلم و بخل وجود ندارد، خواهیم فهمید که او بر تمام خلائق، حجت را اقامه نموده است چه به طور اختصار و چه به طور

مفصل. کسانی که خداوند می‌داند آنها حق را اجابت نمی‌کنند و ایمان نمی‌آورند، امر به دست خداوند متعال است، چه تفصیل را به آنها برساند چه نرساند.

خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (کافران را خواه بترسانی یا نترسانی، تفاوتشان نکند، ایمان نمی‌آورند).

«وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (تفاوتشان نکند، چه آنها را بترسانی و چه نترسانی، ایمان نمی‌آورند).

اگر در علم خداوند سبحان باشد که کسی از روی صدق، طالب حق می‌باشد، یقیناً این شخص برای هدایتش، دست یاری به سمت او دراز می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا...» (از آسمان آب فرستاد و هر رودخانه به اندازه‌ی خویش جاری شد....).

فیض خداوند در هر لحظه، پیوسته و پیاپی است، و دل‌ها ظرف می‌باشند و برترین آنها ظرفی است که گنجایش‌اش بیشتر باشد، و هر کس به اندازه‌ی ظرفش برمی‌گیرد. اگر ظرف وارونه شده باشد، چیزی نمی‌گیرد. برترین چیزی که به آسمان بالا می‌رود اخلاص است و بهترین چیزی که از آن فرود می‌آید، توفیق می‌باشد.

در حدیث قدسی آمده است: «هر کس وجبی به من نزدیک شود، من به اندازه‌ی یک ذراع (یک بازو) به او نزدیک می‌گردم و هر کس ذراعی به من نزدیک گردد، من یک دست به او نزدیک می‌گردم و هر کس قدم‌زنان به سمت من آید، من هروله (شتابان) به سویش می‌روم».^۱

از ابو عبد الله (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «بندگان جز به اندازه‌ی توانایی که دارند، مأمور نیستند. پس هر چیزی که مردم مأمور به انجام آن هستند، بر آن توانایی دارند و چیزی که به آن توانایی ندارند، از آنها برداشته شده است؛ اما خبری در مردم نیست».^۲

مؤمن، دینش را از خداوند متعال و از حجت‌های او گرفته است، نه از مردان. او را زوالی نیست و می‌داند که او بر حق است و غیر او بر باطل می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «أُو

۱ - بقره: ۶.

۲ - یس: ۱۰.

۳ - رعد: ۱۷.

۴ - عوالی اللئالی - ابن ابی جمهور احسایی: ج ۱ ص ۵۶.

۵ - توحید - شیخ صدوق: ص ۳۴۷ باب ۵۶ حدیث ۶.

كَطَلَمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّي يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أُخْرِجَ يَدُهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ»^۱ (با همانند تاریکی‌هایی است در دریایی ژرف که موجش فرو پوشد و بر فراز آن موجی دیگر و بر فرازش ابری است تیره، تاریکی‌هایی بر فراز یکدیگر، آن گونه که اگر دست خود بیرون آرد، آن را نتواند دید و آن که خدا راهش را به نوری روشن نکرده باشد، هیچ نوری فرا راه خویش نیابد).

«وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ»^۲ (هر کس را که خدا راهنمایی کند، گمراه کننده‌ای نیست. آیا خدا پیروزمند و انتقام گیرنده نیست؟).

کسانی که از خداوند کلام خدا را می‌شنوند و کلام خدا را می‌شناسند... همانطور که سید احمد الحسن (علیه‌السلام) فرموده است.

ه - «و آیا اگر انسان از والدین خود که به دعوت ایمان نیاورده‌اند برائت جوید، عاق شده‌ی والدین و قطع کننده‌ی رحم به شمار می‌رود؟ یا تکلیف او چیست و چه باید کند؟ و آیا صحیح است که مادر و خواهرم و برادرم را مساعدت و یاری کنم در حالی که آنها با من هم عقیده نمی‌باشند، با توجه به اینکه مادرم به شما دعوت آورده است و برادرانم نه و در حال بررسی می‌باشند؛ امیدوارم هدایت شوند. آقای من، آنگونه که شما فرمودی من پدری جز محمد و علی نمی‌شناسم و آنها خویشان من هستند و هر کسی که رحم رسول خدا را قطع کند، برای من اصالتی ندارد، حتی اگر از خویشانم باشد. آیا من قطع کننده‌ی رحم می‌باشم و آیا باید خویشانم را دوست داشته باشم در حالی که آنها بر عقیده‌ای غیر از عقیده‌ی من نسبت به ائمه و مهدیین (علیهم‌السلام) می‌باشند؟ چه کنم؟».

می‌گویم: خداوند متعال می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۳ (خدا شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین، نجنگیده‌اند و از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست می‌دارد). کسانی که با این دعوت حق نجنگیده‌اند، مانعی از نیکی کردن به آنها و یاری نمودن‌شان وجود ندارد...، بلکه بر مؤمن است که اخلاق آل محمد (علیهم‌السلام) را به مردم منتقل کند و آن را در کردار و گفتار و سکناتش مجسم سازد تا

۱ - طارق: ۴۰.

۲ - زمر: ۳۷.

۳ - ممتحنه: ۸.

مایه‌ی زینت آل محمد ﷺ باشد نه باعث ملامت و سرزنش آنها. مؤمن باید بر هدایت خانواده‌اش بسیار حریص باشد زیرا فرجام برای کسی که به دعوت خداوند ما را از آن دور بدارد. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^۱ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌ی خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند محفوظ بدارید. فرشتگانی درشت‌گفتار و سخت‌گیر بر آن آتش موکلند که هر چه خدا بگوید نافرمانی نمی‌کنند و همان می‌کنند که به آن مأمور شده‌اند).

والصمد للعرب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين، وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين.

هیات علم‌انصار امام مهدی (عجل الله فرجه) در زیج تکمیل‌رهد

شیخ ناظم عقیدر

مصرم ۱۴۴۱ هـ - ق.

پرسش ۵۱۸: آیا مهدی عالم‌ترین مردم به علوم فقهی و قرآن است.

«آیا مهدی داناترین مردم به علوم فقه و قرآن خواهد بود یا او رهبر مسلمانان است؟» به نظر من این چیزی است که ما به آن نیاز داریم؛ مرجع شیعی غیر سنی؛ به عبارت دیگر برخی مراجع بر خطایند و برخی درستکار و این صحیح نیست. دلیل آن هم ساده است زیرا این اختلاف، اختلاف در شیوه و روش است و نه اختلاف در عقاید. همه‌ی ما نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم و هر کس بیافزاید پاداش می‌گیرد، و کسی از علما را نمی‌شناسیم که در این اختلاف داشته باشد. این سخن که مهدی تنها مرجع یگانه یا فقیهی خواهد بود که قرآن و آنچه از آن پوشیده مانده است را برای ما تفسیر خواهد کرد و حجت بر مردم خواهد بود، سخنی غیر باطل است. ما به رهبر نیاز داریم... نه چیز دیگر. این سخن که داناترین مردم شایسته‌ترین آنها به خلافت است، درست نمی‌باشد و این گفتار که امام یا مهدی، عالم است و با علم خود حکم خواهد راند نادرست است... به این دلیل که اجداد پیش از او نتوانستند قرآن را تفسیر کنند.

از یکی از برادران مجتهد شنیده‌ایم که گفته‌اند به این عده الهام می‌شود یا آنها را محدثین می‌نامد.... صوفیه هم اجتهاداتی دارند. ابن خلدون می‌گوید فرق بین ساحر یا منجم، و صالح این است که دومی، برکتی از آسمان اعطا می‌کند ولی منجم یا ساحر آن را از آسمان سرقت می‌کند.... و در هر دو حالت، هیچ ارزشی ندارد. شیاطین هم اخبار را می‌دزدیدند و این دلیل نمی‌شود که ورای این کیهان، قدرت و نیرویی وجود دارد.... و خداوند فوق‌بندگان است. مذاهب دینی و ادیان با یکدیگر دچار اختلاف شده‌اند و متأسفانه این اختلاف نه به قصد نزدیک شدن به خدا بلکه به جهت دنیا طلبی بوده است. مردم آیت الکرسی و معوذتین (سوره‌های ناس و فلق) و دعاهایی می‌خوانند و برای امور دنیوی که ارزشی ندارد به قبور صالحین تقرب می‌جویند. وقتی خداوند ایوب (علیه السلام) را مبتلا کرد، ایوب از خداوند نخواست که عذاب را از او بردارد.... و هنگامی که ابراهیم را به گودال انداختند تا بسوزانند، ابراهیم از ملائکه‌ای که بر او عرضه شدند کمک نخواست، و هنگامی که مردم مکه به محمد (صلی الله علیه و آله) گفتند که صفا را برای ما به طلا تبدیل کن و ما به تو ایمان می‌آوریم، جبرئیل نزد او آمد و گفت اگر بخواهی آن را به طلا مبدل کنم، چنین می‌کنم ولی آن حضرت نپذیرفت.

تفاوت میان دین اسلام و دین یهود این است که اسلام مورد حمایت و پشتیبانی ملائکه می‌باشد؛ لذا ما در مجالس خود عکس آویزان نمی‌کنیم، ولی دین یهود و معجزات آن، مورد حمایت جن و شیاطین بوده است و سلیمان را مملکتی بود به قدرت جن و به امر خداوند. هدف آن بود که همه‌ی ما قدرت جن و شیاطین را بشناسیم، سپس قدرت ملائکه را نیز بشناسیم و بدانیم که خداوند از آنها قدرتمندتر است؛ ولی این جن و شیاطین که بیشترشان کافر بودند و بسیاری از آنها بر دین موسی، وقتی ملائکه را دیدند که محمد (صلی الله علیه و آله) را یاری می‌رسانند فرار کردند و بازنگشتند.

ایمان به خداوند و یکتاپرستی او و ترک امور دنیا و دعا نکردن برای خواسته‌های دنیوی، انسان را از خدا دور می‌سازد. خداوند چه آن گروه و چه این گروه را عطا می‌بخشد و عطا می‌پروردگارت از کسی بازداشته نیست. برترین دعا، طلب رضایت خدا است و قبیح‌ترین آن، طلب دنیا. خدا مرگ و زندگی را آفرید تا ما را بیازماید که کدام یک از ما نیکوکارتر است.

جن و انس به امتحان و فتنه دچار گشته‌اند، زیرا می‌خواهند برترین بشر را برگزینند، هیچ عربی را بر عجمی برتری نیست و نه هیچ انسی و نه هیچ جنی، بلکه این خواست و مشیت خداوند است که به هر که بخواهد عطا می‌کند. توحید و یکتاپرستی، ستون دین و نماز،

عبادت است و کسی که برای دنیایش نماز بخواند، بنده‌ی دنیایش است.... خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود، دگرگون شوند.

بر صوفیه گناهی نیست؛ ولی صوفیه، دنیوی است و برکت آن، دزیده شدن از آسمان می‌باشد.... صوفیان افتخار می‌کنند که علمایشان بر روی آب راه می‌روند، ولی چه فایده؟

سؤال من این است: در رسالت تو، توحید خدا کجا قرار دارد؟ آنچه شما انجام می‌دهی، اثبات خودت است. موسی نیز چنین چیزی گفت که من داناترین مردم هستم، خدا خضر علیه السلام را برای او ظاهر کرد در حالی که خضر، داناترین فرد بر روی زمین نبود و خودش به این مطلب تصریح نمود و گفت من این کار را با علم خودم انجام ندادم. علم داشتن به چیزی، هدف غایی نیست.... و هدف از آن، شناخت خداوند می‌باشد.... و ایمان داشتن به آن و سعادت، با علم حاصل نمی‌شود بلکه سعادت با شناخت حقیقت به دست می‌آید، و هر کس به آن نزدیک شود خداوند او را مبتلا می‌سازد و از آن دورش می‌کند و او را به امتحان و فتنه‌ای می‌اندازد.... و جز اندک اندر اندکی از آن سربلند بیرون نمی‌آیند.... و رستگاری، امری است عظیم؛ یعنی خداوند دست او می‌شود که با آن برمی‌گیرد و گوش او و چشم او می‌شود و هر چه از خدا طلب کند به او عطا می‌فرماید.... و به عبارت دیگر خدا او را پذیرا می‌شود.

سؤال دوم من: به توحید مرتبط نمی‌باشد.... اگر به آن پاسخ بدهی، تو صاحب رسالت هستی. وقتی خدا جان‌ها را به هنگام خوابیدنشان می‌گیرد و ارواحشان را قبض می‌کند، چه چیزی در بدن باقی می‌ماند؟ امر روح از جانب خداوند است ولی من درباره‌ی بدن از تو سؤال می‌کنم. فرق بین مرده و خفته چیست در حالی که هر دو بدون روح هستند. پس چطور است که اولی زنده می‌ماند و دومی به قدرت الهی می‌میرد؟

فرستنده: عبدالله آل حقیل - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد لله رب العالمین، و صمد المصمد و کل مصدر الاثم و المهریح و سلم تسلیماً.

۱- امام مهدی علیه السلام امام و رهبر تمام اهل زمین است، و امام و رهبر الزاماً باید داناترین مردم به قرآن، عقاید، فقه، سیاست‌گذاری سرزمین‌ها و بندگان باشد.... نمی‌توان امامت و عالم‌ترین بودن را از هم جدا کرد. هر چه انسان در حرفه‌ای داناتر باشد، امید اینکه در حرفه‌اش موفق‌تر باشد بیشتر است. شما وقتی می‌خواهی برای خانواده‌ات خانه‌ای بسازی که

سرپناه آنها در ادامه‌ی حیاتشان باشد، بسیار تأکید داری بِنَاهایی را که به نظرت ماهرترین هستند انتخاب کنی و من گمان نمی‌کنم اگر شما افراد ناشی را انتخاب کنی، قادر باشی حکمت کارت را حتی به کودک خردسالت بقبولانی؛ چرا که با انتخاب افراد ناشی و زیاد شدن خست‌های گلی، به علت نبودن بنای ماهر، خانه فرو می‌ریزد.

این در خصوص یک خانه‌ی کوچک است، پس وضعیت برای مملکت خدای متعال چگونه خواهد بود؛ اگر عالم‌ترین خلقش را کنار بگذارد و آن را به پادشاهی نادان بسپارد، حکمتش چه خواهد بود؟!

خداوند متعال می‌فرماید: «... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِئِذَا بَأْبَابٌ»^۱ (.... بگو: آیا آنهايي که می‌دانند با آنهايي که نمی‌دانند برابرند؟ تنها خردمندان پند می‌پذیرند).

و نیز می‌فرماید: «... أُوْمَنَ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۲ (آیا آن که به حق راه می‌نماید به متابعت سزاوارتر است یا آن که به حق راه نمی‌نماید و خود نیز نیازمند هدایت است؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟).

اما این سخن شما که گفته‌ای اجداد امام مهدی علیهم‌السلام قرآن را تفسیر نکرده‌اند، از عجیب‌ترین عجایب است. چطور این کار را انجام نداده‌اند و حال آنکه آنها هم‌سنگ قرآن، ترجمان آن و یکی از ثقلینی هستند که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای هدایت امت به جانشینی گذاشت. شما به عنوان مثال به کتاب‌های «برهان در تفسیر قرآن»، «تفسیر قمی» و غیره مراجعه نما. در این کتاب‌ها تعداد زیادی از روایات اهل البیت علیهم‌السلام در تفسیر قرآن را می‌بینی که با وجود کوتاهی عمرشان و ظلمی که در معرض آن قرار داشته‌اند و ظلم‌هایی که از ناحیه‌ی طاغوت‌ها به آنها رسیده است و جنگ‌هایشان و جنگ‌های پیروانشان در هر زمان و مکان، بیان داشته‌اند. امام مهدی علیه‌السلام کسی است که تفسیر و تأویل قرآن را پایان می‌دهد و آن را بر دنیای واقع جاری تطبیق می‌دهد، همان گونه که حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیتش علیهم‌السلام به این مطلب بشارت داده‌اند.

۲- سید احمد الحسن در کتاب متشابهات ج ۳ سؤال شماره‌ی ۱۱۹ به یکی از سؤالات

۱ - زم: ۹.

۲ - یونس: ۳۵.

مربوط به پرسش شما پاسخ داده است:

آیا روح دارای دو نوع قابلیت است و بر دو گونه می‌باشد به این صورت که یک گونه‌ی آن به هنگام خواب یا به هنگام نماز مؤمن در بدن باقی می‌ماند، و نوع دوم در آسمان است؟
 جواب سید احمد الحسن به این شرح می‌باشد: «روح مانند خورشید است. هنگامی که به آسمان صعود کند یا خداوند در خواب آن را قبض کند، پرتویی از آن متصل به بدن می‌ماند تا آن را تدبیر نماید». پایان.

و از آن درمی‌یابیم که روح به هنگام خواب به طور کامل از بدن جدا نمی‌شود، ولی به هنگام مرگ به طور کامل جدا می‌شود و انسان به صورت جسدی خشک و مرده بر جای می‌ماند.

خداوند شما را به شناخت حق و یاری دادن و ثبات بر آن، توفیق عطا فرماید.

هیات علم‌انصار امام مودر (مدرسه در زمین تکمیل‌دهنده)

شیخ ناظم عقیدر

مهرماه ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۱۹: چیز جدیدی نیاورده است.

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

حدود دو ماه پیش یکی از برادران مرا به بحث و کنکاش درباره‌ی دعوت امام احمد الحسن یمانی که جانم فدایش باد، دعوت نمود و مرا تشویق کرد به اینکه این موضوع شایسته‌ی مطالعه است و علاوه بر این، یک واجب شرعی بر تمام مؤمنین می‌باشد. شروع به خواندن و بررسی و تفکر نمودم و به چیز خاصی نرسیدم؛ چرا که تمام دلایل و براهین و روایات را قبلاً خوانده‌ایم و درباره‌ی آنها بسیار شنیده‌ایم و چیز جدیدی عرضه نشده است به جز محل ضریح مولایمان حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و البته در مورد میزان درستی این سخن، به عنوان مثال من می‌توانم بگویم که قبر ایشان در کنار قبر عمومی پیامبر حمزه (علیه السلام) است، و چیزی را ثابت نمی‌کند. ما یک چیز ملموس حسّی و شنیداری و دیداری می‌خواهیم و نه کلام تنها؛ این کفایت نمی‌کند. حداقل چرا حتی یک عکس از شخص امام وجود ندارد؟ چه چیزی مانع این موضوع می‌شود؟ حتی اگر بپذیریم که وی تحت تعقیب است، عکس،

چیزهایی را نمایان می‌سازد که از گفتار آشکار نمی‌شود. بسیاری از مسلمانان به محض مشاهده‌ی پیامبر به او ایمان آوردند. عکسی از او به ما نشان دهید، خداوند توفیقتان دهد. آیا او شباهتی به عترت طاهره دارد؟ آیا نور محمدی در او است؟ گمان می‌کنم درخواست من، نه چیز زیادی باشد و نه طلب معجزه محسوب می‌شود. متذکر می‌شوم من می‌دانم که افراد زیادی چنین درخواستی داشته‌اند ولی فایده‌ای در بر نداشته است. پاینده باشید.

فرستنده: رزاق الجاروش - سوئد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآله وصحبه وسلم تسليمًا.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

برادر عزیزم! شما می‌گویید روایاتی که سید احمد الحسن با آنها احتجاج می‌کند موجود است و شما آنها را خوانده‌ای. آیا شما از سید احمد الحسن (علیه السلام) می‌خواهی روایاتی بیاورد که مثلاً موجود نباشد؟!

اگر مردم روایات موجود را تصدیق نکنند، چطور ممکن است سید احمد الحسن را تصدیق کنند، اگر به آنها بگویند که به عنوان مثال پیامبر خدا (ص) فلان مطلب را بیان فرموده یا امام علی (علیه السلام) چنین گفته یا امام مهدی (علیه السلام) چنان گفته است؟.... یا آنها خواهند گفت ما به هیچ وجه دعوت تو را قبول نداریم، پس چطور سخنانت را که در هیچ منبعی وجود ندارد، بپذیریم، تو چطور ثابت می‌کنی که اینها صحیح است؟!!

برادرم!... آیا حضرت محمد (ص) بر یهود و نصارا احتجاج نکرد که ایشان در کتاب‌های‌شان موجود است و او ذکر شده و به او بشارت داده شده است؟ خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ وَالنَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ... قَالُوا آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آنان که از این رسول، این پیامبر امی که او را در تورات و انجیل خود نوشته می‌یابند، پیروی می‌کنند؛... پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده‌ایم پیروی کردند، رستگاراند).

من می‌بینم که شما مسئله را وارونه کرده‌ای و از شما خواهش می‌کنم به این موضوع توجه داشته باشی. از قوی‌ترین حجت‌ها و دلایل آن است که انسان بر دیگری به آنچه به آن ملزم و پایبند می‌باشد، احتجاج کند.

اما اگر اصرار داری چیز جدیدی بشنوی و بخوانی، کتاب متشابهات آکنده از مطالب جدید است. آیا در آن اندیشه کرده‌ای یا نه؟

و این حاکمیت خداوند متعال است که سید احمد الحسن به آن دعوت می‌کند و فقهای آخرالزمان آن را رها کرده و به پروژه‌ی پایان تاریخ (دموکراسی آمریکایی) گردن نهاده‌اند. در خصوص قبر حضرت زهرا (علیها السلام) آیا مثلاً می‌خواهی قبر آن حضرت را نبش کنی تا باورت شود؟!... فرض کن کسی که جای قبر را به شما اطلاع داده است، سید احمد الحسن نباشد بلکه خود امام مهدی (علیه السلام) باشد. آیا بر آن حضرت شرط می‌کنی که برای تصدیق او باید قبر را برای شما نبش کند؟! پناه بر خدا!

سید احمد الحسن (علیه السلام) از محل قبر حضرت زهرا (علیها السلام) خبر داده و گفته است کسی که می‌خواهد مطمئن شود، به سوی مقبره برود و آنجا برآورده شدن حوائجش را از خدا بخواهد و ببیند که خداوند دعایش را مستجاب می‌کند؛ ان شاء الله تعالی. یا نکند شما فقط با حواس پنجگانه‌ات سر و کار داری و هر چه غیر از آن است، وجود خارجی ندارد؟!

و اما در مورد عکس، ایمان آوردن منوط و مشروط به آن نیست. شما مکلف به اعتقاد به امام مهدی (علیه السلام) هستی با اینکه هرگز او را ندیده‌ای؛ بلکه از طریق روایاتی که شما اکنون آنها را می‌خوانی این موضوع بر شما ثابت شده است و همانطور که خود شما گفته‌ای، این چیز جدیدی نیست. فرض کن امام مهدی (علیه السلام) اکنون ظاهر شود و با همین روایات بر شما احتجاج ورزد، آیا به او خواهی گفت این روایات را ما قبلاً خوانده‌ایم و این، چیز جدیدی نیست؟!

برادرم!... خداوند متعال می‌فرماید: «... وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ»^۱ (.... و آن که

خدا راهش را به نوری روشن نکرده باشد، هیچ نوری فرا راه خویش نیابد).

و سید احمد الحسن می‌فرماید: «هدایت را از خداوند متعال بخواهید نه از احمد الحسن». در پایان از خداوند مسئلت می‌کنم که شما را به شناختن حق و یاری و ثبات بر آن توفیق

دهد، او شنوا و اجابت کننده است.

هیات علم‌انصار امام مهدی (خداوند در زمین تکمیلش دهد)

شیخ ناظم عقیلر

مصرم الصرام ۱۴۲۶ هـ - ق

پرسش ۵۲۰: آیا غضب الهی فقط بر عراق سایه افکنده است؟!

سلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اللهم صل على محمد وآل محمد والمصطفى وسلم تسليماً كثيراً.

و بعد، سلام بر تو ای سید جلیل و محترم، و مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان، سید احمد الحسن!

سرورم! سؤالی دارم که مربوط به غضب الهی است که اکنون در عراق مردم به آن گرفتار شده‌اند. آیا این غضب فقط برای عراق است؟ سرورم! من می‌بینم بیشتر حوادث در عراق اتفاق می‌افتد و باقی کشورها در رفاه هستند و گویی آنها مانند ما مسلمان نیستند. سؤال من این است: چرا تمام این مصیبت‌ها فقط بر سر عراق می‌آید؟ آیا اینها اثر دعای امام حسین (علیه‌السلام) است یا به خاطر چیز دیگری است؟ لطفاً به سؤالم پاسخ دهید.

از شما بسیار متشکرم و از شما پوزش می‌خواهم و از شما طلب بخشش می‌کنم اگر در کلماتم کوتاهی وجود دارد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاتہ.

فرستنده: نوره السویفی - کانادا

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، و صلواته على محمد وآل محمد والمصطفى وسلم تسليماً.

وعليکم السلام ورحمة اللہ وبرکاتہ.

خداوند متعال می‌فرماید: «... وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»^۱ (.... و ما هیچ قومی را عذاب

نمی‌کنیم تا آنگاه که برایشان فرستاده‌ای بفرستیم).

در عراق امام مهدی (علیه‌السلام) وصی و فرستاده‌اش را مبعوث فرمود ولی آنها او را تکذیب کردند و به سخره گرفتند و آواره‌اش ساختند و خونس را مباح و حسینیه‌هایش را ویران کردند

و انصارش را کشتند و بدن‌های پاک آنها را به بدترین شکلی مُثله کردند، و بقیه هم یا از اهل و عیالشان آواره شدند و یا به زندان افتادند و در معرض شکنجه‌ی منافقینی قرار گرفتند که با گردنکشی و ستمگری‌شان دست صدام ملعون را از پشت بسته‌اند. و شما الآن می‌بینی در عراق همه‌ی مردم از کاری که حکومت زورا با انصار امام مهدی علیه السلام کرده است راضی هستند، و حتی برخی از آنها به مناسبت قتل انصار امام مهدی علیه السلام به یکدیگر تبریک می‌گویند.

آیا این کافی نیست برای اینکه عذاب الهی از عراق و مردم آن شروع شود؛ همان مردمی که هیچ پیامبر یا امامی را یاری نکردند و حتی قبرهای اولیا در عراق بسیار است زیرا هر گاه امامی به سوی آنها می‌آمد او را وامی‌نهادند و می‌کشند و

دیگر نقاط عالم را شما می‌بینی که به حوادث انده‌بار و بیماری‌ها و بحران اقتصادی و جنگ‌ها و کُشت و کشتارها و.... دچار شده‌اند و آنچه در آینده می‌آید، بزرگ‌تر و شدیدتر خواهد بود و این پیش‌درآمد عذاب است و نه چیز دیگر. تا کون عذاب بزرگ‌تر بر عراق نازل نشده و این عذاب نزدیک‌تر و کوچک‌تر است؛ همانطور که خداوند متعال فرموده است: **«وَلَنذِيقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ الَّذِي عَدَدْنَا لَلْكَافِرِينَ وَلَئِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا لَّيُلَاقِيَنَّاهُمْ وَيَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ عَذَابٌ وَعَذَابٌ إِنَّ عَذَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَشَدِيدٌ»** (و عذاب دنیا را پیش از آن عذاب بزرگ‌تر به ایشان بچشانیم، باشد که بازگردند).

از غضب خداوند به او پناه می‌بریم و عفو از گناهان مان و تقصیرمان را از او مسئلت می‌نماییم.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد، و از شما التماس دعا داریم.

هیات علم‌انصار امام مهدی علیه السلام (معاونان در زمین تقی‌مقدس‌زاده)

شیخ ناظم عقیدر

مصر ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۲۱: چگونه انسان موفقیتش در امتحان نخستین را دریابد؟

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَكَانَ الْآخِرُ وَالْأَوَّلُ وَالْمُهَيَّبُ وَالْمُسْتَبَلُّ وَالْمَنْجَبُ وَالْمُكَرَّمُ وَالْحَقَّادُ وَالْمُتَكَبِّرُ وَالْمُهَيَّبُ وَالْمُسْتَبَلُّ وَالْمَنْجَبُ وَالْمُكَرَّمُ وَالْحَقَّادُ وَالْمُتَكَبِّرُ.

سرور و مولایم! یمانی آل محمد! از خداوند برای شما استواری و توفیق را خواهانم. حضرت عالی در کتاب «پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج» بیان داشته‌اید که انسان اکنون در امتحان دوم که همان امتحان زندگی دنیا است قرار دارد و امتحان اول در عالم ذر بوده است. انسان چطور بفهمد در امتحان اول موفق و پیروز شده است؟ آیا کسی که در امتحان اول موفق شده است، در امتحان دوم هم موفق خواهد بود؟ یا به چه صورت است ای سرورم! یمانی آل محمد؟ از شما متشکرم و از سعی صدردان بر ما ممنونم.

و سؤال دوم من: نظر شما درباره‌ی مثلث برمودا و راز آن چیست؟ سرورم! خداوند شما را از هر گزندی حفظ فرماید. از شما التماس دعا دارم، سرورم! من زنی بیچاره و حقیر و پر از گناه هستم.

شما را به خداوند می‌سپارم، آقای من!

فرستنده: نوره السویفی - کانادا

پاسخ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالْحَقَّادَ وَالْمُتَكَبِّرَ وَالْمُهَيَّبَ وَالْمُسْتَبَلَّ وَالْمَنْجَبَ وَالْمُكَرَّمَ وَالْحَقَّادَ وَالْمُتَكَبِّرَ.

وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خواهر فاضلم!... از علم خداوند، چیزی در آسمان‌ها و زمین پوشیده نیست و او می‌داند که چه کسی از خلقش در امتحان نخستین پیروز شده است و می‌داند چه کسی از آنها شکست خواهد خورد، و نیز می‌داند کسی که در امتحان اول موفق شد در امتحان دوم نیز موفق خواهد بود و آن که در امتحان اول ناکام ماند در امتحان دوم نیز نصیبش جز ناکامی نخواهد بود. این امتحان دوم برای اقامه‌ی حجت بر تعداد بیشتری از مردم می‌باشد... و با وجود این، کافران هم در آخرت و هم در دنیا از خدا درخواست می‌کنند که آنها را بازگرداند و یک بار دیگر امتحان کند تا کار شایسته‌ای انجام دهند، و خداوند متعال در پاسخ به آنها می‌فرماید که اگر آنها باز گردند، باز هم به کفر و عصیان‌شان بازمی‌گردند.

حق تعالی می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ قَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذَّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلِ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»^۱ (اگر آنها را در آن روز که در آتشند بنگری، می‌گویند: ای کاش ما را بازگردانند تا آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان باشیم * نه، آنچه را که پیش از این پوشیده می‌داشتند اکنون برایشان آشکار شد. اگر آنها به دنیا بازگردانند باز هم به همان کارها که منعشان کرده بودند بازمی‌گردند، اینان دروغگویان اند).

و نیز می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۲ (چون یکیشان را مرگ فرا رسد، گوید: ای پروردگار من، مرا بازگردان * شاید کارهای شایسته‌ای را که ترک کرده بودم، به جای آورم. هرگز! این سخنی است که او می‌گوید و پشت سرشان تا روز قیامت برزخی است که بازگشت نتوانند).

امام باقر (علیه السلام) فرموده است: «اگر مردم بدانند آغاز آفرینش چگونه بوده است، هیچ دو تن با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند. همانا خداوند عزوجل پیش از آنکه خلق را بیافریند فرمود: آب گوارا پدید آید تا از تو بهشت و اهل طاعت را بیافرینم، و آبی شور و تلخ پدید آید تا از تو دوزخ و اهل معصیت را بیافرینم. سپس به آن دو دستور فرمود تا آمیخته شدند، از این جهت است که مؤمن کافر زاید و کافر مؤمن. آن گاه کلی را از صفحه‌ی زمین برگرفت و آن را به شدت مالش داد، به ناگاه مانند مور به جنبش درآمد. سپس به اصحاب یمین فرمود: به سلامت به بهشت درآیید. سپس به اصحاب شمال فرمود: در آتش شوید، از آن ترسی ندارم. سپس به آتش امر فرمود و سرد شد. به اصحاب شمال فرمود: داخل شوید، و ترسیدند. پس به اصحاب یمین فرمود: داخل شوید، و داخل شدند. پس فرمود: سرد و سلامت باش، آتش سرد و سلامت شد. اصحاب شمال گفتند: پروردگارا! از لغزش ما درگذر و از نو بگیر. فرمود: از نو گرفتیم، داخل شوید. ایشان برفتند و باز ترسیدند. در آنجا فرمان برداری و نافرمانی پابرجا گشت. پس نه این دسته توانند از آنها باشند و نه آنها توانند از اینها باشند»^۳.

اما در خصوص سؤال شما از مثلث برمودا، سید احمد الحسن تا کنون چیزی در این خصوص بیان نفرموده است.

خداوند شما را بر هر خیری موقت بدارد، و از شما التماس دعا دارم.

هیات علم‌انصار امام مهدی (عجلو الله فرجه) در زمینه تکمیل رده

۱ - انعام: ۲۷ و ۲۸.

۲ - مؤمنون: ۹۹ و ۱۰۰.

۳ - کافی: ج ۲ ص ۶ و ۷.

شیخ ناظم عقیدر

مهرم ۱۴۴۱ هـ. ق.

* * *

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على سيدنا محمد و آله و سلم تسليمًا